

سلام

مجموعه متحدالمالهای

ستره محکمه ج.ا.ا.

مربوط سالهای ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶

و ۱۳۹۷ هجری شمسی

مشخصات کتاب:

نام کتاب: مجموعه متحده المالهای (۱۳۹۴-۱۳۹۷).

ناشر: ریاست نشرات ستره محکمه ج.ا.ا.

مهتم: قضاوتوال احمد فهيم «قويم» مدقق قضائي.

کمپوز و دیزاین: وحیدالله اسدیار.

نوبت چاپ: اول:

سال چاپ: سرطان ۱۳۹۸

تیراژ طبع اول: ۳۰۰۰ نسخه.

محل چاپ: کابل، مطبعه سپین زرمیلاد.

فهرست :

مقدمه : ۳۳

بخش اول

متحد المال های سال ۱۳۹۴

- تطبیق مواد (۲۷ و ۲۸) قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی ۳۶
- مندرج جریده رسمی شماره (۹۹۰) مؤرخ ۱۳۸۸/۵/۱۵ ۳۶
- حین بررسی قضایای اخذ قرضه از بانک ها و صدور تجاويز فروش ۳۶
- ۱- متحد المال شماره (۱۱۵ الی ۱۹۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱۲ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۱۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۲۵ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۳۶
- عدم موجودیت تباین و تعارض، میان مواد (۲۶۲) و (۳۰۸) قانون اجراءات جزائی، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۳۲) مؤرخ ۱۳۹۳/۲/۱۵ ۳۸
- ۲- متحد المال شماره (۱۹۴) الی (۲۷۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱۳ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۷۴۷) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۵ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۳۸
- چگونه گی تثبیت سن طفل متهم به تخلف ۴۱
- ۳- متحد المال شماره (۲۷۳ الی ۳۵۱) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱۴ ریاست دارالانشاء که به اساس حکم مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ مقام عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۴۱
- تعیین نرخ دیت برای سال ۱۳۹۴ ۴۴
- ۴- متحد المال شماره (۳۵۲ الی ۴۳۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۳۰ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۸۱) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۴۴
- چگونه گی تادیه مصارف اعـــــلان در قضایای که متهمین آن غایب میباشد ۴۶
- ۵- متحد المال شماره (۴۳۱ الی ۵۰۹) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۱۷ ریاست دارالانشاء که به اساس حکم مؤرخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۹ مقام عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۴۶

رسیده گی استینافی بالای قرار قضائی محکمه ابتدایه که به تأیید قرار اداره قضایای دولت صادر گردیده است..... ۴۸

۶- متحده المال شماره (۵۱۰ الی ۵۸۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۱۸ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۸۱۵) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۴۸

توزیع تذکره و تصحیح مندرجات آن، از وظایف ادارات ثبت احوال و نفوس میباشد نه محاکم، در صورت ارجاع موضوع به محکمه، در رابطه مطابق به احکام قانون اجراءات صورت گیرد. ۵۱

۷- متحده المال شماره (۵۸۹ الی ۶۶۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۱۹ ریاست دارالانشاء که به اساس حکم مؤرخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ مقام عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۵۱

رعایت ماده (۴۱۳) قانون اصول محاکمات مدنی، بعد از استیناف خواهی اداره قضایای دولت. ۵۳

۸- متحده المال شماره (۷۴۷ الی ۸۲۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۵۳

(۱) صحت تفریق به سبب عقامت زوج..... ۵۵

(۲) چگونه گی توزیع نکاح نامه در محل سکونت زوجه..... ۵۵

۹- متحده المال شماره (۸۲۶ الی ۹۰۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۴/۲۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۶۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۵۵

هرگاه در یک قضیه مدنی دو قرار قضائی ترک خصومت از جانب محکمه ابتدایه صادر گردیده باشد، بعد از غور استینافی بالای دو قرار قضائی ترک خصومت مذکور، محکمه ابتدایه در ماهیت موضوع رسیده گی و فیصله نماید اما فیصله محکمه ابتدایه از جانب محاکم فوقانی نقض گردد. اگر مدعی بعد از نقض فیصله مذکور، دعوی خود را در محکمه تعقیب ننماید و محکمه باز هم به صدور قرار قضائی ترک خصومت مبادرت ورزد، قرار قضائی اخیرالذکر، قرار قضائی ترک خصومت سوم محسوب نمی گردد..... ۵۹

۱۰- متحده المال شماره (۹۰۴ الی ۹۸۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۴/۲۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۷۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۵۹

رسیده گی به دعوی حق العبدی در ضمن دعوی جزائی..... ۶۱

- ۱۱- متحده المال شماره (۹۸۳ - ۱۰۶۱) مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس حکم مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا. تعمیم یافته است. ۶۱.....
- ۱- عدم ممنوعیت تعیین وکیل از طرف (وکیل بالتوکیل) در حالیکه وکیل جواز رسمی وکالت نداشته باشد. ۶۴.....
- ۲- لزوم درج نمبر تذکره تابعیت در انواع وثایق (داخلی و خارجی)، با در نظر داشت ماده (۱۱) تعلیمات نامه تحریر وثایق، با تأکید به این که افغانهای مقیم کشورهای خارج می توانند طبق صراحت ماده (۱۷) قانون ثبت احوال و نفوس، نخست از ادارات قنصلی افغانی تذکره تابعیت اخذ، بعداً به ترتیب وثایق مبادرت ورزند. ۶۴.....
- ۳- پاسپورت قانونی در خارج از کشور، می تواند حین (اقرار شخص) ۶۴.....
- جگزین تذکره تابعیت گردد. ۶۴.....
- ۱۲- متحده المال شماره (۱۰۶۲ - ۱۱۴۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۱۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا. تعمیم یافته است. ۶۴.....
- صلاحیت محکمه در رابطه به توقیف متهم ۶۷.....
- بعد از تسلیم شدن رسمی دوسیه. ۶۷.....
- ۱۳- متحده المال شماره (۱۱۴۱ الی ۱۲۱۹) مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۲۱ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۴۹) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا. تعمیم یافته است. ۶۷.....
- حبس، جزای فزیک و جریمه، جزای مالی است. ۶۹.....
- محبوس که مدت حبس محکوم بهای خود را سپری نموده باشد، دوام سلب آزادی و یا اخذ تضمین از وی به دلیل مدیون بودن از دولت و یا اشخاص، جواز ندارد. ۶۹.....
- ۱۴- متحده المال شماره (۱۲۲۰ الی ۱۲۹۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۲۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا. تعمیم یافته است. ۶۹.....
- (۱) مکلفیت ریاست دارالانشاء شورایعالی ستره محکمه، مبنی بر اینکه تقاضای تجدید نظر را با اخذ اطمینان از تنفیذ احکام قطعی و نهائی محاکم، طی مراحل قانونی نمایند. ۷۱.....

- (۲) در قضایای حقوق عامه که مدعا بها در ید و تصرف اشخاص باشد، تجدید نظر در آن خصوص، شامل آجدای مستعجل گردد. ۷۱.....
- ۱۵- متحد المال شماره (۱۲۹۹ - ۱۳۷۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۸۳۶) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۷۱.....
- لزوم ثبت دارایی قضات ۷۳.....
- ۱۶- متحد المال شماره (۱۳۷۸ - ۱۴۴۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۱۱ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۷۵۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۱۰ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۷۳.....
- مجرائی جزای نقدی در برابر توقیف، با تأکید به ماده (۳۴۶) قانون اجراءات جزائی و رعایت حالت (عسر و یسر) محکوم علیه. ۷۴.....
- ۱۷- متحد المال شماره (۱۴۴۴ الی ۱۵۲۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۲۱ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۸۳۷) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۷۴.....
- استناد محاکم به معلومات مجرد پلان املاکی، جواز ندارد ۷۶.....
- ۱۸- متحد المال شماره (۱۵۲۲ الی ۱۵۹۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۳۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۶۸۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۲۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۷۶.....
- هرگاه تاریخ گرفتاری و نظارت متهم که از طرف خائنوالی مربوط درج اوراق دوسیه گردیده است، با تاریخ گرفتاری و نظارت که در دیوان های ستره محکمه تحریر یافته تفاوت داشته باشد، تفاوت مذکور توسط خائنوالی مربوط به محکمه حاکمه پیشنهاد و به اساس تفاهم تصحیح گردد ۷۷.....
- ۱۹- متحد المال شماره (۱۶۰۰ الی ۱۶۷۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۷/۵ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۷۵۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۳ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۷۷.....

- هرگاه محکوم علیه یا محکوم له محکمه ابتدائیه، حین وصول رسمی دوسیه به دیوان های استیناف حاضر نباشند، دیوان های مذکور همچو دوسیه ها را تسلیم شوند ۷۸
- ۲۰- متحده المال شماره (۱۷۰۰ الی ۱۷۷۸) مؤرخ ۱۳۹۴ / ۷ / ۱۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه (۸۱۶) مؤرخ ۱۳۹۴ / ۶ / ۱۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۷۸
- لزوم و یا عدم لزوم اتخاذ تجاوزیز در قضایای که تحت رسیدگی محاکم قرار دارد، مطابق به حکم قانون شامل صلاحیت محاکم بوده و ایجاب صدور احکام مقامات عالییه را نمی نماید ... ۸۰
- ۲۱- متحده المال شماره (۱۷۷۶ الی ۱۸۵۴) مؤرخ ۱۳۹۴ / ۸ / ۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۱۸) مؤرخ ۱۳۹۴ / ۷ / ۲۸ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۸۰
- رؤسای محاکم استیناف، در صورت موجودیت دلایلی موجه می توانند صلاحیت رسیده گئی قضایای تحت دوران استینافی را از یک دیوان به دیوان دیگر تفویض نمایند، همچنان مدعی نیز می تواند در صورت موجودیت دلایل مقنع، مطابق به حکم قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه در مرحله ابتدائیه و استیناف، تقاضای تبدیلی محکمه را نماید ۸۲
- ۲۲- متحده المال شماره (۱۸۴۸ الی ۱۹۲۶) مؤرخ ۱۳۹۴ / ۹ / ۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۷۹) مؤرخ ۱۳۹۴ / ۸ / ۱۲ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۸۲
- (۱) چگونه گئی بررسی شکایات متقاضیان بست های ادارات دولتی از نحوه اجراءات کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی، در قبال آنها ۸۴
- (۲) الی انفاذ سند تقنینی خاص، نماینده قضایای دولت یکجا با نماینده اداره تحت ادعا، به منظور دفاع از حقوق اداری دولت در جلسات قضائی محاکم اشتراک نمایند ۸۴
- ۲۳- متحده المال شماره (۱۹۲۷ الی ۲۰۰۷) مؤرخ ۱۳۹۴ / ۹ / ۱۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۲۰) مؤرخ ۱۳۹۴ / ۸ / ۱۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۸۴
- توضیح پیرامون ماده نهم ضمیمه شماره (۱) قانون اجراءات جزائی ۸۶

- ۲۴- متحده المال شماره (۲۰۰۸ الی ۲۰۸۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۱۵ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۶۱) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۳ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۸۶.....
- در رابطه به زمین های غصب شده دولتی، مراجع مستهدی (رسمی و مسؤول) می تواند صرف از ثبت محفوظ اسناد اینگونه زمین ها، از محاکم طالب معلومات شوند ۸۸.....
- ۲۵- متحده المال شماره (۲۰۹۰ الی ۲۱۶۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۱۳۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۱۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۸۸.....
- تعیین وصف جرمی، صلاحیت و یا عدم صلاحیت رسیده گی به ۹۱.....
- قضایای از لحاظ حوزه وی یا موضوعی، از صلاحیت محاکم است ۹۱.....
- ۲۶- متحده المال شماره (۲۱۶۹ الی ۲۲۴۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۳۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۹۱.....
- محاکم به اساس اصل استقلالیت نهادی قوه قضائیه، از اجراءات خویش صرف به مقامات فوقانی مربوطه خود مسؤول و پاسخگو می باشند؛ نه مراجع دیگر ۹۵.....
- ۲۷- متحده المال شماره (۲۲۴۵ الی ۲۳۲۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۵۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۹۵.....
- در وکالت بالفروش اگر ارتباط وکیل با موکلش برقرار نباشد و چندین سال از ترتیب وکالت سپری شده باشد، همچنان اگر وکیل نتواند از حیات، ممات، آدرس، بقاء و دوام عقد وکالت به محکمه معلومات قناعت بخش ارائه نماید، از اجراءات بر مبنای همچو وکالت خط ها خود داری به عمل آید. ۹۷.....
- ۲۸- متحده المال شماره (۲۳۲۲ الی ۲۳۹۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ ریاست دارالانشاء، که قبلاً به اساس مصوبه شماره (۱۳۴۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بود اما بعداً، مصوبه و متحده المال مذکور به اساس مصوبه شماره (۸۷۶) مؤرخ

- ۱۳۹۵/۹/۳۰ که درج متحده المال شماره (۱۷۰۴ الی ۱۷۷۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳ این مجموعه میباشد، ملغی گردیده است. ۹۷.....
- مکاتیب متعلق به تحقیقات املاکی و صدور جلب و احضار، به امضای رئیس محکمه حوزه مربوطه، مستقیماً به مرجعش ارسال شود* ۹۹.....
- ۲۹- متحده المال شماره (۲۳۹۶ الی ۲۴۷۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۳۷۴) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بوده بخش اول مصوبه مذکور، قرار شرح پاورقی این متحده المال، ملغی میباشد. ۹۹.....
- سهولت و تسریع بیشتر در پروسه تهیه و ترتیب وثیقه ۱۰۳.....
- حصر وراثت باز مانده گان شهدای ارگان های امنیتی ۱۰۳.....
- ۳۰- متحده المال شماره (۲۴۷۳ الی ۲۵۵۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۳۴۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۶ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۰۳.....
- (۱) بررسی مطابقت یا عدم مطابقت احکام قوانین عادی با قانون اساسی، طبق صراحت ماده (۱۲۱) قانون اساسی افغانستان از صلاحیت های ستره محکمه می باشد؛ نه از وظایف کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی ۱۰۵.....
- (۲) محاکم مکلف اند، تجاوز فروش جایداد های تحت تضمین بانک ها را در مدت (۲۰) روز، مطابق به احکام قانون اتخاذ نمایند. ۱۰۵.....
- ۳۱- متحده المال شماره (۲۵۴۶ - ۲۶۲۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۸۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۰۵.....

بخش دوم

متحده المال های سال ۱۳۹۵

- (۱) قناعت به حکم محکمه تحتانی، اقرار به قبول آن می باشد و رجوع از آن جواز ندارد... ۱۱۰
- (۲) آمریت عمومی اداری قوه قضائیه، یک یک جلد کتاب وثیقه اصلاح خط و ابراء خط را به دسترس محاکم استیناف قرار دهند تا در صورت اصلاح و یا ابراء در مرحله استینافی، بدون ارجاع قضیه به محکمه ابتدائیه اقرار اشخاص در آن درج گردد ۱۱۰.....

- ۱- متحده المال شماره (۱ - ۸۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۱/۱۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۴۶۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۱۰ تأیید پیشنهادیه شورای علمای شیعه افغانستان، در رابطه به بعضی مسایل مربوط به احوال شخصیه اهل تشیع..... ۱۱۴
- ۲- متحده المال شماره (۷۹ - ۱۵۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۱ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۱/۳۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۱۴ به تأیید مصوبه شماره (۱۳۴۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ قبلی شورایعالی مندرج متحده المال (۲۳۲۲ الی ۲۳۹۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۵، مبنی بر اینکه اگر امر موکول بهای مندرج وکالت خط بالفروش تا دو سال از جانب وکیل ایفاء نشده باشد، وکیل مکلف است که مؤکل خود را به محکمه حاضر نماید..... ۱۱۷
- ۵- متحده المال شماره (۱۵۴ - ۲۳۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۷ ریاست دارالانشاء که قبلاً به اساس مصوبه شماره (۹۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۱/۳۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بود اما بعداً مصوبه و متحده المال مذکور به اساس مصوبه شماره (۸۷۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ که درج متحده المال شماره (۱۷۰۴ الی ۱۷۷۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳ این مجموعه میباشد، ملغی گردیده است..... ۱۱۷
- تعیین نرخ دیت برای سال ۱۳۹۵..... ۱۲۰
- ۶- متحده المال شماره (۲۳۰ - ۳۲۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۳۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۱۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده است..... ۱۲۰
- بعد از صدور حکم محکمه ابتدائیه، محکوم علیه به پرداخت محصول فیصله مکلف گردد. در صورتیکه از اخذ تعرفه اباء ورزد، محکمه موضوع را رسماً به محکمه فوقانی اطلاع داده و دوسیه را از اندراج خارج سازد. بعداً محکمه فوقانی طبق احکام مواد قانون مربوط نسبت عدم پرداخت محصول، از اخذ اعتراض معترض معذرت خواسته جهت تکمیل اجراءات، قرار تعطیل اجراءات را با تعیین مهلت معقول صادر و به محکوم علیه محکمه تحتانی یا مستأنف ابلاغ نماید. در صورتیکه مستأنف در مهلت تعیین شده به پرداخت محصول اقدام ننماید، محکمه فوقانی قرار سقوط حق اعتراض را در مطابقت به ماده (۴۱۸) قانون اصول محاکمات مدنی صادر نماید ۱۲۲

- ۷- متحده المال شماره (۴۵۸ الى ۵۳۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۲۵ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۲۲۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۸ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۲۲.....
- حتمی بودن معادلت (برابری)، میان ارزش جایداد که به قرضه بانک ۱۲۶.....
- ها گذاشته میشود و دین که در مقابل آن از بانک ها حاصل می گردد. ۱۲۶.....
- ۸- متحده المال شماره (۳۰۶ - ۳۸۱) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۲۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۲۲۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۸ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۲۶.....
- توثیق عقد مطابق به رهنمود تنظیم اسناد شرعی مبنی بر توثیق عقد بیع، انتقال و تجدید ملکیت ۱۲۸.....
- ۹- متحده المال شماره (۳۸۲ - ۴۶۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۳۰ ریاست دارالانشاء، که قبلاً به اساس مصوبه شماره (۲۱۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بود اما مصوبه و متحده المال مذکور به اساس مصوبه شماره (۵۱۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۲۷ که درج متحده المال شماره (۹۱۸ الى ۹۹۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۹ این مجموعه میباشد، ملغی گردیده است. ۱۲۸.....
- هرگاه فیصله صادر شده محکمه ابتدائیه در موضوعات جزائی، توسط دیوان استینافی تأیید گردیده باشد و در مرحله غور فرجامی، فیصله مذکور نقض گردد، در این صورت فیصله محکمه ابتدائیه خود بخود نقض میگردد و لازم است که دیوان استینافی در موضوع، فیصله مجدد صادر نماید. ۱۳۲.....
- ۱۰- متحده المال شماره (۶۱۲ الى ۶۹۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۳۰۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۱۸ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۳۲.....
- (۱) به محض ادعا و عرض، ملکیت عقاری ممنوع الفروش ۱۳۶.....
- شده نمی تواند ۱۳۶.....
- (۲) هرگاه دعوی تحت رسیده گی محکمه قرار داشته باشد، تصمیم مبنی بر ممنوع الفروش شدن عقار و عدم وارد کردن تغییر در مدعی بهای عقاری، با رعایت قواعد اشکال در تنفیذ،

- مندرج سیمینار رؤسای محاکم سال ۱۳۵۰، به تجویز محکمه ذیصلاح صورت گرفته می تواند
۱۳۶.....
- ۱۱- متحدالمال شماره (۶۹۳ الی ۷۷۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۱۱ ریاست دارالانشاء، که به اساس
مصوبه شماره (۳۷۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۱۵ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم
یافته است. ۱۳۶.....
- تشکیل و صلاحیت محاکم اختصاصی جرایم سنگین ناشی از فساد اداری ۱۴۰
- ۱۲- متحدالمال شماره (۷۷۴ الی ۸۴۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس
مصوبه شماره (۳۸۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۲۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، بعد از اخذ حکم
شماره (۱۲۶۵) ریاست جمهوری مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۳۰ تعمیم گردیده است. ۱۴۰.....
- به منظور تدابیر احتیاطی در موضوعات عقاری، بعد از لغو حکم قطعی و نهائی محاکم به اثر
تجدید نظر خواهی محکوم علیه، محکمه مربوط به تسلیمی محکوم بها الی اصدار حکم مجدد
نهائی به شخص ثالث و امین، تجویز اتخاذ نماید ۱۴۳
- ۱۳- متحدالمال شماره (۸۴۸ الی ۹۲۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس
مصوبه شماره (۴۰۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۲۲ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم
یافته است. ۱۴۳.....
- (۱) هدایت در رابطه به لغو (رهنمود تنظیم اسناد شرعی مبنی بر عقد بیع، انتقال و تسجیل
ملکیت) با تأکید به این که محاکم در اجرای وثایق مربوط به خرید و فروش املاک، طبق مقررات
و برویت اسناد بنیادی اجراءات قانونی نمایند. ۱۴۵.....
- (۲) محاکم متباعد دوسیه های وارده را بعد از درج در اندراج، در صورت موجودیت خلاء
و نواقص، ذریعه قرار مسترد نمایند؛ ۱۴۵
- ۱۴- متحدالمال شماره (۹۱۸ الی ۹۹۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس
مصوبه شماره (۵۱۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۲۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم
یافته است. ۱۴۵.....
- چگونه گی توثیق عقد بیع ملکیت های عقاری که مشتری آن مخیر به قبول اند، با تأکید به ماده
(۲۷۵) قانون اصول محاکمات مدنی. ۱۴۷.....

- ۱۵- متحده المال شماره (۹۹۰ الی ۱۰۶۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۲۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۴۹۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۲۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۴۷.....
- پیامد نکول مدعی از ادای سوگند در موارد مندرج ماده (۳۵۲) قانون اصول محاکمات مدنی، با توضیح به اینکه، هرگاه در همچو موارد مدعی ادای سوگند نماید، حکم به اثبات دعوی وی و در صورت نکول از ادای حلف، حکم به رد دعوی وی، صادر میگردد. ۱۵۰.....
- ۱۶- متحده المال شماره (۱۰۶۶ الی ۱۱۴۱) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۲۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۳۹) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۵۰.....
- در صورت که ملکیت دولت در حاشیه مدعا بها قرار داشته و شایبه حقوق دولت در میان باشد، محکمه مربوط موضوع را به اداره قضایای دولت محول نماید. ۱۵۳.....
- ۱۷- متحده المال شماره (۱۱۴۲ الی ۱۲۱۱) مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۴۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۱۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۵۳.....
- آن عده از قضایای که قبل از ایجاد محاکم اختصاصی ابتدائیه و استیناف مبارزه با جرایم سنگین ناشی از فساد اداری، به محاکم مربوط محول گردیده است، به منظور جلوگیری از التواء، به محاکم مربوطه تفویض صلاحیت میگردد تا قضایای مذکور را مطابق احکام قانون منفصل سازند. ۱۵۶.....
- ۱۸- متحده المال شماره (۱۲۱۲ الی ۱۲۸۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۱۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۹۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۳۰ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۵۶.....
- (۱) هدایت مبنی به لغو مصوبه شماره (۸۱۶) مؤرخ ۱۳۹۰/۵/۱۸ شورایعالی ستره محکمه که در مورد مزایده و داوطلبی دکاکین ریاست حفظ و مراقبت مکرویان ها قبلاً صدور یافته بود و همچنان هدایت مبنی بر اجراءات ادارات مربوط، طبق احکام قانون نافذ تدارکات. ۱۵۸.....
- (۲) دعوی که در مورد آن حکم قطعی و نهائی محکمه صادر شده باشد، تا زمانیکه از طرف شورایعالی ستره محکمه، طی قرار قضائی به لغو آن طبق ماده (۴۸۳) قانون اصول محاکمات

- مدنی تصمیم اتخاذ نگردیده باشد؛ بار دیگر قابل دوران محاکماتی و رسیده گی در محکمه نمی باشد ۱۵۸
- ۱۸ - متحده المال شماره (۱۲۸۱ الی ۱۳۴۹) مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۱۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۶۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تصمیم یافته است ۱۵۸
- هدایت مبنی به اینکه آمریت های وثایق و محاکم، در ترتیب وثایق مختلف و به خصوص وثایق را که به (جمهوری اسلامی ایران) گسیل میدارند، مکلف اند که متن و محتوای آنرا به صورت خوانا و صریح تحریر نمایند ۱۶۱
- ۱۹ - متحده المال شماره (۱۳۵۰ الی ۱۴۱۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۲۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۰۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۲۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تصمیم یافته است ۱۶۱
- تشخیص صلاحیت های موضوعی دیوان های ستره محکمه ۱۶۴
- ۲۰ - متحده المال شماره (۱۴۱۹ الی ۱۴۸۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۸ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۶۵۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۲۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تصمیم یافته است ۱۶۴
- (۱) هیئت قضائی پس از تشخیص ذولید از خارج به رسیده گی دعوی ملکیت اقدام می نماید و تبدیل بعدی ید، در اثنای دوران دعوی مدار اعتبار نمی باشد ۱۶۷
- (۲) هرگاه مدعی علیه در جریان دعوی، مدعابها را بفروشد یا به سبب فوت او، ارثاً به دیگری انتقال یابد، هیئت قضائی به اجراءات خود در دعوی طبق قانون ادامه میدهد و درخواست رد خصومت به سبب تبدیل ید، قابل قبول نمی باشد ۱۶۷
- (۳) در صورتیکه حکم به اثبات دعوی مدعی صادر و کسب قطعیت نموده باشد، این حکم به ذوالید جدید نیز سرایت کرده و تطبیق می گردد ۱۶۷
- ۲۱ - متحده المال شماره (۱۴۸۹ الی ۱۵۵۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۸ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۵۶۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تصمیم یافته است ۱۶۷

- (۱) تأیید مصوبه شماره (۲۲۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۸ شورایعالی ستره محکمه، با تأکید به این که اگر تحصیل محصول فیصله ها از جانب محاکم صورت گرفته نتواند، ادارات حقوق وزارت عدلیه مکلف اند، طبق احکام قانون طرز تحصیل حقوق به تحصیل دیون و تحویلی آن به حساب ستره محکمه اقدام نمایند..... ۱۷۱
- (۲) مکلفیت محاکم مبنی به اینکه، مقدار محصول قابل تحویل توسط محکوم علیه را در نص حکم تمامی فیصله های خویش، اعم از مدنی، حقوق عامه و تجارتی تذکر دهند ۱۷۱
- ۲۲- متحده المال شماره (۱۵۵۹ الی ۱۶۳۱) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۷۰۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۱۷۱
- لزوم درج اظهارات طرفین، اقرار متهمین، وشهادت شهود که به نحوی در تصمیم گیری های قضائی موثر باشد در محضر قضائی و ضم آن در دوسیه های جزائی مربوط ۱۷۴
- ۲۳- متحده المال شماره (۱۶۳۲ الی ۱۷۰۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۹ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۷۱۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۱۷۴
- (۱) هدایت مجدد مبنی به تأیید مصوبه شماره (۱۲۳۵) مؤرخ ۱۳۹۱/۱۰/۵ شورایعالی ستره محکمه، در رابطه به (وکالت خط های بالفروش) ولغو مصوبات شماره (۱۴۳۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ و شماره (۹۵) ۱۳۹۵/۱/۳۱ شورایعالی ستره محکمه که قبلاً در زمینه وکالت خط ها، صدور یافته بود ۱۷۵
- (۲) هدایت مبنی به حل مسایل مختلف در رابطه به وکالت خط ها ۱۷۵
- ۲۴- متحده المال شماره (۱۷۰۴ الی ۱۷۷۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۸۷۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۱۷۵
- اگر فیصله های محاکم در دعاوی نسب و تعیین سهم مورثی (به افراز و تسلیم) صادر گردد ایجاب محصول را می نماید، در غیر آن محصول ندارد..... ۱۷۹

۲۵- متحده المال شماره (۱۷۸۷ الی ۱۸۵۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۸۸۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۷۹.....

چگونه گی اجرای قباله های اپارتمان های رهائشی که بنیاد آن نمره رهائشی می باشد ۱۸۳

۲۶- متحده المال شماره (۱۸۵۳ الی ۱۹۲۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۱/۵ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۱۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۸۳.....

بمنظور ایجاد سهولت و جلوگیری از سرگردانی متقاضیان قضایای مربوط به ازدواج و انحلال آن، صلاحیت رسیده گی به همچو قضایا، به محاکم محل اقامت آنها تفویض گردید ۱۸۵

۲۷- متحده المال شماره (۱۹۲۶ الی ۱۹۹۹) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۵۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بود. ۱۸۵.....

بخش سوم

متحده المالهای سال ۱۳۹۶

رهنمود تحویل محصول فیصله های محاکم به خزانه دولت ۱۸۸

۱- متحده المال شماره (۱۵۱ الی ۲۲۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۲۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۸۸.....

صدور تجویز مبنی به فروش جایداد های تحت تضمین بانک ها، باید در مدت (۲۰) روز صورت گیرد. ۱۹۲.....

۱- متحده المال شماره (۱ - ۷۴) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۶ ریاست دارالانشاء، که حسب هدایت شفاهی مقام محترم ستره محکمه ج.ا.ا تعمیم یافته است. ۱۹۲.....

تفویض صلاحیت رسیده گی به قضایای شکایات استخدام از طریق رقابت آزاد (PRR)، به دیوان های حقوق عامه. ۱۹۵.....

- ۲- متحده المال شماره (۷۵ الی ۱۵۰) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۱۵ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۸۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۹۵.....
- محاکم مکلف به همکاری با وکلای مدافع، مطابق به احکام قانون می باشند ۱۹۷.....
- ۳- متحده المال شماره (۲۲۸ الی ۳۰۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۵ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۱۵ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۹۷.....
- تثبیت حیات و ممات مُحْتَطَف (شخص ربوده شده) در قضایای اختطاف..... ۱۹۹.....
- ۴- متحده المال شماره (۳۰۲ الی ۳۷۶) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۱۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۸ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۱۹۹.....
- تعیین نرخ دیت برای سال ۱۳۹۶..... ۲۰۲.....
- ۵- متحده المال شماره (۳۷۷ الی ۴۵۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۲۰۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۲۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۰۲.....
- رسیده گی به قضایای جزائی محیط زیست..... ۲۰۴.....
- ۶- متحده المال شماره (۴۵۱ الی ۵۲۵) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۲۲۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۲ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۰۴.....
- اسناد رسمی تعویض زمین که مبنای قانونی داشته باشد، مدار اعتبار میباشد، در غیر آن اعتبار ندارد. با تأکید به یاد داشت شماره (۷۳۶) مؤرخ ۱۳۸۵/۹/۲۳ شورایعالی ستره محکمه که یادداشت مذکور ذریعه تصویب شماره (۱۶۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۱۹ شورایعالی ستره محکمه نیز تأیید گردیده است*..... ۲۰۶.....
- ۷- متحده المال شماره (۵۲۶ الی ۵۹۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۲۸ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۶۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۱۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۰۶.....
- عدم مداخله محاکم در پروسه تدارکات..... ۲۰۹.....
- ۸- متحده المال شماره (۶۰۰ الی ۶۷۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۳۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۲۱۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۲۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بود،

- به اساس مصوبه شماره (۹۹۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۱۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، که ذریعه متحده المال شماره (۱۳۱۵ الی ۱۳۸۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۰/۳ ریاست دارالانشاء، تعمیم گردیده است ملغی می باشد. ۲۰۹
- دعوی دفع تعرض، افاده ملکیت را نمی نماید. ۲۱۱
- ۹- متحده المال شماره (۶۷۳ الی ۷۴۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۴/۱۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۲۳۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۲ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۱۱
- سند (رهن) که در مقابل اخذ قروض از بانک ها توسط محاکم ترتیب می گردد، مطابق بند (۱۳) ماده (۳) قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی، (تضمین خط است) نه وثیقه (بیع جایزی). با تأکید به این که محاکم تجارتی مکلف اند، احکام قانون رهن اموال منقول و غیر منقول در معاملات بانکی (منتشره جریده رسمی شماره (۹۹۰) مؤرخ ۱۳۸۸/۵/۱۵) را بر قضایای مربوط، تطبیق نمایند. ۲۱۴
- ۱۰- متحده المال شماره (۷۴۸ الی ۸۲۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۴/۱۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۲۹۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۱۴
- در خصوص ترتیب ضمانت خط ها، مطابق لایحه ضمانت خط ها و مقرر طرز تضمین معتمدین و تعدیل آن، اجراءات صورت گیرد. ۲۱۸
- ۱۱- متحده المال شماره (۸۲۲ الی ۸۹۵) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۳۱۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۳۰ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۱۸
- تأیید توضیح پرسش شماره (۳۷) کتاب اسناد و مصوبات کنفرانس ملی سال ۱۳۹۰ ستره محکمه مبنی بر اینکه، بعد از نقض فیصله محکمه استیناف از جانب دیوان مربوطه ستره محکمه، خارنوالی میتواند اعتراض قبلی خود را تأیید کند و یا هم متمم اعتراضیه به محکمه ارایه نماید. ۲۲۰
- ۱۲- متحده المال شماره (۸۹۶ الی ۹۶۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۲۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۴۷۶) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۲۰

اطفالی که در جریان محاکمه به سن رشد می‌رسند؛ صلاحیت رسیده گی به قضایای آنان با توجه به زمان ارتکاب جرم، مربوط به محاکم اطفال می باشد..... ۲۲۲

۱۳- متحدالمال شماره (۹۶۹ الی ۱۰۴۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۷/۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۶۰۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۶/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۲۲

جدول زمانی تنفیذ احکام قطعی محاکم در قضایای مدنی، تجارتی و جزائی ۲۲۴

۱۴- متحدالمال شماره (۱۰۴۴ الی ۱۱۱۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۸/۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۷۹۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۷/۲۵ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۲۴

هدایت مبنی به اینکه محاکم در جریان جلسات قضائی، اظهارات طرفین و شهادت شهودی را که به نحوی در تصمیم گیری های قضائی مؤثر باشد درج محضر قضائی نموده و ضم دوسیه مربوط نمایند؛ با تأکید به مصوبه شماره (۷۱۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۱۱ شورایعالی ستره محکمه، مندرج این مجموعه..... ۲۲۷

۱۵- متحدالمال شماره (۱۱۱۹ - ۱۱۷۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۸/۱۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس هدایت نامه شماره (۲۷۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۶/۱۳ ریاست دیوان رسیده گی به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ستره محکمه، تعمیم یافته است. ۲۲۷

توضیح مصوبه شماره (۱۰۵۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ که ذریعه متحدالمال (۱۹۲۶) الی ۱۹۹۹ مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ که در قضایای مشخص، صدور و تعمیم یافته است ۲۲۹

۱۶- متحدالمال شماره (۱۱۷۲ الی ۱۲۳۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۱۱ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۵۵) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۲۹

اضافت توضیحی بر مصوبه شماره (۷۰۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۱ شورایعالی ستره محکمه که در رابطه به محصول و اقساط آن صدور یافته است. ۲۳۲

۱۷- متحدالمال شماره (۱۲۴۰ الی ۱۳۱۴) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۲۲ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۵۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۳۲

توضیح فقره (۱) ماده (۵۰) قانون تدارکات منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۲۳) سال ۱۳۹۵ و هدایت مبنی به لغو مصوبه شماره (۲۱۲) مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۶ شورایعالی ستره محکمه که قبلاً در موضوع صادر گردیده بود ۲۳۷

۱۸- متحده المال شماره (۱۳۱۵ - ۱۳۸۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۰/۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۹۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۱۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۳۷

(۱) توضیح مصوبه شماره (۵۲۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۷ شورایعالی ستره محکمه، مبنی به اینکه مصوبه مذکور در موضوع خاص صادر گردیده است. ۲۳۹

(۲) محاکم و ادارات ثبت اسناد و وثایق، مطابق تعلیمات نامه تحریر و وثایق و سایر قوانین نافذه کشور، کمافی السابق در ترتیب وکالت خط (محل سکونت موکل) و در ترتیب قیم خط وکیل غایب، (آخرین محل سکونت غایب) را در کشور معیار صلاحیت خویش قرار دهند ۲۳۹

۱۹- متحده المال شماره (۱۳۸۹ - ۱۴۶۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۸ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۴۰) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۳۹

(۱) هدایت مبنی به لغو مصوبات شماره (۶۴۶) مؤرخ ۱۳۸۹/۶/۲۳، (۱۵۴) مؤرخ ۱۳۹۲/۱۲/۳، (۱۸۱۱) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ و (۱۱۹۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۸ شورایعالی ستره محکمه ۲۴۱

(۲) هدایت مجدد در رابطه به چگونه گی رسیده گی به قضایای عدم احضار (عمدی) مضمون عنه و همچنان مسؤولیت جزائی ضامنی که (توان حاضر نمودن شخص ضمانت شده را ندارد) با تأکید به فرمان شماره (۱۴۸) مؤرخ ۱۳۸۶/۲/۱ ریاست ج.ا.ا. ۲۴۱

۲۰- متحده المال شماره (۱۴۶۲ - ۱۵۳۵) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۵ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۲۰) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۰/۵ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۴۱

تعیین سرپرست برای اطفال ۲۴۷

- ۲۱- متحده المال شماره (۱۵۳۶ - ۱۶۰۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۱۳۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۴۷.....
- تفویض صلاحیت (ترتیب وثایق وصایت خط، قیم خط، تجویز فروش و موضوعات مرتبط به آن) به آمریت های ثبت اسناد و وثایق..... ۲۵۲.....
- ۲۲- متحده المال شماره (۱۶۱۰ - ۱۶۸۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۲ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۷۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۲۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۵۲.....
- طرح رهنمود توضیحی ریاست تدقیق و مطالعات پیرامون تطبیق کود جزاء در قضایای جزائی، با توجه به قاعده اصل عدم رجعت قانون به ماقبل و رعایت نفع متهم با در نظر داشت زمان ارتکاب جرم..... ۲۵۶.....
- ۲۳- متحده المال شماره (۱۶۸۳ - ۱۷۵۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۳۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۳۸۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۳ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۵۶.....

بخش چهارم

متحده المالهای سال ۱۳۹۷

- هدایت مبنی به ایجاد محکمه رسیده گی به قضایای غصب زمین و سایر املاک دولتی، تعیین تشکیل و صلاحیت های محاکم در خصوص رسیده گی به قضایای مذکور ۲۶۰.....
- ۱- متحده المال شماره (۱ الی ۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۱۵، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۸۲) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۲، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۶۰.....
- قرار ترک خصومت مندرج ماده (۳۴۵) قانون اصول محاکمات مدنی، مبنی بر اسقاط سوگند از جانب مدعی، تابع (یک فیصد) محصول عدم اثبات میباشد..... ۲۶۵.....
- ۲- متحده المال شماره (۴۱ الی ۱۱۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۱، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۱۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۵، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۶۵.....
- تعیین صلاحیت محاکم، در خصوص رسیده گی به قضایای مالیاتی..... ۲۶۸.....

- ۳- متحد المال شماره (۱۱۶ الی ۱۹۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۱، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۶۱۰) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹، شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۶۸.....
- در صورتیکه امنیت فیزیکی کارمندان ریاست امنیت ملی در خطر باشد، در قدم نخست معلومات مورد ضرورت، کتباً از مرجع مربوطه خواسته شود و به آن اکتفاء گردد. اگر نیاز مبرم به حضور کارمند امنیت ملی جهت ارائه معلومات احساس گردد، محکمه با رعایت قواعد محافظت شهود مندرج فصل هفتم، باب اول، قانون اجراءات جزایی، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۳۲) مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۵، اظهارات کارمند مذکور را در عدم حضور متهم استماع و از عدم افشای هویت کارمند امنیت ملی به اداره مربوطه آن اطمینان دهند. ۲۷۱.....
- ۴- متحد المال شماره (۱۹۱ الی ۲۶۳) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۵، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۴۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۷ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۷۱.....
- صلاحیت رسیده گی به قضایای اختطاف منجر به قتل که قبلاً به دیوان های جزای عمومی تفویض شده بود، متباعد با در نظر داشت میعاد تعیین شده قانونی، به دیوان های جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی تفویض گردید. در ولایاتیکه دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی وجود نداشته باشد مطابق تشکیل، دیوانهای امنیت عامه به رسیده گی قضایای مذکور ذیصلاح است. ۲۷۴.....
- ۵- متحد المال شماره (۲۶۴ الی ۳۳۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۵، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۸ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۷۴.....
- تعیین نرخ دیت برای سال ۱۳۹۷ ۲۷۶.....
- ۶- متحد المال شماره (۳۴۰ الی ۴۱۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۲۳، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۳۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۸ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۷۶.....
- طبق هدایت ماده (۳۹) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، حینیکه تقاضای تجدید نظر ریاست عمومی قضایای دولت در جلسات شورای عالی ستره محکمه مورد رسیده گی قرار می گیرد، شخص وزیر عدلیه و یا نماینده با صلاحیت آن وزارت با عضو مسلکی اداره قضایای دولت و مسئولین با صلاحیت و وارد به قضیه ادارات مؤکل (ادارات که به نماینده گی از آنها نماینده قضایای دولت وکیل می باشد)، به جلسه حضور بهم رسانند ۲۷۸.....

- ۷- متحده المال شماره (۴۱۶ - ۵۲۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۳۱، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۸۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۸، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است ۲۷۸ هرگاه محکمه در نتیجه اسقاط حلف از جانب مدعی بالدفع، به اثبات دعوی مدعی الاصل حکم صادر نماید، در این حالت مدعی بالدفع مکلف به پرداخت (ده فیصد) محصول اثبات دعوی مدعی الاصل میگردد..... ۲۸۰
- ۸- متحده المال شماره (۵۹۹ - ۶۷۲) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۶، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۲۶۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۳/۱۵، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۲۸۰
- محاکم به منظور جلوگیری از سرگردانی اصحاب دعوی و قانونیت روند محاکمه، مواد (۱۶۸) و (۱۶۹) قانون اصول محاکمات مدنی را جداً رعایت و سعی نمایند تا دعاوی را در ماهیت آن رسیده گی نموده و به آن نقطه پایان دهند..... ۲۸۳
- ۹- متحده المال شماره (۶۷۳ - ۷۴۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۱، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۸۳) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۱، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۲۸۳
- رهنمود ترتیب وثیقه تثبیت بازمانده گان مستحق (نقغه خور) شهادت امنیتی و دفاعی..... ۲۸۵
- ۱۰- متحده المال شماره (۷۴۷ - ۸۲۳) ۱۳۹۷/۴/۲۳، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۳۵۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۲، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۲۸۵
- توضیح ماده (۳۲۰) قانون اصول محاکمات مدنی با تأکید به رعایت مصوبه شماره (۶۷۰) مؤرخ ۱۳۸۶/۹/۱، شورایعالی ستره محکمه که مصوبه مذکور قبلاً ذریعه متحده المال شماره (۲۸۲۰) - ۲۸۷۵) مؤرخ ۱۳۸۶/۹/۱۱ به عموم محاکم استیناف ولایات اخبار گردیده است..... ۲۸۸
- ۱۱- متحده المال شماره (۷۲۴ - ۸۹۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۵/۸، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۳۸۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۹، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۲۸۸
- آنچه از قضایای غصب املاک دولتی که مدعی بهای آن ده جریب یا بیشتر از ده جریب زمین بوده و داخل صورتحال محاکم مماثل گردیده باشد، محاکم متذکره به حل فصل و رسیده گی آن

- اقدام نمایند. اما آن قضایای که در محاکم مماثل، درج صورتحال نگردیده باشند، جهت رسیده گی قضایی به محکمه اختصاصی غصب املاک دولتی و زون های مربوطه آن ارسال گردد. ۲۹۲
- ۱۲- متحده المال شماره (۹۷۲ - ۱۰۴۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۵/۱۰، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۴۱۲) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۹، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۹۲
- هدایت مبنی بر تدویر سمینار های کوتاه مدت اختصاصی، غرض ارتقای ظرفیت قضات و ایجاد رویه یکسان در رسیده گی به قضایا. ۲۹۵
- ۱۳- متحده المال شماره (۱۰۴۵ - ۱۱۰۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۱۹، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۳۵۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۵، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۹۵
- بیان چگونه گی تصفیه و اسقاط دین گمرکی، با تأکید به ماده (۱۶۷) قانون گمرکات منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۳۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۴. ۲۹۷
- ۱۴- متحده المال شماره (۱۱۰۸ - ۱۱۸۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۴، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۵۲۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۲۰، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۲۹۷
۱. تشخیص و تعیین قطر میل سلاح های که شخص میتواند به موجب قانون تحت حیات خود داشته باشد. ۳۰۰
 ۲. چگونه گی حیات سلاح های شکاری. ۳۰۰
 ۳. چگونه گی رسیده گی به قضایای قاچاق اموال ممنوعه که شامل سلاح های غیر قانونی نیز میشود، با توجه به موضوع امنیتی بودن و تجارتی بودن قاچاق آنها. ۳۰۰
 ۴. تأکید بر مکلفیت اهل خبره در تشخیص دقیق قطر میل سلاح و ابراز نظر دقیق در آن خصوص (با تأکید به مواد مربوط به موضوع در کد جزاء). ۳۰۰
- ۱۵- متحده المال شماره (۱۱۸۱ - ۱۲۵۴) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۴، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۲۶۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۳/۱۵، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۳۰۰

- چگونه گی به اجاره دادن و اجاره گرفتن زمین های وقفی (با تأکید به قانون مدنی افغانستان و قانون تنظیم امور زمینداری منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۵۴) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۲۶) ۳۰۴.....
- ۱۶ -متحد المال شماره (۱۲۵۵ - ۱۳۲۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۶، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۵۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۲۰، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۳۰۴.....
- توضیح در باره رهایی مؤقت متهمین، مبنی بر کفالت بالمال ۳۰۷.....
- ۱۷ -متحد المال شماره (۱۴۰۳ - ۱۴۷۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۸/۱۳، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۶۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۷، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۳۰۷.....
۱. قسط نمودن محصول، مربوط به محکمه صادرکننده حکم میباشد. ۳۰۹.....
۲. هرگاه محکوم علیه محکمه ابتدائیه، قسط ابتدایی دین خود را پرداخته باشد و در جریان رسیده گی استینافی مهلت قسط دوم نیز تکمیل گردد و محکوم علیه نظر به عذر موجه و دلایل معقول، نتواند در آن مرحله، قسط دوم را به وقت و زمانش تحویل نماید؛ این موضوع باعث توقف جریان رسیده گی مرحله استینافی یا فرجامی قضیه نمی شود؛ اما محاکم توجه جدی داشته باشند که تأدیه اقساط دین مذکور که به حکم محکمه ثابت به ذمه محکوم علیه میباشد، وقتاً فوقتاً از طرف ادارات حقوق تعقیب جدی شود؛ تا حقوق دولت ضایع نگردد. ۳۰۹.....
۳. احکام، قرار ها و رهنمود های محاکم فوقانی در مورد رسیده گی مجدد قضایا بر محاکم تحتانی، واجب التعمیل میباشد. ۳۰۹.....
- ۱۸ -متحد المال شماره (۱۴۷۷ - ۱۵۵۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۷، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۴۶۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۴، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۳۰۹.....
- چگونه گی ترتیب وثیقه تضمین خط در معاملات بانکی، تبیین جایگاه وثیقه بیع جایزی در معاملات بانکی و نحوه اخذ محصول در آن خصوص ۳۱۲.....
- ۱۹ -متحد المال شماره (۱۵۵۱ - ۱۶۲۴) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۱۲، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۷۳۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۸/۱۹، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است. ۳۱۲.....

۱. اگر عارض یا متقاضی، مطالبه تجویز قضایی را مستقیماً از محکمه نموده باشد و بعد از تقدیم عریضه بمدت یکماه غایب گردد و در رابطه کدام تحقیقاتی انجام نیافته باشد، عریضه عارض حفظ میگردد..... ۳۱۶
۲. اگر عارض بعد از یک سلسله تحقیقات، در خلال مدت یکماه غایب گردد اما تجویز محکمه منوط به حضور عارض باشد، محکمه حسب دلالت ماده (۴۰ و ۴۱) قانون واریسی از عریاض، تجویز قضایی اتخاذ نکرده بلکه اوراق را حفظ و یا کتباً به مرجع مربوطه ارجاع میدارد ۳۱۶
۳. در صورتیکه تحقیقات لازم صورت گرفته باشد و در اتخاذ تجویز محکمه، نیاز به حضور عارض و متقاضی دیده نشود، درین حال، محکمه طبق مواد قوانین نافذه مربوط، در زمینه تجویز قضایی اتخاذ و موضوع را کتباً به مرجع مربوطه آن ارجاع مینماید ۳۱۶
۴. محل تطبیق ماده (۱۵۳) قانون اصول محاکمات مدنی، همان مورد دعوی و خصومت بین طرفین قضیه است که درین حالت اگر مدعی غیابت نماید، ماده (۱۵۳) قانون اصول محاکمات مدنی تطبیق میگردد. اما در مواردیکه تقاضای عارض صرف مبنی بر اتخاذ تجویز قضایی محکمه باشد، درین صورت محلی برای صدور قرار قضایی ترک خصومت دیده نمیشود..... ۳۱۶
- ۲۰- متحده المال شماره (۱۶۲۵ - ۱۷۰۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۱۹، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۶۸۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۸/۵، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۳۱۶
- هدایت مبنی به نحوه رسیده گی به قضایای غصب املاک دولتی برای محاکم مربوط (با تأکید به قانون تنظیم امور زمینداری، قانون قضایای دولت و توضیح متحده المال های قبلی شورایعالی ستره محکمه در زمینه)..... ۳۲۰
- ۲۱- متحده المال شماره (۱۷۰۱ - ۱۷۷۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۰، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۸۲۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۲۴، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۳۲۰
- رهنمود ارایه خدمات قضایی واداری..... ۳۲۵
- ۲۲- متحده المال شماره (۱۷۷۶ - ۱۸۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۹، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۸۲۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۲۴، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۳۲۵

- تصویب طرز العمل توزیع کارت هویت منسوبین قوه قضائیه..... ۳۳۸
- ۲۳- متحده المال شماره (۱۸۴۱ - ۱۹۰۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۶، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۸۵۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۱، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۳۳۸
- صلاحیت رسیده گی به قضایای اختطاف منجر به تجاوز جنسی، اختطاف و تجاوز گروهی، به دیوانهای جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی تفویض گردید. در ولایاتیکه دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی وجود نداشته باشد، قضایای متذکره مطابق تشکیل در دیوانهای امنیت عامه رسیده گی شود..... ۳۴۳
- ۲۴- متحده المال شماره (۱۹۰۶ - ۱۹۸۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۵، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۸۶۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۸، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۳۴۳
- توضیح مواد (۱۰۸ و ۱۰۸) قانون تنظیم امور زمینداری منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۵۴) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۶، در مورد اسناد مدار اعتبار زمین و ملکیت ها، بیان حالت تغییر وصف زمین زراعتی به رهائشی و چگونه گی اجراءات محاکم مربوط در آن خصوص..... ۳۴۶
- ۲۵- متحده المال شماره (۱۹۸۱ - ۲۰۵۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۳، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۹۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۸، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۳۴۶
- صلاحیت های محکمه استیناف، راجع به نقض یا ابطال فیصله های محاکم ابتدائیه، چگونه گی تشخیص جرایم متعدد با هم مرتبط و جرایم متعدد غیر مرتبط و نحوه رسیده گی به آنها..... ۳۴۹
- ۲۶- متحده المال شماره (۲۰۵۶ - ۲۱۳۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۸، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۹۲۳) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۲، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است..... ۳۴۹
- چگونه گی رسیده گی به تخلیه جایداد های دولتی که ذریعه عقد قرار داد برای افراد و اشخاص واگذار گردیده و تحت اجاره مستأجرین قرار دارد..... ۳۵۳

- ۲۷- متحده المال شماره (۲۱۳۱ - ۲۲۰۵) مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۹۷، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۹۵۰) مورخ ۱۱/۸/۱۳۹۷، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است ۳۵۳
- به منظور تأمین هر چه بیشتر قانونیت اصدار فیصله های جزایی، به ویژه در حالاتی که محاکم جزایی به خفت و یا شدت و یا هم استفاده از حد اقل و یا حد اکثر مجازات پیش بینی شده قانونی اصدار حکم می نمایند، محاکم مذکور مکلف اند؛ با رعایت احکام قوانین، اسباب و دلایل موجه، تصمیم خویش را در فیصله های صادره به گونه مستدل و مستند، تصریح نمایند..... ۳۵۵
- ۲۸- متحده المال شماره (۲۲۰۶ - ۲۲۷۵) مورخ ۱۵/۱۲/۱۳۹۷، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۰۰۲) مورخ ۱۲/۷/۱۳۹۷، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است ۳۵۵
- اگر دعوی در میان اشخاص حقیقی مطرح باشد، در صورت غیابت مدعی علیه، مصرف اعلان به ذمه مدعی می باشد؛ ولی در قضیه که مدعی بالنیابة نماینده قضایای دولت و غایب شخص حقیقی باشد، از اینکه وزارت محترم عدلیه من حیث واحد مستقل بودیجوری در فصل و باب مربوط خویش بودیجه لازم دارد؛ بناءً مکلف به تأدیه مصارف اعلان قضایای مطروحه می باشد. در صورت کمبود بودیجه، میتواند تخصیص لازم را در زمینه از وزارت محترم مالیه مطالبه و آن وزارت در تأمین آن اقدام نماید ۳۵۶
- ۲۹- متحده المال شماره (۲۳۴۶ - ۲۴۲۰) مورخ ۲۲/۱۲/۱۳۹۷، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۹۲۴) مورخ ۱۱/۲/۱۳۹۷، با تأکید به مصوبه شماره (۹۴۸) مورخ ۲۳/۹/۱۳۸۹، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است ۳۵۶

مقدمه :

ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان، همواره آنعده از مصوبات شورای عالی ستره محکمه را که در راستای حل استهداات واصله و رهنمایی به محاکم صدور یافته و دارای جنبه عام بوده است، طی متحد المالها به منظور تأمین وحدت اجراءات قضایی به محاکم کشور، تعمیم کرده و این مصوبات و متحد المالها را در چهارچوب عرف قضایی هرچند سال در یک مجلد منتشر و به اختیار محاکم قراردادده است .

با همین روحیه و به تاسی از سفارش شورای محترم عالی حاکمیت قانون و مبارزه با فساد اداری ، شورای عالی ستره محکمه طی مصوبه یی و همچنان مقام عالی ستره محکمه، ذریعه حکم تاریخی ۱۳۹۷ر۲۳۰ هدایت داد تا مصوبات و متحد المالهای سال های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۷ نیز، جمع بندی و در یک مجلد به زیور چاپ آراسته گردد.

به همین منظور با رعایت مصوبه شورای عالی ستره محکمه و تجویز مقام عالی ستره محکمه، کمیته یی تحت ریاست محترم قضاوتپوه دوکتور عبدالملک کاموی عضو شورای عالی و رئیس دیوان امنیت عامه ستره محکمه و به اشتراک روسای محترم دارالانشاء شورای عالی ، تدقیق و مطالعات و نشرات، توظیف گردید تا کار جمع آوری و تنظیم متحد المالهای سالهای مورد نظرا آغاز و به چاپ آن اقدام نماید .

به همین اساس کمیته متذکره وظیفه محوله را به شکل ذیل انجام داد :

- ۱ - متحد المالها نخست جمع آوری و بعد بدون تصرف در محتوا، از نظر ادبیات و قواعد زبان مورد بازنگری و تصحیح قرار گرفت .

- ۲ - عناوین متحدالمالها در مطابقت به موضوع تصویب شده، تنظیم گردید .
 - ۳ - به تصاویر ملغی شده در چوکات مخصوص شماره وار متحدالمال ها، اشاره بعمل آمد .
 - ۴ - توضیح مطالب مهم و ضروری نسبت به چگونه گی انتخاب عناوین متحدالمال ها و تذکر بعضی از نکات مهم دیگر، در پاورقی ها درج گردید.
 - ۵ - بارعایت تاریخ و به شکل سال وار منسجم گردید .
 - ۶ - در چهارچوب یک مجموعه از نظر شکلی و فهرست و ترتیب عناوین به صورت معیاری تنظیم شد .
- مجموعه حاضرکه از نظر شورای محترم عالی ستره محکمه گزارش یافت، به تأسی از هدایت مقام عالی ستره محکمه اینک به زیور چاپ آراسته گردید.
- توقع می‌رود تا محاکم بتوانند از محتویات آن در اجراءات قضایی استفاده لازم و مطلوب را بعمل آورند .

بخش اول

متحدالمال های سال ۱۳۹۴

تطبیق مواد (۲۷ و ۲۸) قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی

مندرج جریده رسمی شماره (۹۹۰) مؤرخ ۱۳۸۸/۵/۱۵

حین بررسی قضایای اخذ قرضه از بانک ها و صدور تجاوز فروش

۱ - متحده المال شماره (۱۱۵ الی ۱۹۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱۲ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۱۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۲۵ شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست محترم دیوان تجارتی ستره محکمه، با در نظر داشت تجارب حاصله از رسیده گی به قضایای اخذ قرضه از بانکها در مقابل تضمین، مراتب ذیل را پیشنهاد نموده است:

((ما مستشاران و هیئت قضایی دیوان تجارتی ستره محکمه، در جریان بررسی قضایای اخذ قرضه از بانک ها در مقابل تضمین و به رهن گذاشتن اموال غیر منقول، بالاثر شکایت یکعده از تجار مبنی بر اینکه (طرز العمل خاص جهت جلوگیری از اتلاف حقوق اشخاص وجود ندارد و گاهی دیده میشود که مسئولین بانک ها در تبانی با اشخاص مورد نظر، جایداد های تحت تضمین و به رهن گذاشته شده را، بعد از اخذ مجوز فروش از جانب محاکم ذیصلاح با تدویر مجلس مزایده به قیمت کمتر از اصل ارزش و حتی قیمت درج شده در وثیقه بیع جایزی، بفروش میرسانند و به اعتراضات ما در این مورد کمترین ارزش داده نمی شود.))

به این نتیجه رسیده ایم که قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی، مصوب ۱۵ اسد سال ۱۳۸۸ در ارتباط به موضوع، طرز العمل خاص و جامعی را ایجاد نموده و احکام مشخص در مورد دارد که رعایت آن از جانب طرفین قضیه

(بانکها، مشتریان و محاکم) حین اتخاذ تجاويز مبنی بر فروش جايدهای تحت تضمین و به رهن گذاشته شده، تشویش های را که از ناحیه اتلاف حقوق طرفین و تخلف و تقلب، حین اعمال صلاحیت فروش از جانب بانکها و برگزاری مجلس مزایده جهت فروش جايدهای تحت تضمین وجود دارد، رفع مینماید.

در قانون مذکور وجایب و مکلفیت های رهن دهنده و رهن گیرنده، اثرات عدم تادیه و عدم اجرای دین، شرایط فروش مرهونه از طریق مزایده و بالآخره وظایف محاکم حین اعطای صلاحیت فروش به بانک ها و اجراءات مابعد آن، کاملاً واضح گردیده است. اما متأسفانه برخی از محاکم هنگام صدور تجاويز فروش، بدون رعایت احکام قانون خاص که عبارت از قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی میباشد، به قانون رهن اموال منقول در معاملات بانکی که هر دو قانون در یک مجلد به چاپ رسیده، استناد مینمایند که این امر باعث بروز شکایات یکعمده از تاجر گردیده است.

بناءً بدینوسیله پیشنهاد مینمایم تا متحدالماً به تمام محاکم تجارتي و سایر محاکم مربوط، ابلاغ گردد تا حین بررسی همچو قضایا و اصدار تجاويز فروش، احکام قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی، علی الخصوص مواد (۲۷ و ۲۸) آنرا مدنظر گرفته اجراءات نمایند.))

متن پیشنهادی ریاست محترم دیوان تجارتي در اجلاس مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۲۵ شورایعالی، مورد غور و مذاقه قرار گرفت و طی مصوبه شماره (۱۱۷) هدایت ذیل صادر گردید.

((به مقصد جلوگیری از اتلاف حقوق عامه و اشخاص انفرادی در جریان بررسی قضایای اخذ قرضه از بانک ها در مقابل تضمین و به رهن گذاشتن اموال غیر منقول، مراتب پیشنهادی هیأت قضائی دیوان تجارتي ستره محکمه تأیید گردید. طور متحدالمال به تمام محاکم استیناف ولایات و مراجع ذیربط، اخبار شود.))

عدم موجودیت تباین و تعارض، میان مواد (۲۶۲) و (۳۰۸) قانون
اجراءات جزائی، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۳۲) مؤرخ
۱۳۹۳/۲/۱۵

۲ - متحده المال شماره (۱۹۴) الی (۲۷۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱۳ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۷۴۷) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۵ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیة شماره (۸۰۳) مؤرخ ۱۳۹۳/۸/۲۷ ریاست تحریرات و دارالانشاء لوی خارنوالی به متن ذیل موصلت ورزیده است:

ماده (۲۶۲) قانون اجراءات جزائی جدید، چنین صراحت دارد:

((۱) هرگاه متهم در توقیف قرار داشته باشد و محکمه ابتدائیه حکم به برائت او صادر یا حکم به مجازات حبسی صادر نماید که متهم قبلاً آنرا در توقیف خانه سپری نموده باشد و یا مدت توقیف قبلی به حال متهم کافی شناخته شده باشد و خارنوال علیه حکم صادره، استیناف طلب گردد، خارنوال مکلف است درخواست استیناف خواهی خود را به صورت عاجل به محکمه استیناف تقدیم و امر انتقال متهم را به توقیف خانه یا محبسی صادر نماید که در حوزه محکمه استیناف قرار دارد.

(۲) محکمه استیناف مکلف است، درخواست استیناف خواهی خارنوال را بصورت عاجل و بدون رعایت نوبت تحت رسیدگی قرار دهد.

(۳) هرگاه محکمه دلایل خارنوال را مؤجه تشخیص دهد، قبل از رسیدگی به اصل قضیه راجع به تمدید توقیف متهم و در غیر آن به رهائی وی از توقیف امر صادر می نماید)).

ماده (۳۰۸) قانون فوق الذکر بر خلاف ماده متذکره چنین مشعر است:
 ((هر گاه متهم تحت توقیف بوده و فیصله محکمه مبنی بر براءت وی و یا مجازاتی صادر شود که تطبیق آن حبس را ایجاب نمی نماید یا در فیصله صادره امر به تعلیق تنفیذ صورت گرفته باشد یا متهم مدت محکوم بها را در توقیف تکمیل کرده باشد، گرچه بر فیصله اعتراض صورت گرفته باشد بدون تأخیر رها میگردد، مگر اینکه محکمه فوقانی بنابر تقاضای تمدید توقیف یا لغو تعلیق از طرف خارنوال امر نماید.))

با ذکر موارد فوق الذکر پایوازن متهمین و یا وکیل قانونی شان به ماده (۳۰۸) قانون متذکره استناد نموده خواهان رهایی متهم تحت توقیف میباشند، در زمینه طالب هدایت میباشیم.

استهادهیه فوق، مورد غور مدققین قضائی قرار گرفت و در مورد چنین ابراز نظر بعمل آمد:

((اگر به متن مواد (۲۶۲) و (۳۰۸) قانون اجراءات جزائی به دقت نظر اندازی شود، در زمینه کدام تباین و ابهام وجود ندارد. زیرا در اخیر ماده (۳۰۸) بطور واضح حالات مندرج ماده (۲۶۲) مستثنی، گردیده است.

بناءً در حالاتیکه خارنوال به فیصله محکمه ابتدائیه مبنی بر براءت متهمین قناعت نداشته باشد، طبق صراحت فقره اول ماده (۲۶۲) قانون فوق الذکر، هرچه عاجل در خواست استیناف خواهی خود را به محکمه استیناف تقدیم نماید و محکمه استیناف نیز طبق صراحت فقره دوم ماده فوق، بدون رعایت نوبت در زمینه هرچه عاجل تصمیم لازم اتخاذ مینماید.

هرگاه تصمیم محکمه منجر به رهایی متهم شود بتأسی از حکم ماده (۳۰۸) قانون مذکور، متهم بدون تأخیر رها میگردد.

اگر محکمه استیناف تقاضای استیناف خواهی خائنوال را بنابر دلایلی موجود، موجه بداند، عجلالتا بدون تأخیر تصمیم به تمدید میعاد توقیف متهم اخذ مینماید؛ درینصورت موضوع باید به سمع پایوازان و وکلای قانونی متهمین رسانیده شده، به قناعت شان پرداخته شود.))

چینکه تفصیل موضوع توأم با نظر تدقیقی، در جلسه مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۵ شورایعالی ستره محکمه گزارش یافت، قرار تصویب شماره (۱۷۴۷) چنین هدایت صادر گردید:

((نظر ریاست تدقیق و مطالعات تأیید است، بمرجعش اخبار گردد))

چگونه گی تثبیت سن طفل متهم به تخلف

۳ - متحدالمال شماره (۲۷۳ الی ۳۵۱) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱۴ ریاست دارالانشاء که به اساس حکم مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ مقام عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

اداره محترم لوی خانونالی ج.ا.ا، طی نامه ای شماره (۱۰۴۰۴) مؤرخ ۱۳۹۳/۹/۳۰ ریاست تحریرات خویش چنین استهداء نموده است:

((طوریکه آنمقام محترم مستحضر اند، ماده ششم قانون رسیده گی به تخلفات اطفال، بالاثرفرمان شماره (۱۴۲) مؤرخ ۱۳۹۲/۱۲/۷ مقام ریاست جمهوری چنین تعدیل گردیده است:

ماده ششم:

(۱) تثبیت سن طفل در زمان ارتکاب جرم به اساس سن مندرج تذکره تابعیت وی صورت می گیرد، هرگاه ثابت شود که طفل مذکور قبل از تاریخ ارتکاب جرم، تذکره اخذ نکرده است، از طرف مراجع کشف و تحقیق غرض اخذ تذکره به اداره ثبت احوال و نفوس مربوط، معرفی و در حدود احکام قانون به وی تذکره تابعیت توزیع میگردد.

(۲) هرگاه شخص، تذکره طفل متهم را پنهان نماید یا سن مندرج را مغشوش یا تغییر دهد، علاوه بر عدم اعتبار سن مذکور، مرتکب به حیث عامل جرم تزویر مجازات میگردد.

طبق مصوبه شماره (۱۲۱۷) مؤرخ ۱۳۹۲/۹/۱۲ شورای عالی ستره محکمه، در ولایاتیکه محکمه اطفال موجود نباشد، تمام قضایای اطفال باید از طریق خانونالی اختصاصی اطفال که در مرکز ولایت است، بررسی گردد.

حسب صراحت ماده (۱۴) قانون رسیده گی به تخلفات اطفال در جریان تحقیق، مدت یک هفته توقیفی از صلاحیت خارنوال اختصاصی اطفال و مدت سه هفته دیگر از صلاحیت محکمه مربوط میباشد.

اصل سخن اینجا است که محکمه از تسلیم شدن دوسیه های که متخلف آن تذکره ندارد، امتناع می ورزد. حتی اگر کدام دوسیه بدون تذکره به محکمه تسلیم گردد، با آنکه نظریه طبی در رابطه به سن متخلف ضم دوسیه باشد، محکمه با صدور قرار قضائی متکی به تعدیل ماده شش قانون رسیده گی به تخلفات اطفال، دوسیه را جهت اخذ تذکره مسترد می نمایند.

در رابطه به اخذ تذکره تابعیت، برای آنکه از اطفال متخلف که قبل از ارتکاب جرم تذکره اخذ ننموده اند، موضوع را به مدیریت ثبت احوال و نفوس مرکز ولایات ارقام مینماییم تا برای متخلف تذکره تابعیت توزیع نماید.

مدیریت متذکره برای آنکه متخلفان که مربوط ولایت غزنی میشود، بعد از مطالبه تذکره یکی از اقارب متخلف و تصدیق دوفر کارمند دولت به توزیع تذکره مبادرت می ورزد.

اما برای آنکه متخلفان که ساکن ولایت غزنی نباشند، از توزیع تذکره معذرت می خواهند و توزیع تذکره آنکه از متخلفان را که از ولایت غزنی نباشند، مربوط مدیریت ثبت احوال و نفوس ولایت مربوط اش میدانند. زمانیکه متخلف برای اخذ تذکره به مدیریت های ثبت احوال و نفوس ولایت خودشان معرفی میگردد، ادارات مذکور لازم و ضروری میدانند که متخلف شخصاً حاضر باشد تا برویت چهره ظاهری اش تذکره توزیع گردد.

این در حالی است که انتقال متخلفان خارج از ولایت در شرایط کنونی نهایت دشوار و زمانگیر بوده و متخلفان مدت ها بدون سرنوشت باقی مانده تا برایش تذکره اخذ گردد. از این ناحیه دچار نهایت مشکل میباشیم زیرا از یک طرف لازم است در اخذ تذکره اقدام

قانونی صورت گیرد، از طرف دیگر توقیف ماندن متخلف اضافه تر از میعاد قانون، نقض قانون میباشد.

موضوع احتراماً استهداء شد، در حل معضله فوق اقدام خواهند نمود.))
 استهدائیة فوق، جهت غور و ابراز نظر به ریاست عمومی تدقیق و مطالعات راجع گردید، بالاثر، مدققین قضائی آن ریاست نظر تدقیقی شان را بمتن ذیل ارایه نموده اند:
 ((ماده (۶) قانون رسیده گی به تخلفات اطفال که بالاثر فرمان شماره (۱۴۲) ۱۳۹۲/۱۲/۷ ریاست جمهوری تعدیل گردیده بود، طی مصوبه شماره (۱۱۹) ۱۳۹۳/۲/۲۷ ولسی جرگه و مصوبه شماره (۱۱۷) ۱۳۹۳/۳/۱۳ مشرانو جرگه و به اساس فرمان شماره (۵۱) ۱۳۹۳/۴/۱۴ ریاست جمهوری رد گردیده است.
 همچنان ماده (۱۷۹) قانون اصول محاکمات مدنی که طی فرمان شماره (۱۴۰۱) ۱۳۹۲/۱۲/۷ تعدیل گردیده بود، طی مصوبه شماره (۱۲۰) ۱۳۹۳/۲/۲۷ ولسی جرگه و مصوبه شماره (۱۱۷) ۱۳۹۳/۳/۱۳ مشرانو جرگه و به اساس فرمان شماره (۵۰) مؤرخ ۱۳۹۳/۴/۱۴ ریاست جمهوری رد گردیده است و کمافی السابق نافذ پنداشته شده است.

بناءً فقره (۱) ماده (۶) قانون تخلفات اطفال تذکره را سند قانونی در تثبیت هویت معرفی نموده و این در حالیکه که طفل متخلف تذکره داشته باشد. هرگاه طفل تذکره نداشته باشد و یا حالت ظاهری وی با سن مندرج تذکره تابعیت عدم مطابقت را نشان دهد، مراجع مربوطه میتوانند طبق فقره (۲) ماده مذکور و ماده (۱۷۹) قانون اصول محاکمات مدنی، نظریه طب عدلی و یا طبیب دیگر را در زمینه مطالبه نموده و به حل و فصل قضایا خاتمه بخشند.))

استهداییه مذکور، توأم با نظر تدقیقی بمقام محترم عالی ستره محکمه تقدیم گردید، و ذریعه حکم مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۳ چنین هدایت داده شد:
 ((نظر ریاست تدقیق و مطالعات که مطابق به حکم قانون ابراز شده است، بمرجع مستهدی اخبار و محتوای آن متحده المالها به محاکم تعمیم گردد.))

تعیین نرخ دیت برای سال ۱۳۹۴

۴ - متحدالمال شماره (۳۵۲ الی ۴۳۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۳۰ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۸۱) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

طبق هدایت مصوبه شماره (۲۴۵) مؤرخ ۱۳۸۹/۴/۱ شورایعالی ستره محکمه، اوسط نرخ نقره خالص در ششماه اول و دوم سال قبل، مطابق مصوبات کمیسیون دوم سیمینار رؤسای محاکم ولایات، منعقد سال ۱۳۴۷، نرخ هفت هزار مثقال نقره خالص محاسبه و برای سال بعد معیار اندازه دیت در دعاوی حق العبدی قضایای جزائی قرار داده میشود.

بر اساس هدایت فوق، بمنظور تثبیت نرخ برای سال ۱۳۹۴، نرخ وسطی خرید فی گرام نقره خالص در ششماه اول و دوم سال ۱۳۹۳ از ریاست عمومی د افغانستان بانک مطالبه شد، بانک مذکور مبنی بر ارقام که از مارکیت لندن بدست آورده، نرخ فی گرام نقره خالص در ششماه اول سال ۱۳۹۳ را معادل (۳۶/۸۹) افغانی و نرخ نقره در ششماه دوم سال ۱۳۹۳ را معادل (۳۳/۴۲) افغانی معلومات داده اند که اوسط نرخ های فوق فی گرام مبلغ (۳۵/۱۵۵) افغانی را بدست میدهد، و یک مثقال نقره حسب مصوبه (۴۳۹) مؤرخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ مقام محترم شورایعالی مبنی بر مسایل فقه، معادل پنج گرام معین شده است که با رعایت هدایت مصوبه فوق قیمت مقدار هفت هزار مثقال نقره خالص مطابق به قیمت های ارایه شده از د افغانستان بانک فورمول ذیل:

هفت هزار مثقال نقره مساوی است به (۳۵۰۰۰) گرام قیمت وسطی یک گرام نقره طی ششماه اول و دوم سال ۱۳۹۳ مساوی به (۳۵/۱۵۵) افغانی.

بناءً قیمت هفت هزار مثقال نقره معادل (۳۵۰۰۰) گرام عبارت است از

$$\left(\frac{35}{155} \times 35000 = 123032.5 \right) \text{ افغانی میباید که با در نظر داشت ارزیابی فوق، مبلغ } ($$

۱۲۳۰۴۲۵) افغانی نرخ دیت برای سال ۱۳۹۴ جهت رسیدگی به دعاوی حق العبدی در محاکم محاسبه گردیده است.

مراتب فوق به جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۷ شورایی ستره محکمه گزارش یافت و قرار مصوبه شماره (۱۸۱) هدایت ذیل صادر گردید:

((به اساس معلومات حاصله از د افغانستان بانک، نرخ وسطی فی گرام نقره خالص طی ششماه اول و ششماه دوم سال ۱۳۹۳ مبلغ (۳۵/۱۵۵) افغانی تثبیت و با در نظر داشت آن نرخ مقدار هفت هزار مثقال نقره خالص معادل (۳۵۰۰۰) گرام با رعایت مصوبه کمیسیون دوم سمینار رؤسای محاکم ولایات منعقدہ سال ۱۳۴۷ مندرج صفحه (۴۵) نشریه سمینار مذکور، مبلغ (۱۲۳۰۴۲۵) افغانی سنجش گردیده است.

بنابر آن مبلغ متذکره بحیث نرخ دیت برای سال ۱۳۹۴ تصویب شد، متن مصوبه به مقصد توحید مرافق قضائی به تمام محاکم، متحده المالیات اخبار و در مجله قضاء و جریده میزان نشر شود.))

چگونه گي تادیه مصارف اعلان در قضایای

که متهمین آن غایب می باشد

۵ - متحدالمال شماره (۴۳۱ الی ۵۰۹) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۱۷ ریاست دارالانشاء که به اساس حکم مؤرخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۹ مقام عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست محکمه استیناف ولایت کاپیسا، طی نامه شماره (۱۳۹۳) مؤرخ ۱۳۹۳/۹/۱۲ دیوان امنیت عامه خویش مراتب ذیل را استهداء نموده است:

ماده (۲۰۹) قانون اجراءات جزائی در رابطه دوسیه های نسبتی اشخاص غایب چنین صراحت دارد:

((بار اول جلب و بار دوم توسط پولیس احضار و بار سوم از طریق اعلان، موضوع به آگاهی متهم رسانیده میشود و در صورت عدم حضور، برای وی مساعد حقوقی تعیین و محکمه حکم خود را صادر میکند.))

از اینکه چگونه گي موضوع مشخص نبود که اعلان از طرف کدام مرجع صورت میگیرد، شورایعالی ستره محکمه در مقابل استهدائیه، ذریعه مصوبه نمبر (۶۲۹) ۱۳۹۳/۵/۱۴ هدایت داده اند.

((از آنجا که از اثر تقاضای دولت، محاکم قضایا را تحت رسیده گي قرار میدهند بالآخر، خارنوالی مکلفیت دارد؛ تا در مورد احضار متهمین اقدام لازم جهت رعایت قانون اجراءات جزائی، مبادرت نمایند که در این جمله مصارف اعلان رادیو نیز شامل میباشد.))

بنابر همین هدایت شورایعالی ستره محکمه مکاتیب رسمی غرض اعلان جهت حضور متهمین غایب به خارنوالی استیناف ولایت کاپیسا صادر شده که آنها مکاتیب دیوان های جزاء و امنیت عامه را قبول نکرده، مسترد نموده اند، بدلیل اینکه در این مورد ما بودجه نداریم. به اساس همین مشکل تمام دوسیه های غیابی در التواء قرار گرفته، دیوان های جزاء و امنیت عامه در رابطه به حل این مشکل عاجز میباشند. در حصه حل مشکل فوق، طالب هدایت میباشیم.

روی جریان فوق مدققین قضائی در مورد چنین ابراز نظر نموده اند:

((مطابق مصوبه شماره (۶۲۹) ۱۳۹۳/۵/۱۴ شورایعالی ستره محکمه، از آنجا که محاکم به اثر تقاضای دولت، قضایا را تحت رسیده گی قرار میدهند، به آن اساس خارنوالی مکلفیت دارد؛ تا در مورد احضار متهمین به اقدام لازم جهت رعایت قانون اجراءات جزائی، مبادرت نمایند که در این صورت مسئله مصارف اعلان رادیو را نیز شامل میباشند.

بناءً مطابق هدایت فوق الذکر شورایعالی ستره محکمه، تأدیه مصارف اعلان جهت حضور متهمین از جمله مکلفیت های خارنوالی بوده و خارنوالی این مصارف را باید در بودجه خویش شامل سازد. در صورتیکه (خارنوالی)، باز هم به مشکل مواجه باشند، مشکل خویش را از مجرای حکومت مطرح و حل نمایند.))

طوریکه جریان موضوع توأم با نظر تدقیقی مرتب به آن، بمقام ستره محکمه تقدیم شد، ذریعه حکم مؤرخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۹ چنین هدایت صادر گردید:

((نظر ریاست تدقیق و مطالعات که بر مبنای مصوبه شماره (۶۲۹) مؤرخ ۱۳۹۳/۵/۱۴ شورایعالی ستره محکمه ارایه شده تأیید شد، بمرجعش اخبار شود.))

رسیده گی استینافی بالای قرار قضائی محکمه ابتدایه
که به تأیید قرار اداره قضایای دولت صادر گردیده است

۶ - متحدالمال شماره (۵۱۰ الی ۵۸۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۱۸ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۸۱۵) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیه شماره (۲۸۵) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۱/۵ دیوان مدنی ریاست محکمه استیناف ولایت بدخشان ضم نامه شماره (۷۷۸۷) ۱۳۹۳/۱/۹ آن ریاست واصل و طوریکه ملاحظه گردید، دیوان مذکور حسب رهنمود قرار قضائی مقام محترم ستره محکمه، فیصله خط ریاست محکمه شهری فیض آباد را ذریعه قرار قضائی شماره (۳۷۱/۳۲۴) ۱۳۹۲/۱۲/۱۹، نقض و اوراق را رسماً به اداره قضایای دولت، غرض ابراز نظر ارجاع نموده است.

اداره قضایای دولت مطابق فرمان شماره (۸۳) ۱۳۸۹/۸/۱۸ ریاست جمهوری و فقره (۵) ماده (۸) قانون قضایای دولت، قرار مبنی بر استرداد مدعی بها را در جمع املاک دولتی صادر نموده است.

از اثر عدم قناعت مدعی علیه بر قرار نمبر فوق، اوراق جهت بررسی به دیوان مدنی محکمه ابتدائیه مرکز بدخشان ارسال گردیده و محکمه مذکور، به نسبت عدم رایه اسناد بنیادی توسط شخص، طبق فقره (۷) ماده (۸) قانون مذکور، طی قرار قضائی شماره (۱۱۰) ۱۳۹۳/۷/۲۰، قرار اداره قضایای دولت را تأیید نموده که بعداً شخص مذکور طی عریضه مطبوع، بالای قرار قضایای دولت، اعتراض خویش را به محکمه استیناف تقدیم نموده است.

بدین منظور محکمه استیناف در موارد ذیل از مقام محترم ستره محکمه طالب هدایت گردیده اند:

- ۱ - آیا طبق فقره (۵) ماده (۸) قانون مذکور، قضایای دولت صلاحیت صدور قرار استرداد مدعی بها را دارا میباشد و یا خیر؟
- ۲ - قرار نمبر فوق محکمه شهری، مبنی بر استرداد مدعی بها واجب التعمیل است و یا اینکه محکمه استیناف، از لحاظ قانونیت صلاحیت رسیده گی بر آن را دارد؟

در مورد استهدائیة فوق، مدققین قضائی چنین ابراز نظر نموده اند:
 ((به نظر ما مدققین، در صورت عدم ارایه اسناد از جانب اشخاص حقیقی و حکمی، اداره قضایای دولت قبل از ارجاع موضوع به محکمه، صلاحیت صدور قرار استرداد مدعی بها را دارد.

زیرا در متن فقره (۵) ماده (۸) قانون مذکور، تصریح گردیده:
 (هرگاه شخص حقیقی و حکمی در خلال مدت معینه، اسناد مربوطه را ارایه کرده نتواند، درین صورت دولت مالک ملک محسوب شده و اداره قضایای دولت، قرار استرداد ملکیت را به اداره ذیربط دولت، صادر می نماید.)
 اما در مورد اینکه آیا قرار قضائی محکمه شهری که مؤید قرار قضایای دولت می باشد واجب التعمیل است و یا خیر؟ باید گفت:

قبلاً در موضوع مشابه، تصویب شماره (۱۲۵۹) ۱۳۹۳/۸/۱۳ شورایعالی ستره محکمه صادر و طی متحده المال شماره (۲۳۲۴ الی ۲۴۰۱) ۱۳۹۳/۸/۲۳ به عموم محاکم اخبار گردیده و در آن آمده است:

(منظور از اعتراض در فقره (۶) ماده (۸) قانون قضایای دولت، اقامه نمودن دعوی علیه قضایای دولت است، زیرا در متن فقره فوق چنین تصریح گردیده:

((شخص میتواند در خلال مدت (۳۰) روز علیه قرار قضایای دولت، اعتراض نموده و به پیشگاه محکمه ذیصلاح طبق احکام قانون اقامه دعوی نماید.))
یعنی در صورتیکه اقامه دعوی در خلال (۳۰) روز از تاریخ صدور قرار اداره قضایای دولت بعمل آید، محکمه می تواند در ضمن رسیده گی به دعوی بر محتویات قرار نیز غور نماید در غیر آن بعد از گذشت مدت متذکره، قرار قطعی میگردد.))

در موضوع متذکره، به عوض آنکه شخص حقیقی در محکمه ابتدائیه، علیه قضایای دولت، اقامه دعوی می نمود و محکمه به دعوی رسیده گی می کرد، شخص بر قرار صادره قضایای دولت اعتراض نموده و محکمه ابتدائیه من حیث مرحله فوقانی قضیه را مورد بررسی قرار داده و به تأیید قرار قضایای دولت، تصمیم اتخاذ نموده در حالیکه قرار قضایای دولت تصمیم قضائی نمیشد.

به هر حال چون بر قرار صادره محکمه ابتدائیه، استیناف خواهی صورت گرفته است، محکمه استیناف طبق صراحت احکام قانون قضایای دولت و قوانین نافذ کشور و با در نظر داشت تصویب شماره (۱۲۵۹) مؤرخ ۱۳۹۳/۸/۱۳ شورایعالی ستره محکمه، بر موضوع غور استینافی نموده و تصمیم مقتضی و قانونی اتخاذ نمایند.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع توأم با نظر تدقیقی مرتب برآن، به جلسه مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ شورایعالی ستره محکمه گزارش یافت، قرار تصویب شماره (۱۸۱۵) هدایت ذیل صادر گردیده:

(نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است بمرجع مربوط اخبار گردد.))

توزیع تذکره و تصحیح مندرجات آن، از وظایف ادارات ثبت احوال و نفوس میباشد نه محاکم، در صورت ارجاع موضوع به محکمه، در رابطه مطابق به احکام قانون اجراءات صورت گیرد

۷ - متحده المال شماره (۵۸۹ الی ۶۶۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۱۹ ریاست دارالانشاء که به اساس حکم مؤرخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ مقام عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست محکمه استیناف ولایت ننگرهار چنین استهداء نموده است: ((ورثه یک نفر متوفا از محکمه تقاضاء نموده، اسم پدر شان که فعلاً وفات است، از (امام جان به صاحب گل) تصحیح گردد؛ تا به اساس آن وثیقه حصر وراثت، از اصلاح اسم پدر شان ترتیب یابد.)) موضوع مورد غور مدققین قضائی قرار گرفت و در زمینه چنین نظر تدقیقی ابراز گردید:

(عارضین، تصحیح اسم مؤرث خود را که در تذکره های شان نادرست درج گردیده، تقاضاء دارند. طوریکه معلوم است توزیع تذکره و تصحیح مندرجات آن از وظایف ریاست های ثبت احوال و نفوس وزارت امور داخله می باشد، محاکم وظیفه تصحیح اسم مندرج تذکره را ندارند. لهذا بهتر است عارضین به مرجع مربوط آن مراجعه نموده و از آن طریق حل مشکل نمایند.

در صورتیکه ادارات ثبت احوال و نفوس موضوع را غور نموده جهت ترتیب وثیقه و تثبیت هویت، شخص را به محاکم راجع سازند، محاکم میتوانند طبق احکام

قانون و مقررات، به خصوص تعلیماتنامه تحریر وثایق، اقرار و اخبار مخبرین را درج وثایق نمایند.)

حین که جریان موضوع توأم با نظر تدقیقی، به مقام محترم ستره محکمه تقدیم گردید، ذریعه حکم مؤرخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ چنین هدایت صادر گردید:
((نظر ریاست تدقیق و مطالعات تأیید شد، به مرجع مستهدی اخبار گردد.))

رعایت ماده (۴۱۳) قانون اصول محاکمات مدنی،

بعد از استیناف خواهی اداره قضایای دولت

۸ - متحد المال شماره (۷۴۷ الی ۸۲۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۴ شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استثنائیه شماره (۲۴۹۱) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۳ ریاست عدلیه ولایت هرات ضم، نامه شماره (۸۲۶۰) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۲ ریاست محکمه استیناف آن ولایت واصل و طوریکه ملاحظه گردید، بطور مشخص روی نکات ذیل طالب توضیح شده اند:

۱ - اداره قضایای دولت بالای فیصله دیوان حقوق عامه محکمه ابتدائیه شهری، استیناف خواهی نموده، آیا از این استیناف خواهی سایر طرف های قضیه نیز مستفید می شوند یا خیر؟

۲ - محکوم علیه عذر مریضی اش را نیز در امر انقضاء میعاد استیناف خواهی ارایه نموده است. آیا عذر مذکور قابل بررسی است یا خیر؟

۳ - اشخاص ثالث یعنی دکانداران نیز به موضوع اعتراض دارند. نظر ریاست محکمه استیناف در ارتباط موضوع فوق قرار ذیل ابراز شده است: ((چون قضیه فوق، یک دعوی مهم بوده و سرنوشت یک تعداد دکانداران مارکیت های مذکور به آن بسته گی دارد و دکانداران مذکور من حیث اشخاص ثالث، بالای فیصله مذکور اعتراض دارند و از جانب دیگر حقوق دولت مطرح است؛ بهتر است در موضوع مذکور هدایت ماده (۴۱۳) قانون اصول محاکمات مدنی رعایت و دعوی محاکم ثلاثه را طی نماید.))

مدققین قضائی در مورد چنین ابراز نظر نموده اند:

((از آنجا که در قضیه مذکور، نماینده قضایای دولت، استیناف خواهی نموده است، مطابق حکم ماده (۴۱۳) قانون اصول محاکمات مدنی، طرف های دیگر با وصف انقضای شکایت تا زمان انقطاع و فیصله دعوی، صلاحیت شکایت را دارند. علاوه مطابق احکام مواد (۴۲۰) و (۴۲۱) قانون مذکور، اشخاص ثالث حق تقدیم اعتراض بر فیصله محکمه ابتدائیه را، به محکمه فوقانی حایز می باشند. همچنان در صورتیکه اعذار شرعی شخص محکوم علیه به اسناد ثابت باشد؛ موضوع طبق قانون، قابل ترتیب اثر می باشد. روی دلائل فوق نظر ریاست محکمه استیناف ولایت هرات، موجه و قانونی بوده، مورد تأیید ما مدققین قضائی قرار گرفت.))

حین که جریان موضوع و نظر تدقیقی مرتب برآن، به جلسه شورایعالی ستره محکمه، مطرح شد، در زمینه ذیلاً هدایت صادر گردید:

(نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است، به مرجعش اخبار گردد.)

(۱) صحت تفریق به سبب عقامت زوج

(۲) چگونه گی توزیع نکاح نامه در محل سکونت زوجه*

۹ - متحده المال شماره (۸۲۶ الی ۹۰۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۴/۲۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۶۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست محکمه استیناف ولایت بدخشان، مطالب ذیل را استهداء نموده است: ((دوسیه حقوقی یکن از اصحاب دعوی، راجع به عیب عقامت به محکمه شهری واصل و موصوف خواهان تفریق نکاح، گردیده است. از آنجا که به قانون مراجعه گردید، مواد (۱۷۶ - ۱۷۹) قانون مدنی افغانستان، از تفریق به سبب مرض و عیب بحث نموده، اما موارد آن را مشخص نکرده است. حسب هدایت ماده (۱۳۰) قانون اساسی افغانستان، چنینکه به فقه حنفی مراجعه شد؛ نظر امام ابوحنیفه و ابو یوسف "رح" بر این است که تفریق به استثنای جب، عین و خصی بودن زوج، در دیگر عیوب صورت نمیگیرد. اما فقهای غیر احناف "رح" و بعضی از حقوق دانان معاصر، عیب عقامت را سبب تفریق میدانند.

در موارد فوق اختلاف آراء قضائی وجود دارد، جهت دریافت نظریه های صایب و درست، در زمینه های ذیل، طالب هدایت و رهنمایی میباشیم.

* نوت: در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است، از آن جهت عنوان این متحده المال به شکل فوق، تنظیم گردید.

۱. عقامت زوج عیب است یا خیر؟ در قانون مدنی عقامت زوج را عیب نگفته است و طبق هدایت مواد قانون اساسی کشور به فقه احناف مراجعه صورت گرفته است. در فقه احناف عقامت زوج را اسباب تفریق نخوانده و فقهای غیر احناف و حقوق دانان معاصر، عقامت زوج را ضرر و اسباب تفریق گفته اند.

۲. ماده اول رهنمود توزیع نکاح نامه بیان میدارد که نکاح خط در محل سکونت زوج و ترتیب می‌گردد چون در ماده فوق، از محل سکونت فعلی یا اصلی تذکر بعمل نیامده است، اکثر از قضات محترم تذکره تابعیت و محل سکونت اصلی را مدار اعتبار دانسته و روی این ملحوظ، تعدادی از خانواده های که از سالیان متمادی مقیم ولایات دیگر بوده، به هدف دریافت نکاح خط به محکمه ولایت محل صدور تذکره تابعیت شان مراجعه می نمایند.

این موضوع، برای اشخاص فوق الذکر مشکلات اقتصادی و امنیتی را به بار می آورد.

بناءً در همچو حالات، به تذکره تابعیت اعتبار داده شود یا محل سکونت فعلی زوج؟

موضوع در جلسه هیئت رهبری دیوانهای استیناف، تحت غور همه جانبه قرار داده شد، در جلسه تصویب گردید که دعوی پیش آمده یک معضله عمومی و قانونی میباشد.

هیئت رهبری دیوانهای ریاست محکمه استیناف، با مطابقت به نظر هیئت قضائی دیوان مدنی و حقوق عامه ریاست محکمه ابتدائیه شهری ولایت بدخشان، عقامت زوج را ضرر و اسباب تفریق میدانند و محل سکونت زوج را در توزیع نکاح نامه ترجیح میدهند، با آن هم موضوع قابل استهداء میباشد.))

راجع به موارد فوق الذکر، مدققین قضائی چنین ابراز نظر نموده اند:

(ماده ۱۷۶) قانون مدنی در مورد تفریق به سبب عیب چنین صراحت دارد:

((زوجه وقتی می تواند مطالبه تفریق نماید که زوج مبتلاء به مرضی باشد که اعاده صحت وی غیر ممکن بوده، یا مدت طولانی برای معالجه او لازم باشد، به نحویکه معاشرت با زوج بدون ضرر کلی متعذر باشد.))

در ماده فوق الذکر، برای صحت دعوی تفریق به سبب عیب (۲) شرط در نظر گرفته شده است:

- ۱ - زوج مبتلا به مرضی باشد که باعث ایجاد ضرر در معاشرت زوجیت گردد.
 - ۲ - مرض باید قابل علاج نباشد و یا حد اقل مدت طولانی (بیشتر از یکسال) برای علاج آن لازم باشد.
- عقامت زوج که در نتیجه با (خصی بودن) یکسان است، در اهداف معاشرت زوجیت، از جمله عدم تولید نسل موثر بوده و این موضوع باعث ایجاد ضرر می گردد.
- بناءً عقامت، از جمله امراضی است که در قانون، به عنوان (دلیل صحت دعوی تفریق به سبب عیب) پیشبینی گردیده است.
- راجع به مورد دوم باید متذکر شد که:
- تعیین محل سکونت زوجه برای توزیع نکاح نامه، به دلیل آنست که مرجع توزیع کننده از اهلیت، شخصیت و هویت منکوحه، با استفاده از مطلعین موضوع، مانند: اقارب، همسایه ها، وکیل گذر و امثال آن، معلومات مؤثق دریافت نماید.
- بناءً در چنین موارد محل سکونت فعلی زوجه، ممد واقع میگردد.

لذا بهتر است نکاح نامه در محل سکونت فعلی زوجه ترتیب، توزیع و رفع مشکل گردد.

موضوع به جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۱ شورایعالی ستره محکمه گزارش یافت، ذریعه مصوبه شماره (۶۰) چنین هدایت صادر گردید:
((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد، بمرجعش اخبار گردد.))

هرگاه در یک قضیه مدنی دو قرار قضائی ترک خصومت از جانب محکمه ابتدائیه صادر گردیده باشد، بعد از غور استینافی بالای دو قرار قضائی ترک خصومت مذکور، محکمه ابتدائیه در ماهیت موضوع رسیده گی و فیصله نماید اما فیصله محکمه ابتدائیه از جانب محاکم فوقانی نقض گردد. اگر مدعی بعد از نقض فیصله مذکور، دعوی خود را در محکمه تعقیب ننماید و محکمه باز هم به صدور قرار قضائی ترک خصومت مبادرت ورزد، قرار قضائی اخیرالذکر، قرار قضائی ترک خصومت سوم محسوب نمی گردد.

۱۰ - متحده المال شماره (۹۰۴ الی ۹۸۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۴/۲۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۷۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

نامه شماره (۸۹۳۸) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۴ ریاست محترم قضایای دولت وزارت عدلیه ج.ا.ا، مبنی بر استهدایه شماره (۵۳۹) مؤرخ ۱۳۹۳/۹/۱۱ ریاست عدلیه ولایت غزنی در رابطه به اینکه: هرگاه نسبت عدم تعقیب دعوی از سوی مدعی دو قرار قضائی ترک خصومت بی هم صدور یابد، سپس محکمه حاکمه، به صدور فیصله مبادرت ورزد. متعاقبا بعد از نقض فیصله، محکمه ابتدائیه باز هم در زمینه قرار ترک خصومت صادر نماید، آیا قرار اخیر الذکر مطابق ماده (۳۵) قانون اصول محاکمات مدنی، قرار سومی محسوب میگردد یا چطور؟

موضوع ذریعه صادره شماره (۹۱۶) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۵، غرض ابراز نظر تدقیقی بریاست تدقیق و مطالعات محول گردیده بود، آن اداره نظر تدقیقی خویش را در مورد چنین ابراز نموده است:

((مدققین قضائی، خاطر نشان می نمایند که هرگاه بعد از صدور دو قرار ترک خصومت، مدعی صورت دعوی خویش را به محکمه تقدیم و محکمه به ماهیت موضوع رسیده گی نماید، در مراحل بعدی یعنی مرحله استیناف و یا در مرحله نقض و رسیده گی مجدد قضیه، اگر چه مدعی دعوی خویش را تعقیب ننماید، اجراءات بعدی، تعقیب قرار های ترک خصومت قبلی دانسته نمی شود.

بناءً قرار قضائی صادره محکمه ابتدائیه که بعد از نقض فیصله آن محکمه صادر گردیده، قرار ترک خصومت سومی شمرده نمی شود))

حینیکه تفصیل جریان موضوع، توأم با نظر تدقیقی به جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۱ شورایعالی ستره محکمه گزارش یافت، قرار تصویب شماره (۷۲) هدایت ذیل صادر گردید.

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است بمرجعش اخبار گردد.))

رسیده گی به دعوی حق العبدی در ضمن دعوی جزائی

۱۱ - متحده المال شماره (۹۸۳ - ۱۰۶۱) مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس حکم مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۶ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا. تعمیم یافته است.

ریاست تعقیب قضائی معاونیت لوی څارنوالی در امور عسکری، به شرح ذیل استهدهاء نموده است:

((به ملاحظه فیصله های صادره، از جانب محاکم ابتدائیه نظامی مرکز و ولایات، در حالیکه اکثر متضررین یا مدعیون حق العبدی عرایض شانرا در مراحل تحقیق، تعقیب عدلی و محاکمه مبنی بر رسیده گی به ادعای شان به ارگان های عدلی و قضائی تقدیم داشته اند، محاکم ابتدائیه مذکور در قسمت دعوی جزائی رسیده گی و اصدار حکم نموده و اما دعوی حق العبدی را محفوظ دانسته و میدانند.

از اینکه طبق هدایت ماده (۸۰) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، محاکم عسکری صلاحیت رسیده گی به دعوی حق العبدی را در پهلوی دعوی جزائی داشته و علاوه به تاسی از هدایت ماده (۱۸۹) قانون اجراءات جزائی، در جرایم قتل و جرح که بموجب آن قصاص یا دیت لازم باشد به مدعیون حق العبدی حق اولیت داده شده تا به ادعای حق العبدی شان رسیده گی و اصدار حکم گردد.

موضوع احتراماً به آن مقام محترم نگاشته شد؛ امید به منظور تحقق اصل عدالت، قانونیت و رسیدن حق به حقدار، به محاکم ابتدائیه نظامی مرکز و ولایات هدایت اصدار خواهند فرمود که در چنین حالات در پهلوی رسیده گی به دعوی جزائی به ادعای حق العبدی و جبران خساره متضررین رسیده گی نموده، در صورتیکه

مدعیون حق العبد، حاضر به رسیده گی این ادعای شان، در مرحله رسیده گی محاکم ابتدائیه نظامی نباشد، موضوع در پروتوکول جلسه قضائی انعکاس یابد؛ تا در مراحل رسیده گی بعدی از این ناحیه ابهام در قضایا وجود نداشته باشد.))

متن استهداء، مورد غور ریاست عمومی تدقیق و مطالعات ستره محکمه قرار گرفت، در رابطه نظر تدقیقی به متن ذیل ابراز شده است:

((به نظر مدققین قضائی طبق صراحت فقره (۱) ماده (۱۸۹) قانون اجراءات جزائی، شخص متضرر از جرم، میتواند دعوی حق العبدی و جبران خساره را توأم با دعوی جزائی در پیشگاه محکمه ابتدائیه اقامه نماید و محکمه ذیصلاح، طبق احکام قانون دعوی حق العبدی و جبران خساره را توأم با دعوی جزائی رسیده گی نماید. این در صورتی است که دعوی حق العبدی و جبران خساره توأم با دعوی جزائی در پیشگاه محکمه ابتدائیه اقامه شده باشد؛

اما طبق فقره (۴) ماده مذکور، مدعی حق العبد نمی تواند بعد از صدور حکم جزائی از طرف محکمه ابتدائیه، دعوی حق العبدی را در مرحله استینافی اقامه نماید.

همچنان طبق صراحت ماده (۱۹۳) قانون مذکور، اگر دعوی حق العبدی و یا جبران خساره در قضیه موجب تأخیر جریان دعوی جزائی شود، در این صورت محکمه میتواند رسیده گی به دعوی جزائی را بدون عنصر دعوی حق العبدی ادامه داده و به مدعی حق العبد موقع بدهد تا بعد از صدور حکم قطعی در مورد دعوی جزائی، دعوی حق العبدی خود را به محکمه مدنی اقامه نماید.))

چینکه موضوع توأم با نظر تدقیقی، به مقام عالی ستره محکمه پیشنهاد گردید، ذریعه حکم مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۶ چنین هدایت صادر شد:

((نظر ریاست تدقیق و مطالعات متکی به حکم قانون ابراز شده است، بمرجعش
اخبار گردد.))

هدایت فوق طی نامه شماره (۸۱) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۹ به پاسخ استهدائیة
معاونیت لوی خارنوالی در امور عسکری، ابلاغ و اینک موضوع طور متحده المال
تعمیم شد؛ تا ریاست های محاکم استیناف ولایات عندالموقع طبقاً اجراءات به عمل
آورده و در ضمن، چگونه گی موضوع را به محاکم مربوطه خویش اخبار دارند.

۱- عدم ممنوعیت تعیین وکیل از طرف (وکیل بالتوکیل) در حالیکه

وکیل جواز رسمی وکالت نداشته باشد

۲- لزوم درج نمبر تذکره تابعیت در انواع وثایق (داخلی و خارجی)، با

در نظر داشت ماده (۱۱) تعلیمات نامه تحریر وثایق، با تأکید به این که

افغانهای مقیم کشور های خارج می توانند طبق صراحت ماده (۱۷)

قانون ثبت احوال و نفوس، نخست از ادارات قنصلی افغانی تذکره

تابعیت اخذ، بعداً به ترتیب وثایق مبادرت ورزند

۳- پاسپورت قانونی در خارج از کشور، می تواند حین (اقرار شخص)

جاگزین تذکره تابعیت گردد*

۱۲- متحدالمال شماره (۱۰۶۲ - ۱۱۴۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۱۹ ریاست

دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۱ شورایعالی ستره

محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدایه شماره (۳۰۰۹) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۳ ریاست امور قونصلی وزارت

امور خارجه ج.ا.ا، در رابطه به خود داری از نوشتن جملات غیر ضروری در وثایق

و همچنان در مورد اینکه، آیا وکیل بالتوکیل در صورت عدم توانایی پیشبرد

وکالت، میتواند به شخص دیگری تفویض صلاحیت نماید و همچنان داشتن تذکره

تابعیت بمنظور صدور وکالت نامه ها و غیره وثایق، امر ضروری میباشد و یا خیر؟

* -نوت: در یک مصوبه سه موضوع متفاوت بیان شده، از آن جهت عنوان این متحدالمال به

شکل فوق، تنظیم گردیده است.

ذریعه صادره شماره (۲۰۹۸) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۴ آمریت اسناد و ارتباط ریاست تحریرات مقام ستره محکمه، غرض ابراز نظر تدقیقی بریاست محترم تدقیق و مطالعات محول گردیده بود. مدققین قضائی نظر تدقیقی خویش را در مورد چنین ابراز نموده اند:

((متن مصوبه شماره (۱۰۸۷) مؤرخ ۱۳۹۲/۸/۷ شورای عالی ستره محکمه، مبنی بر عدم تحریر (وثیقه هذا بمنظور مهاجرت به خارج از کشور ترتیب گردیده است.) آنها در ستون تشریحات و ثایق حصر وراثت با ماده (۱۷) قانون سرپرستی اطفال که تحت عنوان خروج طفل از کشور میباشد، هیچ نوع تضاد و منافات ندارد.

زیرا آنچه در ماده (۱۷) قانون مذکور، ذکر گردیده مقتضی تجویز شرعی و قانونی محکمه میباشد که ضمن قرار قضائی در رابطه تصمیم اتخاذ میگردد نه در وثایق حصر وراثت.

در مورد این که برخی از هموطنان ما، جهت پیشبرد دعوی حقوقی خویش در قدم نخست یکی از دوستان خویش را نسبت نداشتن جواز وکالت دفاع، منحیث وکیل بالتوکیل تعیین و بعداً وکیل مذکور در حالیکه خود صلاحیت پیشبرد دعوی را ندارد، شخص دیگری حایز جواز وکالت دفاع را بحیث وکیل دعوی، تعیین می نماید.

در آن زمینه مدققین قضائی چنین ابراز نظر می نمایند که:

چون تفویض صلاحیت، شناخت قبلی بین مؤکل و وکیل را لازم دارد و در برخی موارد شاید شخص مؤکل مقیم خارج به هیچ یک از وکلای مدافع دارنده جواز

رسمی وکالت دفاع شناخت و یا تماس نداشته باشد، از اینرو ترتیب وکالت های بالتوکیل در چنین موارد سبب رفع مشکلات گردیده مانع قانونی ندارند.

در مورد ضرورت تذکره تابعیت افغانهای مقیم خارج، (جهت ترتیب انواع وثایق) باید متذکر شد که موضوع لزوم درج نمبر تذکره تابعیت در انواع وثایق در ماده (۱۱) تعلیمات نامه تحریر وثایق تسجیل گردیده و وثیقه را که در آن از تذکره تابعیت ذکر نشده باشد، فاقد اعتبار خوانده است.

بناءً افغانهای مقیم کشور های خارج می توانند، طبق صراحت ماده (۱۷) قانون ثبت احوال و نفوس در قدم نخست از ادارات قنصلی افغانی تذکره تابعیت اخذ، بعداً به ترتیب وثایق مبادرت ورزند.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع توأم با نظر تدقیقی به جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۱۱ شورای عالی گزارش یافت، قرار تصویب شماره (۵۵) هدایت ذیل صادر گردید. (موارد اول و دوم نظر تدقیقی ریاست محترم تدقیق و مطالعات عیناً تأیید شد و به ارتباط مورد سوم، پاسپورت قانونی در خارج کشور در اقرار شخص می تواند جایگزین تذکره نیز قرار گیرد.)

مراتب تصویب طی نامه شماره (۱۰۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۲۴ به وزارت امور خارجه ج.ا.ا، اخبار و اینک موضوع طور متحده المال نیز تعمیم شد؛ تا ریاست های محاکم ولایات از موضوع مستحضر بوده، محاکم مربوطه خویش را نیز در جریان قرار دهند.

همچنان پاسخ به پرسش نخست مرجع مستهدی، (پیشنهاد مبنی بر خوداری از درج جملات غیر ضروری در وثایق) در این متحده المال به مصوبه شماره (۱۰۸۷) مؤرخ ۱۳۹۲/۸/۷، محول شده است.

صلاحیت محکمه در رابطه به توقیف متهم

بعد از تسلیم شدن رسمی دوسیه

۱۳ - متحده المال شماره (۱۱۴۱ الی ۱۲۱۹) مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۲۱ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۴۹) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست محکمه استیناف ولایت غزنی طی نامه شماره (۳۶۰۲) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۸ مراتب ذیل را استهداء نموده است:

((مقام عالی وفق مصوبه شماره (۸۳۱) مؤرخ ۱۳۹۳/۶/۱۷ شورایعالی ستره محکمه با در نظر داشت مشکلات عدم تکمیل نصاب قضائی محکمه استیناف ولایت پکتیکا، صلاحیت رسیده گی دوسیه های آن ولایت را به ریاست محکمه استیناف ولایت غزنی تفویض نموده است.

اما آنچه ما را دچار مشکلات نموده و در آینده نیز به آن بر می خوریم اینست که:

اول: - طوریکه قانون اجراءات جزائی مطالعه می گردد، ماده (۱۰۱) قانون مذکور مدت یکماه وقت را در اجراءات به دوسیه تعیین نموده که لزوماً از محکمه باید خارج شود.

راجع به آن یاد آور باید شد که دوسیه های از ولایت متذکره توصل میورزند که فیصله محکمه تحتانی را در بر گرفته است.

بتأسی از فیصله های مذکور، متهم یا در توقیف بوده و یا هم آزاد و در هر دو صورت اشتراک متهم و مستأنف علیه، در جلسه قضائی ضروری است.

به مقام عالی بهتر معلوم است که در قدم اول مشکل امنیت مطرح بوده که انتقال محبوس را متعذر می سازد و در قدم دوم اگر امنیت هم میسر باشد و انتقال محبوس صورت گیرد، حد اقل انتقال آن اضافه تر از یکماه را در بر می گیرد که در این صورت راجع به قید ماده متذکره قانون فوق، طالب هدایت می باشیم.

دوم: - در صورتیکه انتقال صعب باشد در آنصورت اجراءات ما با در نظر داشت تقييدات قانونی، به بنیست مواجه میشود، امید داریم ما را در زمینه رهنمایی قانونی فرمایند.))

موضوع تحت غور مدققین قضائی ریاست عمومی تدقیق و مطالعات قرار گرفت و در مورد چنین ابراز نظر بعمل آمد:

((ماده (۱۰۱) قانون اجراءات جزائی، در مورد صلاحیت محکمه در توقیف متهم بعد از تسلیمی دوسیه به محکمه، بحث نموده است، لذا صلاحیت محکمه استیناف ولایت غزنی در این مورد زمانی شروع میشود که دوسیه و متهم به آن جا رسماً ارسال و اعزام گردیده باشد.

بناءً با در نظر داشت مصوبه شماره (۸۳۱) مؤرخ ۱۳۹۳/۶/۱۷، اجراءات خویش را از تاریخ وصول دوسیه و متهم، طبق حکم ماده فوق عیار نمایند.

زیرا عبارت (بعد از تسلیمی دوسیه به محکمه) در متن ماده (۱۰۱) قانون اجراءات جزائی در موضوع صراحت تام دارد.))

حینیکه جریان موضوع و نظر تدقیقی مرتب بر آن، در اجلاس تاریخی ۱۳۹۴/۲/۱ شورای عالی مورد بحث قرار گرفت، در زمینه قرار مصوبه شماره (۱۴۹) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱ چنین هدایت صدور یافت:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد، بمرجعش اخبار گردد.))

حبس، جزای فزیزی و جریمه، جزای مالی است.

محبوس که مدت حبس محکوم بهای خود را سپری نموده باشد، دوام سلب آزادی و یا اخذ تضمین از وی به دلیل مدیون بودن از دولت و یا اشخاص، جواز ندارد

۱۴ - متحده المال شماره (۱۲۲۰ الی ۱۲۹۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۲۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱۱ شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست عمومی انستیتوت قانون گذاری و تحقیقات علمی حقوقی، وزارت عدلیه چنین استهداء نموده است:

((طوریکه در جریان قرار دارید آنده از محبوسین که به جرایم نقدی بابت جرایم مواد مخدر و یا به جزای نقدی از طرف محاکم ذیصلاح محکوم میشوند، بعد از سپری نمودن ایام حبس شان حین رهایی از طرف مدیریت عمومی محبس و یا از طریق خائنوالی نظارت بر محلات سلب آزادی، جهت تحصیل محکوم بها و یا مجازات نقدی به این اداره معرفی میشوند.

از جمله این افراد کسانی هستند که سکونت شان خارج از ولایت میباشند و کدام ضامنی ندارند.

همچنان ، اشخاصی وجود دارند که ساکن ولایت دیگر هستند و کسی حاضر نمی شود که ضمانت آنان را نماید و اکثر این اشخاص، بعد از رهایی هیچ نوع دارایی منقول و غیر منقول از خود ندارند و تحصیل مبالغ ذمتی شان دشوار و یا غیر ممکن است.

بخاطر اینکه در آینده از بابت عدم تحصیل، جرایم و مجازات نقدی افراد متذکره، مسئولیت متوجه این اداره عاید نگردد، در مورد راه حل قانونی مشکل فوق، طالب هدایت میباشیم.))

همچنان ریاست محکمه استیناف ولایت هرات در عین مورد چنین استهداء نموده است:

((محبوسین که علاوه از حبس، محکوم به جریمه نقدی شده اند و حین اكمال مدت حبس، نه دارایی دارند و نه ضامنی، در مورد چی باید کرد؟))
 استهداءات مذکور، بعد از ابراز نظر تدقیقی و توضیح سوابق موضوع، در جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۱۱ شورایعالی ستره محکمه مورد بررسی قرار گرفت و ذریعه مصوبه شماره (۱۲۳) هدایت ذیل صادر گردید:
 ((مصوبه شماره (۸۹۱) ۱۳۸۸/۱۰/۲۹ شورایعالی ستره محکمه که قبلاً در مورد صادر گردیده بود، چنین صراحت دارد:

(تجویز کمیسیون هماهنگی ارگانهای عدلی و قضائی (در مورد محبوسین که مدت حبس آنها ختم گردیده و به دلیل عدم توان پرداخت دین (جریمه و یا جبران خساره) در محبس اند،) در مطابقت به قانون اساسی کشور، توضیح داده شد که حبس جزای فزیک و جریمه جزای مالی است، زمانیکه محبوس مدت حبس را سپری مینماید، دوام سلب آزادی و یا اخذ تضمین از وی بدلیل مدیون بودن از دولت و یا اشخاص، جواز ندارد.)، یک بار دیگر تأیید گردید، موضوع به جمیع محاکم متحده المالاً اخبار گردد.))

(۱) مکلفیت ریاست دارالانشاء شورایعالی ستره محکمه، مبنی بر اینکه تقاضای تجدید نظر را با اخذ اطمینان از تنفیذ احکام قطعی و نهائی محاکم، طی مراحل قانونی نمایند.

(۲) در قضایای حقوق عامه که مدعا بها در ید و تصرف اشخاص باشد، تجدید نظر در آن خصوص، شامل آجندای مستعجل گردد. *

۱۵ - متحده المال شماره (۱۲۹۹ - ۱۳۷۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۸۳۶) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

شورایعالی ستره محکمه طی اجلاس مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۲۷، قرار مصوبه شماره (۶۸۴) هدایت ذیل را صادر نمود:

((قبلاً شورای عالی ستره محکمه در راستای رسیده گی به درخواست های تجدید نظر به هدف آخرین تلاش در جهت تأمین عدالت، رعایت احتیاط و جلوگیری از مشکلات بعدی، طی مصوبات شماره (۹۰۵) مؤرخ ۱۳۸۸/۱۱/۶ و (۴۰۰) مؤرخ ۱۳۸۹/۴/۵ که بعد از تطبیق احکام نهائی الی نتیجه تجدید نظر بعضی محدودیت های را بر مدعی بها اعمال نموده بود، اخیراً ضمن مصوبه شماره (۱۸۳۶) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۶ شورایعالی مبنی بر تعطیل تطبیق احکام نهائی محاکم در اموال غیر منقول و گذاشتن دیون به حساب امانت در یکی از بانک ها

*-نوت: در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است، از آن جهت عنوان این متحده المال به شکل فوق، تنظیم گردید.

به ارتباط قضایای مدنی و تجارتی که مستند به اسناد جدید قانونی مورد اعتراض تجدید نظر خواهان قرار میگیرد، فوقاً تجویز اتخاذ شده بود؛ اما تصاویر فوق که حیثیت تدابیر احتیاطی را داشت، متأسفانه نتیجه مطلوب نداده و بر عکس باعث تراکم امور و کثرت درخواست های تجدید نظر گردیده و اسباب التواء تنفیذ فیصله های نهائی محاکم را فراهم نمود.

با تذکر موارد فوق، شورایعالی ستره محکمه در پرتو احکام مواد (۱۲۹) قانون اساسی و (۱۴) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، فیصله های نهائی محاکم را مطلقاً واجب التنفیذ میداند و نیز شورایعالی، صراحت ماده (۳۷) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه را (در رابطه به این که تقاضای تجدید نظر در قضایای مدنی و تجارتی که مانع تطبیق حکم قطعی محکمه نمیگردد) مورد تأیید قرار دارد.

بناءً مصوبات فوق لغو و دارالانشاء مکلف گردید؛ تا پس از این تقاضای تجدید نظر را با اخذ اطمینان از تنفیذ احکام قطعی و نهائی محاکم مربوط، در حالیکه متضمن یکی از دلایل پنجگانه در قضایای مدنی و تجارتی و هفت گانه در قضایای جزائی باشد، اصولاً از مجرای قانونی طی مراحل نموده و آن عده از قضایای حقوق عامه را که مدعی بها در ید و تصرف اشخاص باشد، شامل آجندای مستعجل نماید.))

مراتب مصوبه فوق، بدینوسیله به محاکم استیناف ولایات و ریاست حقوق وزارت عدلیه متحده المالاً اخبار شد؛ تا مطابق به آن در مورد تطبیق فیصله های قطعی محاکم اجراءات مقتضی قانونی بعمل آورند و موضوع را به محاکم و ادارات مربوط خویش تعمیم نمایند.

لزوم ثبت دارایی قضات

۱۶ - متحدالمال شماره (۱۳۷۸ - ۱۴۴۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۱۱ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۷۵۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۱۰ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

مصوبه شماره (۷۵۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۱۰ شورایعالی ستره محکمه، به متن ذیل صدور یافته است:

((مصوبه شماره (۲۸) مؤرخ ۱۳۹۳/۱/۱۳ شورایعالی ستره محکمه که طی آن به لغو جزء (۲) ماده (۱۲) قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، حکم صادر شده بود، مورد بازنگری قرار گرفت و به لغو آن تجویز اتخاذ و تصمیم بر آن شد؛ تا تمام قضات محاکم ج.ا.ا، مطابق به حکم ماده (۱۰۵) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه و ماده (۱۲) قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، دارایی شانرا در فورم مربوط به ثبت دارایی، در ظرف یکماه خانه پری و به اداره عالی نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری، بفرستند و به ستره محکمه اطمینان دهند.))

هدایت مصوبه فوق، بدینوسیله به تمام محاکم استیناف ولایات اخبار شد؛ تا آنرا به محاکم تحت اثر، اطلاع داده مطابق به آن اجراء مقتضی نموده از تحقق آن اطمینان دهند.

مجرائی جزای نقدی در برابر توقیف،
با تأکید به ماده (۳۴۶) قانون اجراءات جزائی و رعایت حالت
(عُسر و یُسْر) محکوم علیه

۱۷ - متحده المال شماره (۱۴۴۴ الی ۱۵۲۰) مؤرخ ۶/۲۱/۱۳۹۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۸۳۷) مؤرخ ۲۶/۱۲/۱۳۹۳ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائی شماره (۷۴۸۷) ۶/۱۱/۱۳۹۳ ریاست محکمه استیناف ولایت هرات در مورد آنده از محکومین که مشمول حکم ماده (۳۴۶) قانون اجراءات جزائی گردیده و توان پرداخت وجه جزائی نقدی محکوم بها را نداشته و همچنان در نص ماده متذکره، اندازه عاید روزانه شخص تحت توقیف نیز مشخص نشده (که چه مبلغ در روز برای شخص تحت توقیف قابل مجراء میباشد). غرض ابراز نظر تدقیقی بریاست تدقیق و مطالعات محول گردیده بود، آن اداره، نظر تدقیقی خویش را در مورد چنین ابراز نموده اند:

((قراریکه متن ماده (۳۴۶) قانون اجراءات جزائی مطالعه میگردد، در زمینه کدام اغماض وجود ندارد، زیرا در بخشی از آن به صراحت تذکر داده شده است: (در برابر هر روز توقیف، معادل عاید روزانه محکوم قبل از توقیف، از مبلغ جزای محکوم بها سنجش و برای وی مجراء داده میشود.)

بناءً نحوه پرداخت و اندازه عاید روزمره شخص محکوم علیه، مربوط میشود به کسب و کار و مدرک عایداتی که در نتیجه کاری دست مزد خود، قبل از توقیف بدست میآورد.

به طور مثال: اگر شخص، کارگر ساختمانی باشد به همان اندازه مزد که طور معمول برای یک کارگر ساختمانی مطابق عرف محل پرداخته میشود، برایش مجرای داده میشود و متبایقی آن با در نظر داشت ماده (۳۴۷) قانون اجراءات جزائی، از وی تحصیل میگردد.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع توأم با نظر تدقیقی مرتب برآن، به جلسه مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۶ شورایعالی گذارش یافت، قرار تصویب شماره (۱۸۳۷) هدایت ذیل صادر گردید:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است، مزید بر آن در زمینه موضوع عسر و یسر را در نظر گرفته اجراءات مقتضی و قانونی عملی گردد.))

استناد محاکم به معلومات مجرد پلان املاکی، جواز ندارد

۱۸ - متحده المال شماره (۱۵۲۲ الی ۱۵۹۸) مؤرخ ۳۰/۶/۱۳۹۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۶۸۲) مؤرخ ۲۷/۵/۱۳۹۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست استملاک شاروالی کابل، ضمن استهدائی شماره (۸۰۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۱۷ مراتب ذیل را نگاشته اند:

((در جریان ادعا های حقوقی که بالاخره منجر به دعوی میگردد، اکثر محاکم به رویت پلان های املاکی، از این اداره معلومات میخواهند.

طوری که به آن مقام محترم بهتر معلوم است پلانهای املاکی صرف یک نقشه معلوماتی بوده که تنها تعداد منازل رهائشی، فعالیت های تجاری، مکتب، راه های عمومی، فرعی و غیره قطعات زمین بدون ساختمان در آن نشان داده میشود، آنها هم بعضاً بدون ذکر نام.

روی این ملحوظ پلان املاکی اصلاً از جمله اسناد مدار حکم شمرده نمیشود. احتراماً تقاضا میگردد که محاکم مربوط را هدایت دهند، تا حین رسیده گی به دعاوی حقوقی، از معلومات که به ملاحظه پلانهای املاکی برای شان داده میشود، جهت اثبات ملکیت استفاده نکنند؛ تا مشکلات از این رهگذر بین افراد و اشخاص، محکمه و شاروالی ایجاد نگردد.))

مطلب مورد استهداء پس از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات به جلسه مؤرخ ۲۷/۵/۱۳۹۴ شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید و طی مصوبه شماره (۶۸۲) در زمینه هدایت ذیل صادر شد:

((به معلومات مجرد پلان املاکی، انتقال ملکیت صورت گرفته نمیتواند و همچنان معلومات املاکی سبب حکم نیز شده نمیتواند، محاکم برویت اسناد مدار حکم اجراءات بعمل آرند.))

هرگاه تاریخ گرفتاری و نظارت متهم که از طرف خائنوالی مربوط درج اوراق دوسیه گردیده است، با تاریخ گرفتاری و نظارت که در دیوان های ستره محکمه تحریر یافته تفاوت داشته باشد، تفاوت مذکور توسط خائنوالی مربوط به محکمه حاکمه پیشنهاد

و به اساس تفاهم تصحیح گردد

۱۹ - متحده المال شماره (۱۶۰۰ الی ۱۶۷۸) مؤرخ ۵ / ۷ / ۱۳۹۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۷۵۳) مؤرخ ۳ / ۶ / ۱۳۹۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست محابس و توقیف خانه های وزارت امور داخله، در مورد آنعده از محبوسین محابس ولایات کشور که متهم به جرایم سنگین بوده و طبق هدایت شورای امنیت ملی ریاست جمهوری به محبس مرکزی و از آنجا به توقیف گاه ولایت پروان انتقال می یابند، استهداء نموده اند که محبس بگرام از پذیرش یک تعداد محبوسین، بدلیل اینکه تاریخ گرفتاری و نظارت که از طرف خائنوالی مربوط درج اوراق گردیده با تاریخ گرفتاری و نظارت که در حکم دیوانهای مقام عالی ستره محکمه تحریر یافته، تفاوت دارد، خود داری نموده اند.

موضوع از طریق ریاست عمومی نظارت بر تطبیق احکام قطعی و نهائی، جهت ابراز نظر به ریاست تدقیق و مطالعات ارجاع و پس از ابراز نظر آن اداره، جریان در جلسه مؤرخ ۳ / ۶ / ۱۳۹۴ شورایعالی ستره محکمه موردبحث قرار گرفت و طی مصوبه شماره (۷۵۳) هدایت ذیل صادر گردید:

((تاریخ گرفتاری و توقیفی توسط خائنوالی مربوط به محکمه حاکمه پیشنهاد و به اساس تفاهم تصحیح گردد، موضوع به جمیع محاکم طور متحده المال اخبار گردد.))

هرگاه محکوم علیه یا محکوم له محکمه ابتدائیه، حین وصول رسمی دوسیه به دیوان های استیناف حاضر نباشند، دیوان های مذکور همچو دوسیه ها را تسلیم شوند

۲۰ - متحده المال شماره (۱۷۰۰ الی ۱۷۷۸) مؤرخ ۱۳/۷/۱۳۹۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه (۸۱۶) مؤرخ ۱۷/۶/۱۳۹۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست عمومی قضایای دولت وزارت عدلیه، در رابطه به عدم تسلیمی دوسیه های که استیناف خواه آن حضور ندارد مراتبی را طالب هدایت گردیده اند، موضوع جهت ابراز نظر بریاست تدقیق و مطالعات محول، که در زمینه چنین ابراز نظر نموده اند:

((مدققین قضائی به این نظر اند که در استیناف خواهی، حین تسلیمی دوسیه به دیوان مربوطه محکمه استیناف، ضرورت به حضور محکوم له و محکوم علیه دیده نمی شود. زیرا به اساس ماده (۳۶۵) قانون اصول محاکمات مدنی: (ميعاد تقديم شکایت و اعتراض بعد از صدور حکم و ابلاغ آن مدت یکماه است.) و به موجب حکم ماده (۳۷۷) قانون مذکور: (اعتراض مفصل شاکی بعد از تقديم شکایت در ظرف بیست روز ارایه میگردد.) و طبق ماده (۴۱۸) قانون اصول محاکمات مدنی: (هرگاه شاکی یا معترض اعتراض و شکایت خود را در ميعاد معینه تقديم نکند و خود بدون اطلاع و عذر موجه به محکمه فوقانی حاضر نشود، محکمه تصمیم خود را مبنی بر سقوط حق شکایت یا اعتراض صادر مینماید) درین صورت فیصله محکمه ابتدائیه، کسب قطعیت می نماید و موضوع خاتمه می یابد.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع توأم با اصل نظر تدقیقی در جلسه مؤرخ
۱۳۹۴/۶/۱۷، شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید، قرار مصوبه شماره (۸۱۶)
هدایت ذیل صادر گردید:
((نظر تدقیقی با ایزاد اینکه محاکم استیناف همچو دوسیه ها را تسلیم شوند تأیید
گردید، موضوع به جمیع محاکم طور متحدالمال اخبار گردد.))

لزوم و یا عدم لزوم اتخاذ تجاويز در قضایای که تحت رسیده گی محاکم قرار دارد، مطابق به حکم قانون شامل صلاحیت محاکم بوده و ایجاب صدور احکام مقامات عالیہ را نمی نماید

۲۱ - متحدالمال شماره (۱۷۷۶ الی ۱۸۵۴) مؤرخ ۶ / ۸ / ۱۳۹۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۱۸) مؤرخ ۲۸ / ۷ / ۱۳۹۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست تحریرات ستره محکمه ج.ا.ا، مراتب ذیل را به شورایعالی ستره محکمه تقدیم نموده است:

((عده یی از مراجعین و اصحاب دعاوی عنوانی مقام عالی ستره محکمه عارض و در رابطه به موضوعات ذیل چنین تقاضاء مینمایند:

۱ - موضوع تحت غور محاکماتی قرار دارد محکمه حاکمه جایداد تحت دعوی را ممنوع فروش سازد.

۲ - موضوع مورد منازعه در محکمه حاکمه تحت بررسی میباشد محکمه به منظور اینکه اشکال در تنفیذ حکم واقع نگردد باید کار را در ساحه مدعی بها متوقف سازد.

۳ - محکمه با رعایت تدابیر احتیاطی، حاصل و عواید مدعی بها را به محل امن بسپارد و به همین طور درخواست های بالمثل.

۴ - چون صلاحیت اجراءات و رسیده گی به تقاضای اصحاب دعاوی را محکمه حاکمه دارد تا با در نظر داشت سوابق، بعد از علم آوری دقیق تجویز قانونی اتخاذ نمایند، ولی عارضین چنین وانمود میسازند که محاکم مربوط بدون هدایت مقام ستره محکمه از اجراءات لازم در زمینه اجتناب مینمایند.

لهذا به منظور حل معضله و رسیده گی مقتضی در قبال موضوع، عرایض مراجعین و هموطنان محترم را احتراماً به عرض رسانیدیم، تا در زمینه هر آنچه امر و هدایتی باشد، مطابق به آن اجراءات صورت گیرد.))

شورایعالی ستره محکمه، طی مصوبه شماره (۹۱۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۷/۲۸ در زمینه هدایت ذیل را صادر نمود:

((موارد پیشنهادی ریاست تحریرات به ارتباط تقاضای مندرج عرایض عارضین، در جلسه شورایعالی مورد بحث قرار گرفت و تصمیم بر آن شد که: چون لزوم و عدم لزوم اتخاذ تجاوز در قضایای که تحت رسیده گی محاکم قرار دارند؛ مطابق حکم قانون شامل صلاحیت محاکم میباشد، ایجاب صدور احکام مقامات عالیه را نمی نماید، متن مصوبه به تمام محاکم متحدالماً تعمیم گردد.))

مراتب مصوبه فوق، بدینوسیله متحدالماً خبر داده شد تا آنرا به محاکم مربوط تعمیم نموده عندالموقع مطابق به آن اجراءات بعمل آورند.

رؤسای محاکم استیناف، در صورت موجودیت دلایلی موجه می توانند صلاحیت رسیده گی قضایای تحت دوران استینافی را از یک دیوان به دیوان دیگر تفویض نمایند، همچنان مدعی نیز می تواند در صورت موجودیت دلایل مقنع، مطابق به حکم قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه در مرحله ابتدائیه و استیناف، تقاضای تبدیلی محکمه را نماید

۲۲ - متحده المال شماره (۱۸۴۸ الی ۱۹۲۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۷۹) مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۱۲ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست تحریرات مقام ستره محکمه ج.ا.ا، ضمن پیشنهادیه ای مراتب ذیل را استهداء نموده است:

((یکعده از هموطنان ما در رابطه به موضوعات حقوقی تحت منازعه، بنابه بعضی دلائل و ملحوظاتی که دارند، تقاضای تبدیلی دیوان را از محاکم ابتدائیه و استیناف مینمایند.

این در حالست که در قانون سابق تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، تبدیلی دیوان از صلاحیت های رئیس محاکم استیناف بشمار میرفت ولی در قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه جدید و نافذه فعلی، در رابطه به داشتن صلاحیت رئیس محکمه استیناف مبنی بر تبدیلی دیوان (از یک دیوان به دیوان دیگر) حکم صریح وجود ندارد و عرایض واصله بر موضوع مورد بحث، تا اکنون بعد از احکام لازم مقام ممدوحی به ریاست دارالانشاء محول میشود و در قبال آن با قیاس به

صلاحیت تبدیلی محکمه، اجراءات یکسان صورت میگیرد، در زمینه طالب هدایت می باشیم.))

مطلب مورد استهداء در جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۱۲ شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید و طی مصوبه شماره (۹۷۹) هدایت ذیل صدور یافت:

((رؤسای محاکم استیناف در صورت موجودیت دلائل مؤجه میتوانند عنداللزوم صلاحیت رسیده گی قضایای تحت دوران استینافی را از یک دیوان به دیوان دیگر تفویض نمایند و کذا بمقصد تطبیق یکسان قانون، در صورت موجودیت دلائل مقنع، مدعی نیز میتواند مطابق به حکم قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، در مرحله ابتدائیه و استیناف تقاضای تبدیلی محکمه نماید، متن مصوبه به تمام محاکم متحده المالاً تعمیم گردد.))

(۱) چگونه گي بررسی شکایات متقاضیان بست های ادارات دولتي از نحوه اجراءات کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی، در قبال آنها

(۲) الی انفاذ سند تقنینی خاص، نماینده قضایای دولت یکجا با نماینده اداره تحت ادعا، به منظور دفاع از حقوق اداری دولت در جلسات قضائی محاکم اشتراک نمایند*.

۲۳ - متحدالمال شماره (۱۹۲۷ الی ۲۰۰۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۱۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۲۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

(محکمه استیناف ولایت کابل بالاثر استهدائیة محکمه ابتدایه حوزه دوم شهر کابل، راجع به یکتعداد متقاضیان داوطلب بست های ادارات دولت که از طریق کمیسیون اصلاحات اداری بعد از طی پروسه امتحان بحیث کارمند تقرر حاصل مینمایند از اجراءات و نحوه امتحان بالآخره) اعلان برنده بست) علیه کمیسیون متذکره با ارایه دلایل عدم شفافیت کاری کمیسیون، شاکی بوده و به محاکم ذیصلاح عارض میشوند، مطالبی را به این شرح طالب هدایت شده که قبل بر این، ریاست قضایای دولت موقف مدعی علیه بالوکاله حکمی را در همچو قضایا کسب مینمود و بررسی موضوع به حضور داشت طرفین صورت میگرفت.

* - در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است، از آن جهت عنوان این متحدالمال به شکل فوق، تنظیم گردید.

از اوایل سال جاری، اداره قضایای دولت از معرفی نماینده خویش، در قضایای کمیسیون اصلاحات اداری، خود داری نموده و استدلال مینمایند که اداره قضایای دولت، تنها مکلف به حمایت از دارایی های عامه میباشد. این موضوع اجراءات دوگانه را به بار آورده است، مرجع مستهدی در زمینه طالب هدایت شده اند. موضوع مورد بحث پس از غور تدقیقی ریاست تدقیق و مطالعات، به جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ شورای عالی ستره محکمه تقدیم شد که ذریعه مصوبه شماره (۱۰۲) در زمینه هدایت ذیل صادر گردید:

((شکایت از پروسه تعیینات طبق حکم ماده (۲۸) قانون کارکنان خدمات ملکی، نخست از جانب بورد رسیده گی به شکایات خدمات ملکی مورد بررسی قرار میگردد.

هرگاه یکی از طرفین به تصمیم بورد رسیده گی به شکایات خدمات ملکی قناعت نداشته باشد میتواند به محکمه مراجعه نمایند که در مسایل دعاوی اداری الی انفاذ سند تقنینی خاص، نماینده قضایای دولت یکجا با نماینده اداره تحت ادعاء، به منظور دفاع از حقوق اداری دولت در جلسات قضائی محاکم اشتراک نمایند.)) هدایت مندرج مصوبه فوق بدینوسیله به محاکم استیناف ولایات، وزارت عدلیه و کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی اخبار شد، تا آنرا به محاکم و ادارات مربوط خویش تعمیم نموده، مطابق به آن اجراءات بعمل آورند.

توضیح پیرامون ماده نهم ضمیمه شماره (۱) قانون اجراءات جزائی

۲۴ - متحده المال شماره (۲۰۰۸ الی ۲۰۸۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۱۵ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۶۱) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۳ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائی ریاست محکمه استیناف ولایت پروان به متن ذیل واصل آمده است:
 ((آمریت خارنوالی استیناف توقیفگاه بگرام، ذریعه مکتوب نمبر (۵۵۸ - ۱۰۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۷/۱۳ خویش، یک نقل فرمان تقنینی شماره (۷۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۱۱ ریاست جمهوری اسلامی افغانستان را در مورد توشیح ضمیمه شماره (۱) قانون اجراءات جزائی در رابطه به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرایم تروریستی که از طریق ریاست عمومی خارنوالی مبارزه علیه جرایم امنیت داخلی و خارجی به آنها مواصلت ورزیده و حاوی (۷) ورق میباشد به ریاست محکمه شهری ولایت پروان ارسال نموده و به استناد ماده (۹) فرمان متذکره، استناد نموده میخواهند دوسیه های متهمین خارج از ولایت پروان یعنی سایر ولایات افغانستان را، محول خارنوالی بگرام نموده، بدون امر تفویض صلاحیت از مقام ستره محکمه، محول محکمه زندان بگرام نمایند، در حالیکه محکمه صلاحیت رسیده گی این چنین دوسیه ها را طبق قوانین نافذه کشور، از لحاظ صلاحیت حوزه وی ندارد.

بناءً از مقام محترم در زمینه طالب هدایت هستیم و همچنان یک نقل فرمان متذکره، ضم مکتوب هذا به مقام محترم تقدیم است.))

ریاست عمومی تدقیق و مطالعات، پیرامون موضوع ضم، نامه شماره (۱۲۷۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۲۳، نظر خویش را چنین ارسال داشته است:

((فرمان تقنینی شماره (۷۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۱۱ ریاست جمهوری، با در نظر داشت ماده سوم آن، از تاریخ توشیح به عنوان ضمیمه شماره (۱) قانون اجراءات جزائی، در رابطه به (جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرائم تروریستی) نافذ و مرعی الاجراء میباشد.

اما در مورد ماده نهم فرمان فوق الذکر، باید گفت که ماده مذکور فقط در بر گیرنده مظنونین و متهمین جرائم تروریستی و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، مشمول جنایت به شمول اطفال و مظنونی است که از طریق مراجع ذیصلاح به مرکز عدلی و قضائی ولایت پروان منتقل گردیده باشند و یا از طرف دول خارجی به افغانستان تسلیم داده شده باشند.

تحقیق و بررسی دوسیه های متهمین و مظنونین مذکور، در مرحله ابتدائیه و استیناف توسط مؤظفین ریاست عمومی خاړنوالی مبارزه با جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاکمه آنها توسط محاکم ذیصلاح ولایت پروان صورت میگیرد. بناءً ارگانهای ذیربط هریک، مکلف اند که در محدوده صلاحیت خویش، مطابق قانون اجراءات جزائی و فرمان مذکور اجراءات خویش را عیار سازند.))

سوابق قضیه طی پیشنهادی به جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۳ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.، گزارش یافت که طی تصویب نمبر (۱۰۶۱) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۳ هدایت ذیل صادر گردید:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است، بمراجع مربوط اخبار گردد.))

در رابطه به زمین های غصب شده دولتی، مراجع مستهدی (رسمی و مسؤول) می توانند صرف از ثبت محفوظ اسناد اینگونه زمین ها، از محاکم طالب معلومات شوند

۲۵ - متحده المال شماره (۲۰۹۰ الی ۲۱۶۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۸ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۱۳۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۱۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیة ولایت لوگر و جلسه امنیتی آن ولایت، از طریق ریاست امور حقوقی اداره امور ریاست جمهوری به شرح ذیل مواصلت ورزیده است: ((به منظور جلوگیری از غصب زمینهای دولتی و غیر دولتی و اعمار منازل و مارکیت های خود سر از جانب زورمندان در جلسه امنیتی ولایت لوگر، تصمیم اتخاذ گردید تا در قدم اول، صحت اسناد ملکیت زمین های مورد بحث، از جانب محاکم مربوط تصدیق گردد و از شاروالی، اراضی و کادستر در قسمت اعمار آن که آیا شامل ماستر پلان شهری است یا خیر؟ معلومات خواسته شود و بعد از تکمیل اسناد اجازه داده شود تا اعمار منازل ادامه یابد.

ولی بعضی از ادارات دولتی، طور مثال: محاکم از دادن معلومات از صحت بودن و غیر صحت بودن اسناد حقوقی امتناع می ورزند و این خواست ولایت را مداخله در امور قضائی تلقی نموده اند.

طوریکه سوابق موضوع ملاحظه گردید مطالبه معلوماتیکه به اساس فیصله جلسه امنیتی از محکمه استیناف ولایت لوگر صورت گرفته به هیچ وجه مداخله در امور کاری محاکم نبوده است.

بدینوسیله کاپی اوراق مرتبط در زمینه گسیل است و تقاضاء به عمل می آید تا از طریق خویش به مقام ستره محکمه ج.ا.ا، موضوع را ارقام خواهند فرمود تا جهت تحکیم حکومت داری خوب، شفافیت کاری و همکاری لازم، آنمقام محترم به ریاست های محاکم هدایت مقتضی اصدار نمایند.))

راجع به مسئله متذکره مدققین قضائی ریاست تدقیق و مطالعات چنین ابراز نظر نموده اند:

((موضوع تصفیة اراضی و اماکن شخصی و دولتی از وظایف اداره محترم مستقل اراضی بوده و طبق قانون تنظیم امور زمینداری اسناد دست داشته اشخاص و افراد از جانب هیئت تصفیه ملاحظه و بعدا اجراآت می گردد.

بناءً جهت رعایت قانونیت و تطبیق سالم قانون تنظیم امور زمینداری بهتر است چنین پروسه از جانب هیئت با صلاحیت تصفیه به راه انداخته شود و هرگاه چنین شود؛ مسئولیت محاکم مندرج قانون مذکور واضح و روشن بوده محاکم به سهم خویش اجراآت خواهند نمود.

با آنهم در سایر احوال هرگاه اخذ معلومات از صحت یا عدم صحت وثایق و فیصله جات صادره از محاکم مطرح باشد، چون وثایق و فیصله جات اسناد رسمی اند؛ طبق صراحت ماده (۹۹۲) قانون مدنی به شرطیکه چنین اسناد از جعل و تزویر که قانوناً تصریح شده خالی باشند حجت شمرده میشوند. بناءً مرجع مستهدی می توانند صرف از ثبت محفوظ آن به دیوان قضاء از محاکم طالب معلومات شوند و اگر راجع به جعل و یا تزویر بودن آن ملاحظه داشته باشند می توانند موضوع را بمراجع مربوط غرض پیگیری و اقامه دعوی، محول نمایند.))

تفصیل جریان موضوع توأم با نظر تدقیقی به جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۱۷ شورایعالی گزارش یافت و طی تصویب شماره (۱۱۳۰) هدایت ذیل صادر گردید: (نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد، بمرجعش اخبار گردد.) مراتب مصوبه فوق طی نامه شماره (۹۹۴) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۳۰ به ریاست محترم عمومی اداره امور ریاست جمهوری اخبار گردیده است و اینک موضوع طور متحده المال به محاکم محترم استیناف ولایات، ادارات محترم مستقل ارگانهای محلی، اداره اراضی، لوی خاړنوالی و وزارت خانه های محترم عدلیه و امور داخله، طور متحده المال تعمیم گردید؛ تا آنرا به محاکم و ادارات مربوط اطلاع دهند و با رعایت نظر تدقیقی که بموجب مصوبه فوق، مورد تأیید قرار گرفته عندالموقع اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

تعیین وصف جرمی، صلاحیت و یا عدم صلاحیت رسیده گی به
قضایای از لحاظ حوزه وی یا موضوعی، از صلاحیت محاکم است

۲۶ - متحدالمال شماره (۲۱۶۹ الی ۲۲۴۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۳۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استثنائیه شماره (۳۱۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۲۰ دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی محکمه ابتداییه حوزه اول ولایت هرات، درج نامه شماره (۷۷۵۴) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۹، ریاست محکمه استیناف آن ولایت بشرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((بدینوسیله عرض میگردد که در زمینه تعیین وصف جرمی پرتاب بم یا نارنجک دستی به منازل افراد و اشخاص ملکی، بعضی ابهاماتی وجود دارد که از مقام محترم خواهشمندیم تا در زمینه با ارشادات و رهنمائی های شان ما را مستفید گردانند. خائنوالی محترم، بعضاً قضایای را که متهم به منزل یکی از شهروندان به قصد تهدید وی و یا خساره رسانیدن به وی، بم دستی و یا هم نارنجک پرتاب نموده است تحت عنوان انجام اعمال تخریبی به دیوان هذا ارسال داشته و خواهان مجازات متهم قضیه مطابق هدایت ماده (۱۴) قانون مبارزه علیه جرایم تروریستی میگردد.

این در حالیست که فقره اول ماده (۱۴) قانون مذکور چنین صراحت دارد:
((شخصی که یکی از مواد و وسایل آتی (مواد منفجره) را به محل مورد استفاده عامه یا بناها و تأسیسات دولتی یا سیستم ترانسپورتی عامه و یا سایر تأسیسات زیر

بنایی یا به استقامت آنها انتقال دهد، بگزارد، فیر نماید، یا آنرا انفجار دهد حسب احوال به حد اکثر جزائی حبس طویل و یا حبس دوام یا اعدام محکوم میگردد.)) اکنون چنانچه ملاحظه میگردد همه اماکن متذکره در ماده فوق الذکر محل تأسیسات دولتی و مورد استفاده عامه میباشند؛ اما در صورتی که مظنون یا متهم اگر به منزل شخصی فرد که مورد استفاده خانواده اش میباشد نارنجک پرتاب نماید، آیا وصف جرمی خرابکاری به عمل وی مصداق پیدا میکند و یا خیر؟ این در حالیکه ماده (۳۶۳) قانون جزاء در زمینه استعمال مواد منفجره در اموال منقول مربوط افراد، چنین صراحت دارد:

((شخصی که عمداً مواد منفلقه و منفجره را استعمال نماید که به اثر آن حیات مردم به خطر مواجه گردد حسب احوال به حبس طویل محکوم میگردد.)) چنانچه ملاحظه میشود در ماده فوق الذکر به صراحت بیان شده که اگر شخصی ذریعه مواد منفجره به مردم ضرر میرساند...

همچنان ماده (۳۶۴) قانون مذکور عین موضوع را در مورد اموال مردم بیان داشته است.

حالا در صورتی که شخص به منزل یکی از شهروندان به منظور تهدید و یا هم ضرر رساندن به وی نارنجک پرتاب نماید بهتر است قضیه مذکور، مطابق مواد متذکره قانون جزاء و در دیوان جزاء مورد رسیده گی قرار گیرد، نه مطابق ماده (۱۴) قانون مبارزه علیه جرایم تروریستی در دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی.

زیرا در ماده (۱۴) قانون مبارزه علیه جرایم تروریستی هدف، استعمال مواد منفجره به اماکن و تأسیسات دولتی و مورد استفاده عامه مد نظر میباشد در حالیکه

مواد (۳۶۳ و ۳۶۴) قانون جزاء مشخصاً در مورد افراد و اموال منقول و غیر منقول ایشان تأکید دارد، بناءً در زمینه طالب هدایت میباشیم.

قراریکه موضوع در جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۷ رؤسای دیوان های استیناف این ریاست مطرح گردید، در زمینه کدام پاسخ قناعت بخش ارایه نگردید و نتیجه بر آن شد که موضوع از مقام ستره محکمه احتراماً استهداء گردد.))

مطلب مورد استهداء جهت غور، به ریاست تدقیق و مطالعات محول گردید که مدققین قضائی آن ریاست در مورد چنین ابراز نظر نموده اند:

((اگرچه تعیین وصف جرمی صلاحیت یا عدم صلاحیت رسیده گی به قضایا از لحاظ حوزه یا موضوع از وظایف محاکم است. ولی با وجود آن جهت وضاحت موضوع چنین خاطر نشان میگردد که قانون جزاء در سال ۱۳۵۵ وضع و نافذ گردیده و طی آن جرایم در دو باب جداگانه به جرایم علیه امنیت و منفعت عامه و جرایم علیه افراد تقسیم گردیده است. بعداً قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در سال ۱۳۶۶ وضع و طی فرمان شماره (۱۵۳) مؤرخ ۱۳۶۶/۵/۱۰ وقت، به وزارت عدلیه دستور داده شد که فهرست مواد قانون جزاء که با این قانون ملغی میگردد تهیه گردد.

بناءً طوریکه ملاحظه میگردد ماده (۱۴) قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی مورد خاص را احتوا میکند که همانا انجام اعمال تخریبی علیه تأسیسات دولتی یا عام المنفعه میباشد و مواد (۳۶۳ و ۳۶۴) قانون جزاء تحت عنوان حریق و انفجار مواد خاص، تجاوز علیه امنیت و منفعت عامه را تنظیم می نماید و نیز بند (۲) ماده (۳۹۵) قانون جزاء انجام قتل عمد توسط مواد منفجره را در کتگوری جرایم علیه افراد تنظیم نموده است.

بناءً لازم است جهت تعیین وصف دقیق عمل جرمی تمام حالات مربوط به رکن مادی و معنوی آن مد نظر قرار گیرد و از حیث اینکه آیا جرم، علیه امنیت داخلی و خارجی ارتکاب یافته یا علیه امنیت و منفعت عامه و یا علیه فرد معین، با توجه به اینکه فرد معین شخص سیاسی یا ملی است و یا فرد عادی، غور دقیق صورت گیرد. در زمینه توجه محاکم به دقت نمودن در رسیده گی به قضایای جرمی و رعایت هرچه بهتر عدالت و تطبیق سالم قانون، لازم است.))

حینیکه تفصیل موضوع توأم با اصل نظر تدقیقی به جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ شورایعالی گزارش یافت، طی تصویب شماره (۱۲۳۰) هدایت ذیل صادر گردید: ((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد، موضوع به جمیع محاکم طور متحدالمال تعمیم گردد.))

مراتب و هدایت مصوبه، طی نامه شماره (۱۱۱۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۵ بریاست محاکم استیناف ولایات و اداره لوی خاړنوالی تعمیم گردید تا مطابق آن اجراءات نموده، محاکم و ادارات مربوط را نیز در جریان قرار دهند.

محاكم به اساس اصل استقلاليت نهادى قوه قضائيه، از اجراءات خویش صرف به مقامات فوقانى مربوطه خود مسؤول و پاسخگو مى باشند؛ نه مراجع دیگر

۲۷ - متحدالمال شماره (۲۲۴۵ الی ۲۳۲۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۵۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

((شعبه کارشناسی حقوق امنیتی و امور ولسوالی های ریاست خدمات تخنیکى و سکتورى ولایت سرپل، طى مکتوب شماره (۹۷۱) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۱۲ خویش، با ارسال تعداد (۵) ورق فورمه جمع آوری معلومات در مورد اجراءات عدلی و قضائی محاکم استیناف، خواهان گزارش از اجراءات محاکم مذکور شده است.

ریاست محکمه استیناف آن ولایت در خصوص خانه پری فورمه های متذکره و گزارش دهی به اداره متذکره، از مقام ستره محکمه، خواهان هدایت گردیده اند.))
مطلب مندرج استهداء، مورد غور و مذاقه مدققین قضائی ریاست تدقیق و مطالعات قرار گرفت و در زمینه، چنین ابراز نظر نموده اند:

((مطابق اصل استقلاليت نهادى قوه قضائيه، محاکم بر اساس مراتب ادارى از اجراءات خود تنها به مقامات فوقانى مربوطه خویش مسؤول و پاسخگو مى باشند. لذا محاکم هیچ مسؤولیتی برای گزارش دهی از اجراءات شان به غیر از مقامات مافوق خود ندارند، بلکه مکلف به رعایت اصل محرمیت و راز داری میباشند.

همچنان هر مقام که خارج از چارچوب و اصل مراتب اداری، خواهان اخذ گزارش از اجراءات محاکم می شود؛ باید بر اساس سلسله مراتب اداری عمل نمایند.

تنها مرجع پاسخ ده از اجراءات اداری محاکم به خارج از قوه قضائیه، ستاره محکمه ج.ا.ا میباشد که عالی ترین مرجع، هم از لحاظ اداری و هم از لحاظ قضائی به شمار میرود.

بناءً اداره مربوطه ولایت، در صورتیکه به چنین گزارشهای ضرورت دارد، میتواند مستقیماً در خواست خود را به ستاره محکمه تقدیم کند.))

جریان فوق در اجلاس مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ شورایعالی، مطرح شد و طی مصوبه شماره (۱۲۵۶) هدایت ذیل صادر گردید:

((نظر ریاست تدقیق و مطالعات تأیید است، بمرجعش اخبار گردد.))

در وکالت بالفروش اگر ارتباط وکیل با موکلش برقرار نباشد و چندین سال از ترتیب وکالت سپری شده باشد، همچنان اگر وکیل نتواند از حیات، ممات، آدرس، بقاء و دوام عقد وکالت به محکمه معلومات قناعت بخش ارائه نماید، از اجراءات بر مبنای همچو وکالت خط ها خود داری به عمل آید

۲۸ - متحده المال شماره (۲۳۲۲ الی ۲۳۹۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ ریاست دارالانشاء، که قبلاً به اساس مصوبه شماره (۱۳۴۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بود اما بعداً، مصوبه و متحده المال مذکور به اساس مصوبه شماره (۸۷۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ که درج متحده المال شماره (۱۷۰۴ الی ۱۷۷۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳ این مجموعه میباشد، ملغی گردیده است.

استهدائیه شماره (۱۶۱۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ آمریت وثایق حوزه چهارم شهر کابل ذریعه نامه (۱۲۲۱۴) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۷ ریاست محکمه استیناف ولایت کابل بشرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((محترماً! یکتعداد اشخاص به اساس وکالت خط های دست داشته شان که سالهای قبل حتی سی سال قبل از طرف مؤکل شان بصفت وکیل بالفروش بیع قطعی تعیین شده اند و میخواهند ملکیت مؤکل شانرا بفروش برسانند، خواهان اجرای قباله شرعی میباشند. نظر به ملاحظه وکالت خط ها سن مؤکل بسیار بالا میباشد و احتمال فوت شان میرود و وقتیکه از وکیل راجع به حیات و ممات مؤکل شان معلومات خواسته میشود وکیل از حیات و ممات و سکونت مؤکل شان خبر ندارد که مؤکل شان را حاضر سازد تا از حیات مؤکل و برحالی وکالت شان آمریت وثایق مطمئن گردد. نظر به اظهار وکیل اکثراً جایداها توسط همین وکالت خط ها،

به وکیل بفروش رسانیده است که همچو خرید و فروش توسط وکالت خط ها، محصول دولت را به هدر داده و از جانب دیگر مرور زمان بیشتر حتی (۳۰) سال به وکالت خط مورد شک و گمان هیئت قضائی راجع به صلاحیت وکیل به وکالت خط میگردد. نظر ما هیئت قضائی این است از این به بعد مطابق فقره (۲) ماده (۱۶۰۶) قانون مدنی وقتیکه وکالت خط بمنظور فروش و اخذ تقاعد ترتیب میگردد مؤکل راجع به قید زمان که بیشتر از سه سال نباشد مکلف شود و درج وکالت خط گردد بهتر خواهد بود و در مورد وکالت خط های سابقه که وکیل از سکونت فعلی موکل و حیات مؤکل و بقای وکالت معلومات خواسته شود وکیل اگر بخواهد ملکیت مؤکل خویشرا بنام خود تسجیل و یا به شخص دیگری بفروش قطعی برساند و خواهان اجرای قباله شرعی باشد میتواند مطابق مصوبه شماره (۵۶۳) مؤرخ ۱۳۹۱/۴/۲۴ رهنمود تنظیم اسناد شرعی مبنی بر توثیق عقد بیع انتقال و تسجیل ملکیت اجراء نماید این بود نظر ما طوریکه مقام محترم رهنمائی میفرمایند اجراءات میگردد.))

مطلب مورد استهداء بعد از ابراز نظر تدقیقی ریاست محترم تدقیق و مطالعات در جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ مقام محترم شورایعالی مطرح بحث قرار گرفت و طی مصوبه شماره (۱۳۴۸) هدایت ذیل صادر گردید:

((طبق ماده (۱۵۶۶) قانون مدنی وکیل مکلف است از اجراءات مربوط وکالت خود، مؤکل را وقتاً فوقتاً مطلع گرداند. بنابر این در وکالت بالفروش در صورتیکه ارتباط وکیل با مؤکلش برقرار نباشد و چندین سال از ترتیب وکالت خط سپری و وکیل نتواند از حیات، ممات، آدرس، بقاء و دوام عقد وکالت به محکمه معلومات قناعت بخش ارایه نماید از فروش بر مبنای همچو وکالت خط به منظور حمایت از حق غایب خود داری بعمل آید.))

مکاتیب متعلق به تحقیقات املاکی و صدور جلب و احضار، به امضای

رئیس محکمه حوزه مربوطه، مستقیماً به مرجعش ارسال شود*

۲۹ - متحده المال شماره (۲۳۹۶ الی ۲۴۷۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۳۷۴) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بوده بخش اول مصوبه مذکور، قرار شرح پاورقی این متحده المال، ملغی می باشد.

استهدائیه ریاست دیوان مدنی محکمه ابتدائیه حوزه اول شهر کابل، ذریعه نامه (۹۰۶۴) مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۱۶ ریاست محکمه استیناف ولایت کابل به شرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((با در نظر داشت موازین قانونی، هرگاه موضوع ایجاب محصول در فیصله جات مدنی را نماید محاکم از محکوم علیه محصول اخذ و تحویل خزانه دولت مینمایند. در صورتیکه فیصله از طرف محکمه استیناف نقض و دوباره محول محاکم ابتدائیه میگردد و یا در خود محکمه استیناف بر عکس به نفع محکوم علیه فیصله صادره محکمه ابتدائیه، حکم صادر گردد و محکوم له فیصله جدید خواهان پول

* - بخش اول این مصوبه به اساس شماره (۵) طرح محصول فیصله های محاکم که ضمن مصوبه شماره (۱۰۳) مؤرخ ۲۶/۱/۱۳۹۶ تأیید و ذریعه متحده المال (۱۵۱-۲۲۷) ۳/۱/۱۳۹۶ تعمیم گردیده است ملغی می باشد، از آن جهت در عنوان این متحده المال، درج نگردید.

اما بخش دوم مصوبه شماره (۱۳۷۴) مؤرخ ۲۰/۱۱/۱۳۹۴، که در رابطه به موضوع ارسال مکاتیب متعلق به تحقیقات املاکی و صدور جلب و احضار می باشد، ملغی نگردیده است.

که به عنوان محصول از وی اخذ گردیده بود شود، محاکم چگونه پول را از خزانه دولت اخذ و به شخص تسلیم نمایند.

آیا ذریعه مکتوب به بانک ها هدایت دهند، یا در زمینه قرار صادر نمایند تا پول دوباره حصول گردد در زمینه طالب هدایت میباشیم.

ثانیا، بعضی از دیوان های ابتدایی مکاتیب جلب و سایر معلومات خود را به ادارات مربوطه صادر نموده و ادارات نیز، جواب آن را دوباره عنوانی همان دیوان صادر کننده مکتوب، ارسال میدارند.

ولی بعضی دیوان های دیگر مکاتیب، جلب ها و سایر معلومات خود را از طریق محکمه ابتدائیه حوزه مربوطه خویش ارسال و بعداً حوزه مربوطه، جریان را به محکمه استیناف کابل و استیناف کابل آنرا به نواحی، شاروالی ها و ولسوالی های مربوطه و یا امریت کریمنال تخنیک ارسال میدارد.

دلیل عده یی از دیوان ها این است که بالاثر مصوبات متعدد شورای عالی ستره محکمه، در موضوعات مهم که از یک ولایت به ولایت دیگر یا به وزارت خانه ها مکاتیب صادر میگردد، باید به سلسله مراتب آن ارسال گردد، و این شامل موضوع جلب، تحقیقات اهل خبره و یا خواستن محبوس در دعوی حق العبدی نمی گردد.

ولی برخی از محاکم، به این عقیده اند که بالاثر هدایت مصوبات مقام محترم شورایعالی ستره محکمه، تمامی موضوعات باید از طریق سلسله مراتب آن ارسال گردد. اما نظر دوم باعث التواء در اجراءات و خلاف پرنسیب ساده سازی می باشد.

همچنان موضوع مذکور، خلاف اهداف ستره محکمه و اهداف که در قانون اصول محاکمات مدنی برای سیر محاکماتی در موضوعات حقوقی وضع گردیده است میباشد.

هنگامیکه تفتیش عادی قضائی که جهت بررسی در موضوعات حقوقی در دیوان های مدنی توظیف میگردد، تمامی موضوعات را تابع سلسله مراتب نمی دانند بلکه اذعان می دارند که موضوعات مشخص، باید به سلسله مراتب آن ارسال گردد، نه تمام مسایل.

به نظر هیأت قضائی این محکمه، از اینکه مصوبات شورایعالی ستره محکمه به وجه احسن آن تحقق یابد و از جانب هم قضایا، در زود ترین فرصت آن حل و فصل گردد، آنده مکاتیب مهم که از یک ولایت به ولایت دیگر و از محاکم به وزارت خانه ها صادر میگردد و هم چنان دوسیه های حقوقی و جزائی باید به سلسله مراتب به مراجع ذیصلاح آن ارسال گردد.

ولی موضوعات که متعلق به تحقیقات املاکی به نواحی، شاروالی ها و ولسوالی ها می باشد، همچنان مسایل مربوط به جلب و احضار ایجاب می نماید مستقیماً به همان ادارات صادر شود تا به زود ترین فرصت ممکن، اهداف محاکم بر آورده گردد، در زمینه نیز طالب هدایت مقام محترم میباشیم.))

مطالب مورد استهداء بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات در جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ شورایعالی مطرح گردید، در نتیجه طی مصوبه شماره (۱۳۷۴)،

چنین هدایت صادر شد:

(از آنجا که محصول تحویل شده توسط محکوم علیه از جمله عواید محکمه دانسته شده و قابل استرداد نمیباشد، بناءً محکوم له میتواند بعد از قطعی حکم ادعای جبران خساره ناشی از تحویلی محصول را بر محکوم علیه اقامه نماید. مکاتیب متعلق به تحقیقات املاکی و صدور جلب و احضار به امضای رئیس حوزه مربوطه، مستقیماً به مرجعش ارسال شود؛ موضوع به جمیع محاکم طور متحده المال اخبار گردد.)

سهولت و تسريع بیشتر در پروسه تهیه و ترتیب وثیقه حصر وراثت باز مانده گان شهدای ارگان های امنیتی

۳۰ - متحده المال شماره (۲۴۷۳ الی ۲۵۵۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۳۴۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۶ شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ضم نامه شماره (۱۲۷۸) ۱۳۹۴/۱۱/۳ ریاست عمومی ثبت اسناد و وثایق ستره محکمه، پیشنهادیه مدیریت عمومی اسناد و ارتباط ریاست دفتر مقام وزارت امور داخله به شرح ذیل مواصلت نموده است:

به اساس هدایت جلالتمآب رئیس جمهور و به منظور مواظبت دایمی و رسیده گی به فامیل های شهدای منسوبین نهاد های دفاعی و امنیتی کشور که جانهای شیرین شانرا در راه دفاع از استقلال، تمامیت اراضی و نوامیس ملی کشور قربان کرده اند، کمیته رسیده گی به این امور در وزارت های محترم دفاع ملی، امور داخله و ریاست عمومی امنیت ملی ایجاد و آغاز به فعالیت نموده و طی پیشنهادیه ای، مراتب ذیل را به مقام محترم ستره محکمه ارایه کرده اند:

((با حفظ پروسه فعلی طی مراحل اسناد حصر وراثت شهداء، برای آنده فامیل های که امکانات پیشبرد پروسه را جهت تهیه وثیقه خط شرعی حصر وراثت دارند کماکان ادامه یابد. اما در مورد آنده ورثه شهدای مربوط منسوبین وزارت های محترم دفاع ملی، امور داخله، ریاست عمومی امنیت ملی و سایر مواردیکه مقام عالی در جریان آن قرار دارند، امکان پیشبرد پروسه و طی مراحل اسناد مهیاء نباشد، محاکم محترم وثایق در مرکز و ولایات کشور برویت تصادیق و تأییدی رسمی نهاد های متذکره و ادارات محترم کشفی که معلومات دقیق و همه جانبه در

مورد فامیل و ورثه شهدای مربوط خویش، داشته و ارایه مینمایند، در ترتیب وثیقه خط حصر وراثت شهداء، اگر اجراءات نمایند، کمک جدی به ورثه شهداء خواهد بود.

نهاد های متذکره مصمم اند؛ تا در زمینه ارایه معلومات مورد نیاز محاکم محترم، فورمه جات اختصاصی را تهیه و برویت آن اجراءات بعدی خویش را عیار نمایند.))
طبق هدایت مقام محترم ستره محکمه موضوع در جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۶ شورایی عالی مطرح گردید در نتیجه طی تصویب شماره (۱۳۴۲) چنین هدایت صادر شد:

(بمنظور سهولت و تسریع بیشتر در پروسه تهیه و ترتیب وثیقه حصر وراثت بازماندگان نفقه خور شهدای ارگانهای امنیتی و دفاعی کشور، تجویز اتخاذ گردید که محاکم وثیقه مذکور را بعد از ارایه معلومات دقیق و تصدیق رسمی نهادهای امنیتی و دفاعی مبنی بر تأیید شهادت و حصر بازمانده گان نفقه خوار در محل سکونت اصلی یا فعلی بازمانده گان شهداء، بصورت عاجل ترتیب دهند و عنداللزوم در اجرای وثایق وکالت خط آنان نیز در عین زمان اجراءات بعمل آید. موضوع به عموم محاکم طور متحده المال تعمیم گردد.)

(۱) بررسی مطابقت یا عدم مطابقت احکام قوانین عادی با قانون اساسی، طبق صراحت ماده (۱۲۱) قانون اساسی افغانستان از صلاحیت های ستره محکمه می باشد؛ نه از وظایف کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی

(۲) محاکم مکلف اند، تجاوز از فروش جایداد های تحت تضمین بانک ها را در مدت (۲۰) روز، مطابق به احکام قانون اتخاذ نمایند.*

۳۱ - متحده المال شماره (۲۵۴۶ - ۲۶۲۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۸۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیة شماره (۳۷۲۸/۳۵۹۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۷/۲۸ دافغانستان بانک عنوانی مقام عالی ستره محکمه به شرح ذیل مواصلت ورزیده بود. ((طوریکه جناب عالیقدر آگاهی دارند قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی به منظور ایجاد فضای کاملاً مطمئن و جلب اعتماد و تشویق هرچه بیشتر سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی و سایر مراجع بین المللی در سیستم بانکی، تهیه و ترتیب گردیده که به اساس قانون اساسی کشور منجانب مجلسین محترم شورای ملی تصویب و از طرف مقام محترم ریاست جمهوری توشیح و در جریده رسمی به نشر رسیده است.

۶ - نوت: در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است، از آن جهت عنوان این متحده المال به شکل فوق، تنظیم گردید.

در ارتباط به تطبیق مندرجات قانون متذکره باید یاد آور شد که شورای محترم عالی ستره محکمه به تأیید نظریات تدقیقی ریاست محترم تدقیق و مطالعات آن مقام، متأسفانه فقره (۲) ماده (۲۷) قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی را در تناقض با ماده (۴۰) قانون اساسی افغانستان دانسته و آنرا فاقد اعتبار خوانده اند.

این در حالیست که ریاست دافغانستان بانک با ارسال مکاتیب متعدد و ارایه توضیحات مدلل و قانونی و نیز تدویر جلسات و بحث ها پیرامون موضوع به نتیجه مطلوب نرسیده و مقام عالی ستره محکمه نظریات تدقیقی ریاست محترم تدقیق و مطالعات را مبنی بر عدم مطابقت فقره (۲) ماده (۲۷) قانون رهن اموال غیر منقول با ماده (۴۰) قانون اساسی افغانستان تأیید نموده است.

با توجه به اهمیت موضوع، ریاست دافغانستان بانک یک بار دیگر طی نامه شماره (۲۰۲۴) مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۲۹، موضوع مورد نظر را با شرح و تفصیل بیشتر و ذکر دلایل شرعی، قانون اساسی و سایر قوانین مربوطه به مقام عالی ستره محکمه ارسال نمود که آن مقام محترم موضوع را مجدداً به ریاست محترم تدقیق و مطالعات راجع نمودند.

ریاست محترم تدقیق و مطالعات در نظریه تدقیقی خویش که مرفوع کننده مشکل عارضه نمی باشد، باز هم با تأیید نظریه های قبلی تأکید نموده و این نظریه را بعد از تأیید شورای عالی ستره محکمه طی نامه شماره (۳۹۱/۶۱۱) مؤرخ ۱۳۹۲/۷/۹ به این ریاست ارسال نموده اند که در آن چنین تذکر بعمل آمده است:

از اینکه در مورد عدم مطابقت فقره (۲) ماده (۲۷) قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی با قانون اساسی کشور، قبلاً شورایی عالی ستره محکمه ضمن مصوبه شماره (۶۴۹) مؤرخ ۱۳۸۹/۶/۲۳ تصمیم اتخاذ نموده و آنرا فاقد اعتبار خوانده اند، موضوع ایجاب مطرح گردیدن مکرر را نمی نماید طبق مصوبه نمبر فوق اجراءات گردد.

قابل ذکر میدانیم که در ارتباط به موضوع ما نحن فیه کمیسیون محترم مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی کشور نیز ابراز نظر نمودند و نظریات خویش را مبنی بر اعتبار و قابل تطبیق بودن فقره (۲) ماده (۲۷) قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی ضم نامه شماره (۱۳۵/۷۳۵) مؤرخ ۱۳۹۲/۹/۶ عنوانی ریاست دافغانستان بانک ارسال و کابی آن را به مقام محترم ستره محکمه و ریاست محترم جمهوری فرستاده اند.

بنابر این موضوع یکبار دیگر با نظر داشت موارد فوق و نیز دلایل مندرج نامه شماره (۲۰۲۴) مؤرخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ این اداره که ضم مکتوب هذا میباشد از مقام محترم متمنی هستیم تا در قسمت برداشت از مواد قانونی که به زعم ریاست محترم تدقیق و مطالعات آن مقام محترم، تضاد میان قانون اساسی و قانون رهن وجود دارد، تجدید نظر نموده و به رفع این سوء تفاهم پردازند، تا از یکطرف بانکهای مجوزه کشور از مصونیت قرضه های رهنی خویش مطمئن گردند و از جانب دیگر بتوانند از سپرده های مردم در انکشاف اقتصادی کشور استفاده معقول نمایند.

موضوع، قرار فوق، به مقام عالی مجدداً نگاشته شد، امیدوار هستیم مقام عالی در مورد اعتبار و قابل تطبیق بودن فقره (۲) ماده (۲۷) قانون رهن اموال غیر منقول

در معاملات بانکی، طی متحدالمال به تمام محاکم تحتانی هدایت لازم صادر فرموده
ممنون سازند.))

علاوۀ انضمام استهدائیۀ نمبر فوق، ریاست دافغانستان بانک طی چهار ورق،
دلایل مفصل را در زمینه تحریر و ارسال داشته اند.

مطلب مورد استهداء، بعد از ابراز نظر تدقیقی ریاست محترم تدقیق و مطالعات در
جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ شورایعالی، مطرح گردید و طی مصوبه شماره
(۱۲۸۷) هدایت ذیل صادر گردید:

(بررسی مطابقت یا عدم مطابقت احکام قوانین عادی با قانون اساسی، طبق
صراحت ماده (۱۲۱) قانون اساسی از صلاحیت ستره محکمه میباشد نه از وظایف
کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی.

محاکم مکلف اند؛ تجاوز فروش جایداد های تحت تضمین بانکی را در مدت
(۲۰) روز، مطابق به احکام قانون اتخاذ نمایند، موضوع به جمیع محاکم طور
متحدالمال اخبار گردد.)

مراتب مندرج تصویب شماره فوق شورایعالی ستره محکمه، بدینوسیله متحدالمالاً
به تمام محاکم محترم استیناف ولایات ابلاغ گردید تا آنرا به محاکم مربوط خویش
تعمیم نموده، مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی به عمل آورند.

بخش دوم
متحدالمال های سال ۱۳۹۵

(۱) قناعت به حکم محکمه تحتانی، اقرار به قبول آن می باشد و رجوع از

آن جواز ندارد

(۲) آمریت عمومی اداری قوه قضائیه، یک یک جلد کتاب وثیقه اصلاح

خط و ابراء خط را به دسترس محاکم استیناف قرار دهند تا در صورت

اصلاح و یا ابراء در مرحله استینافی، بدون ارجاع قضیه به محکمه

ابتدائیه اقرار اشخاص در آن درج گردد*

۱ - متحدالمال شماره (۱ - ۸۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۱/۱۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۴۶۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیه شماره (۱۴۲۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۷/۲۶ ریاست دیوان مدنی محکمه

ابتدائیه حوزه سوم شهر کابل ذریعه نامه (۹۰۲۴) مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۱۶ محکمه

استیناف ولایت کابل بشرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((بعضی قضایای حقوقی وجود دارد که محکوم علیه بدون هیچ نوع جبر و فشار

بر فیصله صادره محکمه ابتدائیه قناعت می نماید، مخصوصاً آن فیصله های که به

سوگند خاتمه میابد و اکثر محکوم علیه در فیصله های صادره، به قلم خود قناعت

خویش را به احکام صادره محاکم ابتدائیه تحریر می نمایند که با در نظرداشت

ماده (۷۲) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه چنین فیصله ها قطعی میباشد، ولی

* - نوت: در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است، از آن

جهت عنوان این متحدالمال به شکل فوق، تنظیم گردید.

بعداً محکوم علیه، بر حکم صادره مذکور، روی هر دلیل که بوده در خلال میعاد یک ماه استیناف خواهی می نمایند. محاکم استیناف به دلیل اینکه یک ماه میعاد قانونی برای استیناف طلبی میباشد، استیناف طلبی چنین افراد را قبول و به قناعت که در ذیل پارچه ابلاغ تحریر گردیده و اکثراً درج فیصله نیز میباشد، توجه نمی نمایند، دلیل ایشان بی سوادی اشخاص مذکور میباشد یعنی از اثر بی سوادی در پارچه ابلاغ قناعت خویش را ابراز می نمایند، در حالیکه چنین اقرار ها اکثراً به خط و کتابت اشخاص مذکور میباشد، در این قسمت بین محاکم محترم استیناف نیز هماهنگی وجود ندارد چنانچه بعضی از محاکم استیناف، قناعت محکوم علیه را در پارچه ابلاغ قبول نموده و فیصله صادره را بلاثر قناعت شخص مذکور، با در نظر داشت مواد قانونی قطعی می خوانند و در زمینه به رد استیناف طلبی قرار صادر مینمایند، که این محکمه نیز از نظریه دوم پیروی مینمایند، در زمینه طالب هدایت میباشیم و یا اینکه بخاطر تأمین عدالت و دقت بیشتر در چنین قضایای که محکوم علیه بر فیصله صادره قناعت می نمایند در پارچه ابلاغ، دو نفر منحیث شاهد نیز گرفته شود یا چطور؟

ثانیاً: با در نظر داشت فقره (۱) ماده (۲۳۱) قانون اصول محاکمات مدنی، هرگاه طرفین قضیه در موضوعات حقوقی بین خود اصلاح نمایند، محاکم با در نظر داشت تحقیقات املاکی و غیره موارد که ضرور است؛ در زمینه اصلاح خط و ابراء خط ترتیب و به موضوع خاتمه میدهند، ولی قضایای که در محاکم استیناف تحت رسیده گی قرار دارد، اگر طرفین قبل از ادخال دعوی به صورت حال، بین خود اصلاح مینمایند، موضوع از طرف محاکم استیناف جهت درج اصلاح و ابراء به محاکم تحتانی ارسال میگردد، در حالیکه طبق موازین قانونی و شرعی موزون

خواهد بود تا محاکم محترم استیناف یک جلد کتاب ابراء خط و اصلاح خط در محاکم خود در جمع یک نفر محرر حواله نموده و اصلاح و ابراء این چنین اشخاص، در همان محکمه استیناف خاتمه یابد. بدلیل اینکه از یک سو سرعت در اجراءات به وجود میاید و از سرگردانی مراجعین جلوگیری میگردد و از جانب هم تمام کیفیت و مشکلات موضوع به محاکم استیناف که قضیه در آن تحت غور قرار دارد، معلوم میگردد.

در صورت ارسال موضوع به محاکم ابتدائیه، قاضی ابتدائیه مقید به اجراءات قاضی محکمه استیناف نبوده ناگزیر در زمینه تحقیقات مجدد نماید که این جریان باعث التواء قضایای حقوقی میگردد، در زمینه طالب هدایت میباشیم.))

مطلب مورد استهداء، بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات در جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ شورایعالی ستره محکمه مورد بحث قرار گرفت، در نتیجه قرار تصویب شماره (۱۴۶۵) هدایت ذیل صادر گردید.

((نظر ریاست تدقیق و مطالعات مبنی بر اینکه: راجع به مورد اول مندرج استهدائیه باید خاطر نشان ساخت که طبق صراحت ماده (۲۷۳) قانون اصول محاکمات مدنی: (اقرار عبارت از اخبار به امری است در محکمه، که بقای حق طرف دعوی و یا حالتی را علیه مقرر ثابت سازد.) و طبق صراحت ماده (۲۷۷) قانون مذکور: (رجوع از اقرار که مطابق حکم ماده (۲۷۳) این قانون صورت گرفته باشد، اعتبار ندارد.)

بناءً از اینکه قناعت به حکم محکمه تحتانی، اقرار به قبول آن میباشد رجوع از آن اعتبار ندارد. محاکم محترم در اجراءات خویش احکام صریح قوانین مربوطه را ملاک عمل قرار داده، طبق آن اجراءات نمایند.)) تأیید گردید.

((به منظور تسریع روند رسیده گی در دیوان های مدنی و حقوق عامه محاکم استیناف ولایات، آمریت محترم عمومی اداری قوه قضائیه؛ یک یک جلد کتاب اصلاح خط و ابراء خط را به دسترس محاکم استیناف ولایات قرار دهند. موضوع به جمیع محاکم طور متحده المال اخبار گردد.))

مراتب مندرج تصویب نمبر فوق بدینوسیله متحده المالاً به جمیع محاکم استیناف ولایات اطلاع گردید تا آنرا به محاکم مربوطه خویش تعمیم نموده، مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آورند.

تأیید پیشنهادیه شورای علمای شیعه افغانستان، در رابطه به بعضی مسائل مربوط به احوال شخصیه اهل تشیع

۲ - متحده المال شماره (۷۹ - ۱۵۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۱ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۱/۳۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

شورای محترم علمای شیعه افغانستان طی نامه شماره (۱۳۶۹) مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۱۱ چنین تقاضاء نموده اند:

((طبق دستور آن مقام محترم حین تقدیم مکتوب مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۲۴ به شماره (۱۳۶۳) که فرموده بودید اینکه؛ مواردی را که از نظر فقه شیعه انجام آن در محاکم کشور، دست رسی محاکم به آن مشکل است فهرست وار بفرستید تا راه حل آن را سنجیده و به آن رسیده گی شود، اینک مواردی را که در احوال شخصیه هم ذکر است خدمت؛ یاد آور میشویم:

۱ - ماده (۱۴۱) بند یک مورد ایلاء را فقط مجتهد جامع الشرائط شیعه میتواند طلاق بدهد.

۲ - ماده (۱۴۳) بند دوم صیغه طلاق در صورت امکان باید به لفظ عربی واقع شود، که این مورد با وجود شورای علمای شیعه افغانستان امکان وجود دارد

۳ - ماده (۱۴۴) بند یک در طلاق؛ فردی طلاق دهنده باید مختار باشد که این مورد در محاکم مشکل است، که طالق را راضی به طلاق به طیب نفس کند و موضوع اختیار طالق در ماده (۱۴۲) از ارکان طلاق شمرده میشود که در صورت عدم آن طلاق باطل است.

۴ - ماده (۱۴۶) صیغه طلاق باید حضور دومرد عادل جاری شود، ما قبلاً گفته بودیم که تشخیص آن برای قضات غیر شیعه خالی از صعوبت نیست و استماع شهود عدلین رکن است؛ لذا تقاضای ما این است که تمام موارد فوق بعد از تکمیل تحقیقات، توسط محاکم کشور جهت اجرای صیغه طلاق به صورت صحیح طبق فتوای مراجع شیعه به شورای علمای شیعه در مرکز و نماینده گی های شورای علمای شیعه در ولایات و ولسوالی ها و در نبود شورا به یک نفر عالم دینی واجد شرایط ارجاع داده شود و بعد از اطمینان برای محکمه مربوطه حکم تفریق توسط محکمه مربوطه صادر گردد.))

موضوع طبق حکم مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۱۷ مقام محترم ستره محکمه در جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۲۶ مقام محترم شورایعالی مطرح و طی یادداشت شماره (۱۲۳) هدایت فرمودند که (موضوع را محترم متین صاحب عضو شورایعالی ستره محکمه و قضاوتوال احدی صاحب سرپرست دارالانشاء شورایعالی مطالعه فرمایند.) که بالاثر محترم متین صاحب و احدی صاحب نظر خویش را ذیلاً ابراز نموده اند:

((۱. در مورد ایلاء فقره (۱) ماده (۱۴۱) قانون احوال شخصیه اهل تشیع هدایت واضح و روشن دارد، محاکم طبق آن اجراات نماید.

۲. چون اجراات صیغه طلاق طبق ماده (۱۴۲) قانون احوال شخصیه اهل تشیع یکی از ارکان طلاق است.

دیوانهای احوال شخصیه محاکم در قضایایی که منجر به تفریق بین زوجین گردد و زوج شیعه باشد، در آخر نص حکم فیصله صادره شان چنین تصریح بعمل آرند: (محکوم لها بعد از نهائی شدن حکم و اجرای صیغه طلاق توسط عالم واجد

الشرايط شيعه، در حضور دو شاهد عادل و انقضای ايام قانونی عدت، اختيار نفس خود را خودش دارد.)

در ساير موارد نيز طبق صراحت قانون احوال شخصيه اهل تشيع اجراءات دقيق بعمل آيد.))

حينكه تفصيل جريان موضوع باری در مجلس مؤرخ ۱۳۹۵/۱/۳۱ مقام محترم شوراي عالی مطرح گردید، در نتیجه، طی تصویب شماره (۹۶) هدايت ذیل صادر شد:

((نظر ارايه شده مندرج پیشنهاد تأييد است. به منظور اجراءات مقتضی متحده المالاً به عموم محاکم تعميم گردد.))

هدايت مصوبه شماره فوق شوراي عالی ستره محكمه، بدینوسیله به محاکم استیناف ولايات، طور متحده المال ابلاغ گردید؛ تا آنرا به محاکم مربوطه خویش تعميم نموده عندالموقع، مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی را به عمل آورند.

به تأیید مصوبه شماره (۱۳۴۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ قبلی شورایی عالی
مندرج متحده المال (۲۳۲۲ الی ۲۳۹۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۵، مبنی
بر اینکه اگر امر موکول بهای مندرج و کالت خط بالفروش تا دو سال از
جانب وکیل ایفاء نشده باشد، وکیل مکلف است که مؤکل خود را به
محکمه حاضر نماید

۵ - متحده المال شماره (۱۵۴ - ۲۳۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۷ ریاست
دارالانشاء که قبلاً به اساس مصوبه شماره (۹۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۱/۳۱ شورایی عالی
ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بود اما بعداً مصوبه و متحده المال مذکور به
اساس مصوبه شماره (۸۷۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ که درج متحده المال شماره
(۱۷۰۴ الی ۱۷۷۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳ این مجموعه میباشد، ملغی گردیده
است.

به تعقیب متحده المال شماره (۲۳۲۲ - ۲۳۹۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ نگاشته
میشود:

قبلاً استهدائیه محکمه استیناف ولایت کابل راجع به آنعده وکالت خط های
بالفروش که سالهای قبل حتی سی سال قبل ترتیب گردیده است، و وکلا میخواهد
ملکیت مؤکلین خویش را بفروش برساند و خواهان اجرای قباله شده اند در جلسه
مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ مقام محترم شورایی عالی مطرح و طی تصویب شماره
(۱۳۴۸) هدایت ذیل ارشاد فرموده بودند:

((طبق ماده (۱۵۶۶) قانون مدنی وکیل مکلف است از اجراءات مربوط وکالت
خود مؤکل را وقتاً فوقتاً مطلع گرداند بنابراین در وکالت بالفروش در صورتیکه
ارتباط وکیل با مؤکلش بر قرار نباشد و چندین سال از ترتیب وکالت خط سپری و

وکیل نتواند از حیات و ممات، آدرس بقا و دوام عقد وکالت به محکمه معلومات قناعت بخش ارایه نماید؛ از فروش بر مبنای همچو وکالت خط به منظور حمایت از حق غایب خود داری بعمل آید.))

که هدایت فوق مقام محترم شورایعالی به تمام محاکم استیناف ولایات ابلاغ گردیده است، اکنون استهدائیه محکمه استیناف ولایت کابل در مورد تصویب شماره فوق بشرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((به ارتباط مکتوب (۴۴۵۰/۵۰۵۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۶ همدریف آن تصویب (۱۳۴۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ مقام محترم شورایعالی که در جواب استهدائیه محکمه وثایق زون چهارم کابل به این محکمه فرستاده شده باید خاطر نشان سازیم اینکه در تصویب متذکره بر قرار ارتباط وکیل به مؤکلش شرط مدار حکم بودن وکالت دانسته شده؛ ولی واضح نگردیده که وکیل و مؤکل چگونه ارتباط بر قرار نمایند و از اقرار خود چه نوع سند و یا ثبوت ارایه نماید. آیا علم آوری و قناعت قضات و ریاست های وثایق به استناد و صلاحیت های مندرج وکالت خط ها توثیق عقد مینماید در مورد کافی بوده، یا از وکیل سند مؤثق در مورد مطالبه نموده؛ ضم سوابق اجراءات خود نماید. همچنان ابهام که در کلمه چندین سال مندرج تصویب بوده مشکلات جدی را برای مایان در اجرای وثایق به بار آورده و معلوم شده نمی تواند که مراد از چندین سال؛ چند سال مشخص بوده؛ تا ابهام موضوع از بین رفته و واقعاً قضات وثایق از سر در گمی حین اجراءات در قبال همچو وکالت خط ها بر آمده مصدر خدمت واقعی به مراجعین گردیده باشند. نظر: به نظر مایان اگر مکلفیت وکیل که در ماده ۱۵۶۶ قانون مدنی واضح گردیده و به تصویب به آن استناد گردیده؛ به خود وکیل گذاشته شود و در حصه

انتهای وکالت ماده (۱۶۰۶) که فقط برای همین مورد بوده استناد صورت گیرد و منحث تدابیر احتیاطی و جلوگیری از جارو جنجال های آینده بایع بالوکاله، مشتری مؤکل و وکیل موضوع مندرج ماده ۱۶۰۶ به تقدیر و علم آوری قضات توثیق کننده منوط و مربوط گردد، بهتر و موزون خواهد بود و مشکلات عمده مراجعین از این ناحیه باز هم اولیای قضات توثیق کننده منوط و مربوط گردد، بهتر و موزون خواهد بود.))

حینیکه مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن به جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۱/۳۱ مقام محترم شورایعالی گزارش یافت در نتیجه قرار تصویب شماره (۹۵) هدایت ذیل صادر گردید:

((بتأیید مصوبه شماره (۱۳۴۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ قبلی شورایعالی در صورتیکه امر موکول بهای مندرج وکالت خط بالفروش تا دو سال از جانب وکیل ایفاء نشده باشد وکیل مکلف است که مؤکل خود را به محکمه حاضر نماید و هرگاه مؤکل در خارج از کشور اقامت داشته باشد وکیل مکلف گردد، طی سند کتبی به سلسله وزارت امور خارجه ج.ا.ا از حیات، ممات، بقاء و دوام وکالت مورد نظر معلومات که اطمینان محکمه را حاصل نموده بتواند، ارایه نماید.))

مراتب مندرج تصویب شماره فوق بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات اطلاع گردید؛ تا آنرا به محاکم ذیربط تعمیم نموده عندالموقع مطابق آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آورند.

تعیین نرخ دیت برای سال ۱۳۹۵

۶ - متحده المال شماره (۲۳۰ - ۳۲۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۳۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۱۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده است.

از آنجا که حسب هدایت مصوبه شماره (۲۴۵) مؤرخ ۱۳۸۹/۴/۱ شورایعالی ستره محکمه اوسط نرخ نقره در ششماه اول و دوم سال قبل مطابق مطابق معلومات کمیسیون دوم سیمینار رؤسای محاکم ولایات منعقدۀ سال (۱۳۴۷) نرخ هفت هزار مثقال نقره خالص محاسبه و برای سال بعد معیار اندازه دیت در دعاوی حق العبدی قضایای جزائی قرار داده میشود.

بر اساس هدایت فوق بمنظور تثبیت نرخ دیت برای سال -۱۳۹۵- نرخ وسطی خرید فی گرام نقره خالص در ششماه اول و دوم سال -۱۳۹۴- از ریاست عمومی د افغانستان بانک مطالبه شد، بانک مذکور مبنی بر ارقام که از مارکیٹ لندن بدست آورده، نرخ فی گرام نقره خالص در ششماه اول سال -۱۳۹۴- را و معادل (۳۰،۴۶) افغانی و نرخ نقره خالص در ششماه دوم سال -۱۳۹۴- را معادل (۳۱،۹۴) افغانی معلومات داده اند که اوسط نرخ های فوق فی گرام مبلغ (۳۱،۲۱) افغانی را بدست میدهد و یک مثقال نقره خالص حسب مصوبه (۴۳۹) مؤرخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ مقام محترم شورایعالی مبنی بر مسایل فقه معادل پنج گرام معین شده است که با رعایت هدایت مصوبه فوق قیمت مقدار هفت هزار مثقال نقره خالص مطابق به قیمت های ارایه شده از د افغانستان بانک حسب فارمول ذیل:

هفت هزار مثقال نقره مساوی است به (۳۵۰۰۰) گرام قیمت وسطی یک گرام نقره طی شش ماه اول و دوم سال ۱۳۹۴ - مساوی به (۳۱،۲۱) افغانی بناءً قیمت هفت هزار مثقال نقره معادل (۳۵۰۰۰) گرام عبارت از $(1.9235 = 35000 \times 31.21)$ افغانی با در نظر داشت ارزیابی فوق مبلغ (۱۰۹۲۳۵۰) افغانی نرخ دیت برای سال ۱۳۹۵ - جهت رسیده گی به دعاوی حق العبدی در محاکم محاسبه گردیده است.

مراتب فوق به جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۱۴ شورای عالی ستره محکمه گزارش یافت و قرار مصوبه شماره (۱۳۰) هدایت ذیل صادر گردید:

((به اساس معلومات حاصله از د افغانستان بانک نرخ وسطی فی گرام نقره خالص طی شش ماه اول و ششماه دوم سال ۱۳۹۴ مبلغ (۳۱،۲۱) افغانی تثبیت و با در نظر داشت آن نرخ مقدار هفت هزار مثقال نقره خالص معادل (۳۵۰۰۰) گرام با رعایت مصوبه کمیسیون دوم سیمینار رؤسای محاکم ولایات منعقدہ سال ۱۳۴۷ مندرج صفحه (۴۵) نشریه سیمینار مذکور مبلغ (۱۰۹۲۳۵۰) افغانی سنجش گردیده است.

بنابر آن مبلغ متذکره بحیث نرخ دیت، برای سال ۱۳۹۵ تصویب شد، متن مصوبه به مقصد توحید مرافق قضائی به تمام محاکم متحده المالا اخبار و در مجله قضا و جریده میزان نشر شود.))

متن مصوبه شورای عالی ستره محکمه بدینوسیله به محاکم محترم استیناف ولایات اخبار شد؛ تا آنرا به تمام محاکم مربوط متحده المالا تعمیم نموده مطابق به آن اجراءات نمایند.

بعد از صدور حکم محکمه ابتدائیه، محکوم علیه به پرداخت محصول فیصله مکلف گردد. در صورتیکه از اخذ تعرفه ابراء ورزد، محکمه موضوع را رسماً به محکمه فوقانی اطلاع داده و دوسیه را از اندراج خارج سازد. بعداً محکمه فوقانی طبق احکام مواد قانون مربوط نسبت عدم پرداخت محصول، از اخذ اعتراض معترض معذرت خواسته جهت تکمیل اجراءات، قرار تعطیل اجراءات را با تعیین مهلت معقول صادر و به محکوم علیه محکمه تحتانی یا مستأنف ابلاغ نماید. در صورتیکه مستأنف در مهلت تعیین شده به پرداخت محصول اقدام ننماید، محکمه فوقانی قرار سقوط حق اعتراض را در مطابقت به ماده (۴۱۸) قانون اصول محاکمات مدنی صادر نماید

۷ - متحدالمال شماره (۴۵۸ الی ۵۳۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۲۵ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۲۲۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۸ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیه شماره (۶۵۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۸ ریاست محکمه استیناف ولایت کابل به متن ذیل موصلت ورزیده است:
 ((عنوانی ریاست دیوان مدنی و احوال شخصیه محکمه استیناف ولایت کابل، مکتوب شماره (۱۴۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۵ ریاست مالی و اداری مقام عالی ستره محکمه ذیلاً موصلت ورزیده است:

(جهت اجرای بهتر و دقیق صورت جمع آوری عواید محاکم مربوطه شما بنابر هدایت مقامات صالحه قوه قضائیه و در مطابقت با تعلیمات نامه حسابداری سال (۱۳۹۰) خورشیدی وزارت مالیه، هدایت داده میشود تا منبعت عواید تحصیلی محاکم مربوطه خویش را با ترتیب تعرفه فورم (م۲۶) تحویلی پول که نقل آن ضم

نامه هذا میباشد با درج نمبر حساب (۰۰۰۲۰۸۲۰۲۰۲۱) ستره محکمه و کد های مشخص محصول، فیصله ها و فیس های قانونی دعاوی که تفصیل آن بعداً از جانب مدیریت تحصیلی ستره محکمه برای شما توضیح خواهد گردید ترتیب و به شهری خانگه اول د افغانستان بانک ذریعه مودی ها تحویل نمایند، قیمت وثایق کما فی السابق ذریعه تعرفه به حساب مستوفیت ولایت کابل تحویل گردد.

مراتب هدایت فوق غرض اجراءات لازمه به شما ارقام یافت تا محتویات آنرا به محاکم مربوطه ابلاغ و مرعی دارند.

به شما بهتر معلوم است که فیصله های مرحله استینافی که به اثبات دعوی صدور می یابد، تابع پانزده فیصد محصول و عدم اثبات تابع یک فیصد محصول میگردد. بناءً از اینکه اشخاصیکه محکوم علیه قرار میگیرند از گرفتن ورق فورم (۲۶م) تعرفه تحویل عواید، اباء می ورزند که از آن رهگذر، اوراق دوسیه در دیوان ملتوی می ماند.

از جانب دیگر مصوبه شماره (۵۸۹) ۱۳۸۶/۷/۵ شورایعالی ستره محکمه چنین مشعر است: (در رابطه به پرداخت محصول بعد از قطعیت حکم فیصله قابل تحصیل است.)

لذا اینک مراتب فوق، احتراماً پیشنهاد گردید، به منظور اجرای کار خلق الله طالب هدایت میباشم.))

روی جریان فوق مدققین قضائی ریاست تدقیق و مطالعات ذیلاً ابراز نظر نموده اند.

((طوریکه ملاحظه میگردد مرجع مستهدی در مورد عدم تحصیل محصول فیصله در مرحله ابتدائیه دو مشکل را مطرح کرده است:

اول اینکه مصوبه شماره (۵۸۹) مؤرخ ۱۳۸۶/۷/۵ شورایعالی ستاره محکمه، هدایت نموده که محصول بعد از قطعی حکم فیصله قابل تحصیل است.

در این رابطه باید خاطر نشان ساخت که محصول فیصله اقامه دعاوی طبق احکام تعرفه محصول دولتی در مراحل ابتدایی، استیناف و تمیز اخذ میگردد. بناءً تعطیل آن الی قطعی حکم در مخالفت با احکام تعرفه محصول دولتی قرار خواهد گرفت و از جانب دیگر بعد از قطعی حکم، محکوم علیه که بازنده قضیه است هرگز به پرداخت محصول حاضر نخواهد گردید و در آن زمان هیچگونه تضمین برای اخذ محصول وجود نخواهد داشت.

و از جانب دیگر اخذ محصول بعد از قطعی حکم از جانب ادارات حقوق وزارت عدلیه و با صدور تعرفه آنها صورت خواهد گرفت که منتج به ازدیاد عواید وزارت عدلیه و تقلیل عواید محاکم خواهد گردید.

دوم اینکه محکوم علیه در مرحله ابتدایی از گرفتن تعرفه محصول فیصله ابراء می ورزد و به این وسیله اوراق دوسیه در محکمه ملتوی می ماند.

در رابطه به حل هر دو مورد فوق الذکر قانون اصول محاکمات مدنی در فصل سوم تحت عنوان اجراءات مقدماتی محکمه فوقانی طی مواد (۳۸۲ و ۳۸۳) هدایت مفصل داده که تضمین بسیار خوب برای اخذ محصول از جانب محکوم علیه شمرده می شود و چنین صراحت دارند:

ماده (۳۸۲): (محکمه فوقانی در موارد ذیل قرار مبنی بر تعطیل اجراءات شکایت را صادر و به شاکی یا معترض برای تصحیح شکایت و یا اعتراض مهلت می دهد:

۱ - در صورتیکه شکایت یا اعتراض از طرف تقدیم کننده گان امضاء نشده باشد.

۲ - در صورتیکه ضمایم لازم توأم با شکایت به محکمه تقدیم نشده باشد.

۳ - در صورتیکه محصول دولتی مرتب به شکایت یا اعتراض تأدیه نشده باشد.)
 ماده (۳۸۳): (محاسبه موعد مرور زمان برای شکایت یا اعتراض از تاریخ تقدیم آن به محکمه صورت می گیرد.

مشروط بر اینکه تقدیم کننده شکایت یا اعتراض در ميعاد معينه هدايات قرار
 مندرج ماده (۳۸۲) را اجراء نمايند.)

بناءً بعد از صدور حکم محکمه ابتدائيه محکوم عليه به پرداخت محصول فيصله
 مکلف گردد و در صورتیکه از اخذ تعرفه ابراء ورزد محکمه موضوع را رسماً به
 محکمه فوقانی اطلاع داده و دوسيه را از اندراج خارج سازند، بعداً محکمه فوقانی
 طبق احکام مواد فوق الذکر نسبت عدم پرداخت محصول از اخذ اعتراض معترض
 معذرت خواسته جهت تکميل اجراآت، قرار تعطيل اجراآت را با تعيين مهلت معقول
 صادر و به محکوم عليه محکمه تحتانی یا مستأنف ابلاغ نمايند، در صورتیکه
 مستأنف در مهلت تعيين شده به پرداخت محصول اقدام ننمايد محکمه فوقانی قرار
 سقوط حق اعتراض را در مطابقت به ماده (۴۱۸) قانون اصول محاکمات مدنی
 صادر خواهند نمود.

با چنین اجراآت از یک سو احکام قانون اصول محاکمات مدنی رعایت خواهد
 گردید از جانب دیگر عوايد محاکم ازدياد خواهد يافت و هم تضمين خوبی برای
 اخذ محصول فيصله ها وجود خواهد داشت.))

چينکه مطلب مورد استهداء و نظر تدقيقی مرتب بر آن بالتفصيل به جلسه مؤرخ
 ۱۳۹۵/۲/۲۸ شوراي عالی ستره محکمه گزارش يافت، طی تصويب شماره (۲۲۵)
 هدايت ذيل صادر گردید:

((نظر رياست تدقيق و مطالعات تأييد است، موضوع به عموم محاکم متحداً
 اخبار گردد.))

حتمی بودن معادلت (برابری)، میان ارزش جایداد که به قرضه بانک
ها گذاشته میشود و دین که در مقابل آن از بانک ها حاصل می گردد

۸ - متحده المال شماره (۳۰۶ - ۳۸۱) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۲۶ ریاست
دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۲۲۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۸ شورایی عالی
ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیه آمریت ثبت اسناد و وثایق شهر هرات ذریعه نامه شماره (۹۳۳۸)
مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ محکمه استیناف ولایت مذکور، غرض ابراز نظر بریاست
تدقیق و مطالعات محول گردیده بود، که متن استهدائیه حاوی شرح ذیل میباشد.
(محرماً! بیع جایزی از جمله بیوع میباشد که از قدیم الایام تا اکنون بین
اشخاص حقیقی و حکمی در وثیقه قباله بیع جایزی صورت میگیرد و بعضی اوقات
از این ناحیه به مشکل مواجه میشویم که بررسی آنها تا اندازه کارمندان قضائی این
آمریت را به تشویش مواجه میسازد، در بیع مذکور بطور عموم در بین بانک ها اعم
از دولتی، خصوصی و مدیونین شان چنین رویه وجود دارد که اصلاً بانک ها تعادل
بین قرضه و ارزش جایداد را در نظر نمیگیرند و تفاوت فاحش در زمینه موجود
میباشد؛ به طور مثال: ارزش جایداد غیر منقول مندرج قباله بیع قطعی شماره
(۳۷/۵۲۸۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۹/۲۶ هفت ملیون افغانی میباشد که در این مورد
شخص خواهان چهل و دو ملیون افغانی قرضه از بانک گردیده است. ملکیت
متذکره خویش را در بیع جایزی به تضمین بانک قرار میدهد و نماینده بانک به
پرداخت مبلغ فوق، موافقت نموده و اصرار میورزد که این بانک خصوصی میباشد
و ما به پرداخت مبلغ ذکر شده برای مدیون موافقه داریم و در زمینه کدام مشکلی
وجود ندارد.

آنچه از مقام عالی طالب هدایت میباشیم این است؛ که با رهنمود های عالمانه خویش ما را ارشاد خواهند فرمود؛ تا در چنین موارد جی تصمیم اتخاذ بنماییم و روی کدام معیار ها وثایق بیع جایزی اجراء گردد؟ و دیگر اینکه آیا تعادل در بین ارزش جایداد و قرضه در نظر گرفته شود و یا خیر؟ و اگر در مورد کدام هدایتی صادر شود تا قانون تطبیق گردیده و از ضیاع حقوق دیگران جلوگیری به عمل آید بهتر خواهد بود.

طوریکه استهدائی فوق در جلسه تاریخی ۱۳۹۴/۱۱/۱۷ رؤسای محترم دیوان های این ریاست مطرح بحث قرار گرفت، چنین تصمیم اتخاذ شد؛ که موضوع استهداء به مرکز عرض شود. ((

مطلب مورد استهداء بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات، در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۸ شورایعالی ستره محکمه مورد بحث قرار گرفت، در نتیجه طی تصویب شماره (۲۲۴) هدایت ذیل صادر گردید:

(معادلت ارزش مالی مرهونه با دین که از بانک حاصل میگردد حتمی بوده؛ محاکم و ادارات ثبت و اسناد و وثایق در زمینه، قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی را تطبیق نمایند.

موضوع به جمیع محاکم طور متحده المال اخبار گردد.)

هدایت فوق مقام محترم شورایعالی بدینوسیله به تمام محاکم استیناف ولایات و ادارات مربوط متحده المالا اخبار گردید؛ تا آنرا به ادارات ذیربط خود تعمیم نموده، وفق آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

توثیق عقد مطابق به رهنمود تنظیم اسناد شرعی

مبنی بر توثیق عقد بیع، انتقال و تجدید ملکیت

۹ - متحده المال شماره (۳۸۲ - ۴۶۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۳۰ ریاست دارلانشاء، که قبلاً به اساس مصوبه شماره (۲۱۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بود اما مصوبه و متحده المال مذکور به اساس مصوبه شماره (۵۱۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۲۷ که درج متحده المال شماره (۹۱۸ الی ۹۹۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۹ این مجموعه میباشد، ملغی گردیده است.

نامه شماره (۵۹۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۹ محکمه استیناف ولایت کابل بالاثر استهدائیه آمریت وثایق حوزه اول شهر کابل ذریعه صادره (۲۹۶۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۵ ریاست تحریرات مقام ستره محکمه بشرح ذیل غرض ابراز نظر بریاست تدقیق و مطالعات محول گردیده است:

((اسم، ولد، ولدیت)، قرار حصر وراثت شماره (۱۷۳۶ - ۵۶۹۴) مؤرخ مرتبه محکمه هذا و وکالت خط شرعی شماره (۶۱۲۰ - ۱۱۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۲۶ مرتبه محکمه هذا طی عریضه مطبوع شماره (۲۲۷۳۳۵) خویش عارض و خواهان فروش و اجرای قبالة موازی نود (۹۰) متر مربع از مندرج یک در بند حویلی بمساحت (۲۴۵) متر مربع واقع شاه سمندی چنداول به اساس مصوبه شماره (۵۶۳) مؤرخ ۱۳۹۱/۴/۲۷ شورایعالی مقام ستره محکمه گردیده که به اساس آن فورم دورانی قبلاً طی مراحل و طبق فقره (۴) رهنمود مذکور یک سلسله معلومات اخذ گردیده طوریکه مصوبه نمبر فوق ملاحظه میگردد، در آن یکی از موارد این بوده که در خرید و فروش هاییکه طور شخصی در چند دست رد و بدل میگردد؛ محصول مقرر قانونی نادیده گرفته میشود و ضایع میگردد.

اما مطابق فقره (۷) رهنمود: اجرای وثیقه شرعی مبنی بر توثیق عقد بیع و انتقال ملکیت در خصوص متعاقدين (بایع و مشتری) و یا وثیقه تسجیل ملکیت در مورد متصرف جایداد که به وثیقه اقرار خط صورت میگیرد، ازاینکه اقرار خط از جمله وثایق غیر محصولی میباشد. هرگاه وفق فقره متذکره توثیق عقد بیع و انتقال ملکیت و یا تسجیل ملکیت در مورد متصرف جایداد بروی اقرار خط صورت گیرد، چگونه و به اساس کدام مواد قانون محصول اخذ گردد؛ زیرا در تعرفه محصول دولتی منتشره جریده رسمی و تعدیلات آن اخذ محصول بر بنیاد توثیق عقد به وثیقه اقرار خط به نظر نمی رسد.

۲: فقره (۴) رهنمود چنین مشعر است: "مالکین جایداد های که فاقد سند مندرج فقره (۳) این رهنمود اند، توثیق معاملات عقاری شان بعد از اكمال معلومات های ذیل صورت گیرد:

الف: اخذ معلومات لازم از پلوان شریکان و همجواران در مورد جایداد مورد بحث.

ب: اخذ تصدیق از دفاتر مالیاتی و شاروالی مربوط در مورد اینکه عقار مورد بحث در قید دفتر مالیه و یا دفتر املاک قرار دارد یا خیر؟

ج: حصول اطمینان از مراجع ذیربط در مورد اینکه جایداد مورد بحث تحت ادعا قرار ندارد.

د: اعلان از طریق رادیو، تلویزیون و روزنامه ها برای مدت یکماه به مصرف بایع. تا جایکه دیده میشود ادارات مربوطه مطابق فقره (۴) رهنمود از قیدیت املاک که آیا در قید دفتر مالیه و یا دفتر املاک قرار دارد یا خیر؟ به گونه دقیق و همه جانبه معلومات ارایه نمی دارند؛ بلکه به ملاحظه دفاتر اساس خانواری ناحیه مربوطه

در مورد جایداد آن هم تحریر میکنند که بدون مساحت و بدون ثبت سند ملکیت قیدیت دارد که با ارایه همچو معلومات توثیق عقد بیع و یا تسجیل ملکیت بدون اینکه مساحت معین داشته باشد، دشوار خواهد بود. این در حالیست که مراجعین همچو وثایق همه روزه مراجعه و خواهان توثیق عقد شان میگردند. از جانب دیگر هرگاه به فقره (۵) رهنمود که چنین مشعر است:

(در صورتیکه محکمه وثایق بعد از اعلان و تطبیق مندرجات فقره چهارم این رهنمود متیقن گردد که ملکیت بایع در دفاتر مالیاتی قید می باشد و یا منزل رهایشی به اساس معلومات ناحیه مربوط در قید دفتر املاک قرار دارد و یا طبق حکم ماده هشتم قانون تنظیم امور زمینداری بیش از (۳۵) سال در اختیار مالک، مؤثر یا قایم مقام قانونی وی قرار داشته و در آن عملاً حایز تصرفات مالکانه میباشد؛ می تواند عقد متعاقدان را توثیق نموده وثیقه انتقال ملکیت را اجراء نماید.) توجه صورت گیرد بعد از موضوع قیدیت ملکیت بایع در دفاتر مالیاتی و یا منزل رهایشی در قید املاک به موضوع بیش از (۳۵) سال تصرفات مالکانه تصریح داشته، بناءً در صورتیکه مراجع مربوطه مطابق فقره (۴) رهنمود تصدیق ننماید: که آیا عقار مورد بحث در قید دفتر مالیه و یا دفتر املاک قرار دارد یا خیر؟

صرف توثیق عقد مطابق قسمت اخیر فقره (۵) که بیش از (۳۵) سال تصرفات مالکانه بوده به اساس عریضه عارض و شهادت یا تحریر همجواران صورت گیرد یا خیر؟ موضوع احتراماً نگاشته شد. امید در زمینه این آمریت را هدایت و رهنمایی نموده؛ تا از یک طرف طبق هدف و محتوای مصوبه به محصول نادیده گرفته نشده و ضایع نگردد. از جانب دیگر اجراءات به صورت درست مطابق قانون و مقررات انجام یابد.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات در جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۲۱ شورایعالی ستره محکمه مطرح شد، ذریعه تصویب شماره (۲۱۷) هدایت ذیل صادر گردید:

((توثیق عقد مطابق به رهنمود تنظیم اسناد شرعی مبنی بر توثیق عقد بیع انتقال و تسجیل ملکیت فقط تسجیل شده میتواند؛ اما بموجب توثیق عقد مذکور چون حجت قاصره است رهن و انتقال ملکیت صورت گرفته نمیتواند.))
هدایت فوق مقام محترم شورایعالی ستره محکمه بدینوسیله به تمام محاکم استیناف ولایات متحدالمالاً اطلاع گردید؛ تا آنرا به ادارات ذیربط تعمیم نموده وفق آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

هرگاه فیصله صادر شده محکمه ابتدائیه در موضوعات جزائی، توسط دیوان استینافی تأیید گردیده باشد و در مرحله غور فرجامی، فیصله مذکور نقض گردد، در این صورت فیصله محکمه ابتدائیه خود بخود نقض میگردد و لازم است که دیوان استینافی در موضوع، فیصله مجدد صادر نماید.

۱۰ - متحده المال شماره (۶۱۲ الی ۶۹۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۳۰۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۱۸ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

نامه شماره (۱۷۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۵ ریاست تدقیق و مطالعات در مورد استهدائیه شماره (۳۳۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲ دیوان جرایم منسوبین نظامی و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی مقام ستره محکمه، از اثر استهدائیه ریاست خارنوالی عسکری ستره محکمه، به شرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((ذریعه مکاتیب نمبر (۳۷۸۶) ۱۳۹۴/۷/۲۵ و (۳۷۸۷) ۱۳۹۴/۷/۲۵ مدیریت تحریرات ریاست محکمه استیناف نظامی زون شمال بلخ، به تعداد دو جلد دوسیه در قضایای اکتساب غیر قانونی سلاح به اتهام {ساتنمن...} و {دوهم خارن...} ولسوالی شورته ولایت بلخ را به این خارنوالی ارسال داشته است.

از مطالعه دوسیه ها چنین بر ملا گردید که {ساتنمن...} به جرم فروش سلاح و مهمات و سایر لوازم عسکری طبق هدایت ماده (۳۸) قانون جرایم عسکری، قرار فیصله نمبر (۱۸۷) ۱۳۹۳/۹/۲۰ و متهم {دوهم خارن...} در جرم نقض مقررات محافظت تخنیک عسکری طبق هدایت قسمت دوم ماده (۳۵) قانون جرایم

عسکری قرار فیصله نمبر (۱۴۲) ۱۳۹۳/۷/۲۶ مصدوریه محکمه ابتدائیه نظامی ولایت بلخ، محکوم به مجازات گردیده اند.

فیصله های نمبر فوق محکمه ابتدائیه در مرحله استینافی نسبت اینکه جرم مرتکبه {ساتنمن...} (اکتساب غیر قانونی سلاح تشخیص و باید شرکای جرمی آن نیز مطابق ماده (۴) قانون جرایم عسکری در محکمه نظامی تعقیب میگردد، و همچنان متهم {دوهم خارن...} مطابق به فقره (۳) ماده (۳۹۶) قانون جزاء در مورد قتل {محمد....} و طبق ماده (۳۵) قانون جرایم عسکری محکوم به مجازات می شد، نسبت خطاء در تطبیق و تأویل قانون فیصله نمبر فوق صادره محکمه ابتدائیه مورد اعتراض این خارنوالی قرار گرفته، دوسیه ها غرض غور استینافی محول محکمه استیناف نظامی گردید. محکمه استیناف در مورد {ساتنمن...} قرار فیصله نمبر (۷۸) ۱۳۹۳/۱۲/۶ و در مورد {دوهم خارن...} قرار فیصله نمبر (۶۶) ۱۳۹۳/۱۰/۱۶ فیصله های صادره محکمه ابتدائیه را تأیید نموده بود.

بعد از مواصالت دوسیه های فوق الذکر، فیصله های نمبر فوق محکمه استیناف، مورد قناعت این خارنوالی قرار نگرفته و دوسیه های متذکره، غرض فرجام خواهی به ریاست خارنوالی عسکری ستره محکمه و از آن طریق محول ستره محکمه ج.ا.ا گردیده بود.

دیوان جرایم وظیفوی منسوبین نظامی و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ستره محکمه، طی قرار های قضائی شماره (۱۲۷) ۱۳۹۴/۳/۱۰ و (۱۳۵) ۱۳۹۴/۳/۸ خویش فیصله شماره (۷۸) ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ و (۶۶) ۱۳۹۳/۱۰/۱۶ صادره محکمه استیناف نظامی را نسبت خطاء در تطبیق و تأویل

قانون و وصف جرمی نقض و هدایت ارسال دوسیه را غرض فیصله مجدد به مرجع آن هدایت فرموده بود.

همانا دوسیه های متذکره را مطابق به هدایت قرار های قضائی مقام عالی ستره محکمه بعد از ترتیب اتهامنامه و صورت دعوی جدید، غرض فیصله مجدد محول محکمه ابتدائیه نظامی ولایت بلخ نموده بودیم، آن محکمه نسبت اینکه در قرار های قضائی مقام ستره محکمه فیصله محکمه ابتدائیه نقض نگردیده، از تسلیمی دوسیه امتناع ورزیده بود.

لذا دوسیه های متذکره را رسماً محول محکمه استیناف نظامی زون شمال بلخ نمودیم، آن محکمه، طی قرارهای قضائی نمبر (۲۶) ۱۳۹۳/۶/۲ و (۲۷) ۱۳۹۴/۶/۹ با رعایت ماده (۱۶ و ۲۷۵) قانون اجراءات جزائی، خود را فاقد صلاحیت رسیده گی مجدد دوسیه ها متذکره دانسته، دوباره دوسیه ها را به این خارنوالی ارسال نموده است.

با در نظرداشت جریان فوق احتراماً استهداء میگردد که:

۱ - دوسیه های فیصله شده محاکم استیناف که نسبت تغییر وصف جرمی در مرحله فرجام خواهی نقض میگردد، بعد از ترتیب اتهامنامه و صورت دعوی خارنوال، رسیده گی به آن شامل صلاحیت محکمه ابتدائیه میباشد و یا محاکم استیناف؟

۲ - با در نظرداشت جریان فوق و با رعایت فقره (۳) ماده (۳۱) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه و هدایت فقره (۴) ماده (۱۷۹) قانون اجراءات جزائی، رسیده گی به دو جلد دوسیه فوق الذکر را به محکمه که لازم دانید تفویض صلاحیت رسید گی آنرا اعطاء خواهند فرمود.

طوریکه مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ
۱۳۹۵/۳/۱۸ شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید، در نتیجه طی تصویب شماره
(۳۰۷) هدایت ذیل صادر شد:

((در صورتیکه فیصله مصدوریه محکمه ابتدائیه در موضوعات جزائی از طرف
دیوان استینافی، تأیید گردیده باشد و بالاثر غور فرجامی فیصله تأییدی دیوان
استینافی نقض گردد، در این صورت فیصله محکمه ابتدائیه خود بخود نقض میگردد
و ضرور است که دیوان استینافی فیصله مجدد را صادر نماید، موضوع طور متحد
المال به جمیع محاکم و مراجع خبر داده شود.))

(۱) به محض ادعا و عرض، ملکیت عقاری ممنوع الفروش

شده نمی تواند

(۲) هرگاه دعوی تحت رسیده گی محکمه قرار داشته باشد، تصمیم مبنی

بر ممنوع الفروش شدن عقار و عدم وارد کردن تغییر در مدعی بهای
عقاری، با رعایت قواعد اشکال در تنفیذ، مندرج سیمینار رؤسای محاکم
سال ۱۳۵۰، به تجویز محکمه ذیصلاح صورت گرفته می تواند*

۱۱ - متحده المال شماره (۶۹۳ الی ۷۷۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۱۱ ریاست
دارالأشياء، که به اساس مصوبه شماره (۳۷۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۱۵ شورایعالی
ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیة شماره (۹۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۱۵ آمریت مخزن محکمه استیناف
ولایت کابل بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات بشرح ذیل مواصلت ورزیده
است:

((حاجی {...} قبلاً به اساس عریضه خویش، در رابطه به اجرای قبالة نمبر (۱۹۳
بر ۱۷۰۹) مؤرخ ۱۳۹۲/۴/۶ عنوانی مقام سترة محکمه عارض گردیده بود که
در رابطه، مقام سترة محکمه از این آمریت طالب گزارش گردیده بودند و این
آمریت در زمینه چنین گزارش تقدیم نموده است:

* - در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است، از آن جهت
عنوان این متحده المال به شکل فوق، تنظیم گردید.

(حاجی {...} ولد حاجی {...} ولد {...}) طی عریضه مطبوع (۲۳۶۹۱۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۲ خویش به این محکمه عارض و ابراز نموده که به قرار وکالت خط (۷۲۲ بر ۴۳۷۴) مؤرخ ۱۳۹۴/۶/۲۱ مرتبه محکمه هذا در رابطه به پیش برد دعوی موازی یک در بند حویلی واقع کارته چهار مندرج قبالة قطعی شماره (۱۹۳ بر ۱۷۰۹) مؤرخ ۱۳۹۲/۴/۶ مرتبه محکمه وثایق هذا که {...} ولد {...} ولدیت {...} که بحیث وکیل بالدعوی دفع دعوا اعتراض دفع اعتراض تعیین و مقرر نموده بودم از اینکه وکیل مذکور مشکلات دارد به امورات وکالت رسیده گی نمیتواند نامبرده را، از وکالت عزل می نمایم. بالاثر عریضه موصوف، اقرار خط نمبر (۲۴ بر ۷۱) مؤرخ ۷ حمل ۱۳۹۵ در رابطه به عزل وکالت برای موصوف اجراء گردیده، متعاقباً موصوف طی ورقه عرض خویش خواهان فروش جایداد مندرج قبالة فوق الذکر گردیده و غرض اینکه آیا در زمینه کدام دعوی وجود داشته یا خیر به اساس مکتوب شماره (۲۷) مؤرخ ۸ حمل ۱۳۹۵ مدیریت تحریرات این محکمه از ریاست محکمه استیناف ولایت کابل طالب معلومات گردیدیم. ریاست محاکم استیناف ولایت کابل به اساس مکتوب نمبر (۷۸۲ بر ۱۲۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۱/۱۸ خویش بجواب مکتوب متذکره این محکمه چنین نگاشته اند: قبلاً اوراق دعوی حقوقی حاجی {...} ولد حاجی {...} ولدیت {...} علیه مسمات {... نامه} بنت {...} در مورد یک در بند حویلی واقع کارته چهار ناحیه سوم شهر کابل در دیوان مربوط قرار داشت، که بعد از یک سلسله اجراءات مدعی علیه حاضر نگردیده و به اساس درخواست خود حاجی {...} مدعی مذکور، به فیصله ترک خصومت خاتمه یافت و اوراق متذکره غرض اجراءات بعدی به مرجع ذیربط آن مسترد گردیده. بعد از وصول مکتوب فوق، حاجی {...} باز هم به

اساس عريضه خویش خواهان فروش ملکیت مندرج قبالة قطعی (۱۹۳ بر ۱۷۰۹) مؤرخ ۱۳۹۲/۴/۱۶ از این محکمه گردیده است. زمانیکه عريضه موصوف به مدیریت تحریرات راجع گردید، به ملاحظه جدول ممنوع الفروش دیده شد که مسلمات {...} نامہ {...} بنت {...}، قبلاً طی ورقه عرض (۷۷۵۳۲۱۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۲ در رابطه به ممنوع الفروش قرار دادن جایداد مندرج قبالة (۱۹۳ بر ۱۷۰۹) مؤرخ ۱۳۹۲/۴/۱۶ ملکیت حاجی {...} ولد {...} عنوانی مقام ستره محکمه عارض گردیده که عريضه موصوف ذریعه مکتوب (۲۶۵۸ بر ۱۱۱۹) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۴ ریاست عمومی استیناف ولایت کابل به این محکمه مواصلت ورزیده و جایداد مندرج قبالة نمبر فوق در آن زمان در لست ممنوع الفروش محکمه هذا درج گردیده است. هکذا مسلمات {...} نامہ {...} در رابطه به قبالة نمبر (۱۵ بر ۲۰۱) ۱۳۹۲/۱۱/۱۴ که بنیاد قبالة فوق الذکر حاجی {...} را تشکیل میدهد نیز عنوانی مقام ستره محکمه عارض گردیده بود که در ذیل گزارش این آمریت جلالتمآب رئیس ستره محکمه، چنین هدایت ارشاد فرموده اند: ملاحظه شد مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۱۱ ریاست تحریرات به محکمه مربوط بنگارید تا ضمن دقت و معلومات لازم در صورتیکه کدام مانع دیگری در زمینه موجود نباشد در حصه مطلوبه عارض با رعایت دقیق احکام قانون اجراءات نمایند.

بناءً غرض تأمین هرچه بهتر عدالت و شفافیت در اجراءات در رابطه به اینکه آیا ادعا و عرض شخص مانع فروش جایداد شخص دیگر شده میتواند یا خیر؟ از پیشگاه مقام محترم ستره محکمه ج.ا.ا طالب هدایت میباشیم و به نظر هیأت قضائی این آمریت ممنوع الفروش در مورد جایداد باید به اساس تجویز محکمه ذیصلاح مربوطه صورت گیرد، که اینک توأم با استهدائیة هذا (۳) ورق ضمایم در رابطه به

موضوع خدمت محترم شما تقدیم است تا از طریق خویش موضوع را غرض هدایت بعدی به مقام محترم ستره محکمه ج.ا.ا ارسال بدارید بعید از لطف تان نخواهد بود.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع توأم با اصل نظر تدقیقی مرتب برآن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۱۵ مقام شورایعالی ستره محکمه، گزارش یافت در نتیجه قرار تصویب شماره (۳۷۷) هدایت ذیل صدور یافت.

(به محض ادعا و یا عرض بکدام، مرجع بیع و شراء ملکیت عقاری معطل شده نمی تواند و مانع در اجرای قبالة آن دیده نمی شود.

هرگاه دعوی در محکمه تحت بررسی قرار داشته باشد، تصمیم ممنوع الفروش و عدم وارد کردن تغییر در مدعی بهای عقاری با رعایت قواعد مربوط به اشکال در تنفیذ مندرج سیمینار روسای محاکم سال ۱۳۵۰ به تجویز محکمه ذیصلاح صورت گرفته می تواند. موضوع به جمیع محاکم طور متحد المال اخبار گردد.)

تشکیل و صلاحیت محاکم اختصاصی جرایم سنگین ناشی از فساد اداری

۱۲ - متحده المال شماره (۷۷۴ الی ۸۴۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۳۸۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۲۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، بعد از اخذ حکم شماره (۱۲۶۵) ریاست جمهوری مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۳۰ تعمیم گردیده است.

ریاست محترم تدقیق و مطالعات در مورد تشکیل و صلاحیت محاکم اختصاصی جرایم سنگین ناشی از فساد اداری با رعایت مندرجات فرمان شماره (۵۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۱۰ مقام عالی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان، جهت تحکیم قانونیت و رسیده گی سریع و عادلانه در قضایای فساد اداری در مطابقت با جزء (۳) ماده (۳۲) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، پیشنهاد نموده که پیشنهادیه مذکور غرض اتخاذ تصمیم به جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۲۹ شورایعالی ستره محکمه، تقدیم شد و در نتیجه قرار تصویب شماره (۳۸۵) هدایت ذیل صادر گردید:

((با رعایت مندرجات فرمان شماره (۵۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۱۰ مقام ریاست ج.ا.ا شورایعالی ستره محکمه موارد ذیل را تصویب نمود:

الف: به منظور رسیده گی به جرایم سنگین ناشی از فساد اداری، محاکم اختصاصی ابتدائیه و استیناف در مرکز عدلی قضائی مبارزه علیه جرایم سنگین فساد اداری که قبلاً به اساس فرمان نمبر فوق منظور شده، ایجاد و رؤسا، اعضای قضائی و اداری آن طبق تشکیل منظور شده تعیین و توظیف گردد.

ب: محاکم ابتدائیه و استیناف رسیده گی به جرایم سنگین ناشی از فساد اداری، صلاحیت رسیده گی به قضایای ذیل را دارا می باشد:

۱ - جرایم مندرج ماده (۳) قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری.

۲ - جرم پول شویی مندرج ماده (۴) قانون جلوگیری از پول شویی و عواید ناشی از جرایم با در نظر داشت تعدیل فقره (۱) و جزء (۵) فقره (۱) ماده مذکور، جرایم اتلاف، سرقت و فروش آثار تاریخی و فرهنگی مندرج ماده (۷۴) قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی و ماده (۲۶) قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی؛ استخراج غیر قانونی معادن مندرج ماده (۵۱۸) قانون جزاء و غصب املاک دولتی.

ج: اشخاص ذیل که به ارتکاب جرایم مندرج جزء (ب) متهم می شوند، در محاکم مرکز عدلی و قضائی مبارزه علیه جرایم سنگین فساد اداری، محاکمه می گردند، مگر اینکه قانون خاص طور دیگری پیشبینی نموده باشد:

۱ - مقامات عالی رتبه دولتی مندرج ماده (۳) قانون تنظیم معاشات مقامات عالی رتبه.

۲ - مقامات دولتی مندرج ماده (۲) قانون تنظیم معاشات مقامات دولتی

۳ - جنرالان و یا اشخاصی که در بست جنرالی ایفای وظیفه می نمایند و نیز اشخاص حکمی مندرج ماده (۲۶) میثاق مبارزه علیه فساد اداری.

د: سایر اشخاص قرار ذیل در محاکم مرکز عدلی و قضائی مبارزه علیه جرایم سنگین فساد اداری محاکمه می گردند:

- ۱ - متهمین جرایم مندرج اجزای (۱۱، ۲ و ۱۴) ماده (۳) قانون نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری که وجوه حاصله جرمی آن بیش از ده ملیون افغانی و یا معادل آن به اسعار خارجی باشد.
 - ۲ - متهمین جرم رشوت مندرج جزء (۱) ماده (۳) قانون مذکور که وجه حاصله آن بیش از پنج ملیون افغانی و یا معادل آن به اسعار خارجی باشد.
 - ۳ - متهمین جرم پول شویی مندرج ماده (۴) قانون جلوگیری از پول شویی و عواید ناشی از جرایم؛ جرایم اتلاف، سرقت و فروش آثار تاریخی و فرهنگی مندرج ماده (۷۴) قانون حفظ آثار تاریخی و فرهنگی و ماده (۲۶) قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی؛ استخراج غیر قانونی معادن مندرج ماده (۵۱۸) قانون جزاء و غصب املاک دولتی که ارزش آنها بیش از پنج ملیون افغانی و یا معادل آن به اسعار خارجی باشد.
- آمریت محترم عمومی اداری قوه قضائیه منظوری مندرجات مصوبه فوق را از مقام محترم ریاست ج.ا.ا. استدعا نماید.))
- مندرجات مصوبه شماره فوق غرض اعطای منظوری طی پیشنهادیه بمقام محترم عالی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان تقدیم گردید و به حکم شماره (۱۲۶۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۳۰ ذیلاً هدایت فرمودند:
- ((بر طبق مصوبه شماره (۳۸۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۲۹ شورایعالی ستره محکمه، مطالبه متن پیشنهاد منظور است.))
- موضوع متحده المالاً ابلاغ گردید.

به منظور تدابیر احتیاطی در موضوعات عقاری، بعد از لغو حکم قطعی و نهائی محاکم به اثر تجدید نظر خواهی محکوم علیه، محکمه مربوط به تسلیمی محکوم بها الی اصدار حکم مجدد نهائی به شخص ثالث و امین، تجویز اتخاذ نماید

۱۳ - متحده المال شماره (۸۴۸ الی ۹۲۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۱۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۴۰۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۲۲ شورایی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهائیه شماره (۶۲۱) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۵ ریاست محکمه استیناف ولایت بامیان بشرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((محترماً! محکمه ابتدائیه ولسوالی پنجاب ولایت بامیان طی استهائیه عنوانی این ریاست چنین نگاشته:

(دعوی حقوقی {...} ولد {...} علیه {...} ولد {...} و دعوی حقوقی {...} ولد {...} علیه {...} ولد {...} در این محکمه تحت رسیدگی قرار داشته که دعوی مذکوران بعد از اصدار حکم محاکم ثلاثه، قطعی و نهائی شده و حکم محاکم در موضوع تطبیق گردیده که به اساس آن مدعی بها بعد از تطبیق در تحت تصرف محکوم له قرار گرفته است اما احکام محاکم ثلاثه به اساس تجدید نظر محکوم علیه، لغو گردیده و غرض رسیده گی مجدد به این محکمه مواصلت ورزیده است. محکوم علیه به حل و فصل دعاوی شان اصدار دارند و به اساس هدایت متحده المال شماره (۱۰۱۰ بر ۱۰۸۲) مؤرخ ۱۳۸۸/۴/۲۴ شورایی ستره محکمه در حالیکه احکام محاکم ثلاثه در تجدید نظر لغو گردد، اگر مدعی بها از جمله اموال عقاری و غیر منقول باشد مدعا بهای مذکور در تصرف د افغانستان بانک تحت قیمومیت محکمه مربوطه قرار داده شود و بانک عواید حاصله از عقار

مدعا بها را به حساب امانت محکمه تحویل نماید و دعوی حالت اصلی خود را طی نماید. از اینکه د افغانستان بانک و سایر بانک های خصوصی در ولسوالی پنجاب و سایر ولسوالی های این ولایت وجود ندارد، تا مطابق متحده المال مذکور اجراءات صورت گیرد و از جانب دیگر در صورتیکه مدعی بها مطابق هدایت متحده المال مذکور در تحت تصرف و ذوالیدی یکی از طرفین دعوی قرار نداشته باشد، اقامه شهود ذوالیدی در خصوص رسیده گی دعاوی حقوقی و املاکی که یک امر حتمی است به مشکل مواجه میشود که موضوع به جلسه رؤسای دیوانهای استیناف ولایت بامیان مطرح گردید که در نتیجه کدام راه حل قانونی راجع به استهدائیه فوق الذکر دریافت نگردید.

بناءً استهدائیه مذکور به مقام محترم راجع شد خواهشمندیم تا این محکمه را در راستای حل مشکل فوق رهنمایی و هدایت لازم عنایت فرمود.

مطلب مورد استهداء، بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۲۲ شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید، در نتیجه قرار تصویب شماره (۴۰۵) هدایت ذیل صدور یافت:

((به منظور تدابیر احتیاطی در موضوعات عقاری بعد از لغو حکم قطعی و نهائی محاکم به اثر تجدید نظر خواهی محکوم علیه، محکمه مربوط به تسلیمی محکوم بها الی اصدار حکم مجدد نهائی به شخص ثالث و امین تجویز اتخاذ نماید، موضوع به جمیع محاکم طور متحده المال اخبار گردد.))

(۱) هدایت در رابطه به لغو (رهنمود تنظیم اسناد شرعی مبنی بر عقد بیع، انتقال و تسجیل ملکیت) با تأکید به این که محاکم در اجرای وثایق مربوط به خرید و فروش املاک، طبق مقررات و برویت اسناد بنیادی اجراءات قانونی نمایند.

(۲) محاکم منبهد دوسیه های وارده را بعداز درج در اندراج، در صورت موجودیت خلاء و نواقص، ذریعه قرار مسترد نمایند؛*

۱۴ - متحده المال شماره (۹۱۸ الی ۹۹۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۱۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۲۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست محترم تدقیق و مطالعات در مورد اجراءات محاکم استیناف ولایات هرات از بابت تفتیش سال ۱۳۹۳، که مفتشین قضائی اجرای قباله جات را به استناد رهنمود تنظیم اسناد شرعی مبنی بر عقد بیع، انتقال و تسجیل ملکیت، مصوب شماره (۵۶۳) مؤرخ ۱۳۹۱/۴/۲۷ را مشکل آفرین خوانده و این موضوع را قابل غور دانسته اند، با توجه به مشکلات تطبیقی رهنمود مذکور طالب هدایت شده بودند.

شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، طی تصویب شماره (۵۱۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۲۷ هدایت ذیل ارشاد فرموده است:

* نوت: در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است، از آن جهت عنوان این متحده المال به شکل فوق، تنظیم گردید.

((رهنمود تنظیم اسناد شرعی مبنی بر عقد بیع، انتقال و تسجیل ملکیت مصوب شماره (۵۶۳) مؤرخ ۱۳۹۱/۴/۲۷ شورایعالی ستره محکمه و مصوبه شماره (۲۱۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۱ شورایعالی لغو گردید. آمریت های وثایق و محاکم در اجرای وثایق مربوط به خرید و فروش املاک، طبق مقررات و برویت اسناد بنیادی و قانونی اجراآت نمایند.

محاکم منبعل دوسیه وارده را بعد از درج اندراج در صورت نواقص توسط قرار قضائی مسترد نماید.

موضوع به عموم محاکم طور متحد المال اخبار گردد.))

چگونه گی توثیق عقد بیع ملکیت های عقاری که مشتری آن مخیر به قبول اند، با تأکید به ماده (۲۷۵) قانون اصول محاکمات مدنی

۱۵ - متحده المال شماره (۹۹۰ الی ۱۰۶۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۲۷ ریاست دارالاشاء، که به اساس مصوبه شماره (۴۹۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۲۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیة شماره (۳۴۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۱۸ ریاست محکمه استیناف ولایت کابل بشرح ذیل غرض ابراز نظر بریاست محترم تدقیق و مطالعات محول گردیده بود:

((یکتعداد اشخاص غرض فروش ملکیت عقاری خویش در خواستی خود را مبنی بر فروش جایداد شان به این محکمه تقدیم داشته زمانیکه قباله دست داشته اش ملاحظه میگردد در وقت اجرای قباله مشتری حاضر نبوده مخیر به قبول عقد بیع گردیده که این روند هم اکنون جریان داشته، قباله های مخیر به قبول اجراء میگردد.

بعضی از قباله ها، حتی مدت بیست سال قبل اجراء شده، اکنون مشتری به محکمه حاضر و میخواهد که قبولی عقد بیع را خود ضمن وثیقه اقرار خط ابراز، دارد.

این رویه طبق قوانین و قواعد فقهی جایگاه نداشته و ندارد و طبق ماده (۵۰۲) قانون مدنی شرط عقد عبارت از وجود عاقدین، الفاظ مخصوص عقد و موضوعی که عقد بر آن وارد میگردد، میباشد.

و هکذا طبق ماده (۵۰۴) قانون مدنی قواعد عمومی مربوط به عقد به تمام عقود تطبیق می‌گردد و قواعد خصوصی هر عقد توسط احکام مربوط به آن تنظیم می‌گردد. همچنان خیار شرط را ماده (۶۵۴) قانون مدنی چنین پیشبینی نموده است. (۱) عاقدین در جمیع عقود میتوانند، حین عقد یا بعد از آن حد اکثر برای سه روز، خیار شرط بگذارند، بناءً رویه موجود که برای مشتری غایب در قباله تحریر می‌گردد که مشتری به قبول و عدم قبول بیع مخیر است این خیار که از طرف محکمه اداره ثبت اسناد و وثایق و یا محکمه ترتیب کننده قباله تحریر می‌گردد جایگاه حقوقی و فقهی نداشته طرف عاقدین میتواند خیار شرط اختیار کند.

بناءً نظر ما این بود که اکنون در اکثر کشورهای جهان نماینده گی سیاسی و قنسلی افغانستان موجود بوده افغانهای مقیم خارج میتوانند توسط ترتیب و کالت خط در مورد خرید و فروش و سایر امور، شخصی را وکیل تعیین نمایند. همچنان در صورتیکه مشتری غایب باشد به نسبت اینکه خرید به نفع او بوده طبق ماده (۵۲۴) قانون مدنی که عقد به وسیله تلفون و وسایل مماثل آن از حیث زمان، مانند عقد بین طرفین حاضر و از حیث مکان مانند عقد بین طرفین غایب پنداشته میشود، صورت گیرد.

جریان به مقام محترم پیشنهاد گردید و خواهشمندیم که طبق مفاد قانون و مقررات رهنمائی لازم را اعطاء خواهند فرمود تا در همچو موارد رویه یکسان قضائی در جمیع محاکم و ادارات ثبت اسناد و وثایق کشور ایجاد گردد بهتر و موزون خواهد بود.))

استهدائیه فوق و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۲۷ شورایی عالی ستره محکمه، مطرح و طی تصویب شماره (۴۹۵) هدایت ذیل صدور یافت:

((در مورد، ماده (۲۷۵) قانون اصول محاکمات مدنی صراحت دارد مطابق به آن اجراءات صورت گیرد، موضوع غرض توحید مرافق قضائی به عموم محاکم متحدالمالاً اخبار گردد.))

پیامد نکول مدعی از ادای سوگند در موارد مندرج ماده (۳۵۲) قانون اصول محاکمات مدنی، با توضیح به اینکه، هرگاه در همچو موارد مدعی ادای سوگند نماید، حکم به اثبات دعوی وی و در صورت نکول از ادای حلف، حکم به رد دعوی وی، صادر میگردد

۱۶ - متحده المال شماره (۱۰۶۶ الی ۱۱۴۱) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۲۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۳۹) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۷ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

قبلاً استهدائیه دیوان مدنی محکمه ابتدائیه حوزه سوم شهر کابل، ذریعه نامه (۹۰۲۴) مؤرخ ۱۳۹۴/۸/۱۶ محکمه استیناف ولایت کابل بشرح ذیل غرض ابراز نظر بریاست تدقیق و مطالعات محول گردیده بود:

((محاکم با در نظر داشت احکام مواد (۱۰۲۴ - ۱۰۲۲) قانون مدنی و ماده (۳۵۲) قانون اصول محاکمات مدنی، در موارد که سوگند متممه جواز دارد بدون طلب خصم مستقیماً سوگند را به مدعی توجیه می نمایند و این سوگند از صلاحیت قضاء میباشد که در زمینه مواد فوق الذکر صراحت کامل دارد که محکمه بعد از ثبوت حق مدعی و قبل از صدور حکم به وی سوگند میدهد. از محتوی ماده (۳۵۲) قانون اصول محاکمات مدنی معلوم میگردد که سبب حکم برای قضاات فراهم گردیده است ولی قبل از صدور حکم برای بیشتر، هیئت قضائی مدعی را سوگند میدهد، بناءً اگر در چنین قضایا مدعی از سوگند نکول نماید به این نکول مدعی چه اثری مرتب شده میتواند؟ این نکول در حالی است که سبب حکم قبلاً برای قاضی فراهم گردیده است ولی قبل از صدور حکم، هیئت قضائی با در نظر داشت مواد قانون برای مدعی سوگند میدهد. در حالیکه از یک سو نکول با در

نظر داشت ماده (۲۷۲) قانون اصول محاکمات مدنی از جمله وسایل ثبوت بوده که اسباب حکم را تشکیل می‌دهد و از طرف دیگر اگر نکول نادیده گرفته شود، اجراءات محاکم در مخالفت از مواد قانونی فوق الذکر قرار می‌گیرد و از جانب هم اسباب حکم قاضی در قضایای که یمین متممه جواز دارد قبلاً مهیا گردیده است.

محاکم در زمینه چه نوع اجراءات نمایند در مورد طالب هدایت می‌باشیم؟

ثانیا: برخی افراد و اشخاص به محاکم مراجعه و یا قضایای شان از طریق شعبات حقوق، محول محاکم می‌گردد و بعداً مدعیان عرایض را مستقیماً به محاکم یا عنوانی مقام ستره محکمه ارایه میدارند و مدعی بها را در لست ممنوع الفروش آمریت های وثایق و یا محاکم مربوطه قرار میدهند ولی بالاثتر عدم مراجعه مدعی به موضوع به ترک خصومت خاتمه میابد و دوباره اوراق قضیه به مراجع آن مسترد می‌گردد در مطابقت به موازین قانونی و شرعی مدعی مجبور به تعقیب دعوی خود شده نمیتواند. ولی مدعی بها بالاثتر عریضه مدعی در لست ممنوع الفروش محاکم درج گردیده وقتی که مدعی علیه میخواهد در مدعی بها مندرج اسناد رسمی خود تصرفات از قبیل فروش، ترکه و تقسیم نماید، محاکم اجراء کننده وثایق برایشان میگویند که موضوع قبلاً بالاثتر احکام مربوطه و یا احکام ستره محکمه ممنوع الفروش گردیده است. مدعی علیه تا چه مدت انتظار بکشد که موضوع از لست ممنوع الفروش خارج و در جایداد خود ها مطابق ماده (۴۰) قانون اساسی تصرفات مالکانه کرده بتواند در حالیکه مدعی حاضر به تعقیب دعوی خود ها نمی گردد در زمینه هماهنگی در محاکم وجود ندارد آیا محض عریضه و عدم تعقیب آن یا محض قرار ترک خصومت و بعداً عدم تعقیب دعوی از جانب مدعی و یا صدور فیصله های ترک خصومت و بعداً عدم تعقیب و کم علاقه گی به تعقیب دعوی مانع تصرفات مدعی علیه در جایداد شان در مطابقت به ماده (۴۰) قانون اساسی شده میتواند در حالیکه مالک میتواند با در نظر داشت ماده فوق الذکر در جایداد خود ها

تصرفات مالکانه نمایند که موضوع ممنوع فروش بودن مانع تصرفات مالکانه مالک شده است. و یا اینکه مدعی علیه دوباره عرایض را عنوانی ستره محکمه تقدیم و ستره محکمه به محاکم مربوطه ذیصلاح هدایت دهند تا موضوع از لست ممنوع فروش بودن خارج گردد در زمینه طالب هدایت میباشیم.))

استهدائیة فوق و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ مقام شورایعالی مطرح و طی یادداشت شماره (۳۰۴) هدایت ذیل صدور یافت:

(استهدائیة مندرج پیشنهاد محکمه استیناف ولایت کابل به محترمان احدی صاحب و متین صاحب اعضای شورایعالی ستره محکمه محول و با در نظرداشت قانون مدنی و قانون طرز تحصیل حقوق ابراز نظر فرمایند.) طبق هدایت شورایعالی ستره محکمه، موضوع به ذوات محترم تقدیم که فضیلتاً محترم در مورد، ذیلاً ابراز نظر نموده اند.

((در همچو قضایا طبق شرح ماده (۱۷۴۶) مجله الاحکام العدلیه مندرج صفحات (۴۰۹ - ۴۱۲) جلد پنجم (شرح اتاسی) هرگاه مدعی ادای سوگند نماید، حکم باثبات دعوای وی در صورتیکه از ادای حلف نکول نماید حکم به رد دعوایش صادر می گردد.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع توأم با اصل نظر باری به جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۷ مقام محترم شورایعالی گزارش یافت در نتیجه قرار تصویب شماره (۵۳۹) هدایت ذیل صدور یافت.

((نظر محترمان متین صاحب و احدی صاحب اعضای شورایعالی ستره محکمه تأیید شد موضوع به عموم محاکم طور متحده المال اخبار گردد.)) *

* - قابل ذکر است که بخش دوم سوال مستهدی، در مصوبه شماره (۳۳۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۱۵ شورایعالی ستره محکمه که ذریعه متحده المال شماره (۶۹۳ الی ۷۷۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۱۱ مندرج این مجموعه به عموم محاکم تعمیم شده، حل گردیده است، به متحده المال مذکور مراجعه شود.

در صورت که ملکیت دولت در حاشیه مدعا بها قرار داشته و شایه
حقوق دولت در میان باشد، محکمه مربوط موضوع را به اداره قضایای
دولت محول نماید

۱۷ - متحدالمال شماره (۱۱۴۲ الی ۱۲۱۱) مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۳ ریاست
دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۴۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۱۴ شورایی عالی
ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استثنائیه شماره (۸۴۱۳) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۴ ریاست عمومی قضایای دولت
بشرح ذیل مواصلت ورزیده بود:

((در سال جاری به تعداد (۶۰) جلد دوسیه را غرض فیصله شرعی بین افراد
حقیقی و حکمی نماینده این اداره به دیوان های حقوق عامه محکمه حوزه اول و
محکمه استیناف محول نموده ایم که محاکم متذکره بدون اینکه در مورد فیصله
شرعی را صادر فرمایند اکثرا دوسیه ها را واپس و به قرار عدم صلاحیت، طبق
هدایت مصوبه شماره (۴۲) مندرج کتاب مصوبات سال ۱۳۹۰ ستیره محکمه
مسترد و تحریر میدارند که اول موضوع بین افراد حقیقی یکطرفه و بعدا دولت علیه
محکوم له اقامه دعوی نماید. حتی در بعضی دوسیه ها در محکمه حوزه اول به نفع
دولت تصمیم اتخاذ و فیصله صادر میشود و در مرحله استینافی همان دوسیه را به
اساس مصوبه فوق الذکر نقض می نمایند. چنانکه دوسیه را دوباره به محکمه حقوق
عامه حوزه اول ارسال میداریم، در این مرحله محکمه متذکره قرار عدم صلاحیت را
صادر و دوسیه را غرض تعقیب بین افراد حقیقی ارسال میدارد که به اساس مصوبه

فوق الذکر، به تخمین تمامی دوسیه ها تحت دعوی دولت ملتوی و زمینهای غصب شده در تصرف غاصبین باقی میماند زیرا که دعوی افراد حقیقی نیز در محاکم زمانگیر بوده و از جانب دیگر اگر محاکم به نفع یکی از جانبین افراد حقیقی تصمیم اتخاذ مینمایند از این فیصله محاکم، محکوم علیه به صفت اسناد استفاده خواهند نمود، این در حالیست که اکثر زمین های دولتی که عبارت از دشت ها و بلند آبه و دامنه های کوها و غیره بوده که در دفاتر رسمی دولت قیدیت هم ندارد و طبق هدایت بند (۲) فقره (۸) ماده (۳) قانون تنظیم امور زمینداری دولتی پنداشته شده است که در حین اقامه دعوی علیه محکوم له به مشکلات مواجه خواهیم شد. جریان فوق به آنمقام عرض شد امید است که در رابطه به حل معضله فوق، هدایت لازم خواهند فرمود.))

مدققین قضائی نظر خویش را در مورد ذیلاً ابراز نموده اند:

((طوریکه استهدائیه ملاحظه میگردد یک تعداد استهداآت در رابطه به چالش های که از توضیح پرسش شماره (۴۲) مندرج کتاب مصوبات کنفرانس ملی قضائی سال (۱۳۹۰) به میان آمده است از طریق محاکم مواصلت نموده که مشکلات ناشی از آن واقعی میباشد.

مصوبه شماره (۵۵۳) مؤرخ ۱۳۸۷/۹/۵ شورایعالی ستره محکمه که طی متحده المال (۳۱۴۰ الی ۳۲۰۹) مؤرخ ۱۳۸۷/۹/۱۳ به عموم محاکم تعمیم گردیده چنین صراحت دارد:

(زمانیکه دعاوی ذات البینی اشخاص راجع به عقار در محاکم تحت رسیدگی قرار داشته باشد محکمه مطابق اسناد به آن رسیده گی مینماید هرگاه در عین حال ملکیت دولت در حاشیه مدعی بها قرار داشته باشد و شایبه حقوق دولت در میان

باشد، محکمه مربوط جریان را به اداره قضایای دولت و سایر مراجع مربوط محول سازد و بعد از تصمیم اداره قضایای دولت و مرجع مربوط در زمینه به انفصال موضوع مبادرت نماید.)

بناءً ریاست عمومی قضایای دولت و مراجع ذیربط طبق مصوبه فوق الذکر و با در نظر داشت احکام قانون قضایای دولت و سایر قوانین نافذه در زمینه اجراءات قانونی و مقتضی بعمل خواهند آورد.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۱۴ مقام محترم شورایعالی مطرح و طی تصویب شماره (۱۴۵) هدایت ذیل صدور یافت.

((نظر تدقیقی ریاست تدقیق و مطالعات تأیید است موضوع به عموم محاکم و مراجع مربوط طور متحده المال اخبار گردد.))

آن عده از قضایای که قبل از ایجاد محاکم اختصاصی ابتدائیه و استیناف مبارزه با جرایم سنگین ناشی از فساد اداری، به محاکم مربوط محول گردیده است، به منظور جلوگیری از التواء، به محاکم مربوطه تفویض صلاحیت میگردد تا قضایای مذکور را مطابق احکام قانون منفصل سازند.

۱۸ - متحده المال شماره (۱۲۱۲ الی ۱۲۸۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۱۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۹۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۳۰ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست دارالانشاء شورایعالی ستره محکمه، پیشنهادیه را به جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۳۰ شورایعالی ستره محکمه بشرح ذیل تقدیم نموده اند: ((به اساس فرمان شماره (۵۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۱۰ مقام محترم ریاست ج.ا.ا محاکم ابتدائیه و استیناف جرایم سنگین ناشی از فساد اداری در مرکز ایجاد و حسب هدایت مصوبه شماره (۳۵۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۲۹ شورایعالی ستره محکمه، صلاحیت های آن نیز مشخص گردید و قضات هم توظیف و مقرر گردیده اند.

اکنون یکعده از روسای محاکم مربوط ولایات ذریعه تلفون معلومات میگیرند که آنعده از قضایای جرایم سنگین فساد اداری که قبل از ایجاد محاکم اختصاصی جرایم سنگین فساد اداری به محاکم مبارزه با فساد اداری از طرف خائنوالی های مربوط غرض اتخاذ تصمیم ارسال شده است در مورد انفصال قضایای مذکور و یا استرداد آن به محکمه ابتدائیه و یا محکمه استیناف جرایم سنگین فساد اداری طالب هدایت شده اند.

مراتب احتراماً پیشنهاد آنچه هدایت میدهند تعمیل میگردد.))

مقام محترم شورای عالی ذریعه تصویب شماره (۵۹۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۳۰ هدایت
ذیل ارشاد فرموده اند:

((آنده از قضایائیکه که قبل از ایجاد محاکم اختصاصی ابتدائیه و استیناف جرایم
سنگین فساد اداری به محاکم مربوط محول گردیده است بمنظور جلوگیری از
التواء به محاکم مربوط تفویض صلاحیت میگردد تا قضایای مذکور را مطابق احکام
قانون منفصل سازند.))

(۱) هدایت مبنی به لغو مصوبه شماره (۸۱۶) مؤرخ ۱۳۹۰/۵/۱۸ شورایعالی ستره محکمه که در مورد مزایده و داوطلبی دکانین ریاست حفظ و مراقبت مکرویان ها قبلاً صدور یافته بود و همچنان هدایت مبنی بر اجراءات ادارات مربوط، طبق احکام قانون نافذ تدارکات.

(۲) دعوی که در مورد آن حکم قطعی و نهائی محکمه صادر شده باشد، تا زمانیکه از طرف شورایعالی ستره محکمه، طی قرار قضائی به لغو آن طبق ماده (۴۸۳) قانون اصول محاکمات مدنی تصمیم اتخاذ نگردیده باشد؛ بار دیگر قابل دوران محاکماتی و رسیده گی در محکمه نمی باشد*

۱۸ - متحده المال شماره (۱۲۸۱ الی ۱۳۴۹) مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۱۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۶۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

به تعقیب متحده المال شماره (۹۲۸ الی ۹۹۸) مؤرخ ۱۳۹۰/۶/۵ مینگاریم:

ریاست محکمه استیناف ولایت کابل طی نامه شماره (۶۶۰) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ مبنی بر اینکه:

((قبلاً دیوان تجارتی محکمه استیناف ولایت کابل، قرار قضائی شماره (۳۵) مؤرخ ۱۳۸۹/۷/۴ خویش را مبنی بر مزایده و داوطلبی دکانین ریاست حفظ و مراقبت

* - نوت: در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است، از آن جهت عنوان این متحده المال به شکل فوق، تنظیم گردید.

مکروریانها صادر نموده است که قرار مذکور طی قرار قضائی شماره (۸۹) مؤرخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۰ از طرف دیوانی تجارتی ستره محکمه تأیید گردیده است. البته دکانداران در مورد، تجدید نظر خواه گردیده، در جواب پیشنهاد شاروالی و عریضه تجدید نظر خواهی دکانداران در مورد منع داوطلبی به اساس هدایت شفاهی رئیس جمهور مصوبه شماره (۸۱۶) مؤرخ ۱۳۹۰/۵/۱۸ شورایعالی ستره محکمه در مورد صادر گردیده، که قرار مذکور تا کنون به قوت خود باقی بوده و نقض یا باطل نگردیده است. اکنون (وکیل مدافع (۱۶۱) تن از دکانداران) مصوبه (۸۱۶) مؤرخ ۱۳۹۰/۵/۱۸ شورایعالی ستره محکمه را لغو کننده قرار های فوق الذکر دانسته و از محکمه هذا خواهان جلوگیری از داوطلبی و تثبیت کرایه گردیده اند.

وکیل مذکور هم چنان به مکتوب شماره (۵۳۸) مؤرخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ ریاست عمومی نظارت بر تطبیق احکام قطعی و نهائی ستره محکمه استناد نموده که کاپی آن ضم استهدای هذا میباشد. ریاست مذکور طی مکتوب فوق الذکر مصوبه (۸۱۶) مؤرخ ۱۳۹۰/۵/۱۸ شورایعالی ستره محکمه را قایم مقام و لغو کننده قرار قضائی شماره (۸۹) دیوان تجارتی ستره محکمه تلقی نموده و آن را دارای قوت و جنبه تطبیقی دانسته است. البته در مورد، چندین بار مصوبه مذکور تأیید گردیده که آخرین آن مصوبه شماره (۷۴۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۵/۳۱ شورایعالی ستره محکمه میباشد.

بناءً بدنیوسيله استهداء می گردد، در حالیکه قبلاً در مورد دعوی حکم و قرار قضائی نهائی محاکم ثلاثه صادر گردیده، بدون لغو قرار های قضائی فوق الذکر، موضوع قابل دوران در محکمه هذا می باشد و یا خیر؟))

استهائیه فوق الذکر، بعد از اجراءات اصولی در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۱۴ شورایعالی ستره محکمه، مطرح و ذریعه یاد داشت شماره (۲۲) هدایت فرموده اند که (محترمان قضاوتپوه برات علی "متین" و قضاوتوال عبدالحسیب "احدی" و رئیس محکمه استیناف ولایت کابل در مورد ابراز نظر نموده و گزارش خویش را به جلسه بعدی ارایه دارند).

طبق هدایت، موضوع بعد از ابراز نظر ذوات محترم باری در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۹ مقام محترم شورایعالی مطرح و طی تصویب شماره (۵۶۰) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر محترمان قضاوتپوه برات علی "متین" و قضاوتوال عبدالحسیب "احدی" اعضای شورایعالی ستره محکمه مبنی بر اینکه (دعوایی که در مورد آن حکم قطعی و نهائی محکمه صادر شده باشد، تا وقتیکه از طرف شورایعالی ستره محکمه طی قرار قضائی به لغو آن طبق ماده (۴۸۳) قانون اصول محاکمات مدنی، تصمیم اتخاذ نگردیده باشد، بار دیگر قابل دوران محاکماتی و رسیدگی در محکمه نمیباشد. تأیید گردید.

علاوئاً مصوبه شماره (۸۱۶) مؤرخ ۱۳۹۰/۵/۱۸ شورایعالی ستره محکمه که در مغایرت به حکم قطعی و نهائی قرار دارد لغو گردید. ادارات مربوط طبق احکام قانون نافذ تدارکات اجراءات بعمل آرند.))

هدایت مبنی به اینکه آمریت های وثایق و محاکم، در ترتیب وثایق مختلف و به خصوص وثایق را که به (جمهوری اسلامی ایران*) گسیل میدارند، مکلف اند که متن و محتوای آنرا به صورت خوانا و صریح تحریر نمایند

۱۹ - متحده المال شماره (۱۳۵۰ الی ۱۴۱۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۲۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۰۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۲۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ضم نامه شماره (۴۵۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۷ ریاست تدقیق و مطالعات، استهدائی ریاست امور قونسل و وزارت محترم امور خارجه، از اثر یاد داشت رسمی جنرال قونسلگری جمهوری اسلامی ایران در هرات، بشرح ذیل مواصلت ورزیده است: ((به اساس اطلاع مقامات ذیربط ایران از این تاریخ به بعد وکالت و یا عقد نامه های که اتباع افغانستان در کشور خود تهیه و به تأیید وزارت امور خارجه محل نماینده گی های ایران میرسد به دلیل نا مفهوم بودن متن آن مورد قبول نخواهد بود

*-استهداء از جنرال قونسلگری جمهوری اسلامی ایران، در رابطه به موضوع خاص(خوانا نبودن خط و کتابت وثایق) عنوانی ریاست امور قونسل و وزارت خارجه، فرستاده شده بود. اما به دلیل مبرمیت موضوع، جریان نه تنها به مرجع مستهدی بلکه به عموم محاکم، تعمیم گردید.

موجب امتنان است چنانچه به مراجع ذیربط اعلام فرمایند، مدارک فوق الذکر به صورت تایپ شده تهیه گردد در غیر آن، این نماینده گی از تأیید آن خود داری خواهد نمود.

موضوع به محاکم استیناف ولایت غور، بادغیس، فراه و هرات نگارش یافت که به جواب، محکمه استیناف ولایت هرات چنین نگاشته است.

(کارمندان محاکم حین ترتیب یک وثیقه و یا فیصله مکلف به رعایت احکام، مقررہ ها، تعلیمات نامه و مصوبه های مقام عالی ستره محکمه میباشند و در موضوع مذکور مواد (۲۳ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۱ - ۲۳ و ۴۰) تعلیمات نامه تحریر و ثایق، مبنی بر تحریر و نوشتن تذکر داده است و حتی ماده (۱۳) تعلیمات نامه مذکور به صورت واضح بیان کرده است که قضات مکلف اند که در رسم الخط تحریر و ثایق، دقت نمایند.

نماینده گی های سیاسی ج.ا ایران در افغانستان به رعایت اصل احترام به قوانین نافذ و نیز به نحوه و سبک وثایق کشور میباشند.)

هدایت واصله از ریاست محکمه استیناف هرات به قونسلگری ج.ا ایران در هرات منعکس گردید اما طوریکه ملاحظه میشود وثایق دستنویس صادره از محاکم محترم مشکلات زیادی را برای هموطنان بوجود آورده است. طوریکه بدلیل خوانا نبودن اکثر وثایق ایشان مجبور به مراجعه به دارالترجمه ها و تایپ کمپیوتری وثایق خود میشوند که قونسلگری ایران برای تأیید از وثیقه (ورق) تایپ شده مبلغ (۴۰۰) افغانی بطور جداگانه پول اخذ مینماید.

مراجعین اظهار میدارند که اکثراً، بعد از سفر به کشور ایران کارمندان در دادگاه های آن کشور با دست خط های وثایق یاد شده با مشکل مواجه شده که اتباع

کشور مجبور می شوند به سفارت و جنرال قونسلگری های افغانستان مقیم ایران مراجعه نمایند تا اسناد را مجدداً تایپ کمپیوتری نمود و بعد از تأییدی به دادگاه های ایران ارایه نمایند.

موضوع فوقاً به شما ارقام یافت، متوقعست با در نظر داشت مشکلات هموطنان در زمینه توجه لازم نموده، امتنان بخشنند.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۲۷ شورایی ستره محکمه، مطرح و ذریعه تصویب شماره (۵۰۸) در زمینه، هدایت ذیل صدور یافت.

((آمریت های وثایق و محاکم در ترتیب وثایق مختلف به خصوص متن وثایقی که به جمهوری اسلامی ایران گسیل میگردند مکلف اند به صورت خوانا و صریح تحریر نمایند. موضوع به عموم محاکم طور متحدالمال اخبار گردد.))

تشخیص صلاحیت های موضوعی

دیوان های ستره محکمه

۲۰ - متحده المال شماره (۱۴۱۹ الی ۱۴۸۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۸ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۶۵۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۲۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

شورایعالی ستره محکمه در رابطه به اینکه: تشکیل سال ۱۳۹۵ قوه قضائیه منظور و طبق آن دواوین ستره محکمه از پنج دیوان به هشت دیوان توسعه یافته است، ایجاب می نماید تا صلاحیت های هر دیوان مشخص گردد به همین لحاظ بریاست تدقیق و مطالعات وظیفه داده شده تا صلاحیت های دیوان های ستره محکمه را طور مشخص در روشنائی احکام قوانین نافذه تنظیم نماید، که بالاثر ریاست محترم تدقیق و مطالعات صلاحیت های دیوان های ستره محکمه را مشخص و غرض اتخاذ تصمیم ارسال داشته اند.

حینیکه تفصیل جریان موضوع و نظر تدقیقی مرتب بر آن باری در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۲۴ شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید، طی تصویب شماره (۶۵۰) هدایت ذیل در زمینه صدور یافت:

((الف: شورایعالی ستره محکمه صلاحیت های موضوعی دیوانهای ستره محکمه را که طبق تشکیل نافذه از پنج دیوان به هشت دیوان توسعه یافته اند در روشنائی قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه و با در نظر داشت تصنیف و تفکیک قضایا، طبق قوانین نافذه ذیلاً مشخص و تصویب نمود:

۱ - دیوان جزای عمومی:

صلاحیت رسیدگی به جرایم علیه افراد و جرایم ترافیکی.

۲ - دیوان رسیدهگی به جرایم ناشی از فساد اداری، امنیت و منفعت عامه، مواد مخدر:

صلاحیت رسیدهگی به جرایم فساد اداری منسوبین ملکی و نظامی، جرایم علیه امنیت و منفعت عامه، مواد مخدر و مسکرات و جرایم پول شویی و عواید ناشی از آن.

۳ - دیوان رسیدهگی به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی:

صلاحیت رسیدهگی به جرایم تروریستی، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و جرایم اختطاف و قاچاق انسان.

۴ - دیوان رسیدهگی به جرایم خشونت علیه زن و تخلفات اطفال:

صلاحیت رسیدهگی به جرایم خشونت علیه زن و تمامی انواع تخلفات اطفال.

۵ - دیوان رسیدهگی به جرایم منسوبین نظامی:

صلاحیت رسیدهگی به جرایم وظیفوی منسوبین نظامی و منسوبین ادارات دارای تشکیلات نظامی.

۶ - دیوان رسیدهگی به قضایای مدنی:

صلاحیت رسیدهگی به قضایای مدنی بین افراد حقیقی و حکمی خصوصی و بین افراد حکمی خصوصی.

۷ - دیوان رسیدهگی به قضایای حقوق عامه و احوال شخصیه:

صلاحیت رسیدهگی به قضایای حقوق عامه میان افراد حقیقی و دولت و میان افراد حکمی خصوصی و دولت و قضایای فامیلی.

۸ - دیوان رسیدهگی به قضایای تجارتی:

صلاحیت رسیده گی به قضایای تجارتی.

ب: صلاحیت رسیده گی قضایای اختطاف که منجر به قتل مختطف گردد، نسبت شدید تر بودن جرم قتل از صلاحیت دیوان های جزای عمومی محاکم میباشد.

ج: رسیده گی به قضایای جعل پول مطابق به قانون د افغانستان بانک از صلاحیت دیوان های امنیت عامه محاکم میباشد.

مصوبه فوق به عموم محاکم، وزارت محترم عدلیه و اداره محترم لوی خاړنوالی طور متحده المال اخبار گردد.))

(۱) هیئت قضائی پس از تشخیص ذولید از خارج به رسیده گی دعوی ملکیت اقدام می نماید و تبدیل بعدی ید، در اثنای دوران دعوی مدار اعتبار نمی باشد

(۲) هرگاه مدعی علیه در جریان دعوی، مدعایها را بفروشد یا به سبب فوت او، ارثاً به دیگری انتقال یابد، هیئت قضائی به اجراءات خود در دعوی طبق قانون ادامه میدهد و درخواست رد خصومت به سبب تبدیل ید، قابل قبول نمی باشد

(۳) در صورتیکه حکم به اثبات دعوی مدعی صادر و کسب قطعیت نموده باشد، این حکم به ذوالید جدید نیز سرایت کرده و تطبیق می گردد*

۲۱ - متحده المال شماره (۱۴۸۹ الی ۱۵۵۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۸ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۵۶۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیة شماره (۱۰۵۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۴/۳ ریاست محترم محکمه استیناف ولایت بغلان بشرح ذیل غرض ابراز نظر بریاست محترم تدقیق و مطالعات محول گردیده بود:

* - در یک مصوبه در رابطه به سه موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است، از آن جهت عنوان این متحده المال به شکل فوق، تنظیم گردید.

((دعوی شخص حقیقی علیه شخص دیگر در مدعی بها که از جنس عقار است ابتداء در محکمه ابتدائیه اقامه و در بدو دعوی به شهادت شهود و یا تصادق خصمین، ذوالیدی مدعی علیه ثابت و طی فیصله خط در موضوع اصدار حکم و فیصله متذکره ذریعه قرار قضائی دیوان مدنی و حقوق عامه استیناف مورد تأیید قرار داده شده بالاثر غور فرجامی، قرار قضائی مؤید فیصله محکمه ابتدائیه نقض و هدایت داده شده تا بعد از نقض فیصله محکمه ابتدائیه، دیوان مدنی استیناف قضیه را خود تحت رسیده گی و دوران قرار دهد.

در جریان رسیده گی محاکماتی مدعی علیه فوت و ورثه مدعی علیه قسمت اعظم مدعی بها را به شکل نمره های رهایشی تبدیل و بالای افراد و اشخاص به بیع قطعی به فروش رسانده و این در حالی است که محکمه ذریعه مکاتیب متعدد خود، بنابر تقاضای مدعی به جلوگیری از فروش، تغییر و کار ساختمان سازی در مدعی بها به قوماندانی امنیه هدایت داده تا اشکال در تنفیذ حکم رونما نگردد. اما باز هم ورثه مدعی علیه متوفا نمرات را بفروش رسانده که مشتری ها و ذوالیدان حادث بالای زمین مدعی بها، تعمیر های یک منزله اعمار نموده اند محکمه استیناف به مشکلات ذیل روبرو است:

(الف): قاعده کلی فقه که دعوی عقار، تنها بالای ذوالیدی که بالفعل و عملاً زمین های مدعی بها را در تصرف داشته و از آن استفاده مینماید اقامه میشود، آیا محکمه دعوی را بالای همین اشخاص ذوالید فعلی و حادث دوران دهد؟

(ب): و یا اینکه محکمه بالای ورثه مدعی علیه که ابتداءً ذوالید حقیقی تشخیص شده و یا هم به ذوالیدی بودن خود اقرار و تصدیق داشته دعوی را دوران دهد؟

اگر بالای متصرفان کنونی و ذوالیدی حادث دعوی دوران داده شود اما چون در محکمه استیناف سبق دعوی علیه ذوالیدان حادث وجود ندارد ناگزیر دوسیه به محکمه ابتدائیه رجعت داده شود اما هدایت قرار قضائی رهنمودی دیوان مدنی و حقوق عامه ستره محکمه به دوران دادن قضیه در محکمه استیناف تعمیل نمی شود، ضمناً زمینه حیلۀ باز میشود و احتمال انتقال در جریان محاکماتی به خاطر ضرر و سرگردانی سازی مدعی، باز هم به ید ثالث و رابع می‌رود و مدعی به شکل دور یا تسلسل، سال‌ها در دعوی خویش بدون انفصال قطعی و نهائی سرگردان باقی میماند. اگر دعوی بالای ورثه مدعی علیه که به ذوالیدی بودن مدعی علیه شهود شهادت داده و یا هم تصادق خصمین به عمل آمده، دوران داده شود از یک طرف به قاعده فقهی که خصم در دعوی عین ذوالیدی میباشد و بس، عمل نمیشود. از جانب دیگر حکم قلع و قمع منازل مسکونی یک منزله یا دو منزله ای که در جریان دعوی احداث شده، بالای غیر مالک تعمیر چگونه خواهد شد؟

نظر هیئت قضائی محکمه استیناف:

(دعوی بالای ورثه مدعی علیه اصلی و اولی دوران داده شود. اما مدعی در صورت دعوی خود شرح دهد که مدعی علیه و یا ورثه وی در جریان دعوی بدون داشتن اسناد بنیادی مدار حکم، خلاف هدایت قانون و خلاف مصوبات ستره محکمه به سوء نیت و برضد مکاتیب محکمه مبنی بر منع تغییر و فروش و هم به خاطر ایجاد مانع به تأمین عدالت، مدعی بها را به طور نمره به افراد و اشخاص به فروش رسانده و خریداران مدعی بها نیز، به مانند مدعی علیه در حال علم به موجودیت دعوی به اسناد نا معتبر، غیر شرعی و غیر قانونی مدعی بها را خریداری نموده، به سوء نیت در جایداد های خریده گی غیر قانونی خویش تعمیر یک منزله

اعمار نموده اند که خرید و تصرفات حادث شان اثرات شرعی و حقوقی را در بر نداشته، همه تعمیر و آبادی احداث کرده اوشان قابل قلع و قمع شود.

با وجود نظر فوق، لازم دیده شد که از مقام عالی استهداء گردد که دعوی بالای مدعی علیه و ذوالید اولی دوران یابد و یا بالای ذوالید حادث که در اثنای دعوی مدعی بها را خریداری و بالای آن ساختمان اعمار نموده تا شود در پرتو هدایت مقام محترم اجراءات سالم و درست صورت گیرد.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۹ شورایعالی ستره محکمه، مطرح گردید و ذریعه تصویب شماره (۵۶۶) هدایت ذیل صدور یافت:

((هیئت قضائی پس از تشخیص ذوالیدی از خارج به رسیده گی دعوی ملکیت اقدام مینماید و تبدیل بعدی ید در اثنای دوران دعوی مدار اعتبار نمی باشد. هرگاه مدعی علیه در جریان دعوی، مدعی بها را بفروشد یا به سبب فوت او ارثاً به دیگری انتقال یابد، هیئت قضائی به اجراءات خود در دعوی طبق قانون ادامه میدهد و در خواست رد خصومت به سبب تبدیل ید قابل قبول نمی باشد و در صورتیکه حکم به اثبات دعوی مدعی صادر و کسب قطعیت نماید، این حکم بر ذوالید جدید نیز سرایت کرده و تطبیق میگردد، موضوع به عموم محاکم طور متحدهالمال اخبار گردد.))

(۱) تأیید مصوبه شماره (۲۲۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۸ شورایعالی ستره محکمه، با تأکید به این که اگر تحصیل محصول فیصله ها از جانب محاکم صورت گرفته نتواند، ادارات حقوق وزارت عدلیه مکلف اند، طبق احکام قانون طرز تحصیل حقوق به تحصیل دیون و تحویلی آن به حساب ستره محکمه اقدام نمایند

(۲) مکلفیت محاکم مبنی به اینکه، مقدار محصول قابل تحویل توسط محکوم علیه را در نص حکم تمامی فیصله های خویش، اعم از مدنی، حقوق عامه و تجارتي تذکر دهند*

۲۲ - متحده المال شماره (۱۵۵۹ الی ۱۶۳۱) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۷۰۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

پیشنهادیه ریاست محترم تحریرات مقام ستره محکمه مبنی بر اینکه: ((بعد از صدور مصوبه شماره (۲۲۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۲/۲۸ مقام محترم شورایعالی ستره محکمه مبنی بر تحصیل و تحویلی محصول، عده از مراجعین عریضه شان را عنوانی مقام محترم عالی ستره محکمه ارایه و بیان میدارند در حالیکه به پرداخت محصول اطاعت دارند ولی به نسبت مشکلات اقتصادی محصول به اقساط از نزد شان اخذ گردد و اکثراً به مصوبه قبلی (۸۰۲) مؤرخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۷ شورایعالی استناد نموده و طالب احکام مقام منیع ستره محکمه میباشند مصوبه مذکور ذیلاً صراحت دارد:

*- در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است، از آن جهت عنوان این متحده المال به شکل فوق، تنظیم گردید.

(در صورتیکه محکوم علیه محکمه ابتدائیه و یا استیناف در صورت عدم توان مالی تقاضای قسط تحویل محصول فیصله را نماید مرجع مربوط صلاحیت دارد حد اکثر تا (۹) ماه به تعیین اقساط هدایت صادر نمایند.)

عارضین طوری وانمود میسازند که مرجع مربوط در مصوبه یاد شده مشخص نشده تا در زمینه تعیین اقساط اجراءات صورت گیرد.

بناءً به منظور اینکه در حصه عریضه عارضین چی نوع اجراءات بعمل آید هدایت مقام عالی را خواستاریم تا در روشنی احکام حاصله اجراءات اصولی نموده باشیم.))

پیشنهادیه مذکور در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۷ شورایعالی ستره محکمه مطرح و ذریعه یاد داشت شماره (۵۳۵) هدایت فرموده بودند که (ریاست تدقیق و مطالعات تحت نظر محترم متین صاحب عضو شورایعالی ستره محکمه در مورد ابراز نظر بعمل آرند.) که طبق هدایت، موضوع بعد از ابراز نظر باری به جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۱ شورایعالی ستره محکمه گزارش یافت و در نتیجه قرار تصویب شماره (۷۰۸) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت.

((موضوع تحصیل محصول فیصله های محاکم و نحوه تقسیط آن در حال حضور جناب محترم وزیر عدلیه، مشاور ارشد آن وزارت و رئیس حقوق ولایت کابل مورد بحث قرار گرفته و بعد از بحث بر موضوع از اینکه محصولات دولتی دین دولت شمرده میشود، بناءً مراتب ذیل به تصویب رسید:

۱ - مصوبه شماره (۲۲۵) ۱۳۹۵/۲/۲۸ شورایعالی ستره محکمه تأیید است طبق آن عمل صورت گیرد.

- ۲ - در صورتیکه تحصیل محصولات فیصله ها از جانب محاکم صورت گرفته نتواند ادارات حقوق وزارت عدلیه مکلف اند طبق احکام قانون طرز تحصیل حقوق به تحصیل دیون و تحویلی آن به حساب ستره محکمه اقدامات جدی نمایند.
- ۳ - به جمیع محاکم هدایت داده میشود تا مقدار محصول قابل تحویلی توسط محکوم علیه را در تمامی فیصله ها، اعم از مدنی، حقوق عامه و تجارتي در اخیر نص حکم تذکر دهند.
- ریاست دارالانشاء مراتب فوق را به عموم محاکم و وزارت محترم عدلیه طور متحدالمال اخبار نماید.

لزوم درج اظهارات طرفین، اقرار متهمین، و شهادت شهود که به نحوی در تصمیم گیری های قضائی مؤثر باشد در محضر قضائی و ضم آن در دوسیه های جزائی مربوط

۲۳ - متحده المال شماره (۱۶۳۲ الی ۱۷۰۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۹ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۷۱۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست دارالانشاء شورایعالی به جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۱ شورایعالی ستره محکمه پیشنهاد ذیل را تقدیم نمود:

((طوریکه به مشاهده میرسد در اکثر دوسیه های وارده جزائی، محضر قضائی درج اوراق نبوده و یا هم محاکم اصلاً محضر قضائی ترتیب نمیدهند. بنابر آن به منظور تأمین عدالت و اتخاذ تصمیم عادلانه قضائی، شورایعالی ستره محکمه تجویز خواهند فرمود تا بمنظور شفافیت بیشتر، محاکم اظهارات طرفین دعاوی، اقرار متهمین و شهادت شهود را درج محضر قضائی نمایند. در مورد طوریکه هدایت میفرمایند موجب تعمیل است.))

شورایعالی ستره محکمه در زمینه ذریعه تصویب شماره (۷۱۷)، هدایت ذیل را صادر نموده اند:

((بمنظور تأمین عدالت و شفافیت در روند محاکمه، به عموم محاکم هدایت داده میشود تا حین جلسات قضائی وفق احکام مندرجات قانون اجراءات جزائی، اظهارات طرفین، اقرار متهمین و شهادت شهود را که به نحوی در تصمیم گیری های قضائی مؤثر باشد، درج محضر قضائی نموده و ضم دوسیه نمایند، ریاست دارالانشاء مصوبه هذا را به جمیع محاکم، طور متحده المال اخبار نمایند.))

(۱) هدایت مجدد مبنی به تأیید مصوبه شماره (۱۲۳۵) مؤرخ ۱۳۹۱/۱۰/۵ شورایعالی ستره محکمه، در رابطه به (وکالت خط های بالفروش) ولغو مصوبات شماره (۱۴۳۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ و شماره (۹۵) ۱۳۹۵/۱/۳۱ شورایعالی ستره محکمه که قبلاً در زمینه وکالت خط ها، صدور یافته بود

(۲) هدایت مبنی به حل مسایل مختلف در رابطه به وکالت خط ها*

۲۴ - متحده المال شماره (۱۷۰۴ الی ۱۷۷۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۸۷۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

به تعقیب متحده المال های شماره (۲۳۲۲ الی ۲۳۹۲) ۱۳۹۴/۱۲/۱۵ و (۱۵۴ الی ۲۳۴) ۱۳۹۵/۲/۲۷ ریاست دارالانشاء ستره محکمه، نگاشته میشود: قبلاً موضوع بازنگری بر مصوبه شماره (۹۵) ۱۳۹۵/۱/۳۱ شورایعالی ستره محکمه در رابطه به وکالت خط های بالفروش، در حضور داشت آمرین وثائق حوزه های چهارگانه شهر کابل، در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۴ شورایعالی ستره محکمه، مطرح و طی تصویب شماره (۶۵۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۴ هدایت صادر فرمودند که (ریاست تدقیق و مطالعات راجع به مصوبه شماره (۹۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۱/۳۱ شورایعالی ستره محکمه و مصوبات قبلی شورایعالی مربوط به وکالت خط ها عجلتاً

* - در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است، از آن جهت عنوان این متحده المال به شکل فوق، تنظیم گردید.

ابراز نظر بعمل نماید.) ریاست تدقیق و مطالعات در زمینه ابراز نظر نموده اند که طبق هدایت، تفصیل جریان موضوع توأم با نظر تدقیقی باری در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ شورایعالی ستره محکمه مطرح بحث قرار گرفت و در زمینه طی تصویب شماره (۸۷۶) هدایت ذیل صدور یافت:

((شورایعالی ستره محکمه قبلاً به ارتباط مسایل مربوط به وکالت خط ها تصویب (۱۲۳۵) مؤرخ ۱۳۹۱/۱۰/۵ را به مضمون ذیل صادر نموده بودند:

۱: - هرگاه وکالت خط مطابق احکام مندرجه قانون مدنی ترتیب شده باشد وکالت صرف در احوال مندرج ماده (۱۶۰۶) قانون مذکور منتهی میگردد که حالات ذیل را حایز میگردد:

۱: در حالت اتمام عملی که وکالت در آن صورت گرفته.

۲: در حالت انتهای مدت معینه وکالت که مراد از مدت معینه همان مدتیست که از طرف مؤکل بمنظور اجرای وکالت تعیین میگردد.

۳: در حالت وفات وکیل یا مؤکل.

۴: در حالت زوال اهلیت وکیل یا مؤکل که در قانون احکام فقه روشن است. بناءً در حال عدم ظهور یکی از حالات فوق وکالت مدار اعتبار بوده به تمدید آن الی اتمام عملیکه وکالت در آن صورت گرفته ضرورتی محسوس نبوده اعتبار آن ثابت است.

۲: - در صورتیکه وکیل از طرف تعدادی از مؤکلین مقرر شده باشد و بعداً یکی از آنها وکیل را عزل نماید وکالت در مورد وی اعتبار خود را از دست میدهد ولی وکالت در مورد سایرین معتبر میباشد وی میتواند با وکیل و سایرین اجراءات و یا برای خود وکیل دیگری تعیین نماید.

۳: - بخاطر شناخت و تثبیت ورثه مؤرث ترتیب حصر وراثت قبل از ترتیب وثیقه وکالت ضرور است ولی در حین ساختار وکالت در حوزه قضائی محل وفات متوفا ضمن شهادت شهود معرفت که به لفظ اشهد با الله تعالی صورت گیرد نیز موزون میباشد چه شهادت به لفظ اشهد با الله قوی تر از اخبار مقررین در وثیقه حصر وراثت میباشد ولی تحقیق از محل زیست راجع به تثبیت ورثه شرعیه منحصره مستحق الارث متوفا و با موجودیت مستحق وصیت واجبه امر ضروری میباشد.

۴: - در محاکم که به دعاوی اشخاص رسیده گئی مینمایند هرگاه شخص مستقیماً دعوی و یا دفاع نمی نماید میتواند وکیل مدافع دارای جواز وکالت را مقرر نماید و اگر میخواهند یکی از اقارب خویش را بحیث وکیل به دعوی یا دفاع مقرر نماید به تعمیم ماده (۳۴) قانون تنظیم امور وکلای مدافع یکی از خویشاوندان ذیل و یا شرکای خود را ضمن وثیقه وکالت بحیث وکیل مقرر کرده میتوانند: پدر، پسر، کلان تا درجه سوم، اولاد صلبی، مادر تا درجه سوم، برادر، برادر زاده، خواهر، خواهر زاده، زوج، زوجه، عم و عمه، خاله، ماما و اولاد های صلبی شان تا درجه دوم و خسر و خسر بره و خشو یا شرکاء در قضیه دعوی را که وکالت خط مذکور در قضایای حقوقی و بخش حق العبدی قضایای جزائی ضمن وثیقه شرعی ترتیب میگردد در سایر موارد غیر از دعوی هر شخص وکیل مقرر شده میتواند.

۵: - در صورتیکه مؤکل حین ترتیب وکالت خط اسناد ملکیت خود را در اختیار داشته باشد نمبر، تاریخ و محل صدور سند در متن وکالت داخل میگردد و هرگاه نزد مؤکل در حین ترتیب وکالت سند وجود نداشته باشد موضوع را مؤکل مشخص میسازد در صورتیکه وکیل عالم به موضوع و اسناد مربوط باشد در متن وکالت از طرف مؤکل تحریر میگردد که وکیل بر موضوع وکالت اسناد و

مشخصات آن عالم و واقف میباشد. بالاثر محاکم و ادارات مکلف اند وکالت را قبول و بر حسب مفاهیم آن عمل نماید درین حال درج نمبر، تاریخ و محل صدور سند و حدود اربعه و سایر مشخصات ملکیت ضرور نیست تا در متن وکالت درج گردد.

۶: - در صورتیکه وکیل بر حال باشد برای تمديد وکالت ضرورت احساس نمیشود.

۷: - هرگاه وکالت بمنظور بیع عقار باشد و سند نزد مؤکل نبوده و مفقود گردیده باشد مؤکل در وکالت خط صلاحیت اخذ مثنی و ثبقة مطلوب را نیز درج وکالت نماید.

۸: - و اگر اصل سند وجود دارد ولی کنده سند مؤکل به اثر حوادث از بین رفته باشد. بر مؤکل لازم است در مورد برای وکیل صلاحیت رسیده گی به سند را در دیوان مدنی مربوط درج وکالت نماید.

۹: - در صورتیکه وکالت بمنظور امور ترکه ترتیب شده باشد وکیل سرتفکیت وفات متوفا در خارج را با خود به محکمه افغانستان ارایه بدارد.

بنابر آن بمنظور ایجاد سهولت به مردم و انتظام و اجرای امور مربوط به وکالت خط ها مصوبه فوق بار دیگر مورد تأیید قرار گرفته و مصوبات (۱۴۳۸) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ و (۹۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۱/۳۱ شورایعالی ستره محکمه که در همین رابطه صدور یافته است لغو گردید.

ریاست دارالانشاء شورایعالی مراتب فوق را به عموم محاکم متحده المالاً اخبار نمایند.))

اگر فیصله های محاکم در دعاوی نسب و تعیین سهم مورثی (به افراز و تسلیم) صادر گردد ایجاب محصول را می نماید،
در غیر آن محصول ندارد

۲۵ - متحده المال شماره (۱۷۸۷ الی ۱۸۵۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۸۸۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

پیشنهادیه شماره (۴۴۱۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۸ ریاست محترم محکمه استیناف ولایت ننگرهار بالاتر استعدائیه محکمه ابتدائیه حوزه اول آن ولایت به محتوی ذیل مواصلت ورزیده است:

((قسمیکه در جریان هستید یک تعداد دعاوی حقوقی که به دیوان مدنی محکمه ابتدائیه حوزه اول شهری ننگرهار و یاهم سایر محاکم افغانستان راجع میگردد، دعاوی غصب سهام موروثی و ترکه قضائی میباشد. زیرا اکثریت مطلق مردم افغانستان حاضر به ترکه رضایی در وثیقه ترکه خط نمیشوند، یا یکی از ورثه سهم تمامی ورثه را در متروکه متصرف و قابض میباشد و به شکل غاصبانه از تمامی متروکه استفاده مینماید. این حالت سبب بروز دعاوی گردیده و موضوع محول محاکم میگردد که بالاخره بعد از یک سلسله اجراءات قانونی در زمینه یا به اثبات و یا هم به عدم اثبات دعوی از طرف محاکم فیصله صادر میگردد.

در صورتیکه حکم به اثبات دعوی مدعی و به محکومیت مدعی علیه صادر گردد، طبق بند (ب) فقره (۱۱) ماده دوم قانون محصول وثایق و اسناد اداری دولتی که چنین صراحت دارد: (اگر مدعی علیه محکوم واقع شود ده فیصد محکوم بها در محکمه ابتدائیه و بیست فیصد محکوم بها در دیوان مربوط ستره

محکمه) ده فیصد محصول اخذ میگردد و در صورتیکه مدعی محکوم علیه واقع گردد طبق بند الف فقره ماده مذکور، از نزد وی یک فیصد محصول عدم اثبات اخذ میگردد و طبق مواد فوق الذکر تمامی محاکم ننگرهار در حصه محصول محصول فیصله های صادره خویش اقدامات نموده اند و رویه معمول در محاکم افغانستان هم همین بوده که طبق مواد فوق الذکر از فیصله های صادره، راجع به اموال متروکه حسب احوال، ده فیصد یا هم یک فیصد محصول را اخذ مینمایند و از سالیان متمادی این کار در محاکم ولایت ننگرهار جریان دارد و ملیونها افغانی از این درک تحویل خزانه دولت گردیده است.

چنانچه مرحوم استاد عتیق الله " رؤفی " در کتاب ثبت اسناد و وثایق خویش که مورد تأیید ریاست تدقیق و مطالعات ستره محکمه هم قرار گرفته و به حیث یک رهنمای اجراءات محاکم از طرف ستره محکمه برای تمامی محاکم کشور توزیع گردیده در صفحه (۱۳۴) کتاب متذکره فیصله های که راجع به ترکه اموال موروثی و تعیین سهم وارثین از طرف محاکم صادر میگردد آنرا تابع محصول دانسته و چنین تحریر داشته (در این حال ترکه قضائی به صورت ادعا در ضمن فیصله قضائی تا مرحله نهائی صورت میگیرد که در آن محصول فیصله از محکوم علیه اخذ میگردد) اما در این اواخر کمیسیون روسای دیوانهای محکمه استیناف ولایت ننگرهار طی تصویب شماره (۳۸) ۱۳۹۵/۵/۱۲ به استناد فقره (۵) ماده سوم لایحه محصول تصویب نمودند که فیصله های محاکم راجع به ترکه اموال متوفا و تعیین سهم وارثین ایجاب محصول را نمی نماید. از اینکه تصویب شماره فوق کمیسیون روسای دیوان های محکمه استیناف، در مخالفت با رویه معمول محاکم افغانستان و کتاب اسناد و وثایق که از طرف ستره محکمه برای محاکم به

حيث كتاب رهنما توزيع شده قرار دارد و از طرف ديگر مليونها افغانی از درك محصول اين چنين فيصله ها، تحويل خزانه دولت گرديده، افرادي كه محصول را تحويل نموده اند با مراجعه به محاكم خواهان استرداد محصول تحويل شده خویش ميگردند كه در اين صورت مشكلات زيادی برای محاكم و ادارات مالی کشور رخ خواهد داد و سبب ضايع شدن عوايد دولت نيز خواهد گرديد.

اينك جريان موضوع بمقام محترم تقديم گرديد، اميد موضوع را از طريق خویش بمرجع مربوطه غرض هدايت قانونی و شرعی راجع سازيد.))

استهدايه فوق الذكر ديوان مدني محكمه ابتدائيه مركز ننگرهار، در جلسه تاريخي ۱۳۹۵/۵/۱۹ رؤسای ديوانهای محكمه استيناف ولايت ننگرهار به بحث و بررسی گرفته شد.

(بعد از بحث پيرامون موضوع برخي از رؤسای ديوانها را نظر بر اين است كه موضوع تركه قضائي و يا به عبارت ديگر، مطالبه تعيين سهم و حصه موروثي و افزاز آن در اموال متوفا كه از طرف يك و يا چند تن از ورثه بالاي وارث و يا وارثين كه متروكه در تصرف آنها است در صورتيكه منجر به دعوى گرديده و فيصله محكمه را بصورت اثبات دعوى و يا عدم اثبات مدعى و يا مدعيون در پي داشته باشد، تحت قاعده عمومي اخذ محصول كه در ماده اول و دوهم قانون تعرفه محصول دولتي در محاكم جمهوري اسلامي افغانستان منتشره جريده رسمي (۷۱۰) سال ۱۳۶۸ ذكر گرديده، تابع اخذ محصول ميباشد.

اما اكثر روسای ديوانها به اين نظر اند كه تركه قضائي از جمله قضايای ميباشد كه در اقامه دعوى و فيصله آن، ايجاب محصول را نمي نمايد.

چنانچه در ماده اول و دوم قانون تعرفه محصول دولتی قضایای که به هنگام ترتیب وثایق اقامه دعوی و فیصله محکمه، ایجاب اخذ محصول را می نماید، به صورت عام ذکر گردیده و سپس در ماده سوم قانون مذکور موارد استثنایی یعنی آن عده قضایای که به هنگام ترتیب وثایق، اقامه دعوی و فیصله، ایجاب اخذ محصول را نمی نماید، بیان گردیده است. چنانچه در فقره (۵) بند اول ماده سوم قانون مذکور آمده: (اقامه دعوی اثبات نسب و تعیین سهم موروثی و فیصله آن) کما اینکه در بند دوم فقره (۲) ماده مذکور، ترکه خط در اموال متروکه متوفا، وثیقه غیر محصولی دانسته شده، همچنان موضوع ترکه اموال متوفا در صورتیکه منجر به دعوی گردیده و فیصله محکمه را در پی داشته باشد، طبق صراحت فقره (۵) بند اول ماده سوم قانون تعرفه محصول دولتی مذکور، تابع اخذ محصول نمی باشد. از اینکه در موضوع استهداء شده، دیدگاه ها و نظریات متفاوت بود، بناءً جریان ضمن ابراز نظر به قرار شرح فوق تحریر و از مقام محترم در زمینه طالب هدایت میباشیم.)

مطلب مورد استهداء، بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۳۰ شورای عالی ستره محکمه مطرح و طی تصویب شماره (۸۸۰) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((هرگاه فیصله های محاکم در دعاوی نسب و تعیین سهم موروثی بر افراز و تسلیمی صادر گردد ایجاب محصول را مینماید در غیر آن محصول ندارد.))

چگونه گي اجرای قبالة های آپارتمان های رهائشی که بنیاد آن نمرة

رهائشی می باشد

۲۶ - متحدالمال شماره (۱۸۵۳ الی ۱۹۲۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۱/۵ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۱۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

انضمام نامه شماره (۱۰۸۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۳۰ ریاست تدقیق و مطالعات، استهدائیة آمریت اسناد و وثایق حوزه چهارم شهر کابل که ذریعة نامه شماره (۷۷۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۴ ریاست محکمه استیناف ولایت کابل، بعد از ابراز نظر تدقیقی به محتوی ذیل مواصلت ورزیده است:

((یکتعداد اشخاص، راجع به اجرای قبالة آپارتمان های خویش که بنیاد آن نمرة زمین رهائشی است و فعلاً بالای نمرة رهائشی، چند طبقه آپارتمان اعمار گردیده و عارضین مذکور خواهان فروش آپارتمان هر طبقه به حدود مساحت جداگانه، از این اداره میباشند.

طوریکه اسناد اشخاص عارض ملاحظه میگردد، در قبالة های شان یک نمرة زمین ذکر میباشند. آیا آمریت وثایق، میتواند قبالة هر آپارتمان را به حدود و مساحت جداگانه آن، اجراء نماید یا خیر؟

نظر ما هیئت قضائی آمریت وثایق حوزه (۴) کابل این است: (در صورتیکه به اعمار آپارتمان بالای نمرة رهائشی اداره مربوطه مجوز قانونی اعمار بلند منزل را داده باشد، بعد از اخذ معلومات از اداره مربوط اجرای قبالة هر واحد از آپارتمان به حدود جداگانه مانع ندارد. اما در صورتیکه اعمار بلند منزل و آپارتمان رهائشی بالای نمرة زمین رهائشی، بدون مجوز قانونی آن اجرا گردیده باشد، بدلیل اینکه

اشخاص ممکن است معیار های قبول شده بلند منزل را در اعمار آن در نظر نگیرند.) از آن جهت آمریت وثایق حوزه (۴) کابل در مورد اجرای قباله های همچو اشخاص، طالب هدایت میباشد.))

مطلب مورد استهداء، بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ شورای عالی ستره محکمه مطرح گردید و قرار تصویب شماره (۹۱۳) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((در صورتیکه اعمار اپارتمان ها بالای نمرات رهایشی طبق احکام قانون و با در نظر داشت مقررات و لوایح شاروالی صورت گرفته باشد اجرای همچو قباله ها مانعی ندارد. در غیر آن محاکم از اجرای قباله در زمینه احتراز نماید. موضوع به محاکم استیناف ولایات طور متحده المال اخبار گردد.))

بمنظور ایجاد سهولت و جلوگیری از سرگردانی متقاضیان قضایای مربوط به ازدواج و انحلال آن، صلاحیت رسیده گی به همچو قضایا، به محاکم محل اقامت آنها تفویض گردید *

۲۷ - متحده المال شماره (۱۹۲۶ الی ۱۹۹۹) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۵۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بود.

ریاست دارالانشاء، پیشنهاد خویش را به متن ذیل به شورایعالی ستره محکمه تقدیم نمودند:

((طوریکه دیده میشود یکتعداد خانم ها در محکمه محل اقامت فعلی خویش ادعای ازدواج، یا انحلال آن را علیه شوهران شان مطالبه می نمایند. محاکم محترم به دلیل عدم سکونت شوهران شان در محل زیست آنان، قرارهای قضائی عدم صلاحیت را طبق قانون، صادر و یا هم از گرفتن اعتراض در زمینه خود داری می نمایند.

از آن جهت، متقاضیان مذکور به مقام محترم ستره محکمه عارض و تقاضای تفویض صلاحیت رسیده گی قضیه خود را به محاکم محل اقامت شان مینمایند. دلیل شان این است موضوع مذکور، باعث سرگردانی آنان میگردد. بنابر آن مقام محترم در مورد، طوریکه هدایت میدهند تعمیل میگردد.))

* -مصوبه و متحده المال فوق، صرف متعلق به اشخاص مندرج متن استهداء میباشد.

شورای عالی ستره محکمه، طی تصویب شماره (۱۰۵۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ در زمینه، چنین هدایت صادر نموده اند:

((بمنظور ایجاد سهولت و جلوگیری از سرگردانی متقاضیان قضایای مربوط به ازدواج و انحلال آن، صلاحیت رسیده گی همچو قضایا، به محاکم محل اقامت فعلی آنان تفویض گردید. محاکم مطابق احکام قانون به انفصال آن مبادرت ورزند. دارالانشاء شورای عالی، مراتب مصوبه را به عموم محاکم طور، متحده المال اخبار نماید.))

بخش سوم
متحدالمالهای سال ۱۳۹۶

رهنمود تحویل محصول فیصله های محاکم

به خزانه دولت

۱ - متحده المال شماره (۱۵۱ الی ۲۲۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۲۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

طرح پیشنهاد چگونگی تحویل محصول فیصله های محاکم به خزانه دولت که توسط هیأت مؤلف منسوبین قوه قضائیه به اشتراک نماینده گان د افغانستان بانک، وزارت مالیه و وزارت عدلیه، ترتیب و جهت تصویب به شورایعالی ستره محکمه محول گردیده بود.

(شورایعالی ستره محکمه در یاد داشت شماره (۲۶۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۱ خویش هدایت فرموده بوند که ریاست تدقیق و مطالعات در تفاهم با محترم رئیس دارالانشاء شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا بر طرح متذکره ضمیمه پیشنهاد، ابراز نظر بعمل آورد.)

که به تأسی از آن، در مورد چنین ابراز نظر گردید:

((به ملاحظه متن طرح چگونه گی تحویل محصول فیصله های محاکم به خزانه دولت، طرح متذکره در مطابقت به قوانین نافذه کشور ترتیب گردیده، از نگاه محتوی کدام مشکل در آن به نظر نرسید و عملی نمودن رهنمود متذکره در اجراءات محاکم و جمع آوری عواید مفید خواهد بود.))

نظر تدقیقی توأم با طرح متذکره در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۲۶ شورایعالی ستره محکمه مطرح بحث قرار گرفته و در نتیجه قرار تصویب شماره (۱۰۳) هدایت ذیل صدور یافت:

((طرح تحویل محصول فیصله های محاکم بداخل (۱۲) شماره تصویب شد، طرح متذکره به عموم محاکم و مراجع ذیربط متحده المالاً، اخبار و در مجله قضاء نشر گردد.))

هدایت شورایعالی ستره محکمه، بدینوسیله به عموم محاکم استیناف و مراجع مربوط متحده المالاً اخبار گردید و کاپی طرح تحویل محصول فیصله جات محاکم به خزانه دولت بعد از مهر ریاست دارالانشاء شورایعالی ستره محکمه، در ضمیمه فرستاده شد. تا آنرا به مراجع ذیربط تعمیم نموده عندالموقع مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

رهنمود تحویل فیصله های محاکم به خزانه دولت:

۱ - از اینکه در سالهای گذشته محصول فیصله جات از طرف ادارات حقوق تحویل میگردد و در اکثر فیصله جات از محصول فیصله، مئودی، فرار و یا هم در تحویل آن ادارات حقوق کمتر توجه نموده اند و عواید محاکم از این رهگذر ضایع گردیده است. بناءً ایجاب می نماید که تمام محصول فیصله جات بعد از حکم محکمه از جانب محاکم مربوط توسط حسابات فرعی بانکی عواید محاکم طبق میکانیزم جدید منظور شده انتقال عواید محاکم به خزانه دولت تحویل گردد.

۲ - غرض مشخص شدن مبلغ محصول فیصله ها، محاکم اولاً باید قیمت واقعی و حقیقی مدعی بها را توسط اهل خبره بحضور داشت طرفین قضیه طبق قوانین و مقررات مربوط تعیین و تثبیت نمایند و نشان انگشت هر دو طرف در مکتوب یا استعلام قیمت گذاری اخذ شود.

۳ - محاکم مکلف اند، اندازه محصول فیصله جات را در نص حکم خویش تصریح نمایند، بعد از اصدار حکم محکمه در فیصله جات محصولی و مشخص

شدن مبلغ قابل پرداخت به عنوان محصول، اداره مربوط تحصیلی محکمه (تحریرات) تعرفه تحویلی محصول را به حساب بانکی عواید مربوطه خویش صادر و بدسترس مئودی قرار دهد و او را مکلف به پرداخت مبلغ محصول قابل تأدیه مندرج تعرفه نمایند.

۴ - و قتیکه شخص در مراحل محاکماتی مطابق قانون تعرفه دولتی فیصدی محصول فیصله حکم شده را تحویل بانک نمود تا مراحل قطعی و نهائی شدن قضیه محصول پرداخت شده در حساب بانکی عواید محاکم به حساب فرعی شامل گردیده و موضوع در راپور محکمه مربوط در کود امانت تصنیف و یک نقل سوابق پرداخت محصول فیصله ضم دوسیه مربوطه آن گردد.

۵ - هرگاه در مراحل بعدی قضیه، پرداخت محصول فیصله تغییر نمود (محکوم علیه محکوم له قرار گیرد) محکوم علیه مرحله استینافی مکلف به پرداخت محصول فیصله گردد و پول پرداخت شده در مرحله ابتدائیه (محکوم علیه سابق) قابل استرداد بوده که در نص حکم محکمه استیناف از آن تذکر بعمل آید و اداره تحصیلی محکمه استیناف (تحریرات) رسماً استرداد پول امانت پرداخت شده قبلی را به محکمه مربوطه (ابتدائیه) و شخص مئودی خبر دهند.

۶ - در تمام مراحل بعد از اخذ پول محصول فیصله جات در محاکم مربوط شهر و ولسوالی های ولایت کابل، ادارات تحصیلی محصول (تحریرات) مکلف هستند الی قطعی و نهائی شدن فیصله محاکم در راپور خویش محصول فیصله را در کود امانتی به مدیریت تحصیلی خبر دهند تا در صورتی مسترد شدن محصول فیصله و تغییر مئودی در مرحله بعدی چگونگی پول مسترد شده توسط محکمه مربوط به مدیریت تحصیلی رسماً خبر داده شود و مدیریت تحصیلی ریاست مالی و

اداری ستاره محکمه به ریاست خزاین وزارت محترم مالیه در مورد استرداد پول از کود امانت توسط فورم (۱۶م) خبر دهند.

۷ - ادارات حقوق وزارت محترم عدلیه مکلف اند تا بعد از قطعی و نهائی شدن قضایای که تابع محصول فیصله میباشد، پیش از تطبیق آن از محاکم ابتدائیه و استیناف مربوط از تحویلی پول محصول فیصله اطمینان حاصل نموده و بعداً اقدام به تطبیق نمایند.

۸ - در ولایات و ولسوالی های مربوط آن محصول فیصله جات محاکم مطابق طرز العمل مستوفیت در وجه امانتی الی قطعی و نهائی شدن فیصله نگهداری میگردد و در صورت نهائی شدن، انتقال به عواید خالص محاکم و یا استرداد آن از فورم (۱۶م) استفاده میشود.

۹ - اگر شخص که مکلف به پرداخت محصول فیصله در مراحل محاکماتی گردیده است از تحویل محصول ابا ورزد محکمه طبق احکام قانون اوراق را رسماً به اداره مربوط حقوق غرض تنفیذ جبری "تأدیه محصول فیصله" ارسال نماید.

۱۰ - هرگاه شخص محکوم علیه در خلال تنفیذ جبری حاضر به تأدیه محصول گردد.

محکمه بعد از تحویل محصول فیصله و درج نمودن اسناد تحصیلی در دوسیه مربوط یک نقل کاپی اسناد تحصیلی محصول را به اداره حقوق ارسال نماید.

۱۱ - وجوه امانت از سلسله عواید ستاره محکمه در کود امانت تصنیف میگردد و در صورتیکه قابل اعاده باشد و یا از جمله عواید خالص محاکم محسوب گردد توسط فورم (۱۶م) باز پرداخت یا انتقال میگردد.

۱۲ - مسترد نمودن پول محصول فیصله که طور امانت پرداخته شده است، بعد تصمیم محکمه فوقانی، در مورد مئودی از صلاحیت محکمه استیناف مربوطه میباشد.

صدور تجویز مبنی به فروش جایداد های تحت تضمین بانک ها،
باید در مدت (۲۰) روز صورت گیرد*

۱ - متحد المال شماره (۱ - ۷۴) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۶ ریاست دارالانشاء،
که حسب هدایت شفاهی مقام محترم ستره محکمه ج.ا.ا. تعمیم یافته است.

مکتوب شماره (۷۶۲۹) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ ریاست عمومی د افغانستان
بانک بشرح ذیل مواصلت ورزیده است.

((طوریکه مقام محترم آگاهی دارند بالانتر استهدائیه های مکرر د افغانستان بانک،
پیرامون چگونه گی تطبیق فقره (۲) ماده (۲۷) قانون رهن اموال غیر منقول در
معاملات بانکی و عدم تضاد آن با ماده (۴۰) و ماده (۱۲۲) قانون اساسی کشور،
خوشبختانه شورای محترم عالی ستره محکمه، اخیراً طی مصوبه شماره (۱۲۸۷)
مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ که ذریعه شماره (۸۰۳/۱۱۷۴) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۹ به د
افغانستان بانک مواصلت ورزیده است، چنین هدایت ارشاد فرموده اند:

(بررسی مطابقت یا عدم مطابقت احکام قوانین عادی با قانون اساسی طبق
صراحت ماده (۱۲۱) قانون اساسی افغانستان، از صلاحیت ستره محکمه میباشد نه

*- از اینکه در زمینه، قبلاً مصوبه شماره (۱۲۸۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵
شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا. صادر گردیده بود و مصوبه مذکور، ذریعه
متحد المال شماره (۲۵۴۲ الی ۲۶۲۲) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ به عمومی محاکم
تعمیم گردیده است، از آن جهت مقام ستره محکمه در زمینه هدایت شفاهی داده
اند.

از وظایف کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، محاکم مکلف اند تجاوز از فروش جایداد های تحت تضمین بانکی را در مدت (۲۰) روز مطابق احکام قانون اتخاذ نمایند. موضوع به جمیع محاکم طور متحده المال اخبار گردد.

هدایت فوق الذکر شورای محترم عالی ستره محکمه از جانب د افغانستان بانک، غرض تطبیق و اطمینان خاطر به بانک های مجوز، طی مکتوب رسمی ارسال گردید؛ تا عند الضرورت اقدامات لازم را وفق قانون و هدایت مندرج مصوبه متذکره اتخاذ نمایند.

حسب هدایت پراگراف اخیر مصوبه شماره (۱۲۸۷) شورای عالی ستره محکمه، ممکن مصوبه متذکره از جانب شعبات مربوطه آن مقام محترم، طی متحده المال به جمیع محاکم اخبار گردیده باشد؛ اما طوریکه ملاحظه میگردد اولین بانک قرضه های کوچک یا (the first microfinance bank) طی نامه رسمی عنوانی د افغانستان بانک در ارتباط به قضایای مشخص رهنی نگاشته و تحریر نموده اند که سه مورد قضایای مشخص این بانک غرض دریافت تجویز فروش جایداد های تحت تضمین بانکی به محکمه تجارتی ارسال گردیده است و با وجود اکمال سوابق اعم از تحویلی فیس دعوی و احضار مالکین رهن و مراجعه مکرر مؤظف بانک، از طرف محکمه محترم تا الحال که بالای دوقضیه حدود سه ماه و بالای یک قضیه چهارماه سپری گردیده است، تجویز مبنی بر فروش جایداد های متذکره اتخاذ نگردیده و به بانک فوق الذکر ارسال نشده است. بنابر این به منظور رفع مشکلات فوق الذکر و سایر مشکلات مشابه بانک های مجوزه، یکبار دیگر از مقام محترم صمیمانه تقاضاء به عمل میاید تا به محاکم تحتانی خویش مجدداً هدایت صادر فرمایند که حسب صراحت فقره (۲) ماده (۲۷) قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی و هدایت مندرج مصوبه شماره (۱۲۸۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵ شورای عالی ستره محکمه به مشکل بانک های مجوز، رسیده گی نموده تجویز فروش

جایداد تحت تضمین بانکی را بعد از طی مراحل اصولی، طبق قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانک الی (۲۰) روز اتخاذ و به بانک مربوطه اصدار فرمایند.

و همچنان به محاکم محترم تحتانی هدایت صادر فرمایند که هرگاه محکمه ذیصلاح الی (۲۰) روز تجویز فروش جایداد تحت تضمین بانکی را طبق قانون صادر ننماید، بعد از سپری شدن (۲۰) روز، حینیکه بانک مجوز طبق قوانین و مقررات مربوطه به فروش جایداد تحت تضمین اقدام می نماید، محاکم محترم ذیصلاح، در قسمت اجراء و طی مراحل قبالة جایداد تحت تضمین بانکی به جانب بانک مجوز همکاری لازم نمایند. در اخیر از همکاری های همیشگی مقام محترم ابراز قدردانی نموده، تداوم حمایت از نظام بانکی کشور و همکاری محاکم محترم را در حل مسایل ارجاعی بانکی آرزو داریم تا باشد از یکطرف بانک های مجوز در کشور از مصونیت سرمایه های خویش و سپرده های مردم اطمینان کامل داشته باشند و از جانب دیگر همکاری به موقع مقام محترم باعث رشد سرمایه گذاری های داخلی و خارجی در کشور گردد.))

هدایت مقام محترم ستره محکمه:

(از اینکه قضایای وارده بانکی در این چنین موارد، ایجاب رسیده گی عاجل را مینماید؛ تا تجویز لازم اتخاذ گردد. التوای موضوع اضافه از بیست روزه هیچ وجه توجیه قانونی ندارد.)

بناءً حسب هدایت مقام محترم ستره محکمه، اکیداً از عموم محاکم مربوط مطالبه میگردد؛ تا این چنین موضوعات را در اولویت کاری خویش قرار داده اجراآت قانونی را در زمینه رعایت نمایند.

تفویض صلاحیت رسیده گی به قضایای شکایات استخدام از طریق رقابت آزاد (PRR)، به دیوان های حقوق عامه

۲ - متحده المال شماره (۷۵ الی ۱۵۰) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۱۵ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۸۶) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

محکمه استیناف ولایت ننگرهار یکنعداد از استهدات را به منظور ارایه در سیمینار رؤسای محاکم سال ۱۳۹۵ ریاست تدقیق و مطالعات ارسال داشته اند که در پرسش شماره (۱) بخش استهدائی دیوان حقوق عامه آن محکمه محترم، در رابطه به اینکه:

((اگر یک شخص از طریق رقابت آزاد و یا از طریق وزارت مربوطه به یک بست خالی در یکی از ولایات توظیف گردد و اداره ولایتی به شخص مذکور موافقه نکرده، عوض وی شخص دیگر را توظیف نماید شخص متضرر به محکمه عارض و خواهان حق خود در اینخصوص میباشد بررسی همچو قضایا از صلاحیت کدام محکمه بوده)) طالب هدایت شده است ک استهدائی فوق الذکر بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۷ شورایعالی ستره محکمه، مطرح و طی تصویب شماره (۱۰۸۶) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((۱ - در صورتیکه یکی از طرفین به تصمیم مورد رسیده گی به شکایات خدمات ملکی قناعت نداشته باشد و بست متذکره از طریق سیستم رتب و معاش (پی آر آر) به رقابت آزاد گذاشته شده باشد مطابق ماده (۲۸) قانون کارکنان خدمات ملکی به

دیوان های حقوق عامه محاکم مربوط مراجعه و دیوان مربوط موضوعات را بحضور داشت نماینده اداره تحت ادعای شاکی مورد رسیده گی قرار دهند.

۲ - هرگاه شخص شاکی از طریق غیر سیستم رتب معاش از قبیل (سی بی آر) و امثال آن استخدام گردیده باشد، از اینکه در قانون مربوط در مورد کدام حکمی پیشینی نه شده است محاکم مکلف به رسیده گی آن نمی باشند.))

از اینکه موضوع جنبه عام داشته بدینوسیله هدایت فوق مقام محترم شورایعالی ستره محکمه متحده المالاً به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط ابلاغ گردید، تا آنرا بمراجع ذیربط تعمیم نموده عندالموقع مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

محاکم مکلف به همکاری با وکلای مدافع،

مطابق به احکام قانون می باشند*

۳ - متحده المال شماره (۲۲۸ الی ۳۰۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۵ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۱۵ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

نامه شماره (۵۰) مؤرخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۶ مؤسسه توانمند سازی جامعه، به شرح ذیل غرض ابراز نظر بریاست محترم تدقیق و مطالعات محول گردیده بود. ((بخش حقوقی مؤسسه توانمند سازی جامعه برنامه ای را تحت عنوان (مطالعه و مقایسه طرز سلوک وکلای مدافع افغانستان) به همکاری و هماهنگی انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان راه اندازی کرده بود. هدف برنامه این بود نخست طرز سلوک وکلای مدافع افغانستان مورد مطالعه قرار گرفته، بعد از ارزیابی خلاء ها، نواقص ابهاماتی که در آن به ملاحظه میرسد باید با طرز سلوک کشور های پیشرفته از جمله ایالت نیویارک کشور امریکا و طرز سلوک وکلای کشور هندوستان، به صورت مقایسوی مطالعه گردد، تا با مطالعه طرز سلوک وکلای کشور های فوق الذکر، طرز سلوک وکلای مدافع افغانستان را در یک سطح خوب و قابل ملاحظه در تطابقت با نیاز مندی های جامعه وکالت در کشور غنامند ساخته، با تطبیق و رعایت آن رفتار و کردار وکلاء در نقش تأمین عدالت و معیاری ساختن وکالت در کشور برجسته تر گردد.))

*-هدایت مندرج این متحده المال، به موضوع مندرج متن این استهداء ارتباط ندارد. بلکه به عنوان یک هدایت عام تعمیم گریده است.

مطلب مندرج مکتوب شماره فوق، همراه با نظر تدقیقی مرتب بر آن، در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۱۵ شورایعالی ستره محکمه، مطرح و طی تصویب شماره (۵۷) هدایت ذیل صدور یافت:

((به جمیع محاکم هدایت داده میشود تا در مطابقت به قانون وکلای مدافع، قانون اجراءات جزائی و قانون اصول محاکمات مدنی، با وکلاء همکاری نموده و بمنظور اجرای بهتر وجایب شان تسهیلات لازم قانونی را فراهم نمایند.))

هدایت شورایعالی ستره محکمه، بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط متحدالمالاً اخبار گردید تا آنرا به مراجع ذیربط تعمیم نموده عندالموقع اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

تثبیت حیات و ممات مُختطف

(شخص ربوده شده) در قضایای اختطاف

۴ - متحدالمال شماره (۳۰۲ الی ۳۷۶) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۱۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۸ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیة شماره (۸۲۱۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ ریاست عمومی خارنوالی مبارزه علیه جرایم امنیت داخلی و خارجی بشرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((یکعه از دوسیه های قضایای اختطاف که نهایتاً مرگ و زنده گی مُختطفین (ربوده شده گان) در نتیجه جستجو ارگانهای کشفی و اعضای فامیل آن ها، معلوم و تثبیت نشده باشد ولی دوسیه های نسبتی متهمین با جمع آوری شواهد، مدارک و دلایل در قضایای اختطاف تکمیل و اتهامات بالای متهمین ثابت میبشد. زمانیکه دوسیه های همچو متهمین غرض رسیده گی قضائی، به محاکم ذیصلاح مربوط احاله میگردد، محاکم محترم گاهی همچو دوسیه ها را دوباره ذریعه قرار های قضائی خویش به خارنوالی های مربوط مسترد نموده و در قرار قضائی خویش تأکید می نمایند که حیات و ممات مُختطف باید معلوم و بعداً دوسیه را غرض رسیده گی قضائی و تعیین سرنوشت به محکمه احاله نمایند. در حالیکه از یک طرف جستجویکه برای ارگانهای کشفی و اقارب مُختطفین مقدور بوده انجام گردیده ولی در باره حیات و ممات آن کدام نتیجه مطلوب بدست نمی آید. از جانب دیگر میعاد زمانی که قانوناً برای خارنوالی جهت تکمیل تحقیق معین شده نیز ختم شده باشد، بگونه مثال چهار نفر هر یک (...)، (...)، (...) و (...) به اساس ادعای (...) به اتهام اختطاف (...) از جانب خارنوالی ابتدائیة مبارزه علیه جرایم امنیت داخلی و خارجی ولایت ننگرهار به محکمه ابتدائیة مبارزه علیه جرایم امنیت داخلی و خارجی ننگرهار تعقیب و احاله میگردد. محکمه ابتدائیة دونفر هر یک (...) و (...) نامان

را به مدت (هشت، هشت) سال حبس تنفیذی و (...) و (...) را در قضیه امتناع از اطلاع دهی، به مبلغ (۲۴۰۰۰ و ۲۴۰۰۰) افغانی جزای نقدی محکوم بجزاء نموده اند و هر یک (...) ، (...) و (...) را قابل تعقیب عدلی دانسته اند که بعداً بتاریخ ۱۳۹۵/۳/۲۰ از جمله افرادی که تحت تعقیب عدلی قرار گرفته بودند حاجی (...) ولد (...) از جانب مؤظفین امنیتی شهر کابل دستگیر و به امنیت ملی ننگرهار تسلیم داده میشود. زمانیکه دوسیه نسبتی در مورد حاجی (...) به محکمه تعقیب گردیده، محکمه ابتدائیه دیوان مبارزه علیه جرایم امنیت داخلی و خارجی ولایت ننگرهار متهم مذکور را مثل شرکای قبلی وی نیز، به مدت هشت سال حبس تنفیذی محکوم بجزاء نموده. دوسیه بنابر عدم قناعت طرفین به محکمه استیناف ولایت ننگرهار جهت غور استینافی گسیل میگردد.

دیوان مربوطه محکمه استیناف ولایت ننگرهار در موضوع، اصدار حکم و فیصله نموده، بلکه دوسیه را ذریعه قرار قضائی نمبر (۶۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۶ خویش، به نسبت عدم تثبیت حیات و ممات مُختَطَف دوباره به خارنوالی مسترد نموده اند. در ارتباط به عین قضیه برخورد متفاوت و دو گانه صورت گرفته یعنی اینکه در مورد چهار نفر پیرامون عین قضیه، زمانیکه از جانب محکمه مربوط حکم صادر میگردد، موضوع حیات و ممات (مُختَطَف) مطرح نبوده ولی زمانیکه رسیده گی قضائی در رابطه به عین قضیه از مشمول دیگری همان دوسیه، صورت میگیرد موضوع حیات و ممات مُختَطَف مطرح میگردد که همچو برخورد های متفاوت در محاکم مختلف هم در مرکز و هم در ولایات وجود دارد. برای اینکه در چوکات و چهارچوب قانونی برخورد یکسان، عادلانه و عملی در رابطه به حالات فوق، صورت گرفته بتواند طالب هدایت و رهنمایی قانونی شورایعالی ستره محکمه، میباشیم.))

ریاست تدقیق و مطالعات در مورد ذیلاً ابراز نظر نمودند:

((موضوع حیات و ممات شخص مجنی علیه در حالاتی که نوعیت جرم به آن مرتبط باشد ضرور است که از طرف خائنوالی مربوط در مورد تحقیقات کامل صورت گرفته، بعد از معلوم نمودن آن، دوسیه را با دلایل کامل محول محکمه نماید. چنانچه موضوع در متحده المال شماره (۳۱۰۴ الی ۳۱۸۱) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا وضاحت داده شده است. * اما اگر موضوع جرمی اختطاف ارتباط مستقیم به حیات و ممات (مُختَطَف) نداشته باشد، مانند جرم اختطاف که در بند (۱) ماده (۳) قانون اختطاف و قاچاق انسان نیز تعریف گردیده، موضوع حیات و ممات شخص در عنصر جرمی جرم متذکره موضوع بحث نیست، بلکه اگر به اثر جرم متذکره شخص به قتل میرسد، جرم علیحده محسوب میشود. بناءً اگر جرم اختطاف واقع شود و عاملین آن به دلایل و مدارک ثابت باشد، موضوع اختطاف قابل رسیده گی میباشد.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۸ شورایعالی ستره محکمه، مطرح و طی تصویب شماره (۱۱) در زمینه هدایت ذیل صادر گردید:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد بمرجعش اخبار گردد.))

*طبق توضیح پرسش شماره (۲۷) بخش جزائی مندرج صفحه (۸۶)، اسناد و مصوبات سیمینار عالی قضائی سال ۱۳۹۵، (متحده المال شماره (۳۱۰۴) الی ۳۱۸۱) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۶ شورایعالی ستره محکمه، در مورد خاص صادر گردیده و در همان مورد، قابل رعایت میباشد.

تعیین نرخ دیت برای سال ۱۳۹۶

۵ - متحدالمال شماره (۳۷۷ الی ۴۵۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۲۰۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۲۶ شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

از آن جاکه حسب هدایت مصوبه شماره (۲۴۵) مؤرخ ۱۳۸۹/۴/۱ شورایی عالی ستره محکمه اوسط نرخ نقره خالص در ششماه اول و دوم سال قبل مطابق مصوبات کمیسیون دوم سیمینار رؤسای محاکم ولایات منعقد شده سال ۱۳۴۷ نرخ هفت هزار مثقال نقره خالص محاسبه و برای سال بعدی معیار اندازه دیت در دعاوی حق العبدی قضایای جزائی قرار داده میشود.

بر اساس هدایت فوق بمنظور تثبیت نرخ دیت برای سال ۱۳۹۶ نرخ وسطی خرید فی گرام نقره خالص در ششماه اول و دوم سال ۱۳۹۵ از ریاست عمومی دافغانستان بانک مطالبه شد، بانک مذکور مبنی بر ارقام که از مارکیت لندن بدست آورده فی گرام نقره خالص در ششماه اول سال ۱۳۹۵ را معادل (۳۴،۴۲) افغانی و نرخ نقره در ششماه دوم سال ۱۳۹۵ را معادل (۳۹،۸۶) افغانی معلومات داده اند که اوسط نرخ های فوق فی گرام مبلغ (۱۴،۳۷) افغانی را بدست میدهد و یک مثقال نقره حسب مصوبه (۴۳۹) مؤرخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ مقام محترم شورایی عالی مبنی بر مسایل فقه معادل پنج گرام معین شده است که با رعایت هدایت مصوبه فوق قیمت مقدار هفت هزار مثقال نقره خالص مطابق به قیمت های ارایه شده د افغانستان بانک حسب فارمول ذیل:

هفت هزار مثقال نقره مساوی است به (۳۵۰۰۰) گرام قیمت وسطی یک گرام نقره طی ششماه اول و دوم سال ۱۳۹۵ مساوی به (۳۷،۱۴) افغانی بناءً قیمت

های ارایه هفت هزار مثقال نقره معادل (۳۵۰۰۰) گرام عبارت است از
 (۱۲۹۹۹۰۰ = ۱۴.۳۷ × ۳۵۰۰۰) افغانی با در نظر داشت ارزیابی فوق مبلغ
 (۱۲۹۹۹۰۰) افغانی نرخ دیت برای سال ۱۳۹۶ جهت رسیده گی به دعاوی حق
 العبدی در محاکم محاسبه گردیده است.

مراتب فوق در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۲۶ مقام محترم شورایی مطرح و طی
 تصویب شماره (۲۰۳) هدایت ذیل صدور یافت:

((باساس معلومات حاصله از د افغانستان بانک نرخ وسطی فی گرام نقره خالص
 طی ششماه اول و دوم سال ۱۳۹۵ مبلغ (۳۷،۱۴) افغانی تثبیت و با در نظر
 داشت آن مقدار هفت هزار مثقال نقره خالص معادل (۳۵۰۰۰) گرام با رعایت
 مصوبه کمیسیون دوم سیمینار رؤسای محاکم ولایات منعقدده سال ۱۳۴۷ مندرج
 صفحه (۴۵) نشریه سیمینار مذکور مبلغ (۱۲۹۹۹۰۰) افغانی سنجش گردیده
 است.

بنابر آن مبلغ متذکره بحیث نرخ دیت برای سال (۱۳۹۶) تصویب شد، متن
 مصوبه به مقصد توحید مرافق قضائی به تمام محاکم متحده المالاً اخبار و در مجله
 قضاء و جریده میزان نشر شود.))

رسیده گی به قضایای جزائی محیط زیست

۶ - متحده المال شماره (۴۵۱ الی ۵۲۵) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۲۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۲۲۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۲ شورایی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

نامه شماره (۴) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۲۳ ریاست محترم دفتر مقام ستره محکمه در رابطه به برخی از فیصله های جزائی که در برگیرنده قضایای محیط زیست نیز میباشد و محاکم بدون در نظر داشت احکام قانون محیط زیست مطابق احکام قانون جزاء اصدار حکم مینماید، حسب هدایت مقام محترم ستره محکمه غرض ابراز نظر بریاست محترم تدقیق و مطالعات محول گردیده بود آن اداره محترم نظر تدقیقی خویش را در مورد ذیلاً ابراز نموده است:

((در صورتیکه در قضایای جزائی مواد مندرج ماده (۷۰) قانون محیط زیست مطرح باشد محاکم در جای استناد مواد قانون جزاء به مواد قانون محیط زیست که قانون خاص است استناد نمایند در مواردیکه مربوط احکام قانون محیط زیست نباشد مطابق مواد قانون جزاء رسیده گی گردد.)) *

* - ماده (۷۰) قانون محیط زیست، منتشره جریده رسمی شماره (۹۱۲) سال ۱۳۹۵، مطابق جزء (۱۳) ماده (۹۱۶) کود جزاء ملغی میباشد؛ بناءً در زمینه به (احکام مشخص جزائی) کود جزاء مراجعه شود.

مطلب مندرج مکتوب و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۲
شورایعالی ستره محکمه، مطرح و ذریعه تصویب شماره (۲۲۲) در زمینه هدایت
ذیل صادر گردید:
((نظر ریاست تدقیق و مطالعات تأیید شد، به عموم محاکم طور متحداالمال اخبار
گردد.))

اسناد رسمی تعویض زمین که مبنای قانونی داشته باشد، مدار اعتبار میباشد، در غیر آن اعتبار ندارد. با تأکید به یادداشت شماره (۷۳۶) مؤرخ ۱۳۸۵/۹/۲۳ شورایعالی ستره محکمه که یادداشت مذکور ذریعه تصویب شماره (۱۶۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۱۹ شورایعالی ستره محکمه نیز تأیید گردیده است.*

۷ - متحده المال شماره (۵۲۶ الی ۵۹۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۲۸ ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۶۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۱۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

* - متن نظر تدقیقی که ذریعه یادداشت شماره (۷۳۶) مؤرخ ۱۳۸۵/۹/۲۹ شورایعالی ستره محکمه، قبلاً تأیید گردیده بود، قرار ذیل می باشد: ((در صورتیکه زمین از طرف نماینده های قانونی دولت داده شده و بیع مراحل شرعی و اصولی خود را سپری کرده باشد و اسناد متذکره، ثبت محفوظ دیوان قضاء را داشته باشد و در مورد ادعای فرد علیه مندرج قباله وجود نداشته باشد به چنین اسناد اعتبار داده شود.))

** یادداشت ذکر شده در این پاورقی، طی مصوبه شماره (۱۶۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۱۹ شورایعالی ستره محکمه به متن ذیل تأیید گردیده است: ((نظر تدقیقی تأیید شد، هرگاه سند مذکور، تعویض سند صحیح شرعی باشد قابل رعایت بوده و اگر سند توزیع محض باشد که اراضی مکتسبه و ملکیت مشخصه اتباع برای سایر اتباع تقسیم و توزیع شده باشد اعتبار ندارد.))

ریاست اراضی ولایت کابل به جلسه هماهنگی بین ادارات عدلی و قضائی که بتاريخ ۱۳۹۵/۹/۱ تحت ریاست رئیس عمومی محاکم استیناف ولایت کابل دایر گردیده بود، بنابر اطلاع محکمه استیناف ولایت کابل چنین پیشنهاد نموده است: ((سند رسمی ملکیت زمین به استناد بند (۶) ماده (۵) قانون تنظیم امور زمینداری بعد از انجام عمل تصفیه در سالیان قبل، از طرف هیأت تصفیه اصلاحات اراضی برای (۶۰) زمینداران ولسوالی های چهارده گانه کابل تعویض و تفویض گردیده است که از لحاظ قانون یک سند مدار حکم و عاری از هر نوع جعل و تزویر میباشد، البته در صورت که شرایط بند (۶) ماده (۵) قانون متذکره را داشته باشد.

اما بسا اوقات زمینداران شریف دارنده همچو اسناد زمانیکه به محاکم ولسوالی ها مراجعه مینمایند، مسؤولین محترم به اسناد دست داشته مشار الیه صحه نگذاشته و میگویند اسناد متذکره به اساس فرمان دولت اسلامی افغانستان فاقد اعتبار میباشد در حالیکه چنین نیست.))

مطلب مندرج پیشنهاد در جلسه فوق الذکر مطرح و در زمینه تصویب بعمل آمده که درج شماره یک پراگراف شماره (۶) آن ذیلاً مشعر است:

(اسناد رسمی تعویض که مبنای قانونی داشته باشد، حین اجراآت در نظر گرفته میشود، اما اسناد رسمی توزیع زمین محض حکومت سابق، خصوصاً فرمان شماره (۸) شرعاً و قانوناً فاقد اعتبار است در زمینه یاد داشت (۷۳۶) مؤرخ ۱۳۸۵/۹/۲۳ شورای عالی ستره محکمه نیز وجود دارد.)

بناءً ریاست اراضی ولایت کابل در قسمت رفع مشکلات آنعده از زمینداران که اسناد رسمی ملکیت زمین بشکل تعویضی بدست دارند، تقاضاء نموده است تا به حوزه های محاکم ثبت اسناد و وثایق در مورد هدایت لازم اعطاء خواهند فرمود. تفصیل جریان موضوع بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۱۹ شورایعالی ستره محکمه مطرح، و طی تصویب شماره (۱۶۲) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((یاد داشت (۷۳۶) مؤرخ ۱۳۸۵/۹/۲۳ که چنین مشعر است:

(نظر تدقیقی تأیید شد، هرگاه سند مذکور تعویض سند صحیح شرعی باشد قابل رعایت بوده و اگر سند توزیع محض باشد که اراضی مکتسبه و ملکیت مشخصه اتباع برای سایر اتباع تقسیم و توزیع شده باشد، اعتبار ندارد.)

نظر ریاست تدقیق و مطالعات که طی یاد داشت شماره (۷۳۶) مؤرخ ۱۳۸۵/۹/۲۳ مورد تأیید شورایعالی ستره محکمه، قرار گرفته است به متن ذیل میباشد:

(در صورتیکه زمین از طرف نماینده های قانونی دولت داده شده و بیع مراحل شرعی اصولی خود را سپری کرده باشد و اسناد متذکره ثبت محفوظ دیوان قضاء را داشته باشد و در مورد ادعای فرد علیه مندرج قبالة وجود نداشته باشد به چنین اسناد اعتبار قانونی داده شود.)

مراتب مندرج تصویب شماره فوق شورایعالی ستره محکمه بدینوسیله متحدالمالاً به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط اخبار گردید تا آنرا به مراجع ذیربط تعمیم نموده عندالموقع مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

عدم مداخله محاکم در پروسه تدارکات

۸ - متحده المال شماره (۶۰۰ الی ۶۷۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۳۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۲۱۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۲۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم گردیده بود، به اساس مصوبه شماره (۹۹۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۱۴ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، که ذریعه متحده المال شماره (۱۳۱۵ الی ۱۳۸۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۰/۳ ریاست دارالانشاء، تعمیم گردیده است ملغی می باشد.

نامه شماره (۴۲۴۳) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ وزارت مالیه در رابطه به موضوع مداخله در پروسه تدارکات بشرح ذیل مواصلت ورزیده است.

((با توجه به اصل تفکیک قواء امور مربوط تهیه و تدارکات اجناس، خدمات و امور ساختمانی مورد نیاز حکومت، از جمله صلاحیت های قوه اجراییه میباشد. با در نظر داشت اینکه نهائی سازی پروسه تدارکات در میعاد معینه، تأثیرات مثبت را در قسمت مؤثر بودجه، اشتغال زایی، ارایه خدمات بهتر و سایر فعالیت های اقتصادی دارا میباشد، ولی یکی از مشکلات برای تطبیق پروژه های انکشافی، مراجعه شرکت هائیکه در نتیجه داوطلبی، بازنده ثبت شده به مراجع عدلی و قضائی است که باعث کندی پروسه تدارکات و نهایتاً منجر به تأخیر در تطبیق به موقع پروژه های ملی میشوند، در حالیکه پروسه رسیده گی به اعتراض داوطلب در ماده (۵۰) قانون تدارکات نشر جریده رسمی شماره (۱۱۸۶) مشخص شده است که برای رسیده گی به اعتراض داوطلب یک کمیته از سوی رئیس جمهور افغانستان

ایجاد و توظیف میشود و طبق فقره (۴) همین ماده، تصمیم کمیته توظیف شده نهائی پنداشته میشود.

بدینوسیله به ادامه حمایت های متداوم مقام عالی ستره محکمه، استهداء میگردد، تا تصریح نمایند که دخیل ساختن ادارات یاد شده در پروسه تدارکات مجوز قانونی دارد یا خیر؟))

که مدققین قضائی ریاست محترم تدقیق و مطالعات در مورد ذیلاً ابراز نظر نموده اند:

((از آنجائیکه حکم ماده (۵۰) قانون تدارکات منتشره ماه میزان سال ۱۳۹۴ مرجع صالح برای رسیده گی به شکایات داوطلبان کمیته مشخص را که از طرف رئیس جمهور تعیین میگردد پیش بینی نموده است و در صورت عدم قناعت به تصمیم کمیته توظیف شده مرحله بازنگری یا تجدید نظر، وفق فقره (۴) ماده مذکور کمیته اداری تدارکات تشخیص گردیده و تصمیم این کمیته نهائی دانسته شده است، که حکم قانون در زمینه صریح و واضح بوده و طوریکه مرجع مستهدی تحریر نمودند، ارجاع چنین موضوعات بمحاکم با در نظر داشت صراحت حکم ماده (۵۰) قانون تدارکات لازمی نبوده و در دومرحله پیشبینی شده قانون اعتراضات داوطلبان تحت رسیده گی قرار میگیرد.))

مطلب مورد استهداء و نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۲۶ مقام محترم شورایعالی مطرح و طی تصویب شماره (۲۱۲) هدایت ذیل صدور یافت.

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید و به عموم محاکم طور متحدالمال اخبار گردد.))

دعوى دفع تعرض، افاده ملكيت را نمى نمايد

۹ - متحده المال شماره (۶۷۳ الى ۷۴۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۴/۱۰ رياست دارالانشاء، كه به اساس مصوبه شماره (۲۳۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۲ شورايعالى ستره محكمه ج.ا.ا، تعميم يافته است.

قبلاً استهائيه محكمه استيناف ولايت ننگرهار بشرح ذيل برياست تدقيق و مطالعات محول گرديده بود:

((رياست عدليه ولايت ننگرهار استهائيه شماره (۱۱۷۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۲۷ خویش را به اين رياست تقديم نموده كه اوراق حقوقى دفع تعرض بالاي يك دربند حويلي به مساحت (۳) بسوه واقع ناحيه (۵) شهر جلال آباد از طرف مدعى بالوكاله (...) ولد (...) عليه (...) ولد (...) مدعى عليه بالاصاله كه در مورد قضيه آنها فيصله خط شماره (۱۰۰/۱۵) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۰ ديوان مدنى رياست محكمه حوزه اول شهرى ننگرهار، به نفع مدعى بالوكاله و ضرر و ملامتى مدعى عليه طور غيابى صادر گرديده بوده كه دوسيه متذكره به اساس استيناف طلبى مدعى عليه (...) ولد (...) ذريعه مكتوب شماره (۱۴۰/۱۸۷) مؤرخ ۱۳۹۴/۲/۶ اين آمریت به ديوان مدنى واحوال شخصيه محكمه استيناف، ارسال گرديد كه در نتيجه، بعداز صدور قرار قضائى شماره (۲۷/۱۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۱۰ ديوان مذکور مبنى به سقوط حق شكایت مستأنف، دوباره ذريعه مكتوب شماره (۹۵/۱۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۳/۱۶ مدیریت تحریرات ديوان مدنى و احوال شخصيه محكمه استيناف ولايت ننگرهار، به اين آمریت مواصلت ورزيده كه از همان تاريخ الى اكنون مدعى عليه غرض تعقيب موضوع نسبتى خویش مراجعه نكرده تا حكم قرار قضائى نمبر فوق برايش ابلاغ ميگرديد.

اکنون اسامی (...) ولد (...) مدعی الاصل دعوی، عنوانی آن مقام محترم عارض و تقاضا نموده که به نسبت اینکه موضوع اش قطعی گردیده باید ریاست شاروالی جلال آباد رسماً خبر داده شود تا جایداد مندرج فیصله نمبر فوق و قرار قضائی نمبر فوق به اسم وی ثبت و راجستر گردد و هم اصل فیصله دیوان مدنی حوزه اول و اصل قرار قضائی دیوان مدنی استیناف در اختیارش قرار داده شود که عریضه متذکره طی احکام مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۲۴ آن مقام محترم به این ریاست ارجاع گردیده است.

بناءً با ذکر مراتب فوق اینک کاپی عریضه (۳۷۶۱۲۲۶) (...) و کاپی فیصله شماره (۱۰۰/۱۵) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۰ دیوان مدنی محکمه حوزه اول و کاپی قرار قضائی شماره (۲۷/۱۵) مؤرخ ۱۳۹۴/۳/۱۰ دیوان مدنی و احوال شخصیه محکمه استیناف ننگرهار، جمعاً بداخل (۱۶) ورق بشما ارسال و تقدیم گردید تا بملاحظه آن در مورد قطعیت و یا عدم قطعیت موضوع طوریکه میدانند، هدایت خواهند فرمود.)

استهائیه فوق الذکر بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات در جلسه مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ شورای عالی ستره محکمه مطرح و طی تصویب شماره (۱۱۰۷) در زمینه چنین هدایت صادر گردید.

((۱ - ریاست محترم تدقیق و مطالعات تحت اشراف محترم متین صاحب عضو شورای عالی در زمینه نظر مجدد ارایه دهند.

۲ - ریاست محترم تفتیش قضائی قضات صادر کننده فیصله (۱۵ - ۱۰۰) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۰ محکمه ابتدائیه شهری ولایت ننگرهار را بارتباط صدور فیصله نمبر فوق، که دعوی دفع تعرض شخص غایب را دوران داده مورد باز پرس قرار دهند.)) حسب هدایت فوق، ریاست تدقیق و مطالعات تحت اشراف جناب محترم

متین صاحب عضو شورایعالی ستره محکمه در زمینه ذیلاً ابراز نظر مجدد نموده اند:

((از آن جا که بررسی صدور فیصله شماره (۱۰۰/۱۵) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۰ دیوان مدنی حوزه اول شهر جلال آباد به مفتیشین قضائی سپرده شده است الی معلوم شدن نتیجه تفتیش، از تسلیمی نقل فیصله نمبر فوق به محکوم له جلوگیری شود.

در مورد ثبت فیصله دفع تعرض به دفاتر املاک شاروالی باید خاطر نشان ساخت که دعوی دفع تعرض دعوی حمایت از حیات و ذوالیدی محض است، افاده ملکیت را نمی نماید و طبق متون فقهی، مدعی بها در دعوی دفع تعرض ذوالیدی بودن است نه ملکیت. به همین دلیل طبق صراحت ماده (۳۲۹) قانون اصول محاکمات مدنی از مدعی دفع تعرض اسناد ملکیت مطالبه نگردیده بلکه شهود ذوالیدی مطالبه میگردد و از جانب مقابل اسناد ملکیت مطالبه گردیده، در صورت عدم رایه اسناد و مدارک ملکیت، به منع تعرض حکم میگردد، از این لحاظ، این حکم افاده ملکیت مدعی بها را برای مدعی نمی نماید. بناءً ثبت فیصله های قطعی منع تعرض مجاز نبوده و دلیل بر ملکیت محکوم بهاء شمرده نمیشود.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن باری در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۲ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، مطرح و طی تصویب شماره (۲۳۷) در زمینه، هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر ریاست محترم تدقیقی و مطالعات تأیید شد، موضوع به عموم محاکم طور متحده المال اخبار گردد.))

سند (رهن) که در مقابل اخذ قروض از بانک ها توسط محاکم ترتیب می گردد، مطابق بند (۱۳) ماده (۳) قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی، (تضمین خط است) نه وثیقه (بیع جایزی). با تأکید به این که محاکم تجارتی مکلف اند، احکام قانون رهن اموال منقول و غیر منقول در معاملات بانکی (منتشره جریده رسمی شماره (۹۹۰) مؤرخ ۱۳۸۸/۵/۱۵) را بر قضایای مربوط، تطبیق نمایند

۱۰ - متحدالمال شماره (۷۴۸ الی ۸۲۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۴/۱۹ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۲۹۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۹ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهاده شماره (۴۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۲۷ محکمه ابتدائیه تجارتی ولایت هرات که ذریعه نامه (۶۲۵) ۱۳۹۶/۱/۲۷ محکمه استیناف ولایت هرات واصل که خلاصه ذیل را افاده مینماید:

(...) ولد (...) طی عریضه به آن محکمه عارض و تحریر داشته که (...) ولد (...) رئیس شرکت (...) لمیتد)، خواهان قرضه مبلغ (۲۵۰۲۰۰۰) دالر امریکائی از عزیزی بانک گردیده و در عوض اینجانب (...) شش پایه ماشین ذوب آهن ملکیت زر خرید خویش را با تمام ملحقات آن برای (...) ولد (...) وکیل شرعی عزیزی بانک در مقابل پول فوق الذکر بطور بیع جایزی بفروش میرسانم. امیدوارم امر ترتیب وثیقه شرعی بیع جایزی را عنایت فرمایند.

علاوتاً عزیزی بانک طی مکتوب شماره (۷۶) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۱۰ در مورد نگاشته است که ماشین الات متذکره با تمام ملحقات آن از طرف هیئت مؤظف به مبلغ (۸۱۰۷۵۶۰) دالر امریکایی قیمت گذاری گردیده و همچنان (...) ولد (...)

را به صفت وکیل با صلاحیت عزیزی بانک غرض ترتیب وثیقه بیع جایزی و در جریان گذاشتن شعبه مربوط برای تحت مراقبت قرار دادن ماشین آلات فوق الذکر معرفی نموده است.

که هیئت قضائی محکمه محترم با ارتباط عریضه (...) و مکتوب عزیزی بانک نکات ذیل را قابل توجه دانسته است:

((در ماده (۲۹۴) قانون اصول محاکمات تجارتی واثیق که در محاکم تجارتی ترتیب میگردد چنین حصر گردیده است. الف: حجت خط، ب: ابراء خط، ج: اجاره خط اموال منقول، د: اقرار خط، ه: رسید خط.

همچنان در کتاب ثبت اسناد و واثیق تألیف مرحوم قضاوتپوه عتیق الله رؤفی مزید بر واثیق متذکره از اقرار خط قبولی وکالت، اقرار خط عزل وکیل و اقرار خط استعفاء وکیل نیز تذکر به عمل آمده است.

(...) عارض مذکور خواهان ترتیب وثیقه بیع جایزی و تحت مراقبت قرار دادن ماشین آلات فوق الذکر مطابق به قانون رهن اموال منقول در معاملات بانکی توسط این محکمه گردیده است. اولاً: مطابق به هدایت ماده (۲۹۴) قانون اصول محاکمات تجارتی واثیق که در محاکم تجارتی ترتیب میگردد چنین حصر گردیده که وثیقه بیع جایزی در بین آنها به چشم نمیخورد. ثانیاً: فقره اول ماده (۴۴) قانون رهن اموال منقول در معاملات بانکی به ارتباط ثبت حقوق رهنی اموال منقول چنین مشعر است (دفتر ثبت توسط د افغانستان بانک تأسیس میشود) که مطابق به ماده فوق الذکر، حقوق رهنی توسط اداره ثبت که در قانون متذکره پیشبینی شده، باید ثبت گردد و ایجاب ترتیب وثیقه از طرف محاکم را نمی نماید. ثالثاً: به اساس رویه قضائی و رویت سوابق موجود در این محکمه تا کنون کدام وثیقه بیع جایزی

توسط ریاست محکمه ابتدائیه تجارتي ترتیب نگردیده است. رابعاً: چنانچه ترتیب وثیقه بیع جایزی مذکور از صلاحیت های محاکم ج.ا.ا باشد ایجاب مینماید که مشخص گردد که ترتیب آن صلاحیت محاکم تجارتي میباشد یا محاکم عادی با توجه به جریانات و دلایل فوق نظر هیأت قضائی ریاست محکمه ابتدائیه تجارتي هرات این است که ثبت حقوق رهنی مطابق به قانون رهن اموال منقول و معاملات بانکی مربوط د افغانستان بانک بوده و ایجاب ترتیب وثیقه بیع جایزی از طرف محاکم را نمینماید. بناءً در زمینه از مقام محترم تان خواهان هدایت و رهنمائی می باشیم.

قراریکه موضوع در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۲۷ رؤسای دیوانهای استیناف ولایت هرات تحت بررسی و غور قرار داده شد در زمینه چنین تصمیم اتخاذ شده: نظر به اینکه وثیقه رهن اموال منقول تا کنون در این محکمه ترتیب نشده و از طرف در قانون رهن اموال منقول اداره به نام ثبت رهن اموال منقول در دافغانستان بانک پیشینی شده ایجاب مینماید تا از مقام محترم ستره محکمه استهداء شود.))

ریاست تدقیق و مطالعات در مورد ذیلاً ابراز نظر نموده است:

((حسب صراحت مواد مندرج قانون رهن اموال منقول در معاملات بانکی، هرگاه اموال منقول در مقابل اخذ قرضه بانکی به رهن گذاشته شود در صورت تحقق شرایط مندرج ماده هفتم در زمینه توافقتنامه رهنی (مقاوله) صورت میگیرد و ضرورت به ترتیب وثیقه نمیباشد.

اما طبق متن مواد مندرج بند (۱۳) ماده سوم قانون رهن اموال منقول در معاملات بانکی و بند (۱۶) ماده سوم قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی، ماشین آلات نصب شده و فعال در هنگرهای سه گانه از جمله اموال غیر

منقول بوده که حسب صراحت بند (۱۳) ماده سوم قانون رهن اموال غیر منقول در زمینه ایجاب ترتیب سند رهن (تضمین خط) را مینماید نه وثیقه بیع جایزی را. بناءً لازم است در زمینه طبق صراحت مواد (۵ و ۴) فصل دوم قانون رهن اموال غیر منقول سند رهن (تضمین خط) ترتیب و حسب صراحت بند (۱۷) ماده سوم و بند (۴) ماده پنجم همین قانون در اداره مربوط ثبت گردد.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۹ شورایعالی ستره محکمه مطرح و طی تصویب شماره (۲۹۱) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد مزید بر آن تمام محاکم تجارتي، قانون رهن اموال منقول و غیر منقول در معاملات بانکی منتشره جریده رسمی شماره (۹۹۰) مؤرخ ۱۳۸۸/۷/۱۵ را در همچو موارد تطبیق نماید. موضوع به عموم محاکم طور متحد المال اخبار گردد.))

در خصوص ترتیب ضمانت خط ها، مطابق لایحه ضمانت خط ها و مقررۀ طرز تضمین معتمدین و تعدیل آن، اجراءات صورت گیرد

۱۱ - متحده المال شماره (۸۲۲ الی ۸۹۵) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبۀ شماره (۳۱۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۳۰ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیه ریاست محکمه استیناف ولایت ارزگان بشرح ذیل غرض ابراز نظر بریاست تدقیق و مطالعات محول گردیده بود:

((در ولایت ارزگان یکتعداد افراد از طرف ادارات دولتی به صفت معتمد، تحویلدار، راننده و غیره استخدام و توظیف میگردد و غرض ترتیب ضمانت خط های شرعی به این ریاست و محاکم دیگر رسماً توسط مکاتیب معرفی و از محکمه خواهان ترتیب ضمانت خط می گردند. محکمه حسب هدایت قوانین نافذۀ کشور و مصوبات متعدد مقام ستره محکمه ج.ا.ا که پروسیجر ترتیب ضمانت خط را هدایت داده از شخص معتمد، تحویلدار، راننده و غیره، وثایق شرعی و یا قبالة شرعی که دارای ثبت محفوظ دیوان عالی قضاء باشد مطالبه نموده فورم دورانی برای شان ترتیب مینماید.

ولی در ولسوالی دهرآود و تماماً ولایت ارزگان وثایق و قبالة های شرعی که دارای ثبت محفوظ دیوان عالی قضاء باشد وجود ندارد و مراجعین از محکمه تقاضاء دارند که به اسناد عرفی یا اسناد که از طرف شاروالی بنام سند ملکیت مؤقت باساس توزیع زمین دولتی صورت گرفته یا باساس ثبت زمین املاکی که در دفتر کادستر بنام اشخاص قیدیت داشته باشد و یا نداشته باشد، اجراءات صورت گیرد. همچنان اشخاص مذکور، پول و دارایی نقدی نیز ندارند که در بانک طور

ضمانت تحویل گردد با آن هم اشخاص مذکور از محکمه خواهان ترتیب ضمانت خط میباشند، از اینکه ولایت ارزگان از تمامی ولایت های کشور حالات و اوضاع جداگانه و خاص دارد که به هیچ صورت اسناد شرعی و رسمی مدار اعتبار حسب هدایت ماده (۵) قانون تنظیم امور زمینداری و سایر قوانین نافذه کشور و مصوبات شورایعالی ستره محکمه پیدا نمیشود که مطابق آن اجراءات صورت گیرد، از این رهگذر همراهی مراجعین خویش همیشه دست به گریبان هستیم، امید است در حل و رفع مشکل ما را هدایت نمایند؛ تا از معضله که دامنگیر مایان است رهائی یابیم.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۳۰ شورایعالی ستره محکمه، مطرح و ذریعه تصویب شماره (۳۱۸) د رمورد هدایت ذیل صدور یافت.

((در مورد، لایحه ضمانت خط ها و مقرره طرز تضمین معتمدین ادارات منتشره جریده رسمی شماره (۷۸۹) سال ۱۴۲۰ و تعدیل آن در جریده رسمی شماره (۷۹۴) سال ۱۴۲۱ نشر گردیده است صراحت دارد مطابق آن اجراءات بعمل آید. موضوع به عموم محاکم متحده المالا اخبار گردد.))

تأیید توضیح پرسش شماره (۳۷) کتاب اسناد و مصوبات کنفرانس ملی سال ۱۳۹۰ ستره محکمه مبنی بر اینکه، بعد از نقض فیصله محکمه استیناف از جانب دیوان مربوطه ستره محکمه، خارنوالی میتواند اعتراض قبلی خود را تأیید کند و یا هم متمم اعتراضیه به محکمه ارایه نماید،

۱۲ - متحده المال شماره (۸۹۶ الی ۹۶۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۲۴ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۴۷۶) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

پیشنهادیه شماره (۴۴۶۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ ریاست عمومی خارنوالی مبارزه علیه جرایم امنیت داخلی و خارجی لوی خارنوالی بشرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((قبلاً دوسیه های که بعد از صدور فیصله جات محاکم ابتدائیه و استیناف محول دیوانهای ستره محکمه میگرددید در نتیجه، آن دیوانهای محترم، طی قرار های قضائی خویش به نقض فیصله های محاکم استیناف تصمیم اتخاذ مینمود. بعد از آنکه دوسیه به خارنوالی های استیناف مواصلت میورزید طبق صراحت مصوبه شماره (۵۷۴) مؤرخ ۱۳۸۸/۷/۷ شورایعالی ستره محکمه، بعد از ترتیب صورت دعوی مجدد غرض صدور فیصله مجدد محول محاکم استیناف مربوط میگرددید. آن دیوانها محترم نیز به اساس مصوبه شماره فوق، حکم خویش را صادر مینمودند. در حالیکه موضوع طبق پرسش شماره (۳۷) کتاب اسناد و مصوبات کنفرانس ملی قضائی سال ۱۳۹۰ به شرح ذیل توضیح گردیده است:

(پرسش: - زمانیکه فیصله محکمه استیناف، ذریعه قرار قضائی دیوان مقام عالی ستره محکمه نقض میگردد باز هم خارنوالی اعتراض بر فیصله منقوضه را تقدیم محکمه میدارد و در نهایت آیا به تقدیم صورت دعوی یا اعتراض ضرورت است؟

توضیح:- در صورت نقض فیصله از جانب محکمه، فوقانی ضرورت به تقدیم اعتراض نیست، محکمه استیناف با درج قرار نقضی رهنمودی ستره محکمه و انعکاس دلایل دیگری از طرف خارنوال یا متهم بحیث متمم و مکمل موضوع رایبه میگردد قضیه را بررسی و حکم قانونی صادر نماید.)

بناءً طبق توضیح سوال فوق الذکر از اینکه ضرورت به صورت دعوی مجدد نبوده دوسیه بعد از نقض فیصله محکمه استیناف از طریق خارنوالی های استیناف ذریعه مکتوب به دیوانهای محاکم استیناف ارسال میگردد ولی اخیراً دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی محکمه استیناف ولایت کابل، همچو قضایا را دوباره ذریعه مکتوب مسترد نموده و خواهان ترتیب صورت دعوی مجدد گردیده اند.

بناءً موضوع فوقاً بمقام محترم استهداء گردید در زمینه رهنمایی مقام عالی را خواهانیم.))

مطلب مندرج پیشنهاد شماره فوق حسب هدایت، در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۶ شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید و ذریعه تصویب شماره (۴۷۶) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((جواب پرسش شماره (۳۷) کتاب اسناد و مصوبات کنفرانس ملی قضائی سال ۱۳۹۰ در باره مطلوبه مطالب کافی دارد با توضیح اینکه مطابق جواب فوق الذکر هرگاه خارنوالی در باره دلایل دیگر داشته باشد میتواند بحیث دلایل متممه به محکمه رایبه نماید در غیر آن میشود صورت دعوی و یا اعتراض قبلی خویش را رسماً تأیید و محکمه به حل و فصل موضوع بپردازد، موضوع به تمام محاکم طور متحد المال اخبار گردد.))

اطفالی که در جریان محاکمه به سن رشد میرسند؛ صلاحیت رسیده گی به قضایای آنان با توجه به زمان ارتکاب جرم، مربوط به محاکم اطفال می باشد

۱۳ - متحدالمال شماره (۹۶۹ الی ۱۰۴۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۷/۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۶۰۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۶/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیة ریاست دیوان استیناف اطفال ولایت کابل ذریعه نامه شماره (۲۹۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۱۱ مدیریت تحریرات ریاست محترم تحریرات مقام ستره محکمه، بشرح ذیل غرض ابراز نظر بریاست تدقیق و مطالعات محول گردیده است.

((معلوم است که قضایای جزائی ناشی از تخلفات اطفال در مرحله استینافی مربوط دیوان هذا بوده و در این اواخر مشکلات عملی در راستای رسیده گی استینافی در رابطه به سن اطفال متخلف از قانون، عملاً در دیوان هذا بوجود آمده است. زیرا مطابق صراحت ماده (۴) قانون رسیده گی تخلفات اطفال:

(طفل به شخصی اطلاق میگردد که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد).
فلهذا با درنظرداشت تعریف فوق، محاکم اطفال صرفاً صلاحیت رسیده گی به قضایای جزائی اطفال را تا تکمیل سن هجده سالگی داشته و دارند. چنانچه فقره (۱) ماده هجدهم قانون مذکور چنین مشعر است:

(در صورتیکه نزد خانونوالی یا محکمه اطفال، بعد از شروع تحقیق یا محاکمه، ثابت شود که سن متهم حین ارتکاب جرم بیشتر از هجده سال بوده و به مجرد تکمیل هجده سال اوراق دوسیه به مرجع مربوطه آن ارسال میگردد).

و از جانبی هم با وجود که سن صغیر ممیز یا طفل متخلف در وقت ارتکاب جرم طبق ماده (۸۵) قانون جزاء(*) اساس تعیین مسؤولیت جزائی شناخته میشود ولی با آنهم در طول سالیان متمادی مطابق صراحت قانون نافذہ تخلفات اطفال و رویه قضائی، محاکم اوراق دوسیه های را که سن مرتکبین آن بالاتر از هجده سال بوده، مربوط دیوان جزاء و محاکم عادی دانسته اند و قابل تذکر اینکه رویه فوق مطابق قانون تشکیل و صلاحیت خارنوالی نیز بوده است. فلہذا حل مشکل فوق قابل استہدائ دانسته شد تا آنعدہ متخلفین که سن آنها از (۱۸) بالا بوده در مورد محاکم استیناف اطفال چگونه اجراءات نمایند. در زمینه فوق طالب معلومات مزید بوده و میباشیم تا در پرتو ہدایت و رہنمائی های خرد مندانه شما، اجراءات بہتر قانونی در انفصال قضایای وارده بہ محاکم اختصاصی اطفال بہ اسرع وقت و مطابق قوانین نافذہ صورت گیرد.))

مطلب مورد استہدائ بعد از غور تدقیقی ریاست تدقیق و مطالعات در جلسہ مؤرخ ۱۳۹۶/۶/۷ شورایعالی سترہ محکمہ مطرح و ذریعہ تصویب شمارہ (۶۰۲) در زمینه ہدایت ذیل صادر شد.

((از اینکه زمان ارتکاب جرم اساس مسؤولیت جزائی را تشکیل میدہد در مورد اشخاصیکہ در جریان محاکمہ بہ سن رشد می رسند، صلاحیت بررسی قضایای مربوط این چنین اشخاص را محاکم اطفال دارا بوده مطابق قانون بہ اصدار حکم لازم مبادرت می ورزند.)) *

* - بہ مادہ (۱۰۱) کود جزاء مراجعہ شود.

- همچنان مراجعہ شود بہ پاسخ شمارہ (۲۳) مندرج صفحہ (۸۳ - ۸۴) سیمینار عالی قضائی سترہ محکمہ سال ۱۳۹۵.

نوت: باید خاطر نشان نمود کہ جملہ ذکر شدہ (مربوط بہ محاکم اطفال) در این متحدالمال، با مادہ (۱۰۳) کود جزاء منافات ندارد.

جدول زمانی تنفیذ احکام قطعی محاکم در قضایای مدنی، تجارتی و جزائی

۱۴ - متحده المال شماره (۱۰۴۴ الی ۱۱۱۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۸/۶ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۷۹۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۷/۲۵ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

طبق هدایت شماره هشتم مصوبه شماره (۵) سال ۱۳۹۶ شورای محترم حاکمیت قانون مبارزه علیه فساد اداری مبنی بر ترتیب جدول زمانی و تعیین ضرب الاجل برای تنفیذ احکام قطعی محاکم، نماینده های با صلاحیت ستره محکمه، وزارت عدلیه، اداره لوی خرنوالی و وزارت امور داخله در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۷/۱۸ جدول مورد نظر را ترتیب و غرض تصویب شورایعالی ستره محکمه، حسب ذیل تقدیم داشته اند:

جدول زمانی تنفیذ احکام قطعی محاکم در قضایای مدنی و تجارتي

ردیف	نوع حکم	میعاد تنفیذ	مسؤول اجراء	ملاحظات
۱	قرار ها و فیصله های قطعی و نهائی مدنی و تجارتي	بعد از تاریخ موافقت قرار یا فیصله به اداره مسؤول تنفیذ، مدت (۳۰) روز	اداره حقوق پولیس تقسیم میعاد تنفیذ الی (۱۵) روز قبل و بعد از اجراءات پولیس الی (۱۵) روز	
۲	قرار ها و فیصله های قطعی و نهائی حقوق عامه (قضایای دولت)	بعد از تاریخ موافقت قرار یا فیصله به اداره مسؤول تنفیذ، مدت (۲۰) روز	الی (۱۰) روز قبل و بعد از اجراءات پولیس الی (۱۰) روز	

جدول زمانی تنفیذ احکام قطعی محاکم در قضایای جزائی

ردیف	نوع حکم	میعاد تنفیذ	مسؤول اجراء	ملاحظات
۱	قرار ها و فیصله های جزائی در مورد مجازات حبس	بعد از تاریخ موافقت قرار یا فیصله به اداره مسؤول تنفیذ، در صورتیکه محکوم علیه در توقیف قرار نداشته باشد، مدت (۲۱) روز	خارجوالی پولیس تقسیم میعاد تنفیذ الی (۷) روز الی (۱۴) روز	
۲	قرار ها و فیصله های مجازات مالی	بعد از طی مراحل قانونی آن در محاکم، از تاریخ موافقت آن به اداره مسؤول تنفیذ، مدت (۳۰) روز	الی (۱۵) روز ز قبل و بعد از اجراءات پولیس الی (۱۵) روز	

حینیکه جدول فوق الذکر به جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۷/۲۵ شورایعالی ستره محکمه تقدیم گردید، در نتیجه ذریعه تصویب شماره (۷۹۲) هدایت ذیل صدور یافت. ((جدول زمانی تنفیذ احکام قطعی محاکم در قضایای مدنی، تجارتی و جزائی مندرج پیشنهاد تأیید است. ریاست دارالانشاء، جدول مذکور را غرض اجراء مقتضی به شورای محترم عالی حاکمیت قانون ارسال نماید و طبق جدول متذکره محاکم از تطبیق قرارها و فیصله های قطعی و نهائی شان، نظارت نموده هر ماه گزارش شانرا به مقام ستره محکمه تقدیم نمایند.))

هدایت مبنی به اینکه محاکم در جریان جلسات قضائی، اظهارات طرفین و شهادت شهودی را که به نحوی در تصمیم گیری های قضائی مؤثر باشد درج محضر قضائی نموده و ضم دوسیه مربوط نمایند؛ با تأکید به مصوبه شماره (۷۱۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۵/۱۱ شورایعالی ستره محکمه،

مندرج این مجموعه

۱۵ - متحدالمال شماره (۱۱۱۹ - ۱۱۷۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۸/۱۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس هدایت نامه شماره (۲۷۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۶/۱۳ ریاست دیوان رسیده گی به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ستره محکمه، تعمیم یافته است.

به تعقیب متحدالمال شماره (۱۶۳۲ - ۱۷۰۲) مؤرخ ۱۳۹۵/۹/۹ قبلاً شورایعالی ستره محکمه بالاثر پیشنهاد ریاست دارالانشاء، غرض شفافیت روند کاری محاکم راجع به اینکه محاکم اظهارات طرفین دعاوی، اقرار متهمین و شهادت شهود را درج محضر قضائی نمایند، طی تصویب شماره (۷۱۷) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۱ هدایت فرموده بودند که:

(بمنظور تأمین عدالت و شفافیت در روند محاکمه به عموم محاکم هدایت داده میشود؛ تا حین جلسات قضائی وفق احکام مندرجات قانون اجراءات جزائی، اظهارات طرفین و شهادت شهود را که به نحوی در تصمیم گیری های قضائی مؤثر باشند، درج محضر قضائی نموده و ضم دوسیه نمایند. ریاست دارالانشاء مصوبه هذا را به جمیع محاکم طور متحدالمال اخبار نمایند.)

با آنکه هدایت مصوبه شماره فوق، به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط تعمیم گردیده؛ ولی بازهم بعضی از محاکم ابتدائیه و استیناف ولایات کشور، هدایت آن را رعایت نکرده و محضر جلسات را ضم دوسیه نمی نمایند. بناءً بالاثر هدایت نامه شماره (۲۷۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۶/۱۳ ریاست دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ستره محکمه، به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط اکیداً نگاشته میشود؛ تا حین رسیده گی بر موضوعات، هدایت مصوبه شماره فوق را در نظر گرفته و به مراجع ذیربط یکبار دیگر اخبار نمایند؛ تا مطابق آن اجراات شود.

توضیح مصوبه شماره (۱۰۵۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ که ذریعه
متحدالمال (۱۹۲۶ الی ۱۹۹۹) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ که در قضایای
مشخص، صدور و تعمیم یافته است.*

۱۶ - متحدالمال شماره (۱۱۷۲ الی ۱۲۳۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۱۱ ریاست
دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۵۵۵) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۷ شورایعالی
ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

به تعقیب متحدالمال شماره (۱۹۲۶ - ۱۹۹۹) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶
قبلاً شورایعالی ستره محکمه، بالاثر پیشنهاد ریاست دارالانشاء در مورد صلاحیت
رسیده گی قضایای ازدواج و انحلال آن که از طرف خانم ها در محل سکونت
فعلی شان علیه شوهران شان صورت میگیرد، طی تصویب شماره (۱۰۵۴)
۱۳۹۵/۱۱/۲۵ هدایت فرموده بودند که (بمنظور ایجاد سهولت و جلوگیری از
سرگردانی متقاضیان قضایای مربوط به ازدواج و انحلال آن صلاحیت رسیده گی

* - بخش اول مصوبه شماره (۱۰۵۴) مؤرخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ شورایعالی ستره
محکمه که توسط مصوبه شماره (۵۵۵) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۷ شورایعالی ستره
محکمه، مندرج این متحدالمال توضیح گردیده، در موضوع خاص (تفویض
صلاحیت رسیده گی به قضایای زنان که در خانه های امن زنده گی می کنند و یا
به قصد ازدواج از محل سکونت اصلی خویش فرار نموده اند.) صدور یافته است.
اما بخش دوم مصوبه شماره (۵۵۵) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۷ شورایعالی ستره
محکمه، مندرج این متحدالمال به حالت عام موضوع، (صراحت مندرج متن فقره
(۱) ماده (۸۱) قانون اصول محاکمات مدنی) ارتباط دارد .

همچو قضایا به محاکم محل اقامت فعلی آنان تفویض گردیده محاکم مطابق حکم قانون برانفصال آن مبادرت ورزند.)
 که هدایت فوق به عموم محاکم استیناف و مراجع مربوط متحده المالاً اخبار گردیده است.

اکنون ریاست محکمه استیناف ولایت کابل در مورد اینکه:

((چون در سطح ولایت کابل قضایای خانواده با دو دیوان که یکی آن مربوط محکمه ابتدائیه حوزه اول و دیگر آن محکمه حوزه چهارم میباشد رسیده گی میشود، مشخص نیست که آیا محاکم مرکز هم با در نظر داشت مصوبه فوق، قضایا خانواده گی را رسیده گی نمایند یا خیر؟ به طور مثال: خانم الف باشندۀ فعلی ناحیه دهم شهر داری کابل، علیه شوهرش باشندۀ فعلی ناحیه اول شهر داری کابل، عارض و خواهان تفریق از دواج، می گردد. درین حالت کدام یک از محاکم شهر کابل صلاحیت رسیده گی حوزه وی را در قضیه متذکره دارا میباشد؟ این در حالست که وفق هدایت فقره اول ماده (۸۱) قانون اصول محاکمات مدنی، موضوع در محل سکونت مدعی علیه حل و فصل میگردد.))

مدققین قضائی ریاست تدقیق و مطالعات در مورد ذیل ابراز نظر نموده اند:

((منظور از تفویض صلاحیت مصرح مصوبه شماره (۱۰۵۴) ۱۳۹۵/۱۱/۲۵،

در مجموع شامل دو حالت ذیل:

- ۱ - تفویض صلاحیت رسیده گی قضایای آنعده متقاضیان ازدواج و انحلال آن که در خانه های امن بود و باش داشته باشد به محکمه محل موقعیت خانه امن.

۲ - تفویض صلاحیت رسیده گی قضایای آنده ذکر و اناث که بمنظور ازدواج از محل سکونت اصلی به محل دیگر غیر از محل اصلی خویش فرار نموده خواهان عقد ازدواج میگردند به محکمه محل اقامت فعلی ایشان میباشد.

بناءً با درنظرداشت مصوبه فوق الذکر، محاکم محل اقامت فعلی متعاقبین و محاکم محل موقعیت خانه های امن میتوانند حسب صراحت متن مصوبه شماره فوق به قضایای ازدواج و یا انحلال اشخاص فوق الذکر رسیده گی نمایند.

در سایر حالات طبق صراحت متن فقره (۱) ماده (۸۱) قانون اصول محاکمات مدنی محل رسیده گی به قضایای مدنی به شمول قضایای ازدواج و انحلال آن همانا محکمه محل سکونت مدعی علیه بوده محاکم وفقاً اجراءات بعمل آرند.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب برآن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، مطرح و ذریعه تصویب شماره (۵۵۵) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت.

(نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است به مرجعش اخبار گردد.)

اضافت توضیحی بر مصوبه شماره (۷۰۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۱

شورایعالی ستره محکمه

که در رابطه به محصول و اقساط آن صدور یافته است.

۱۷ - متحدالمال شماره (۱۲۴۰ الی ۱۳۱۴) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۲۲ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۵۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

به تعقیب متحدالمال شماره (۱۵۱ الی ۲۲۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۳ خویش مینگاریم:

انضمام نامه شماره (۸۸۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۸/۱۵ ریاست تدقیق و مطالعات استهدآت ریاست محکمه استیناف ولایت کابل، محکمه استیناف ولایت بادغیس و محکمه استیناف ولایت ننگرهار در رابطه به قسط نمودن تحویل محصول مواصلت ورزیده است که مدققین قضائی ریاست تدقیق و مطالعات در مورد ابراز نظر نموده بودند.

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۷ شورایعالی ستره محکمه مطرح و طی تصویب شماره (۹۵۲) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد، بمرجعش اخبار گردد.))
نظر مدققین قضائی ریاست تدقیق و مطالعات که ذریعه مصوبه فوق الذکر تأیید گردیده چنین است:

((استهدآت فوق الذکر در مورد محصول فیصله های محاکم و قسط نمودن آن با در نظر داشت، مصوبه شماره (۲۲۵) ۱۳۹۵/۲/۲۸ شورایعالی ستره محکمه، چنین مواسلت ورزیده است:

زمانیکه قرار تعطیل صادر شود آیا محصول قسط گردد یا خیر؟ و در صورتیکه محصول قسط شود، با تحویل نمودن قسط اول جریان محاکماتی آغاز گردد یا با تکمیل تمام اقساط؟ که با در نظر داشت استهدآت متذکره چنین ابراز نظر گردید. مصوبه شماره (۱۰۳) ۱۳۹۶/۲/۶ شورایعالی ستره محکمه که ذریعه آن، رهنمود چگونگی تحویل محصول فیصله های محاکم، تصویب گردیده چنین صراحت دارد:

۱ - محصول فیصله جات بعد از حکم محکمه از جانب محاکم مربوط توسط حسابات فرعی بانکی عواید محاکم طبق میکانیزم جدید منظور شده انتقال عواید محاکم به خزانه دولت تحویل گردد.

۲ - غرض مشخص شدن مبلغ محصول فیصله ها، محاکم اولاً باید قیمت واقعی و حقیقی مدعی بها را توسط اهل خبره بحضور داشت طرفین قضیه طبق قوانین و مقررات مربوط تعیین و تثبیت نمایند و نشان انگشت هردو طرف در مکتوب یا استعلام قیمت گذاری أخذ شود.

۳ - محاکم مکلف اند، اندازه محصول فیصله جات را در نص حکم خویش تصریح نمایند، بعد از اصدار حکم محکمه در فیصله جات محصولی و مشخص شدن مبلغ قابل پرداخت به عنوان محصول، اداره مربوط تحصیلی محکمه (تحریرات) تعرفه تحویلی محصول را به حساب بانکی عواید مربوطه خویش

صادر و به دسترس مئودی قرار دهد و او را مکلف به پرداخت مبلغ محصول قابل تأدیه مندرج تعرفه نمایند.

۴ - وقتیکه شخص در مراحل محاکماتی مطابق قانون تعرفه دولتی فیصدی محصول فیصله حکم شده را تحویل بانک نمود تا مراحل قطعی و نهائی شدن قضیه محصول پرداخت شده در حساب بانکی عواید محاکم به حساب فرعی شامل گردیده و موضوع در راپور محکمه مربوطه در کود امانت تصنیف و یک نقل سوابق پرداخت محصول فیصله ضم دوسیه مربوطه آن گردد.

۵ - هرگاه در مراحل بعدی قضیه، پرداخت محصول فیصله تغییر نمود (محکوم علیه محکوم له قرار گیرد) محکوم علیه مرحله استینافی مکلف به پرداخت محصول فیصله گردد و پول پرداخت شده در مرحله ابتدائیه (محکوم علیه سابق) قابل استرداد بوده که در نص حکم محکمه استیناف از آن تذکر بعمل آید و اداره تحصیلی محکمه استیناف (تحریرات) رسماً استرداد پول امانت پرداخت شده قبلی را به محکمه مربوطه (ابتدائیه) و شخص مئودی خبر دهند.

۶ - در تمام مراحل بعد از اخذ پول محصول فیصله جات در محاکم مربوط شهر و ولسوالی های ولایت کابل، ادارات تحصیلی محصول (تحریرات) مکلف هستند الی قطعی و نهائی شدن فیصله محاکم در راپور خویش محصول فیصله را در کود امانتی به مدیریت تحصیلی خبر دهند؛ تا در صورتی مسترد شدن محصول فیصله و تغییر مئودی در مرحله بعدی چگونگی پول مسترد شده توسط محکمه مربوط به مدیریت تحصیلی رسماً خبر داده شود و مدیریت تحصیلی ریاست مالی و اداری ستره محکمه به ریاست خزائن وزارت محترم مالیه در مورد استرداد پول از کود امانت توسط فورم (۱۶م) خبر دهند.

۷ - ادارات حقوق وزارت محترم عدلیه مکلف اند؛ تا بعد از قطعی و نهائی شدن قضایا که تابع محصول فیصله میباشد، پیش از تطبیق آن از محاکم ابتدائیه و استیناف مربوط از تحویلی پول محصول فیصله اطمینان حاصل نموده و بعداً اقدام به تطبیق نمایند.

۸ - در ولایات و ولسوالی های مربوط آن محصول فیصله جات محاکم مطابق طرز العمل مستوفیت در وجه امانتی الی قطعی و نهائی شدن فیصله نگهداری میگردد و در صورت نهائی شدن، انتقال به عواید خالص محاکم و یا استرداد آن از فورم (۱۶م) استفاده میشود.

۹ - اگر شخص که مکلف به پرداخت محصول فیصله در مراحل محاکماتی گردیده است از تحویل محصول ابراء ورزد، محکمه طبق احکام قانون اوراق را رسماً به اداره مربوط حقوق غرض تنفیذ جبری "تأدیه محصول فیصله" ارسال نماید.

۱۰ - هرگاه شخص محکوم علیه در خلال تنفیذ جبری حاضر به تأدیه محصول گردد. محکمه بعد از تحویل محصول فیصله و درج نمودن اسناد تحصیلی در دوسیه مربوط یک نقل کابی اسناد تحصیلی محصول را به اداره حقوق ارسال نماید.

۱۱ - وجوه امانت از سلسله عواید ستره محکمه در کود امانت تصنیف میگردد و در صورتیکه قابل اعاده باشد و یا از جمله عواید خالص محاکم محسوب گردد توسط فورم (۱۶م) باز پرداخت یا انتقال میگردد.

۱۲ - مسترد نمودن پول محصول فیصله که طور امانت پرداخت شده است، بعد از تصمیم محکمه فوقانی، در مورد تغییر مئودی از صلاحیت محکمه استیناف مربوطه میباشد.

محاکم در مورد نحوه اخذ محصول و تحویل آن رهنمود فوق الذکر را در نظر بگیرد.

و در مورد قسط نمودن محصول محاکم باید گفت که مصوبه شماره (۲۲۵) ۱۳۹۵/۲/۲۸ شورایعالی ستره محکمه، حالاتی را بیان میکند که شخص حاضر به پرداخت محصول نباشد؛ اما اگر شخص حاضر به پرداخت محصول باشد ولی نسبت ناتوانی مالی نتواند آنرا به یک باره گی، پرداخت کند و خواهان قسط نمودن محصول گردد، در چنین حالت قسط کردن محصول فیصله ها مانع قانونی ندارد و همچنان به تحویل نمودن قسط اول، جریان محاکماتی آغاز میگردد.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۷ شورایعالی ستره محکمه مطرح و ذریعه تصویب شماره (۹۵۲) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد، بمرجعش اخبار گردد.))

توضیح فقره (۱) ماده (۵۰) قانون تدارکات منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۲۳) سال ۱۳۹۵ و هدایت مبنی به لغو مصوبه شماره (۲۱۲) مورخ ۱۳۹۶/۲/۲۶ شورای عالی ستره محکمه که قبلاً در موضوع صادر گردیده بود

۱۸ - متحده المال شماره (۱۳۱۵ - ۱۳۸۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۰/۳ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۹۹۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۱۴ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

به تعقیب متحده المال شماره (۶۰۰ - ۶۷۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۳۰ خویش مینگاریم:

قبلاً استهدائی شماره (۸۴۱۴) مؤرخ ۱۳۹۶/۶/۲۷ ریاست تحریرات محکمه استیناف ولایت کابل بشرح ذیل مواصلت ورزیده بود:

((فقره (۱) ماده (۵۰) قانون تدارکات طی مصوبات سال ۱۳۹۵ برای اشخاص و افرادی که از تصامیم کمیته تدارکاتی شکایت داشته باشند، حق طرح شکایت را به کمیته بررسی اداری داده است که چگونگی تشکیل کمیته بررسی اداری و طرز رسیدگی به شکایت در فقره های بعد ماده فوق تحریر و توضیح گردیده است؛ ولی آنچه در خصوص ماده متذکره قابل توضیح میباشد این است که:

الف: رسیدگی به شکایات متضررین در کمیته بررسی اداری، یک مرحله یی میباشد و یاهم در دو مرحله تحت رسیدگی قرار میگیرد؟

ب: آیا بعد از تصمیم کمیته بررسی اداری؛ شاکی که به تصمیم کمیته مذکور قناعت نداشته باشد، میتواند به محاکم ذیصلاح مراجعه نماید و یا تصمیم کمیته بررسی اداری نهائی پنداشته میشود؟))

طبق هدایت تصویب شماره (۷۳۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۷/۱۱ شورایعالی ستره محکمه، موضوع غرض ابراز نظر مجدد بریاست محترم تدقیق و مطالعات محول گردید.

حسب هدایت فوق، ریاست تدقیق و مطالعات در مورد ذیلاً ابراز نظر مجدد نموده اند:

(وفق صراحت ماده (۵۰) قانون تدارکات منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۲۳) سال ۱۳۹۵، مرجع ذیصلاح به رسیده گی شکایت اعتراضات داوطلبان، کمیته بررسی اداری میباشد که اعضای آن از طرف رئیس جمهور تعیین میگردد. تصمیم کمیته بررسی اداری در خصوص موضوع در مطابق به فقره (۴) ماده فوق الذکر، نهائی بوده و ارجاع چنین قضایا به محاکم لازم نیست. زیرا تصمیم کمیته بررسی اداری، یک پروسه شکلی بوده که دارای ماهیت قضائی نمیشد. قابل ذکر است که حل منازعات قرار داد و سایر دعاوی، از موارد مندرج فقره (۴) ماده مذکور مستثنی بوده و طبق ماده پنجاه و یکم قانون تدارکات و قوانین مربوطه قابل رسیده گی میباشد.

بناءً احتراماً پیشنهاد میگردد؛ که اگر شورایعالی ستره محکمه مناسب خواهند دید، مصوبه شماره (۲۱۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۲۶ را لغو خواهند فرمود. با آنهم هرچه هدایت است موجب التعمیل میباشد.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع، توأم با اصل نظر تدقیقی در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۱۴ شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید، ذریعه تصویب شماره (۹۹۲) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات مبنی بر لغو مصوبه شماره (۲۱۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۲/۲۶ تأیید شد، موضوع به تمام محاکم متحده المال گردد.))

(۱) توضیح مصوبه شماره (۵۲۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۷ شورایعالی
ستره محکمه، مبنی به اینکه مصوبه مذکور در موضوع خاص صادر
گردیده است

(۲) محاکم و ادارات ثبت اسناد و وثایق، مطابق تعلیمات نامه تحریر
وثایق وسایر قوانین نافذه کشور، کمافی السابق در ترتیب وکالت
خط (محل سکونت موکل) و در ترتیب قیم خط وکیل غایب، (آخرین
محل سکونت غایب) را در کشور معیار صلاحیت خویش قرار دهند*.

۱۹ - متحده المال شماره (۱۳۸۹ - ۱۴۶۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۸ ریاست
دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۴۰) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۷ شورایعالی
ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

قبلاً استهدائیة محکمه ابتدائیة ولسوالی میر بچه کوت ولایت کابل، بعد از ابراز
نظر ریاست تدقیق و مطالعات در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۷ شورایعالی ستره
محکمه، مطرح و طی تصویب شماره (۵۲۹) هدایت فرموده بودند که:
(در مورد تعیین قیم برای شخص غایب و اجرای وکالت مبنی بر فروش؛ محکمه
محل عقار صلاحیت دارد.) که هدایت فوق به محکمه استیناف ولایت کابل اخبار
گردیده است.

* - در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است،
از آن جهت عنوان این متحده المال به شکل فوق، تنظیم گردید.

اکنون ریاست محکمه استیناف ولایت کابل، طی پیشنهاد مؤرخ ۱۳۹۶/۸/۲۹ در مورد طالب هدایت شده اند که متن پیشنهاد مذکور حاوی شرح ذیل میباشد:

((طوریکه در جریان هستید مصوبه شماره (۵۲۹) ۱۳۹۶/۵/۱۷ شورایعالی ستره محکمه به محاکم ارسال و تکثیر گردیده است. ولی مصوبه مذکور، در جریان کار به محاکم و مراجعین در قسمت اجرای وکالت فروش در محل عقار، مشکلاتی را بوجود آورد.

بناءً موضوع به شما ارقام شد، در مورد مطابق قانون، به توضیح آن اقدام خواهند فرمود.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع توأم با اصل پیشنهاد فوق الذکر در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۷ شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید، طی تصویب شماره (۱۲۴۰) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((مصوبه شماره (۵۲۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۵/۱۷ در مورد خاص صدور یافته؛ محاکم و ادارات ثبت اسناد و وثایق، مطابق تعلیماتنامه تحریر و وثایق و سایر قوانین نافذه کشور، کما فی السابق در ترتیب وکالت خط، محل سکونت مؤکل و در ترتیب قیم خط وکیل غایب، آخرین محل سکونت غایب را در کشور معیار صلاحیت خویش دانسته اجراءات بعمل آورند.

جهت توحید مرافق قضائی به جمیع محاکم متحده المال گردد.))

- (۱) هدایت مبنی به لغو مصوبات شماره (۶۴۶) مؤرخ ۱۳۸۹/۶/۲۳ ،
 (۱۵۴) مؤرخ ۱۳۹۲/۱۲/۳ ، (۱۸۱۱) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ و
 (۱۱۹۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۸ شورایعالی ستره محکمه
 (۲) هدایت مجدد در رابطه به چگونه گی رسیده گی به قضایای عدم
 احضار (عمدی) مضمون عنه و همچنان مسؤولیت جزائی ضامنی که
 (توان حاضر نمودن شخص ضمانت شده را ندارد) با تأکید به فرمان
 شماره (۱۴۸) مؤرخ ۱۳۸۶/۲/۱ ریاست ج.ا.ا.*

۲۰ - متحدالمال شماره (۱۴۶۲ - ۱۵۳۵) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۵ ریاست
 دارالانشاء ، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۲۰) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۰/۵ شورایعالی
 ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

قبلاً استهدائیة مقام محترم دیوان رسیده گی به جرایم منسوبین نظامی ستره
 محکمه، بشرح ذیل غرض ابراز نظر به ریاست تدقیق و مطالعات محول گردیده
 بود:

((قسمیکه به مقام محترم هویدا است؛ از چندی بدینسو یک تعداد دوسیه های
 جزائی تحت نام عدم احضاریت و یا مسؤولیت جزائی ضامن که توان حاضر نمودن
 شخص ضمانت شده را ندارد، به دیوان های مختلف محاکم ابتدائیه و استیناف
 مواصلت می ورزد. به استناد مصوبات مختلف اجراءات متفاوت صورت میگیرد،

* - در یک مصوبه در رابطه به دو موضوع، هدایت مشخص صادر گردیده است،
 از آن جهت عنوان این متحدالمال به شکل فوق، تنظیم گردید.

جهت توحید اجراءات از مقام محترم خواهشمندیم؛ تا در روشنی احکام قوانین نافذه کشور هدايت فرمائيد که کدام یکی از مصوبات ذیل قابل تطبیق میباشد:

۱ - مصوبه شماره (۶۴۶) مؤرخ ۱۳۸۹/۶/۲۳ مقام محترم شورایعالی ستره محکمه که چنین مشعر است: (در مورد اینکه کفالت بالمال در کدام مورد جواز دارد و در کدام مورد جواز ندارد. در باره ماده (۹۷) تعدیل قانون اجراءات جزائی و جدول منضمه آن صراحت دارد و از اینکه کسانی که در همچو موارد ضامن میگردند و شخص تحت ضمانت خویش را به مراجع عدلی و قضائی احضار نمی نماید، در حکم اتهام فرار محبوسین و اخفای مجرمین می آید، محکمه با ضامن طبق صراحت قانون جزاء رفتار نماید).

۲ - مصوبه (۱۸۱۱) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ مقام محترم شورایعالی که هدايت بر آن است؛ تا مطابق مصوبه شماره (۱۵۴) مؤرخ ۱۳۹۲/۱۲/۳ شورایعالی ستره محکمه اجراءات بعمل آید. که چنین مشعر است: (به تأیید مصوبه فوق الذکر باید خاطر نشان ساخت که جهت قانونیت پروسه اعزام محصلین عسکری به خارج از کشور و مسایل مربوط به آن بهتر است؛ مقام وزارت دفاع ولی در زمینه طرح مقرر را از طریق مراجع مربوط طی مراحل و وضع نمایند. در خصوص شکایت تضمین کننده گان باید خاطر نشان ساخت که از یک طرف طبق مواد ضمیمه نمبر (۱) پالیسی تعلیم و تربیه وزارت در صورتیکه تضمین کننده گان عدم کفایت خویش را در ارتباط به تحویلی وجه کفالت بنابر دلایل مؤجه ابراز بدارند. بناءً طبق مصوبه شماره (۱۵۴) فوق الذکر مقام شورایعالی اخذ تضمین از اشخاص به ارتباط محصلین مفرور کشور میزبان، اعتبار قانونی ندارد).

۳ - مصوبه شماره (۱۱۹۶) مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۸ مقام محترم شورایعالی ستره محکمه که چنین صراحت دارد: (در صورتیکه متن تضمین یا تعهد نامه ضامن مبنی بر فرمان شماره (۱۴۸) مؤرخ ۱۳۸۶/۲/۱ مقام محترم ریاست ج.ا.ا بوده؛ یا در متن آن چنین تعهدی صورت گرفته باشد. چنین تعهد نامه سند قابل تحصیل بوده مرجع مسؤول وسایل و تجهیزات نظامی میتواند طبق قانون طرز تحصیل حقوق از طریق ادارات حقوق؛ تحصیل آنها از نزد ضامن مطالبه نمایند.)

بناءً مصوبات فوق الذکر مقام محترم شورایعالی ستره محکمه در تضاد و تناقض قرار داشته در زمینه طالب هدایت میباشیم و جهت مطالعه آن مقام محترم؛ یک یک نقل مصوبات فوق الذکر که ضم هذا بشما تقدیم است.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۷/۲۵ مقام محترم شورایعالی مطرح و ذریعه تصویب شماره (۸۰۳) هدایت فرموده بودند که: (ریاست محترم تدقیق و مطالعات تحت نظر محترمان متین صاحب و عدالتخواه صاحب اعضای شورایعالی ستره محکمه ابراز نظر نموده و گزارش موضوع را به جلسه بعدی شورایعالی تقدیم نمایند.) حسب هدایت فوق، ریاست تدقیق و مطالعات در مورد ذیلاً ابراز نظر نموده اند:

((در موضوع مجدداً طبق هدایت مقام محترم، تحت نظر جناب محترم قضاوتپوه برات علی "متین" عضو شورایعالی ستره محکمه و جناب محترم پوهنوال عبدالقادر "عدالتخواه"، عضو شورایعالی ستره محکمه ذیلاً ابراز نظر گردید:

(استهدائیة مذکور، در رابطه به حل تضاد و تناقض میان مصوبات شماره (۶۴۶) مؤرخ ۱۳۸۹/۶/۲۳، (۱۸۱۱) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹، (۱۱۹۶)

مؤرخ ۱۳۹۴/۱۰/۸ و (۱۵۴) مؤرخ ۱۳۹۲/۱۲/۳ که در خصوص مسئولیت سربازان و خورد ضابطان مفرور میباشد.

طوریکه ماده دوم فرمان شماره (۱۴۸) مؤرخ ۱۳۸۲/۲/۱ ریاست جمهوری ملاحظه میگردد، صرف در آن یک حالت ذیل قید گردیده است:

(خورد ضابطان و سربازان فراری که از احضاریت مجدد امتناع نموده و به وظیفه حاضر نمی گردند. طبق قوانین نافذه کشور مورد تعقیب عدلی قرار گرفته، علاوه بر آن قیمت البسه و تجهیزات نظامی و مصارف دوره تعلیم و تربیه از نزد مفرور یا شخص تضمین کننده آن تحصیل گردد).

توضیح حالت مندرج ماده دوم فرمان مذکور چنین میشود که:

(خورد ضابطان و سربازان فراری اگر دستگیر گردید؛ علاوه بر مجازات قانونی قیمت البسه تجهیزات نظامی و مصارف دوره تعلیم و تربیه از نزد سرباز یا خورد ضابط مذکور اخذ میگردد، و اما متن فرمان حاکی از حالتی است که خورد ضابط یا سرباز مفرور حاضر نمی شود محاکمه او بصورت قانونی صورت گیرد. از اینکه در همچو قضایا ضمانت به حسن نیت صورت گرفته است، ضامن را نمیتوان مجازات نمود؛ اما به دلیل اینکه ضامن در ضمانت خود تعهد مبنی بر احضار وی نموده است و اکنون از احضار شخص مفرور عاجز است و از جانب دیگر با ضمانت خود صدمه اقتصادی به کشور وارد نموده است. در اینصورت ضامن صرف مکلف به پرداخت قیمت البسه تجهیزات نظامی و مصارف دوره تعلیم و تربیه شخص تحت ضمانت خود میباشد.) این صرف یک حالت بود که در ماده دوم فرمان مذکور بیان گردید؛ اما بعضاً حالاتی و مشکلاتی پیش می آید که در متن فرمان مذکور ذکر نیست؛ اما محاکم عملاً در رسیده گی آنها به مشکل مواجه

است که با توجه به حالات مذکور، مدققین قضائی علاوه بر حالت مندرج ماده دوم فرمان مذکور، موارد زیر را نیز طور کتگوری به عنوان نظر تدقیقی ابراز می نمایند:

۱ - در صورتیکه درهمچو قضایا ضامن قادر به احضار مضمون عنه باشد، ولی ضامن در احضار وی تعلل و تساهل نماید، یا عمداً وی را حاضر ننماید و یا در فرار وی تبانی داشته باشد. در این حالت ضامن علاوه بر مسئولیت مالی کسب مسئولیت جزائی را نیز می نماید.

۲ - اگر ضامن به احضار مضمون عنه قادر نباشد؛ به ترتیبی که در فوق ذکر گردیده، به اعتبار مسئولیت مدنی (در صورتیکه مسئولیت مدنی را تعهد نموده باشد). صرف کسب مسئولیت مالی را می نماید.

قابل تذکر است که فرمان فوق الذکر ریاست جمهوری در حالت خاص صدور یافته و هدف اصلی آن جلوگیری از فرار داوطلبان و جلب مجدد و مفرورین اردوی ملی میباشد. چنانچه در ماده اول فرمان مذکور تصریح شده است: "در صورتیکه مفرور مذکور طی مدت شش ماه اعتبار از تاریخ صدور فرمان به محل وظیفه و یا مراکز جلب و جذب حاضر گردند، از تعقیب عدلی و مجازات شان انصراف به عمل آید." بناءً ذوات مندرج فرمان مذکور در صورتیکه در حدود ضرب الاجل تعیین شده ماده اول فرمان حاضر نگردند، مؤیدات جزائی مندرج ماده دوم فرمان، بالای آنها تطبیق میگردد و در خصوص ضامن آنها؛ اگر جزاء های لازم حسب احوال مطابق کتگوری شماره (۱) و (۲) که در فوق مدققین قضائی به عنوان نظر ابراز نموده، اجراآت صورت گیرد. معضل فرمان مذکور حل خواهد گردید و محاکم در اجراآت خود درهمچو قضایا به مشکل مواجه نخواهند شد.

در رابطه به أخذ ضمانت از آن‌عده محصلین و افسرانیکه به خارج فرستاده میشوند؛ تا در برگشت دوباره آنها مشکل ایجاد نگردد، باید متذکر شد؛ که در زمینه بهتر است مقام محترم وزارت دفاع ملی طرح مقررۀ را با در نظر داشت تمام مسایل مربوط به نگرانی از عدم برگشت محصلین و افسران، از طریق مراجع قانونی مربوطه طی مراحل و وضع نمایند.

بناءً الغای مصوبات قبلی به دلیل پراکنده گی و در تناقض قرار گرفتن با یک دیگر؛ چنانچه در متن استهداء ذکر است، جهت ایجاد یک رویه واحد احتراماً پیشنهاد میگردد.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع توأم با اصل نظر مجدد در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۱۰/۵ شورای عالی ستره محکمه مطرح گردید، ذریعه تصویب شماره (۱۲۲۰) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است، به تمام محاکم متحده المال گردد.))

تعیین سرپرست برای اطفال

۲۱ - متحده المال شماره (۱۵۳۶ - ۱۶۰۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۷ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۱۳۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۷ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

استهدائیه شماره (۳۶۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۷/۱ ریاست محکمه ابتدائیه اطفال، بعداز ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات مواصلت ورزیده است. که فشرده موضوع ذیلاً میباشند:

((اخیراً مراجعات بعضی از اشخاص به منظور سرپرست گرفتن و یا مراجعات والدین مبنی به سرپرستی دادن اطفال شان به اقارب و یا اشخاص غیر، در این محکمه رو به ازدیاد است که مطالبات آن ها موافق به هدایت قانون سرپرستی اطفال نبوده و واجد شرایط نیز نمی باشند.

مطابق هدایت ماده سوم قانون سرپرستی اطفال، (سرپرست شخصی تعریف گردیده است که داوطلبانه سرپرستی یک یا چند طفل غیر را از طریق محکمه به عهده میگیرد.) و طفل بی سرپرست نیز طفلی تعریف گردیده است؛ (که یکی از والدین وی فوت، غایب و یا هم ولی وی طبق حکم محکمه با صلاحیت فاقد شرایط حضانت اعلام گردیده باشند).

ماده (۵) قانون سرپرستی اطفال، شرایط سرپرست و ماده (۶) قانون مذکور شرایط طفل بی سرپرست را توضیح نموده است. همچنان ماده نهم در مورد ارایه در خواست سرپرستی توسط زوجین واجد شرایط، به محکمه با صلاحیت می باشد؛ اما ماده (۱۱) قانون مذکور در مورد تحت سرپرستی قرار دادن طفل؛ نسبت عدم تأمین نفقه. صراحت دارد.

با صراحت قانون مذکور، اغلباً والدین در خواست می‌دهند؛ تا اطفال شانرا که در سن حضانت و یا در سن مراهق الی ۱۸ سال قرار دارند، به یکی از اقارب شان که در خارج از افغانستان اقامت دارند، تحت سرپرستی قرار دهند تا با استفاده از فرصت، اطفال شانرا به خارج از کشور اعزام نمایند. در حالیکه هرگاه منافع و مصالح فعلی اطفال مورد نظر قرار گیرد، بانیست مراجع مشخص در وضعیت های خاص مسؤولیت اجرای امور مربوطه حضانت، سرپرستی و یا تجویز سرپرستی اطفال را داشته باشد.

در صورتیکه مادر طفل معذور از نگهداری طفل باشد مطابق هدایت ماده (۲۳۹) قانون مدنی از طبقات شانزده گانه زنان برای حفاظت و نگهداشت طفل، حاضنه تعیین میگردد که تعیین حاضنه ارتباط به این محکمه نمی گیرد.

گاهی بعضی از والدین در خواست می‌دهند که اطفال خویش را به یکی از اقارب شان که در خارج اقامت دارند به سرپرستی دهند، در حالیکه والدین مذکور، به سپردن اطفال شان برای سرپرست نیاز ندارند و هر کدام از والدین، صلاحیت نگهداشت و سرپرستی اطفال شانرا بر حسب حکم شرع و قانون دارند. از جانب دیگر رهنمود در توضیحی تکافل اجتماعی بی سرپرستان چنین هدایت دارد:

(شخص بی سرپرست را صرف اقارب اصولی درجه اول تا درجه سوم به سرپرستی گرفته میتواند، به اشخاص بیگانه که فاقد رابطه قرابت اند؛ دادن این حق بخاطر رعایت مصلحت بی سرپرستی مجاز نمی باشد) رهنمود مذکور، ذریعه تصویب شماره (۶۶۵) مؤرخ ۱۳۸۶/۸/۲۹ شورایعالی ستره محکمه، مورد تأیید قرار گرفته است.

همچنان هدایت متحده المال (۲۷۹۹ الی ۲۸۶۹) مؤرخ ۱۳۸۷/۸/۲۰ شورایعالی که در تعدیل فقره (۱۳) رهنمود توضیحی صورت گرفته چنین مشعر است:

(تکافل شخص بی سرپرست از طرف اقارب اصولی درجه اول تا درجه سوم صورت گیرد.

تکافل شخص مجهول الهویه و فاقد هویت را محکمه به اشخاص واجد اهلیت و شرایط قانونی واگذار میکند).

همچنان قرار مصوبه شماره (۵۱۰) مؤرخ ۱۳۸۷/۸/۸ شورایعالی ستره محکمه در زمینه سرپرستی اطفال مطابق هدایت رهنمود توضیحی تکافل اجتماعی هدایت داده شده است که هرگاه ولی یا قریب طفل توان و قدرت سرپرستی را نداشته باشد، می تواند طفل را توسط وثیقه علیحده از طریق محکمه به منظور سرپرستی برای شخص مناسب واجد شرایط به سرپرستی بسپارد، البته محل اجرای هدایت متذکره محاکم وثایق می باشد نه محکمه اطفال.

از جانب دیگر تصویب شماره (۶۶۵) مؤرخ ۱۳۸۶/۸/۲۹ رهنمود توضیحی اجرای سرپرستی را در وثیقه اقرار خط هدایت داده است. قابل یاد آور است که این محکمه نگران مصلحت حال و آینده این چنین اطفال بوده، حتی امروزه والدین نظر به ضعف اقتصادی و ناهنجاری های اجتماعی حاضر به فروش اطفال شان میگردند و یا از طریق این محکمه در صدد اعزام اطفال شان به خارج از کشور، چه در برابر منفعت و یا غیر آن می باشند و در خواست آنها، نه مطابق هدایت رهنمود توضیحی می باشد و نه مطابق به هدایت قانون سرپرستی اطفال، لذا این محکمه نمی تواند در خواست شانرا بپذیرد.

مطابق هدایت قانون سرپرستی به آن‌عه اشخاص که تاحال، سرپرستی اطفال سپرده شد است، اشخاص مذکور اطفال را با خود به خارج از کشور برده اند، تا اکنون از حالت و وضعیت و چگونگی ترتیب و نگهداری اطفال به قنسلگری های افغانستان مراجعه نکرده، گزارش به این محکمه فرستاده نشده است، معلوم نیست اطفال مذکور در چی وضعیتی قرار دارند. احتمال آن نیز موجود میباشد که از اطفال دختر و پسر استفاده های ناجایز دیگر صورت گرفته و به مقاصد غیر مشروع، تحت تربیت قرار داده شوند.

با ذکر مطالب فوق، از مقام محترم شورای عالی ستره محکمه طالب هدایت می باشیم؛ که آیا این محکمه همه موارد سرپرستی را بپذیرد و یا محاکم فامیلی و یا وثایق را در پاره از امور مربوط، مطابق به هدایت رهنمود توضیحی و یا قانون مدنی، به تعیین حاضنه مؤطف خواهند نمود؟ در ضمیمه اوراق (...) که خواهان دادن سرپرستی دو طفل خورد سال اش که به سن حضانت قرار دارد به بهانه مریضی قلبی زوجه اش که احتمالاً در این وضعیت قرار نداشته باشد به برادرش که در هالند اقامت دارند، از این محکمه گردیده، تقدیم است. در حالیکه شخص مذکور اطفال دیگر نیز دارد در صورتیکه زوجه اش توانایی نگهداری و سرپرستی را ندارد، چطور می تواند از آنها سرپرستی نماید؟ با اینکه ماده (۲۳۹) قانون مدنی که در زمینه تعیین حاضنه صراحت دارد.

شخص مذکور میتواند از محکمه مربوط، طالب تعیین حاضنه گردد نه از محکمه اطفال. از جانب دیگر اطفال مذکور فاقد سرپرست نیز نمی باشد، همانا که ولی اطفال مذکور موجود میباشد. همچنان ولی اطفال مذکور معضله عدم توانایی

نقشه را نیز ندارد؛ تا مطابق هدایت ماده (۱۱) قانون سرپرستی اطفال، محکمه خود را مکلف به اجرای درخواست وی بدانند.

قابل یاد دهانی است که بتاريخ ۱۳۹۴/۵/۵ در کمیسیون رؤسای دیوانهای ریاست محکمه استیناف ولایت کابل قضیه (...) مورد بحث قرار گرفت، بنابر تصمیم شفاهی کمیسیون مذکور، اجرای تمام انواع سرپرستی را وظیفه محکمه ابتدائیه اطفال تشخیص نموده است و نیز قابل یاد آور است که مصوبه شماره (۱۲۸۱) مؤرخ ۱۳۹۲/۹/۲۴ شورایعالی ستره محکمه، تعیین سرپرست را، مطابق به احکام فصل ششم و هفتم قانون رسیده گی به تخلفات اطفال، را وظیفه محکمه مرتبط فصل ششم و هفتم قانون مذکور دانسته است نه در همه موارد.)
با آنها با ذکر مطالب فوق، هدایت مقام محترم شورایعالی ستره محکمه را در رابطه به تشخیص حدود صلاحیت این محکمه در امور سرپرستی اطفال، خواهانیم.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۷ شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید، ذریعه تصویب شماره (۱۱۳۱) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت.

((در مورد سرپرستی اطفال، قانون رسیده گی به تخلفات اطفال و قانون سرپرستی اطفال صراحت دارد. محاکم و ادارات ثبت اسناد و وثایق در پرتو آن و مصوباتیکه در مطابقت با روحیه قوانین نافذه کشور صادر گردیده؛ اجراآت خویش را عیار نمایند.

موضوع متحده المالا به محاکم اخبار گردد.))

تفویض صلاحیت (ترتیب وثایق وصایت خط ، قیم خط، تجویز فروش و موضوعات مرتبط به آن) به آمریت های ثبت اسناد و وثایق

۲۲ - متحدالمال شماره (۱۶۱۰ - ۱۶۸۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۲ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۰۷۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۲۱ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

پیشنهادیه شماره (۱۱۵۵۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۷ ریاست محکمه استیناف ولایت کابل، حسب هدایت مقام محترم ستره محکمه غرض ابراز نظر بریاست تدقیق و مطالعات محول گردیده بود که متن پیشنهادیه حاوی شرح ذیل میباشد:

((از چندین سال به این طرف در قسمت ترتیب وثایق حصر وراثت خط و وصایت خط، اجراآت محاکم طوری است که متوفا و یا شهید هرگاه ورثه صغار و یا زیر سن قانونی داشته باشد، وثیقه آن در ضمن وصایت خط در دیوانهای مدنی محاکم حوزه وی شهر کابل ترتیب میگردد و در غیر آن در ضمن وثیقه حصر وراثت و یا شهیدی در آمریت های وثایق چهار گانه ترتیب میگردد. چون دیوانهای مدنی، نسبت پرکار بودن و مشغولیت به رسیده گی دوسیه های مدنی، اکثرا وثایق وصایت خط را در وقت کم تکمیل و ترتیب کرده نمی توانند و این امر باعث بروز مشکلات گردیده، به خصوص در قسمت ترتیب وثیقه شهدای نیروهای امنیتی و دفاعی کشور که باید سهولت بیشتر در ترتیب وثیقه آنها و سرعت عمل در نظر گرفته شود.

بناءً هر گاه صلاحیت ترتیب تمام وثایق حصر وراثت و وصایت خط ها اگر به آمریت های وثایق شهر کابل داده شود، بهتر و مؤثر خواهد بود آنچه مقام عالی هدایت فرمایند موجب تعمیل است.))

مدققین قضائی ریاست تدقیق و مطالعات در مورد ذیلاً ابراز نظر نموده اند:

((آنچه از متن پیشنهادیه فوق الذکر معلوم میگردد این است که در دیوانهای مدنی دوسیه های مربوط به قضایای مدنی زیاد بوده و دیوانهای مدنی نسبت به سایر دواوین نظر به خصوصیت موضوع کاری شان ، از جمله محاکم پرکار میباشند که به آن اساس ، اکثر وثایق وصایت خط به وقت و زمان آن ترتیب شده نمی تواند و این امر باعث ایجاد مشکلات به خصوص در وثایق شهیدی که متوفی اولاد صغیر دارد ، برای محاکم و ادارات مربوط گردیده است .

از جانب دیگر، اگر قضات به کار ترتیب وثایق وصایت خط مشغول شوند، دوسیه های مدنی تحت کارشان لااجراء باقی خواهد ماند و به وقت و زمان قانونی آن رسیدگی صورت نخواهد گرفت.

با توجه به پیشنهادیه فوق و سوابق موضوع مدققین قضائی ذیلاً ابراز نظر می نمایند.

((موضوع ترتیب وثایق وصایت خط و وثایق شهیدی که در ذیل ورثه متوفا صغیر موجود است، از زمان مکلف شدن دیوانهای مدنی مبنی بر ترتیب آنها توسط شورایعالی محترم ستره محکمه در آن زمان، نگرانی قضات دیوان مدنی را در قبال داشته است.

دلیل این نگرانی پرکار بودن دیوانهای مدنی بوده که در جنب رسیده گی به قضایای مدنی، ترتیب وثایق وصایت خط و وثایق شهیدی که در ذیل ورثه متوفا طفل صغیر موجود میباشد، باعث تراکم بیش از حد کار بالای قضات محاکم مذکور میگردد. در گذشته معمول چنان بوده که وثایق وصایت خط، قیم خط و سایر

تجاوز در آمریت های وثایق ترتیب میگردید بعداً ذریعه تصویب شورایعالی دیوانهای مدنی مکلف به ترتیب آنها گردیدند.

علت مکلف شدن دیوانهای مدنی مبنی بر ترتیب وثایق مذکور، این بوده که در خصوص، بحث ولایت اشخاص ناقص الاهلیت مطرح است و تعیین وصی و یا قیم می باید ذریعه حکم و یا تصمیم قضائی صورت گیرد و یا دیوانهای مدنی با توجه به خصوصیت کاری شان و اهمیت موضوع، در وثیقه به نحوی حکم به تعیین وصی و قیم می نماید که این نوع حکم از صلاحیت بیشتری برخوردار است. دلیل دیگری که صلاحیت ترتیب وثایق مذکور به دیوانهای مدنی داده شده، این است که آمرین وثایق و اعضای مسلکی شان گرچه دارای انسلاک قضائی میباشد اما عملاً اشتغال به صدور حکم قضائی ندارد و کار ایشان بیشتر اجرایی و ثبت اسناد می باشد، نه حکم مبنی به ایجاب و یا سلب یک موضوع.

گرچه مکلف شدن دیوانهای مدنی مبنی به ترتیب وثایق وصایت خط و قیم به دلیل که قبلاً ذکر شد، معقولیت قانونی خود را دارد؛ اما از جانب دیگر روند رسیده گی قضایای مدنی را بطی و کند می سازد. در بعضی موارد حتا ترتیب وثایق مذکور بهانه یی میشود برای بعضی قضات تا دوسیه های مطروحه قضائی مدنی را به وقت و زمان آن رسیده گی ننمایند.

خصوصیت کاری آمریت های وثایق بیشتر ماهیت اجرایی دارد؛ مانند: ترتیب، ثبت و توثیق وثایق و سجلات من حیث سند صادر شده از مرجع رسمی ستره محکمه. بناءً از لحاظ شکل و محتوا کار آمریت های ثبت اسناد و وثایق با دیوانهای مدنی که وثایق وصایت خط و قیم خط را ترتیب می نمایند، تفاوت زیاد ندارد.

با توجه به موارد فوق و با احترام به تصاویر قبلی و با توجه به مشکلات عایدۀ برای دیوانهای مدنی، مناسب خواهد بود؛ تا صلاحیت ترتیب وثایق وصایت خط و قیم خط ها در جنب ترتیب وثایق حصر وراثت به آمریت های ثبت اسناد و وثایق داده شود؛ تا از یک طرف اجراءات آمریت های ثبت اسناد وثایق همگون و همسان گردد و از جانب دیگر دیوانهای مدنی بدون تعلل به وقت و زمان قانونی به دوسیه های مدنی رسیده گی نمایند.

علاوه بر آن، جهت توحید مرافق قضائی اگر تصاویر قبلی و مشابه در خصوص، توسط شورایعالی ستره محکمه لغوء شود از پراکنده گی تصاویر در رابطه، جلوگیری به عمل خواهد آمد.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۲۱ شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید، ذریعه تصویب شماره (۱۰۷۳) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است. ترتیب وصایت خط، قیم خط، تجویز فروش و موضوعات مرتبط به آن از دیوان مدنی شهری به آمریت های ثبت اسناد و وثایق مرکز و ولایات تفویض صلاحیت شد.

موضوع متحده المالاً به محاکم و ادارات ثبت اسناد اخبار گردد.))

مراتب مندرج تصویب شماره فوق، ذریعه نامه شماره (۷۰۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۷ به محکمه استیناف ولایت کابل اخبار گردیده است، بدینوسیله متحده المالاً به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط نیز اخبار میگردد؛ تا آنرا به مراجع ذیربط تعمیم نموده عندالموقع مطابق آن اجراءات قانونی و مقتضی به عمل آرند.

طرح رهنمود توضیحی ریاست تدقیق و مطالعات
پیرامون تطبیق کود جزاء در قضایای جزائی، با توجه به قاعده اصل عدم
رجعت قانون به ماقبل و رعایت نفع متهم
با در نظر داشت زمان ارتکاب جرم

۲۳ - متحده المال شماره (۱۶۸۳ - ۱۷۵۷) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۳۰ ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۳۸۳) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۳ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست تدقیق و مطالعات بتأسی از هدایت مقام محترم ستره محکمه، طرح رهنمود توضیحی پیرامون تطبیق کود جزاء در قضایای جزائی، با توجه به قاعده اصل عدم رجعت قانون به ماقبل و رعایت نفع متهم با در نظر داشت زمان ارتکاب جرم را، بشرح ذیل غرض غور شورایعالی ارسال نموده است:

((از لحاظ حقوقی و قانونی خصوصاً درعمل، با توجه به زمان ارتکاب جرم، قانون حاکم در زمان ارتکاب جرم، موضوع نفع متهم و حالات مصرحه در قانون جدید، محاکم بعد از انفاذ کود جزاء در رسیده گی به قضایای تحت کار شان به یک سلسله حالات مواجه خواهند شد. بمنظور تطبیق یکسان قوانین و ایجاد رویه واحد و تأمین بهتر عدالت با توجه به ماده (۱۷) کود جزاء، محاکم نکات زیر را در رسیده گی به قضایای جزائی ملاک عمل قرار خواهند داد.

۱ - رسیده گی به جرایم که قبل از انفاذ کود جزاء و در زمان نافذ بودن قوانین جزائی قبلی ارتکاب یافته اند، توسط قوانین جزائی قبلی صورت میگیرد، مشروط به اینکه احکام قوانین قبلی که در زمان ارتکاب جرم، نافذ بوده، به نفع متهم باشد.

۲ - اگر در جریان مراحل محاکماتی و قبل از صدور حکم قطعی، قانون جدید نافذ گردد، این نکته مطرح نظر باشد که احکام قوانین سابق به حال متهم مساعد

است یا حکم قانون جدید، محاکم با در نظر داشت آن اجراءات نمایند. چنانچه فقره (۱) ماده (۱۷) کد جزاء چنین صراحت دارد

مرتکب جرم به موجب قانونی مجازات میگردد که قبل از ارتکاب جرم نافذ شده باشد؛ مگر اینکه قبل از صدور حکم قطعی قانون جدیدی وضع گردد که به نفع متهم باشد

مطابق فقره (۲) ماده (۱۷) کد جزاء حالات ذیل به نفع متهم است.

۱. حد اقل مجازات را کمتر ساخته باشد.
 ۲. با حفظ حد اقل، حد اکثر مجازات را کمتر ساخته باشد.
 ۳. مجازات به درجه پائین تر تنزیل یافته باشد.
 ۴. حالات مخففه را بیشتر ساخته باشد.
 ۵. حالات مشدده را کمتر ساخته باشد.
 ۶. سایر موارد که در قانون جدید به نفع متهم توجیه گردد.
- ۳ - به صورت عموم در صورتیکه محاکم تحتانی، مطابق قوانین جزائی قبلی حکم صادر نموده باشند،

در مواردیکه در مرحله ابتدائیه به قوانین نافذ سابق حکم صادر شده باشد، در مرحله استیناف قانون جدید نافذ شود، یا در مرحله ابتدائیه و استیناف، مطابق قوانین نافذ سابق حکم صادر شده باشد و در مرحله غور فرجامی قانون جدید نافذ شود، در تمام این حالات (با توجه به قانون نافذ و حاکم در زمان ارتکاب جرم و نفع متهم) به قانونی عمل میشود که در آن برای متهم نفع باشد. زیرا هدف از وضع قوانین جزائی تأمین عدالت و مساعد بودن آن به حال و نفع متهم است.

۴ - در محاکم فوقانی (استیناف و فرجام) قضایای که بعد از انفاذ کد جزاء رسیده گی میشود. در مواردیکه محکمه ابتدائیه به قوانین نافذ قبلی حکم صادر نموده و موضوع در مرحله استیناف که برای محکمه ابتدائیه محکمه فوقانی است، تحت رسیده گی باشد یا محکمه استیناف به قوانین نافذ قبلی حکم نموده است و

قضیه در مرحله فرجامی قرار داشته باشد و مرحله فرجامی برای محکمه استیناف محکمه غور قانونی و فوقانی است یا محکمه ابتدائیه و استیناف هر دو به قوانین نافذ سابق حکم نموده باشند و موضوع در مرحله غور فرجامی باشد؛ در تمام حالات فوق اگر در محاکم فوقانی به تفصیل که در فوق گذشت مطابق قوانین نافذ سابق موضوع تحت رسیده گی قرار گیرد، حتماً موضوع زمان ارتکاب جرم، قانون نافذ در زمان ارتکاب جرم و نفع متهم در نظر گرفته شود؛ اما اگر در مراحل فوقانی دوسیه منجر به نقض باشد و رسیده گی به آنها مطابق کود جزاء صورت گیرد، محاکم با در نظر داشت نفع متهم، تعدیلاً حکم نمایند نه نقضاً.

۵ - به صورت عموم جرایم که بعد از انفاذ کود جزاء ارتکاب مییابند، مرتکبین آن مطابق احکام کود جزاء محاکمه میشوند.

قابل ذکر است که با انفاذ کود جزاء احکام قوانین جزائی مندرج ماده (۹۱۶) این قانون و سایر قوانین که با حکمی از احکام کود جزاء در مغایرت قرار داشته باشد، ملغاء میگردد. محاکم به هدایت مندرج ماده (۹۱۶) توجه نمایند؛ تا به قوانین ملغاء حکم صادر نگردد.))

حینیکه تفصیل جریان موضوع توأم با اصل طرح متذکره، در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۳ شورای عالی ستره محکمه مطرح گردیده، ذریعه تصویب شماره (۱۳۸۳) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت.

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است، جهت توحید مرافق قضائی و اجراءات یکسان به جمیع محاکم متحده المال گردد.))

بخش چهارم
متحدالمالهای سال ۱۳۹۷

هدایت مبنی به ایجاد محکمه رسیده گی به قضایای غصب زمین و سایر
املاک دولتی، تعیین تشکیل و صلاحیت های محاکم در
خصوص رسیده گی به قضایای مذکور

۱ معبدالمال شماره (۱ الی ۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۱۵، ریاست دارالانشاء،
که به اساس مصوبه شماره (۸۲) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۲، شورایعالی ستره محکمه
ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

محکمه اختصاصی رسیده گی به قضایای غصب زمین و سایر املاک دولتی طبق
تصویب شماره (۶۷۶) مؤرخ ۱۳۹۶/۶/۲۲ شورایعالی ستره محکمه و منظوری
حکم نمبر (۲۷۰۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۱۱ مقام محترم ریاست ج.ا.ا به سطح
محاکم ابتدائیه و استیناف در زون های کابل، هرات، ننگرهار، بلخ و کندهار ایجاد
گردید و در جلسه تاریخی ۱۳۹۶/۹/۲۸ شورایعالی ستره محکمه به هیئت مؤلف
وظیفه سپرد تا طرح فعالیت محکمه مذکور را ترتیب نماید. هیئت مذکور، با در
نظرداشت موضوع فوق، در زمینه ذیل ابراز نموده اند.

(۱) - زون مرکز که شامل ولایات کابل، میدان وردگ، پروان، لوگر، کاپیسا و
غزنی میباشد قضایای غصب املاک دولتی که شامل ده جریب زمین یا بیشتر از آن
باشد و یا اینکه ساختمان بالای آن اعمار گردیده باشد توسط محاکم ابتدائیه و
استیناف رسیده گی به جرایم سنگین فساد اداری مرکز عدلی و قضایی ذیل
رسیده گی شود:

در مرحله ابتدایی توسط رئیس محکمه ابتدائیه رسیده گی به جرایم سنگین فساد
اداری مرکز عدلی و قضایی و اعضای معیتی شان، در مرحله استینافی قضایای

متذکره را رئیس محکمه استیناف رسیده گی به جرایم سنگین فساد اداری مرکز عدلی و قضائی و اعضاء معیتی شان، هکذا به محاکم مذکور تفویض صلاحیت گردید تا بخش حقوقی و جزائی قضایای ذکر شده را رسیده گی نمایند.

(۲) - زون هرات که شامل ولایات فراه، نیمروز، بادغیس و غور میباشد، قضایای فوق الذکر را به ترکیب قضات ذیل رسیده گی نمایند.

ترکیب محکمه ابتدائیه:

۱. رئیس محکمه ابتدائیه شهری ولایت هرات بحیث رئیس.
۲. محترم(....)فرزند(....)عضو دیوان احوال شخصیه محکمه استیناف ولایت هرات بحیث عضو.
۳. محترم(....)فرزند(....)عضو دیوان حقوق عامه محکمه استیناف ولایت هرات بحیث عضو.

ترکیب محکمه استیناف:

۱. رئیس محکمه استیناف ولایت هرات بحیث رئیس
۲. رئیس دیوان مدنی محکمه ابتدائیه شهری ولایت هرات بحیث عضو.
۳. رئیس دیوان حقوق عامه محکمه ابتدائیه شهری ولایت هرات بحیث عضو.
- (۳) - زون بلخ که شامل ولایات فاریاب، جوزجان، سرپل، سمنگان، بغلان، کندز، تخار و بدخشان میباشد، ترکیب قضات آن قرار ذیل است.

ترکیب محکمه ابتدائیه:

۱. رئیس محکمه ابتدائیه شهری ولایت بلخ بحیث رئیس.
۲. محترم(....)فرزند(....)عضو دیوان احوال شخصیه محکمه استیناف ولایت بلخ بحیث عضو.

۳. محترم(....)فرزند(....)عضو دیوان حقوق عامه محکمه استیناف ولایت بلخ بحیث عضو.

ترکیب محکمه استیناف:

۱. رئیس محکمه استیناف ولایت بلخ بحیث رئیس
 ۲. رئیس دیوان مدنی محکمه ابتدائیه شهری بلخ بحیث عضو.
 ۳. رئیس دیوان حقوق عامه محکمه ابتدائیه شهری ولایت بلخ بحیث عضو.
 - (۴) - زون کندهار که شامل ولایات زابل، هلمند، ارزگان و دایکندی میباشد، قضایای فوق الذکر را به ترکیب قضات ذیل رسیده گی نمایند.
- تشکیل محکمه ابتدائیه:

۱. رئیس محکمه ابتدائیه شهری ولایت کندهار بحیث رئیس.
 ۲. محترم(....)فرزند(....)عضو دیوان مدنی و احوال شخصیه محکمه استیناف کندهار بحیث عضو.
 ۳. محترم(....)فرزند(....)عضو دیوان جرایم منع خشونت علیه زن محکمه استیناف کندهار بحیث عضو
- ترکیب محکمه استیناف:

۱. رئیس محکمه استیناف ولایت کندهار بحیث رئیس.
۲. رئیس دیوان مدنی محکمه شهری ولایت کندهار بحیث عضو
۳. رئیس دیوان حقوق عامه محکمه شهری کندهار بحیث عضو.
- (۵) - زون ننگرهار که شامل ولایات لغمان، کنرهار، نورستان، پکتیا، خوست و پکتیکا میباشد، ترکیب قضات آن قرار ذیل است.

ترکیب محکمه ابتدائیه:

۱. رئیس محکمه ابتدائیه شهرى ولایت ننگرهار بحیث رئیس
 ۲. محترم(....)فرزند(....)عضو دیوان احوال شخصیه محکمه استیناف ولایت ننگرهار بحیث عضو.
 ۳. محترم(....)فرزند(....)عضو دیوان حقوق عامه محکمه استیناف ولایت ننگرهار بحیث عضو.
- ترکیب محکمه استیناف:

۱. رئیس محکمه استیناف ولایت ننگرهار بحیث رئیس.
 ۲. رئیس دیوان مدنى محکمه شهرى ولایت ننگرهار بحیث عضو.
 ۳. رئیس دیوان حقوق عامه محکمه ابتدائیه شهرى ولایت ننگرهار بحیث عضو.
- رسیده گى بخش حقوقى و جزائى قضایای غصب املاک دولتى طى تصویب شماره (۱۰۷۶) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۲۸ مقام محترم شورایعالی ستره محکمه به دیوان حقوق عام، ستره محکمه تفویض صلاحیت گردید.
- همچنان محاکم در قسمت توظیف کارمندان ادارى و خدماتى بر علاوه وظایف اصلی شان طور خدمتى اقدام نمایند.
- محاکم استیناف زون های پنج گانه در زمینه تدارک قرطاسیه باب و سایر موارد ضرورت محاکم اختصاصى همکارى لازم نمایند.
- قابل ذکر است قضات تعیین شده مندرج این طرح، بر علاوه وظایف اصلی شان طور خدمتى در محاکم مذکور ایفاء وظیفه مینمایند.))

حین که طرح ایجاد محکمه اختصاصی غصب املاک دولتی به جلسه مؤرخ
۱۳۹۶/۱۰/۱۲ تقدیم گردید، طی تصویب شماره (۸۲) هدایت ذیل صادر
گردید: (متن پیشنهاد تصویب و منظور است)
بناءً طرح متذکره بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط
اخبار گردید تا آنرا به مراجع ذیربط تعمیم نموده منبهد دوسیه های غصب املاک
دولتی را که زمین مغصوبه آن ده جریب یا بیشتر از آن باشد و یا اینکه ساختمان
بالای آن اعمار گردیده باشد به محاکم اختصاصی فوق غرض اتخاذ تصمیم ارسال
نمایند.

قرار ترک خصومت مندرج ماده (۳۴۵) قانون اصول محاکمات مدنی،
مبنی بر اسقاط سوگند از جانب مدعی، تابع (یک فیصد) محصول عدم
اثبات میباشد

۲ متحدالمال شماره (۴۱ الی ۱۱۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۱، ریاست دارالانشاء،
که به اساس مصوبه شماره (۱۱۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۵، شورایعالی ستره محکمه
ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

((از لابلای بررسی اجراءات قضائی محاکم ولایات دیده میشود که قضات در
رابطه به اخذ محصول از فیصله های که بر اساس اسقاط حلف به ترک خصومت
تصمیم اتخاذ می گردد، دیدگاه متفاوت داشته اند که ذیلاً به آن اشاره می نمایم:

۱ - تعدادی از قضات با در نظر داشت صراحت ماده (۳۴۵) قانون اصول
محاکمات مدنی باور دارند که فیصله های صادره، مبنی بر اسقاط حلف همانند
فیصله ترک خصومت پیشینی شده در ماده (۱۵۴) قانون مذکور بوده، تابع
محصول فیصدی نمی باشد و از قضایا عملاً محصول اخذ نمی دارند.

۲ - تعداد دیگری از قضات، باور شان بر این است که فیصله های فوق الذکر به
دلیل انجام مراحل محاکمه و خدمات کامل قضائی با هم مشابهت و همگونی نداشته
بلکه نظر به موقف اسقاط کننده حلف تابع محصول فیصدی می باشد و از قضایا
عملاً محصول اخذ می نمایند.

با در نظر داشت دیدگاه فوق باور قضات ریاست عمومی تفتیش قضائی بر این
است که چون تصمیم قضائی به استناد ماده (۳۴۵) قانون اصول محاکمات مدنی
بعد از طی مراحل محاکمه الی وصول نتیجه مطلوبه و انجام خدمات کامل قضائی
در قالب فیصله ترک خصومت مطابق صراحت ماده مذکور صادر می گردد با

فیصله ترک خصومت مندرج ماده (۱۵۴) قانون فوق الذکر مشابیهت نداشته و تابع محصول فیصدی بوده و با در نظر داشت موقف اسقاط کننده حلف محصول اخذ گردد.

با وصف آن، اینک به منظور توحید دیدگاه و ایجاد رویه واحد قضایی مبنی بر اخذ محصول فیصدی، بالوسیله پیشنهاد هذا خواهان توضیح و رهنمائی می باشیم. مقام محترم ستره محکمه، طی حکم مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۳۰ هدایت فرموده اند که (ریاست تدقیق و مطالعات، در مورد ابراز نظر صورت گیرد.) حسب هدایت مقام محترم ستره محکمه، مدققین قضائی ریاست تدقیق و مطالعات در مورد ذیلا ابراز نظر نموده اند:

بنظر ما: طبق صراحت ماده (۱۵۴) قانون اصول محاکمات مدنی در صورتیکه مدعی دعوی را ترک نماید، درین حالت موضوع غیابت مطرح می باشد زیرا مدعی بعد از تقدیم صورت دعوی خود در میعاد معینه به محکمه حاضر نمیگردد و محکمه فیصله مبنی بر ترک خصومت را صادر مینماید که این ترک خصومت تابع محصول نمی گردد.

هرگاه طبق صراحت ماده (۳۴۵) قانون مذکور، مدعی حق سوگند خود را اسقاط نماید محکمه به ترک خصومت مدعی حکم صادر می نماید. از فحوای ماده مذکور چنین استنباط میگردد، که اگر مدعی حق شرعی و قانونی خویش یعنی مطالبه سوگند از مدعی علیه را اسقاط نماید. این اسقاط در حقیقت عدم اثبات دعوی میباشد.

بناءً در ماده (۱۵۴) مدعی دعوی را ترک نموده اما در ماده (۳۴۵) مدعی ترک دعوی ننموده بلکه مدعی حق سوگند خود را اسقاط نموده که منجر به عدم اثبات

دعوی می‌گردد پس ترک خصومت مندرج ماده (۱۵۴) اختیاری و شکلی بوده و تابع محصول نمیباشد و ترک خصومت مندرج ماده (۳۴۵) در نتیجه حکم محکمه در ماهیت دعوی بوده، که طبق صراحت قانون تعرفه محصول دولتی تابع یک فیصد محصول عدم اثبات میباشد.*

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۵ شورایعالی مطرح و در زمینه طی تصویب شماره (۱۵) هدایت ذیل صدور یافت: نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است، موضوع جهت توحید مرافق قضائی به جمیع محاکم متحده المالاً اخبار گردد.

* تعرفه محصول دولتی در محاکم جمهوری افغانستان، منتشره جریده رسمی شماره (۷۱۰) مورخ ۱۳۶۸/۱۱/۳۰، مطابق به ماده ۲۳ قانون جدید محصول محاکم، ملغی گردیده است. اما هدایت تصویب فوق الذکر، کماکان نافذ است.

تعیین صلاحیت محاکم، در خصوص رسیده گی به قضایای مالیاتی

۳ متحده المال شماره (۱۱۶ الی ۱۹۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۱، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۶۱۰) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹، شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

ریاست محکمه استیناف ولایت بلخ، چنین استهداء نموده است: ((اوراق قضیه حقوقی تحصیل مالیات مبلغ (۱۶۴۷۲۲۰۵) افغانی اداره محترم مستوفیت ولایت بلخ توسط نماینده قضایای دولت علیه شرکت تجارتي (....) بریاست محترم (....) و معاونیت (....) ذریعه صادره شماره (۳۰۶۲ بر ۱۶۵۲) ۱۳۹۶/۹/۲۵ آمریت قضایای دولت ریاست محترم عدلیه ولایت بلخ، به این محکمه غرض فیصله شرعی مواصلت نموده است. راجع به رسیده گی قضیه اشکال ذیل به نظر میرسد:

۱- رسیده گی به قضیه مطابق به هدایت ماده اول قانون اصول محاکمات تجارتي و مواد (۱۸ و ۱۹) اصولنامه تجارت به نسبت اینکه قضیه تجارتي و یک طرف آن تاجر میباشد، تجارتي پنداشته شده و صلاحیت رسیده گی آن مربوط این محکمه است.

۲- مطابق به هدایت ماده (۹) قانون اصول محاکمات مدنی و فقره (۳) ماده (۶۳) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، صلاحیت رسیده گی به همچو قضیه و امثال آن به نسبت اینکه منافع دولت در میان است، از دیوان های حقوق عامه بوده که از طریق قضایای دولت تعقیب گردد.

۳- اخیراً محکمه رسیده گی به قضایای مالیاتی، تشکیل و در ولایت کابل به فعالیت آغاز نموده که تا هنوز ساحة صلاحیت های قانونی آن مشخص نگردیده و

کدام هدایت خاص در مورد به این محکمه مواصلت نکرده است تا با در نظر داشت آن اجراءات خویش را عیار سازیم.

پس محاکم سه گانه فوق الذکر، هر کدام مطابق به روحیه قوانین ذکر شده صلاحیت رسیده گی به قضیه متذکره و امثال آن را به نحوی که فوقاً ذکر گردیده دارا می باشند که اجراءات این محکمه را تحت سوال قرار میدهد. بناءً بخاطر توضیح، لازم دیده میشود تا مقام محترم، این محکمه را در پرتو قوانین نافذه کشور هدایت لازم خواهند فرمود تا اشکال پیش آمده مرفوع گردد.

نظر هیئت قضائی این محکمه در رابطه به موضوع این است: از اینکه در یک جانب قضیه دولت قرار داشته و در رسیده گی به آن منافع دولت مطرح است، بناءً مطابق به هدایت ماده (۹) قانون اصول محاکمات مدنی و فقره (۳) ماده (۶۳) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، صلاحیت رسیده گی به آن از دیوان های حقوق عامه است که باید دوسیه متذکره در مرحله نخست از طریق قضایای دولت در دیوان های حقوق عامه تعقیب و از طریق دیوان های متذکره رسیده گی گردد. مطلوبه هذا احتراماً نگاشته شد در زمینه خواهان رهنمودی مقام محترم میباشیم.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن ذریعه نامه شماره (۱۲۷۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۲/۳۰ ریاست تدقیق و مطالعات به این ریاست مواصلت ورزیده است.

حینیکه تفصیل جریان موضوع توأم با اصل نظر تدقیقی در جلسه مؤرخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ شورایعالی مطرح گردید، طی تصویب شماره (۱۶۱۰) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((انفصال قضایای مالیاتی شامل صلاحیت دیوانهای تجارتي محاکم مربوط بوده، باستثناء ولایت کابل که در حوزه قضائی آن، محکمه مالیاتی فعالیت دارد، در بقیه

ولایات مطابق تشکیل، محاکم تجارتي در رسیده گی به قضایای فوق مبادرت ورزند، موضوع جهت توحید مرافق قضائی به جمیع محاکم متحده المال گردد.))

در صورتیکه امنیت فیزیکی کارمندان ریاست امنیت ملی در خطر باشد، در قدم نخست معلومات مورد ضرورت، کتباً از مرجع مربوطه خواسته شود و به آن اکتفاء گردد. اگر نیاز مبرم به حضور کارمند امنیت ملی جهت ارائه معلومات احساس گردد، محکمه با رعایت قواعد محافظت شهود مندرج فصل هفتم، باب اول، قانون اجراءات جزایی، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۳۲) مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۵، اظهارات کارمند مذکور را در عدم حضور متهم استماع و از عدم افشای هویت کارمند امنیت ملی به اداره مربوطه آن اطمینان دهند

۴ معده المال شماره (۱۹۱ الی ۲۶۳) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۵، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۴۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۷ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

کارمندان ریاست عمومی امنیت ملی جهت جلوگیری و خنثی نمودن فعالیت های دشمن شب و روز طور خسته گی ناپذیر کار و فعالیت مینمایند که در زمینه دست آورد های نیز داشته و عاملین فعالیت های تروریستی را گرفتار و به ارگان های عدلی و قضایی کشور سپرده اند.

اما متهمین که از طرف ریاست عمومی امنیت ملی به خاارنوالی معرفی و از آن طریق به محاکم محترم فرستاده میشوند، از طرف مسئولین محاکم در هر قضیه بمنظور اخذ توضیحات حضور هیئت گرفتاری امنیت ملی مطالبه میگردد. زمانیکه هیئت گرفتاری از ولسوالی ها عازم مرکز میگردد نه تنها هویت آنها افشاء میگردد بلکه در جریان محاکمه در مقابل متهمین دستگیر شده قرار میگیرند و از طرف

دیگر در کمین دشمن و یا مورد حمله تهاجمی در هنگام مراجعه به محاکم قرار میگیرند.

بطور مثال: نظر به درخواست خارنوالی و محاکم جهت اخذ توضیحات و احضار مدیر امنیت(....)، نامبرده بتاريخ ۱۳۹۶/۲/۲۵ حین مراجعه به مرکز در کمین دشمن روبرو گردیده در نتیجه به اساس کمک نیروهای اردو ملی از کمین دشمن نجات داده شده، اگر کمک اردو ملی نمی بود مدیر امنیت با(۱۰) نفر سربازان اش از طرف دشمن شهید و یا هم اسیر میشدند.

بناء از مقام محترم خواهشمندیم بمراجع ذیربط هدایت خواهند فرمود تا جهت روشن شدن قضایا معلومات ضروری خویش را بصورت کتبی از ادارات ذیربط ریاست عمومی امنیت ملی مطالبه نمایند، تا از افشای هویت کارمندان و تلفات آنها جلوگیری بعمل آید.

مقام ستره محکمه طی حکم مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ هدایت فرموده اند که (ریاست تدقیق و مطالعات! در مورد ابراز نظر صورت گیرد) حسب هدایت؛ ریاست تدقیق و مطالعات در مورد ذیلا ابراز نظر نموده اند:

((پیشنهاد فوق الذکر در مورد اینکه اشخاص که از طرف ریاست عمومی امنیت ملی به خارنوالی معرفی میگردد و از آن طریق دوسیۀ آن به محکمه ارسال میشود، مسئولین محاکم بخاطر ارایۀ توضیحات در قضایا، حضور کارمندان ما را مطالبه نموده و از آنها درخصوص موضوع توضیحات میخواهند که این کار منجر به افشاء شدن هویت کارمندان و سبب تلفات آنها میگردد. مرجع مستهدی متذکر گردیده است که بهتر است محاکم معلومات را طور کتبی از ادارات مربوط آنها مطالبه نمایند.))

در زمینه ذیلاً ابراز نظر می‌گردد:

مطابق ماده (۲۵ و ۹۲) قانون اجرای جزائی، خائنوالی و محکمه می‌تواند اشخاصیکه از حقایق مربوط به جرم، مشخصات مظنون یا متهم و یا سایر حالات مربوط به قضیه جرمی معلومات داشته باشند و یا مطابق احکام قانون بیان یا حضور او را در اجرای تعقیب عدلی مفید و مؤثر تشخیص نماید، بحضور مکلف سازد. بناءً حضور اشخاص بخاطر تأمین عدالت در قانون پیشبینی گردیده است.

ولی اگر امنیت فزیک کارمندان ریاست امنیت ملی در خطر باشد، در قدم نخست معلومات مورد ضرورت کتبا از مرجع مربوطه خواسته شود و به آن اکتفاء گردد. در صورتیکه نیاز میرم به حضور کارمند امنیت ملی احساس گردد، محکمه با رعایت قواعد محافظت شهود مندرج فصل هفتم، باب اول، قانون اجرای جزائی، اظهارات کارمند متذکره را در عدم حضور متهم استماع و از عدم افشای هویت کارمند امنیت ملی به اداره مربوطه آن اطمینان دهند.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۷

شورایعالی مطرح و در زمینه طی تصویب شماره (۴۱) هدایت ذیل صدور یافت:

نظر ریاست تدقیق و مطالعات تائید است، متحده المالها به تمام محاکم و ادارات ذیربط تعمیم گردد.

صلاحیت رسیده گی به قضایای اختطاف منجر به قتل که قبلاً به دیوان های جزای عمومی تفویض شده بود، منبعاً با در نظر داشت میعاد تعیین شده قانونی، به دیوان های جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی تفویض گردید. در ولایاتیکه دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی وجود نداشته باشد مطابق تشکیل، دیوانهای امنیت عامه به رسیده گی قضایای مذکور ذیصلاح است

۵ معاهد المال شماره (۲۶۴ الی ۳۳۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۵، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۲۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۸ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.

انضمام نامه شماره (۲۹۷) ۹۷/۱/۲۸ ریاست دفتر مقام ستره محکمه، جدول پیگیری مصوبه شماره (۱) ۹۷/۱/۱۹ شورای محترم عالی حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد اداری مواصلت و چنین تقاضاء به عمل آمده است:

((قبلاً شورای عالی ستره محکمه طی بخش (ب) مصوبه شماره (۶۵۰) مؤرخ ۱۳۹۵/۷/۲۴ چنین هدایت فرموده بودند: ((صلاحیت رسیده گی قضایای اختطاف که منجر به قتل مختطف گردد نسبت شدید تر بودن جرم قتل، از دیوان های جزای عمومی محاکم می باشد.)) که هدایت کامل مصوبه شماره فوق، طی متحده المال شماره (۱۴۱۹) الی (۱۴۹۸) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۱۸ به عموم محاکم استیناف و مراجع مربوط اخبار گردیده است.

اکنون انضمام نامه شماره (۲۹۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۸، ریاست دفتر مقام ستره محکمه، جدول پیگیری مصوبه شماره (۱) ۱۳۹۷/۸/۱۹ شورای محترم عالی حاکمیت قانون و مبارزه علیه فساد اداری مواصلت ورزیده است که در

شماره (دهم) جدول فوق الذکر از ستره محکمه تقاضاء بعمل آمده تا فیصله قبلی خویش را در مورد رسیده گی به جرایم اختطاف غور و بررسی مجدد نمایند تا قضایای اختطاف که منجر به قتل مختطف گردد از طریق محاکم جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی با در نظر داشت میعاد تعیین شده قانونی مورد رسیده گی قرار گیرد.

حینیکه تفصیل جریان مذکور با سوابق مربوط به موضوع، در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۸ شورایعالی ستره محکمه مطرح گردید در زمینه طی تصویب شماره (۱۲۵) هدایت ذیل صدور یافت:

((صلاحیت رسیده گی به قضایای اختطاف منجر به قتل که قبلا به دیوان های جزای عمومی تفویض شده بود، منبعد با در نظر داشت میعاد تعیین شده قانونی به دیوان های جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی تفویض گردید. در ولایاتیکه دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی وجود ندارد مطابق تشکیل، دیوانهای امنیت عامه به رسیده گی قضایای متذکره ذیصلاح میباشد.

موضوع غرض توحید مرافق قضائی به جمیع محاکم متحده المالا اخبار گردد.))

تعیین نرخ دیت برای سال ۱۳۹۷

۶ متحده المال شماره (۳۴۰ الی ۴۱۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۲۳، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۳۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۸ شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

از آن جا که حسب هدایت مصوبه شماره (۲۴۵) مؤرخ ۱۳۸۹/۴/۱ شورای عالی ستره محکمه اوسط نرخ نقره خالص در ششماه اول و دوم سال قبل، مطابق مصوبات کمیسیون دوم سیمینار رؤسای محاکم ولایات منعقد سال (۱۳۴۷)، نرخ هفت هزار مثقال نقره خالص محاسبه و برای سال بعدی معیار اندازه دیت در دعاوی حق العبدی قضایای جزایی قرار داده میشود.

بر اساس هدایت فوق، بمنظور تثبیت نرخ دیت برای سال ۱۳۹۷ نرخ وسطی خرید فی گرام نقره خالص در ششماه اول و دوم سال ۱۳۹۶ از ریاست عمومی دافغانستان بانک مطالبه شد، بانک مذکور مبنی بر ارقام که از مارکیت لندن بدست آورده، فی گرام نقره خالص در ششماه اول سال ۱۳۹۶ را معادل (۵۸،۳۷) افغانی و نرخ فی گرام نقره خالص در ششماه دوم سال ۱۳۹۶ را معادل (۹۷، ۳۶) افغانی معلومات داده اند که اوسط نرخ های فوق فی گرام مبلغ (۲۷۵، ۳۷) افغانی را بدست میدهد و یک مثقال نقره حسب هدایت مصوبه (۴۳۹) مؤرخ ۱۳۹۳/۳/۲۰ شورای عالی مبنی بر مسایل فقهی معادل پنج گرام معین شده است که با رعایت مصوبه فوق قیمت مقدار هفت هزار مثقال نقره خالص مطابق به قیمت های ارایه شده از د افغانستان بانک حسب فارمول ذیل:

هفت هزار مثقال نقره مساوی است به (۳۵۰۰۰) گرام، قیمت وسطی یک گرام طی ششماه اول و دوم سال ۱۳۹۶ مساوی به (۲۷۵، ۳۷) افغانی، بناء قیمت

هفت هزار مثقال نقره معادل (۳۵۰۰۰) گرام عبارت است از (۳۷,۲۷۵ × ۳۵۰۰ = ۱۳۰۴۶۲۵) افغانی با در نظر داشت ارزیابی فوق مبلغ (۱۳۰۴۶۲۵) یک میلیون و سه صد و چهار هزار و ششصد و بیست و پنج افغانی نرخ دیت برای سال (۱۳۹۷) جهت رسیده گی به دعاوی حق العبدی در محاکم، محاسبه گردیده است.

مراتب فوق طی پیشنهادیه به جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۸ شورای عالی ستره محکمه تقدیم و طی تصویب شماره (۱۳۷) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت. ((به اساس معلومات حاصله از د افغانستان بانک نرخ وسطی فی گرام نقره خالص طی ششماه اول و دوم سال ۱۳۹۶ مبلغ (۳۷,۲۷۵) افغانی تثبیت و با در نظر داشت آن نرخ مقدار هفت هزار مثقال نقره خالص معادل (۳۵۰۰۰) گرام با رعایت مصوبه کمیسیون دوم سیمینار رؤسای محاکم ولایات منعقدۀ سال ۱۳۴۷ مندرج صفحه (۴۵) نشریه سیمینار مذکور، مبلغ (۱۳۰۴۶۲۵) افغانی سنجش گردیده است.

بنابر آن مبلغ متذکره بحیث نرخ دیت برای سال ۱۳۹۷ تصویب شد. متن مصوبه به مقصد توحید مرافق قضائی به تمام محاکم متحده المالا اخبار و در مجله قضاء و جریده میزان نشر گردد.))

هدایت فوق شورای عالی ستره محکمه بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط اخبار گردید تا آنرا به مراجع ذیربط تعمیم نموده مطابق به آن اجراء مقتضی و قانونی بعمل آرند.

طبق هدایت ماده (۳۹) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، حینیکه تقاضای تجدید نظر ریاست عمومی قضایای دولت در جلسات شورایعالی ستره محکمه مورد رسیده گی قرار می گیرد، شخص وزیر عدلیه و یا نماینده با صلاحیت آن وزارت با عضو مسلکی اداره قضایای دولت و مسئولین با صلاحیت و وارد به قضیه ادارات مؤکل (ادارات که به نماینده گی از آنها نماینده قضایای دولت وکیل میباشد)، به جلسه حضور بهم رسانند

۷ معادل مال شماره (۴۱۶ - ۵۲۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۳۱، ریاست دارالانشاء، که به اساس مصوبه شماره (۱۸۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۸، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

شورایعالی ستره محکمه در رابطه به اشتراک وزیر عدلیه و یا نماینده با صلاحیت آن وزارت و مسئولین ادارات که منحصراً طرف قضیه قرار میگیرند، در جلسات شورایعالی ستره محکمه غرض دفاع بهتر، طی تصویب (۱۸۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۸ ذیلاً هدایت فرمودند:

((به منظور حمایت و صیانت از حقوق عامه، رعایت بلا انحراف قوانین، دفاع بموقع و مستند با ارائه معلومات کافی و همه جانبه از آن، طبق هدایت ماده (۳۹) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه حین که تقاضای تجدید نظر ریاست عمومی قضایای دولت در جلسات شورایعالی ستره محکمه مورد رسیده گی قرار میگیرد شخص وزیر عدلیه و یا نماینده با صلاحیت آن وزارت با عضو مسلکی اداره قضایای دولت و مسئولین با صلاحیت و وارد به قضیه ادارات مؤکل، حضور بهم

رسانند، ریاست دارالانشاء حین تدویر جلسات شوراییعالی ستره محکمه، مأمول فوق را رعایت نماید.))

از اینکه موضوع جنبه عام داشته و ایجاب متحدالمال را مینماید، بدینوسیله به عموم محاکم استیناف مرکز و ولایات، وزارت خانه ها، ریاست محترم عمومی امنیت ملی و اداره محترم عالی لوی خرنوالی، متحدالمالاً اخبار گردید تا آنرا به مراجع ذیربط تعمیم نموده عند الموقع مطابق به آن اجراء مقتضی و قانونی بعمل آرند.

هرگاه محکمه در نتیجه اسقاط حلف از جانب مدعی بالدفع، به اثبات دعوی مدعی الأصل حکم صادر نماید، در این حالت مدعی بالدفع مکلف به پرداخت (ده فیصد) محصول اثبات دعوی مدعی الأصل میگردد

۸ معبدالمال شماره (۵۹۹ - ۶۷۲) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۶، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۲۶۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۳/۱۵، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

به تعقیب متحدالمال شماره (۴۱ - ۱۱۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۱ خویش مینگاریم:

استهدائیه شماره (۲۳۳) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۷ ریاست تفتیش قضایی بشرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((مصوبه شماره (۱۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۵ شورایعالی ستره محکمه به تأسی از استهدائیه نمبر (۱۲۲۰) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۱/۲۹ این ریاست در حالی مواصلت ورزیده است که استهدائیه نمبر فوق شامل فیصله های ترک خصومت مبنی بر اسقاط حلف از جانب مدعی اصل و مدعی بالدفع (مدعی علیه) بود. طوریکه مصوبه نمبر فوق ملاحظه گردید دیده شد که صرف درخصوص فیصله های ترک خصومت مبنی بر اسقاط حلف مدعی، اصل با تعیین (۱٪) محصول عدم اثبات ابراز نظر و رهنمایی صورت گرفته است و در حصه اسقاط حلف از جانب مدعی بالدفع کدام هدایت مشخص صورت نگرفته است در حالیکه اسقاط حلف از جانب مدعی دقیقاً تابع (۱٪) محصول عدم اثبات بوده و اسقاط حلف از جانب مدعی بالدفع نتیجتاً به اثبات دعوی مدعی اصل انجامیده و تابع محصول اثبات میباشد.)) که ریاست تدقیق و مطالعات نظر تدقیقی خویش را در مورد ذیل ابراز نموده اند:

((طوريكه استهدائيه شماره (۲۳۳) ۱۳۹۷/۱/۲۷ رياست تفتيش قضايي در مورد مصوبه شماره (۱۵) ۱۳۹۷/۱/۵ شوراي عالي ستره محكمه مطالعه گرديد، مرجع مستهدي متذكر گرديده است كه در مصوبه فوق الذكر درابطه به فيصله هاي ترك خصومت مبني بر اسقاط حلف مدعي الاصل با تعيين (۱) فيصد محصول عدم اثبات ابراز نظر و رهنمايي صورت گرفته است؛ ولي در حصه اسقاط حلف از جانب مدعي بالدفع كدام هدايت مشخص صدور نيافته است. در زمينه بايد متذكر شد كه: مواد (۳۴۸ و ۳۴۹) قانون اصول محاكمات مدني منتشره جريده رسمي شماره (۷۲۲) ۱۳۶۹/۵/۳۱ كه حالت توجيه سوگند را از طرف مدعي بالدفع و نكول و يا سوگند مدعي الاصل، پيشيني نموده؛ اما در مورد اسقاط حلف از طرف مدعي بالدفع كدام صراحت قانوني وجود ندارد. از ماده (۱۶۳۲) مجله الاحكام و مواد فوق الذكر قانون اصول محاكمات مدني چنين استنباط ميگردد:

توجيه حلف از طرف مدعي بالدفع براي مدعي الاصل يك حق از حقوق مدعي بالدفع ميباشد پس همانگونه كه ميتواند توجيه حلف نمايد ميتواند اسقاط حلف نمايد.

چون اسقاط حلف از طرف مدعي بالدفع نتيجتاً به اثبات دعوي مدعي الاصل مي انجامد زيرا عدم اثبات دعوي مدعي بالدفع منتج به اثبات دعوي مدعي الاصل ميگردد.

در اين صورت محكمه به عدم اثبات دفع، حكم نمي نمايد بلكه به اثبات دعوي مدعي الاصل و رد و سپردن مدعي بها براي مدعي الاصل و الزاميت مدعي بالدفع حكم مينمايد كه سبب انتقال ملكيت و ذوايدي مدعي بها از مدعي عليه به مدعي الاصل ميگردد.

پس هرگاه محکمه در نتیجه اسقاط حلف از طرف مدعی بالدفع به اثبات دعوی مدعی الاصل حکم نماید. این حالت تابع ده فیصد محصول مدعی بها میباشد، مدعی بالدفع درین حالت صرف تابع پرداخت یکنوع محصول اثبات دعوی مدعی الاصل میگردد که ده فیصد میباشد.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۳/۱۵ شورایعالی ستره محکمه مطرح و طی تصویب شماره (۲۶۵) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد، به تعقیب متحدالمال شماره ۴۱ - (۱۱۵) ۱۳۹۷/۱/۲۱ به عموم محاکم و مراجع مربوط اخبار گردد.))
مراتب فوق بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط اخبار شد؛ تا آنرا به مراجع ذیربط تعمیم نموده مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

محاکم به منظور جلوگیری از سرگردانی اصحاب دعوی و قانونیت روند محاکمه، مواد (۱۶۸ و ۱۶۹) قانون اصول محاکمات مدنی را جداً رعایت و سعی نمایند تا دعاوی را در ماهیت آن رسیده گی نموده و به آن نقطه پایان دهند

۹ معده المال شماره (۶۷۳ - ۷۴۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۱، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۸۳) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۱، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

ریاست دارالانشاء شورایعالی پیشنهادیه خویش را به جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۱ شورایعالی ستره محکمه، به متن ذیل تقدیم نموده است:

((از آنجا که فیصله های نهایی مبنی بر ترک خصومت "محاکم مماثل" طبق قانون بالاثر مطالبه محکوم علیه قضیه تابع پروسه تجدیدنظر خواهی بوده و یک قسمت قابل ملاحظه قضایای تجدید نظر خواهی ناشی از همین بابت بوده و از طرف هم اکثراً همچو قضایا در جلسات شورای عالی به دلیل اینکه در ماهیت موضوع رسیده گی محاکماتی صورت نگرفته مواجه به لغو میگردد. بدلیل اینکه، اصحاب دعاوی قضایای شانرا تعقیب نمی نمایند و به بهانه های که گویا ولی، وصی، قیم و یا هم وکیل مربوط، دعاوی شان را عند المحکمه تعقیب نه نموده اند محاکم بدون در نظر داشت مواد (۱۶۸ و ۱۶۹) قانون اصول محاکمات مدنی به صدور فیصله های ترک خصومت اقدام نموده و عارض تجدید نظر خواه میگردد که این موضوع از یک طرف سبب پریشانی اصحاب دعاوی گردیده و از طرف دیگر باعث تراکم کاری در بخش تجدید نظر این ریاست میگردد.))

شورای عالی در زمینه طی تصویب شماره (۱۸۳) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۱ ذیلاً هدایت فرمودند:

((متن پیشنهاد تأیید است، محاکم غرض جلوگیری از سرگردانی اصحاب دعاوی و قانونیت روند محاکمه مواد (۱۶۸ و ۱۶۹) قانون اصول محاکمات مدنی را جداً رعایت نموده سعی نمایند؛ تا موضوع را در ماهیت دعوی رسیده گی نموده و به آن نقطه پایان دهند. موضوع به عموم محاکم متحده المالاً اخبار گردد.))

متن تصویب فوق بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط متحده المالاً اخبار شد؛ تا آنرا به مراجع ذیربط تعمیم نموده مطابق آن اجراء مقتضی و قانونی بعمل آرند.

رهنمود ترتیب وثیقه تثبیت بازمانده گان مستحق (نقشه خور) شهدای

امنیتی و دفاعی

۱۰. معده المال شماره (۷۴۷ - ۸۲۳) ۱۳۹۷/۴/۲۳، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۳۵۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۲، شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

ریاست محکمه استیناف ولایت کابل بتأسی از هدیت مقام محترم ریاست دولت جمهوری اسلامی افغانستان و گزارش نهاد های مطبوعاتی، تحقیقاتی و اجتماعی مبنی بر وجود سرگردانی و آزار و اذیت بازمانده گان شهدای نهاد های امنیتی، پیشنهاد کوتا سازی و ساده سازی پروسه تثبیت ورثه شهدا و رسانیدن حقوق و امتیازات آنان به وارثین شان نموده است؛ تا در تثبیت فوت و حصر بازمانده گان نقشه خور و دلجوی از بازمانده گان شان، پروسه تثبیت وثایق شهدا در محاکم و آمریت های ثبت اسناد بطور خاص و از سایر وثایق حصر وراثت و وصایت خط ها تفکیک و بمنظور ایجاد سهولت در ترتیب آن طرز العمل خاص ترتیب و تصویب شود؛ تا باعث سرعت در ترتیب وثایق شهداء گردد که مدققین قضایی ریاست تدقیق و مطالعات در مورد ابراز نظر نموده اند.

((رهنمود ترتیب وثیقه تثبیت بازمانده گان مستحق (نقشه خور) شهدای امنیتی و دفاعی:

این رهنمود به هدف ساده سازی پروسه تثبیت بازمانده گان مستحق (نقشه خور) شهدای ارگانهای امنیتی و دفاعی کشور به متن ذیل ترتیب میگردد:

- ۱ - ترتيب وثيقه متذکره بدون مکتوب رسمی وزارت ها و ادارت مربوط جواز ندارد.
- ۲ - بعد از مواصلت مکتوب و يا راپور شهادت نیروهای امنیتی و دفاعی از وزارت ها و ادارات مربوطه، یکی از وارثین مستحقین (نفقه خور) آنها شهرت تعداد بازمانده گان مستحق (نفقه خور) را با ذکر مشخصات تذکره تابعیت و در صورت عدم موجودیت تذکره تابعیت با ذکر سن، مشخص و طی عريضه مطبوع به محکمه و يا آمریت ثبت اسناد و وثایق تقدیم نمایند.
- ۳ - محاکم و يا آمریت های ثبت اسناد و وثایق، وثيقه متذکره را صرف از شهادت دو نفر شاهدان ترتيب و عندالزوم ضمن وثيقه مذکور به نصب وصی تجویز اتخاذ و نیز ترتيب وثایق و کالت خط آنان همزمان صورت گیرد.
- ۴ - محاکم و آمریت های ثبت اسناد و وثایق حین ترتيب وثيقه متذکره جهت تثبیت هویت و محل اقامت بازمانده گان شهداء، به شهادت شاهدان اکتفاء نموده و از ارسال و مرسول استعلام ها خود داری نمایند.
- ۵ - در ذیل وثيقه تحریر گردد که وثيقه متذکره، صرف در حصه اخذ حقوق و امتیازات بازمانده گان مستحق شهداء مندرج قانون مربوط مدار اعتبار بوده و در سایر موارد فاقد اعتبار است.
- ۶ - درج نمرات تذکره، در ترتيب و کالت خط، وصایت خط برای (مقر) و (مقرله) امر حتمی میباشد.
- ۷ - محاکم و يا آمریت های ثبت اسناد و وثایق مکلف اند، اصل وثایق مرتبه در زمینه را به اختیار بازمانده گان مستحق شهداء و يا وکیل قانونی آنها قرار داده و

نقل مصدق آنرا غرض اجراءات رسماً به ادارات ذیربط برویت نقل مصدق آن اجراءات بدارند.

۸ - مصوبات قبلی شورایعالی که در تناقض با این رهنمود قرار داشته باشند، ملغی میباشند.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۲ مقام محترم شورایعالی مطرح و طی تصویب شماره (۳۵۶) هدایت ذیل صدور یافت.

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است، موضوع به جمیع محاکم و ادارات ذیربط متحدالمالاً اخبار گردد.))

مراتب مندرج تصویب شماره فوق شورایعالی ستره محکمه، بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط متحدالمالاً اخبار گردید؛ تا آنرا به مراجع ذیربط خویش تعمیم نموده عندالموقع مطابق آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

توضیح ماده (۳۲۰) قانون اصول محاکمات مدنی با تأکید به رعایت
مصوبه شماره (۶۷۰) مؤرخ ۱۳۸۶/۹/۱، شورای عالی ستره محکمه که
مصوبه مذکور قبلاً ذریعه متحده المال شماره (۲۸۲۰ ۲۸۷۵)
مؤرخ ۱۳۸۶/۹/۱۱ به عموم محاکم استیناف ولایات اخبار گردیده است

۱۱ متحده المال شماره (۷۲۴ - ۸۹۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۵/۸، ریاست دارالانشاء
که به اساس مصوبه شماره (۳۸۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۹، شورای عالی ستره محکمه
ج.ا.ا، تعمیم یافته است

استهدائی ریاست محکمه استیناف ولایت پروان بشرح ذیل موصلت ورزیده بود:
(ریاست دیوان مدنی و حقوق عامه استیناف این ریاست طی پیشنهادیه
شماره (۸۱/۸۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۳/۱۰ خویش شرح ذیل را عنوانی اینریاست تقدیم
داشته است.

محترماً: بجواب مکتوب شماره (۹۱۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۲۱ شما که از اثر
مکتوب نمبر (۱۹۲۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۵ مدیریت اسناد و ارتباط مدیریت
عمومی اجرائیه ریاست محکمه استیناف ولایت کابل که بجواب مکتوب نمبر
(۶۵۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۰ این دیوان بوده در زمینه ذیلاً استهداء تقدیم است:
(....) مدعی بالوکاله ادعای موازی یک در بند حویلی و بلند منزل مسمی به هوتل
ستاره واقع شهر نو کابل به مساحت (۷۹۷) متر مربع جایداد و جعل و ابطال قبالة
نمبر (۸۷۶ بر ۱۲۰) مؤرخ ۱۳۶۲/۵/۱ مرتبه محکمه وثایق شهر نو کابل را علیه
(....) مدعی علیه بالوکاله وکیل هر یک (....) و (....) نموده که در نتیجه به
ابطال قبالة نمبر فوق فیصله قطعی نهایی شماره (۱۲ - ۱۴۵) مؤرخ

۱۳۹۴/۹/۳ دیوان مدنی و حقوق عامه محکمه استیناف ولایت پروان به حیث محکمه مماثل صادر گردیده است. اما در رابطه به معامله حکم ابطال به کنده قباله متذکره ریاست محکمه استیناف ولایت کابل این بار دوم است که مکاتیبی را عنوانی ریاست محکمه استیناف ولایت پروان ارسال و در موضوع چنین ابراز نظر نموده اند:

"هرگاه محتوی ماده (۳۲۰) ق.ا.م.م ملاحظه شود، معامله حکم ابطال بعد از قطعی و نهایی شدن، توسط رئیس محکمه مربوط که محکمه حاکمه است صورت میگیرد و هرگاه رئیس محکمه تبدیل شده باشد باز هم مصوبه در زمینه وجود دارد و موضوع ایجاب ارسال و مرسول را نکرده" اما طوریکه دیده میشود از ماده (۳۲۰) ق.ا.م.م برداشت ریاست محکمه استیناف ولایت کابل بنابر دلایل ذیل فهمیده نمیشود.

۱ - اولاً اینکه در ماده متذکره محکمه مربوط تذکر رفته است و محکمه مربوط محکمه ذیصلاحی است که سند مورد نظر در حوزه قضایی آن ترتیب گردیده نه محکمه حاکمه

۲ - دوم اینکه قاعده این است که هر دوسیه در محکمه همان ولایت که صاحب صلاحیت است بررسی میگردد؛ اما استثناء بنابر تفویض بحیث محکمه مماثل یک تعداد از دوسیه ها به دیگر ولایات تحت بررسی قرار میگیرد. بناءً مواد قانون ناظر بر قاعده بوده نه بر استثناء یعنی اینکه محکمه مربوط که در ماده قانون تذکر رفته است همان محکمه محل ترتیب سند بوده نه محاکم دیگر.

۳ - از طرف دیگر معامله خلاصه ابطال یک سند درکنده و اصل آن یک وظیفه اداری میباشد. بناءً محکمه یک ولایت که موازی با ولایت دیگر است به جز از طریق نیابت صلاحیت، حق تشبث در وظایف و مخزن ولایت دیگر را ندارد.

۴ - همچنان در متن مصوبه (۶۷۰) مؤرخ ۱۳۸۶/۹/۱ شورایعالی ستره محکمه هدایت داده شده است که (خلاصه حکم ابطال در ذیل سند و کنده تحت نظر یک هیأت، معامله و به امضاء رئیس محکمه مربوط رسانیده میشود).

فهمیده میشود که معامله خلاصه حکم ابطال یک سند تحت نظر یک هیئت صورت میگیرد.

بناءً فهمیده نمیشود که هیئت مذکور از کدام ولایت توظیف گردد آیا از ولایت کابل یا از ولایت پروان؟ مراتب فوق استهداءً به مقام محترم پیشنهاد گردید.

مراتب پیشنهادیه دیوان مذکور احتراماً جهت صدور هدایت به مقام محترم پیشنهاد گردید؛ هر آنچه هدایت فرمایید موجب تعمیل است.))

استهدائیه فوق جنساً مع ضمائم آن غرض ابراز نظر بریاست تدقیق و مطالعات محول گردید آن اداره محترم نظر تدقیقی خویش را در مورد ذیل آرایه نموده است:

در مطابق به ماده (۳۲۰) قانون اصول محاکمات مدنی، مراد از محکمه مربوط، همان محکمه ذیصلاحی است که در مورد حکم قطعی و نهایی مبنی بر ابطال سند را صادر نموده باشد. بناءً همان محکمه صلاحیت معامله خلاصه حکم ابطال سند را در ذیل اصل سند و کنده داراء می باشد که طریقه اجراات آن در مصوبه شماره (۶۷۰) ۱۳۸۶/۹/۱ شورایعالی محترم ستره محکمه تصریح گردیده است.))

مطلب مورد استهدائیه و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۹ مقام محترم شوراییعالی مطرح و طی تصویب شماره (۳۸۸) هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است موضوع متحدالمالاً بمراجع ذیربط اخبار گردد.))

از اینکه در نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات از مصوبه شماره (۶۷۰) مؤرخ ۱۳۸۶/۹/۱ یاد آوری گردیده است که مصوبه فوق ذریعه متحدالمال (۲۸۲۰) - ۲۸۷۵) مؤرخ ۱۳۸۶/۹/۱۱ به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط اخبار گردیده است، بدینوسیله مراتب مصوبه شماره (۳۸۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۹ نیز متحدالمالاً به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط ابلاغ میگردد؛ تا آنرا به مراجع ذیربط خویش تعمیم نموده عندالموقع مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

آنچه از قضایای غصب املاک دولتی که مدعی بهای آن ده جریب یا بیشتر از ده جریب زمین بوده و داخل صورتحال محاکم مماثل گردیده باشد، محاکم متذکره به حل فصل و رسیده گی آن اقدام نمایند. اما آن قضایای که در محاکم مماثل، درج صورتحال نگردیده باشند، جهت رسیده گی قضایی به محکمه اختصاصی غصب املاک دولتی و زون های مربوطه آن ارسال گردد

۱۲ معده المال شماره (۹۷۲ - ۱۰۴۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۵/۱۰، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۴۱۲) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۹، شورایی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

استهدائی شماره (۱۳۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۳/۲ ریاست محکمه استیناف ولایت فراه بشرح ذیل موصلت ورزیده بود:

((موضوع غصب موازی (۳۰۰۰) سه هزار جریب زمین واقع رباط پریان ولسوالی زند جان ولایت هرات از طرف (....) و برادرش (....)، از طرف آمریت قضایای دولت ریاست عدلیه ولایت هرات به دیوان حقوق عامه محکمه ابتدائی شهری ولایت هرات تعقیب گردیده که در نتیجه به قرار فیصله خط نمبر (۲) مؤرخ ۱۳۹۳/۲/۲۹ به دولتی بودن موازی (۳۰۰۰) جریب حکم صادر که بالاثر عدم قناعت محکوم علیه اوراق محول ریاست دیوان حقوق عامه استیناف ولایت هرات گردیده و فیصله مذکور در دیوان مذکور نیز تائید شده است. بالاثر فرجام خواهی محکوم علیه، اوراق محول ریاست دیوان حقوق عامه ستره محکمه گردیده و در نتیجه غور و بررسی شان با صدور قرار قضایی نمبر (۱۸۲۴) مؤرخ ۱۳۹۳/۱۲/۳

به نقض فیصله و تصامیم محاکم تحتانی قرار صادر و دوسیه را غرض فیصله مجدد به ریاست محکمه استیناف ولایت هرات ارسال میدارند که ریاست دیوان حقوق عامه استیناف ولایت هرات با صدور قرار قضایی نمبر اول مؤرخ ۱۳۹۴/۱/۲۲ فیصله خط نمبر (۲) مؤرخ ۱۳۹۳/۲/۲۹ محکمه شهری را نقض و موضوع را ابتداء تحت بررسی قرار داده و در نتیجه ذریعه فیصله نمبر (۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۱ به اکثریت آراء به نفع شخص، فیصله صادر و یک نفر قاضی دیگر، در مورد به نفع دولت نظر مخالف داده است که اوراق دوسیه بالاثر وارد ریاست دیوان حقوق عامه ستره محکمه میگردد. دیوان مذکور بعد از غور و بررسی فیصله نمبر (۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۶/۱ محکمه استیناف ولایت هرات را ذریعه قرار قضایی نمبر (۲۳۸) مؤرخ ۱۳۹۶/۴/۱۹ نقض و در نص قرار خویش هدایت ارسال آنرا به ریاست محکمه استیناف ولایت فراه، منحث محکمه مماثل غرض فیصله مجدد میدهد دوسیه مذکور ذریعه مکتوب نمبر (۶۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۶ آمریت قضایای دولت ریاست عدلیه ولایت فراه، به این محکمه واصل میگردد که هم زمان متحده المال شماره (۱) الی (۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۱۵ بخش متحده المال های ریاست دارالانشاء شورایعالی ذریعه مکتوب شماره (۱۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۱۵ شان بتاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۹ به این محکمه واصل و مشعر است که در زون غرب محاکم ابتدائیه و استیناف اختصاصی غصب املاک دولتی ایجاد گردیده، و موضوعات غصب املاک دولتی که (۱۰) ده جریب زمین یا بالاتر از آن باشد صلاحیت رسیده گی آنها مربوط محاکم اختصاصی میباشد و باید همان دوسیه ها از ولایات مربوط زون غرب به محاکم اختصاصی غصب املاک دولتی که مقرر آن در محکمه استیناف ولایت هرات است ارسال گردد.

بناءً روی جریان فوق هدایت و رهنمایی می‌خواهیم که صلاحیت رسیده گی به دوسیه مذکور از ریاست محکمه استیناف اختصاصی زون غرب که در هرات می‌باشد است یا مربوط دیوان مدنی و حقوق عامه استیناف ولایت فراه؟))

استهدائیة شماره فوق جنساً غرض ابراز نظر، بریاست تدقیق و مطالعات محول گردید که همزمان به آن استهدائیة مشابهی ریاست محکمه استیناف ولایت جوزجان نیز به ریاست تدقیق و مطالعات محول گردید. مدققین قضایی ریاست تدقیق و مطالعات در مورد به ابراز نظر مبادرت ورزیده و نظر خویش را ذریعه نامه شماره (۴۷۱) ۱۳۹۷/۴/۱۳ غرض غور شورایی به این ریاست ارسال داشته اند.

مطلب مورد استهداآت و نظر تدقیقی مرتب برآن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۹ شورایی مطرح و طی تصویب شماره ((۴۱۲)) هدایت ذیل صدور یافت:

((آنده از قضایای غصب املاک دولتی که مدعی بها آن ده جریب یا بیشتر از ده جریب زمین بوده و داخل صورتحال محاکم مماثل گردیده باشد محاکم متذکره به حل و فصل و رسیده گی آن اقدام نمایند و آنده از قضایای که درج صورتحال نگردیده باشد جهت رسیده گی قضایی به محکمه خاص غصب املاک دولتی زون های مربوطه آن ارسال گردند، موضوع به تمام محاکم و ادارات ذیربط متحده المالا اخبار گردد.))

هدایت فوق شورایی ستره محکمه بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط متحده المالا اخبار گردید؛ تا آنرا به مراجع ذیربط خویش تعمیم نموده عندالموقع مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

هدایت مبنی بر تدویر سمینار های کوتاه مدت اختصاصی، غرض ارتقای ظرفیت قضات و ایجاد رویه یکسان در رسیده گی به قضایا

۱۳ معاهد المال شماره (۱۰۴۵ - ۱۱۰۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۱۹، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۳۵۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۵، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

شورایعالی ستره محکمه در رابطه به تدویر سمینار های کوتاه مدت اختصاصی غرض ارتقای ظرفیت قضات، طی تصویب شماره (۳۵۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۵ ذیلاً هدایت فرموده اند:

((شورایعالی ستره محکمه به هدف ارتقای ظرفیت قضات و ایجاد رویه یکسان در رسیده گی قضایا، تدویر سمینار های کوتاه مدت اختصاصی را تحت ریاست رؤسای محترم دیوان های ستره محکمه و با حضور مستشاران قضایی و اشتراک رؤسای دیوان های محاکم استیناف، شهری و ولسوالی ها بمنظور جلوگیری از نواقص و خلاهای کاری شان که در جریان تحلیل و ارزیابی دیوان های فرجامی ستره محکمه برجسته میگردند، بطور منظم در آگاهی قرار گرفته و با بحث های حضوری مشکلات و پرابلم های کاری شان در حدود احکام قوانین نافذه، حل و اجراءات شان بیشتر از پیش در مسیر قانونمندی قرار گیرد، حسب ذیل تصویب نمود:

۱. سمینار در بخش قضایای جزای عمومی، خشونت علیه زن، جرایم ترافیکی و تخلفات اطفال، تحت ریاست محترم قضاوتپوه محمد زمان (سنگری) عضو شورایعالی ستره محکمه.

۲. سیمینار در بخش قضایای حقوق عامه، مدنی و احوال شخصیه، تحت ریاست محترم قضاوتپوه براتعلی (متین) عضو شورایعالی ستره محکمه.
 ۳. سیمینار در بخش قضایای تجارتی، وثایق و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، تحت ریاست محترم قضاوتپوه عبدالحسیب (احدی) عضو شورایعالی ستره محکمه .
 ۴. سیمینار در بخش قضایای امنیت عامه، مواد مخدر و فساد اداری، تحت ریاست محترم قضاوتپوه عبدالملک (کاموی) عضو شورایعالی ستره محکمه.
 ۵. سیمینار در بخش قضایای جرایم منسوبین نظامی، تحت ریاست محترم پوهنوال عبدالقادر (عدالتخواه) عضو شورایعالی ستره محکمه.
- آمریت عمومی اداری قوه قضائیه در همکاری با ریاست تعلیمات قضایی، منابع بشری و ریاست های استیناف ولایات، اجراءات لازم را عملی سازند، موضوع به تمام محاکم متحدهالمالاً اخبار گردد.))
- هدایت فوق شورایعالی ستره محکمه بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات متحدهالمالاً اخبار گردید؛ تا آنرا بمراجع ذیربط خویش تعمیم نموده عندالموقع وفقاً اجراءات نمایند.

بیان چگونگی تصفیه و اسقاط دین گمرکی، با تأکید به
 ماده (۱۶۷) قانون گمرکات منتشره جریده رسمی
 شماره (۱۲۳۵) مؤرخ ۱۳۹۵/۸/۴

۱۴ معحدالمال شماره (۱۱۰۸ - ۱۱۸۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۴، ریاست
 دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۵۲۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۲۰، شوراییعالی
 ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

ریاست محکمه استیناف ولایت هرات طی نامه شماره (۲۱۳۷ بر ۱۴۴۸) مؤرخ
 ۱۳۹۷/۳/۷ خویش مراتبی را استهداء نموده است که خلاصه ذیل را افاده
 مینماید:

((ماده (۱۸۶) قانون گمرکات علاوه بر ضبط و مجازات مندرج ماده (۱۹۲)
 قانون مذکور و ماده (۷۸۱) کود جزا وضع جرمه دو الی پنج برابر دین و عوارض
 گمرکی را بر اموال قاچاق مندرج در ماده (۱۸۴) قانون متذکره نیز پیش بینی
 نموده است، در این خصوص اولاً آیا جرمه مذکور صرف بالای اموال مجازی
 است که به طور قاچاق وارد کشور می گردند یا بالای اموال ممنوعه مندرج
 ماده (۶۵) قانون گمرکات نیز تطبیق میگردد. در حالیکه جزء (۴) ماده (۱۶۷)
 قانون گمرکات چنین صراحت دارد:

" در صورتی که اموال، مصادره یا تخریب گردیده باشد، دین گمرکی تصفیه یا
 ساقط میگردد." ثانیاً اگر دین گمرکی بالای عراده جات قاچاقی ممنوعه نیز وضع
 گردد با در نظر داشت مواد (۴، ۱۹۹ و ۱۸۱) قانون گمرکات آیا وضع جرمه
 مذکور از جانب اداره گمرک صورت گیرد، یا دیوان هذا ذریعه فیصله خویش به

وضع جرمه نقدی نیز حکم نماید؟ قابل یاد آوری است که رویه محاکم قبلاً طوری بوده که متهم جرم قاچاق موتر ویشی، قبلاً بر علاوه تطبیق اصل مجازات قاچاق و مصادره موتر طبق ماده (۱۸۶) قانون گمرکات به دو الی پنج چند دین گمرکی موتر قاچاق متذکره نیز محکوم میشد که فیصله های صادره توسط دیوان مربوطه ستره محکمه نیز تأیید میگردد.))

استهائیه شماره فوق، جنساً غرض ابراز نظر بریاست تدقیق و مطالعات محول گردید، آن اداره محترم نظر تدقیقی خویش را در مورد ذیلاً ابراز نموده اند:

((ملاحظه استهائیه فوق الذکر میرساند که قبل از انفاذ کود جزا اشخاصیکه متهم به قاچاق اموال مندرجه قانون گمرکات میگرددند وفق حکم مواد (۱۹۲ الی ۱۹۴) قانون گمرکات محکوم علیه قرار گرفته و بعضاً محاکم متهم را با رعایت اجزاء (۱ و ۲) ماده (۱۸۶) قانون متذکره بر علاوه مجازات اصلی و ضبط مال قاچاق و وضع جرمه معادل دو الی پنج برابر دین گمرکی نیز محکوم می نمودند. اما با انفاذ کود جزا که مواد (۱۹۲ الی ۱۹۴) قانون گمرکات ملغی گردیده، محاکم درمطابقت به حکم مواد (۱۷۷ الی ۷۸۶) کود متذکره که مشمول مصادره اموال قاچاق و حبس، رسیده گی و اجراءات مینمایند. ولی مشکلی که نزد مرجع مستهدی عرض وجود نموده تطبیق اجزاء (۱) و (۲) فقره (۱) ماده (۱۸۶) قانون گمرکات که شامل ضبط مال قاچاق و وضع جرمه معادل دو الی پنج برابر دین گمرکی است میباشد ودر کود جزا به الغاء آن تصریح نشده است. موضوع تصفیه و اسقاط دین گمرکی در ماده (۱۶۷) قانون گمرکات منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۳۵) مؤرخ ۴/عقرب/ ۱۳۹۵ به گونه ذیل تصریح گردیده است:

" دین گمرکی در یکی از حالات ذیل تصفیه یا ساقط میگردد....

(در صورتیکه اموال، مصادره یا تخریب گردیده باشد.)

بناءً از اینکه به ارتباط تصفیه و اسقاط دین گمرکی ماده (۱۶۷) قانون مذکور صراحت دارد، ضبط مال قاچاق و وضع جریمه که در ماده (۱۸۶) قانون گمرکات تصریح شده است در موضوع مطروحه ساحت تطبیق نداشته محکمه مربوطه در مورد با رعایت فقره (۴) ماده (۱۶۷) قانون مذکور اجراءات مقتضی و قانونی نماید.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۲۰

شورایعالی مطرح و طی تصویب شماره (۵۲۶) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد. موضوع به جمیع محاکم

استیناف ولایات و مراجع مربوط متحده المالا اخبار گردد.))

مراتب مندرج تصویب شماره فوق بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و

مراجع مربوط اخبار گردید؛ تا آنرا به مراجع ذیربط خویش تعمیم نموده عندالموقع

مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

۱. تشخیص و تعیین قطر میل سلاح های که شخص میتواند به موجب قانون تحت حيازت خود داشته باشد.
 ۲. چگونه گی حيازت سلاح های شکاری.
 ۳. چگونه گی رسیده گی به قضایای قاچاق اموال ممنوعه که شامل سلاح های غیر قانونی نیز میشود، با توجه به موضوع امنیتی بودن و تجارتي بودن قاچاق آنها
 ۴. تأکید بر مکلفیت اهل خبره در تشخیص دقیق قطر میل سلاح و ابراز نظر دقیق در آن خصوص
- (با تأکید به مواد مربوط به موضوع درکد جزاء)*

۱۵ متحدالمال شماره (۱۱۸۱ - ۱۲۵۴) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۴، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۲۶۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۳/۱۵، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

استهدائیة شماره (۲۹۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۱۱ ریاست محکمه استیناف ولایت بلخ در رابطه به حيازت سلاح بدون مجوز، حالات حمل سلاح های شکاری، شامل چره بی، موشکش، سپورتی، سلاح ناریه غیر قانونی، چگونه گی تشخیص و تعیین قطر سلاح های که شخص میتواند به موجب قانون تحت حيازت خود داشته باشد،

* از اینکه در مصوبه شماره (۲۶۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۳/۱۵ شورایعالی ستره محکمه، راجع به مسایل مختلف و مرتبط، هدایت صادر شده است، از آن جهت عنوان این متحدالمال طی چهار شماره به شکل فوق، ترتیب گردید.

مواصلت ورزیده است که مدققین قضایی ریاست تدقیق و مطالعات در مورد ذیلاً ابراز نظر نموده اند:

((طوریکه استهدائیه متذکره مطالعه گردید، مرجع مستهدی در رابطه به حیازت سلاح های شکاری ، شامل چره ای، موشکش، سپورتی، قاچاق سلاح ناریه غیر قانونی، چگونگی تشخیص و تعیین قطر سلاح های که شخص میتواند به موجب قانون تحت حیازت خود داشته باشد و بعضاً در محاکم در پیوند به قضایای جرمی تشخیص قطر آن نوع سلاح ها دچار اتهام میگردد، با توجه به قانون قبلی انسداد قاچاق منتشره جریده رسمی شماره (۷۹۳) سال ۱۴۲۱ قمری، قانون سلاح ناریه، مهمات و مواد منفلقه منتشره جریده رسمی شماره (۸۵۵) مؤرخ ۱۳۸۴/۳/۳، طالب وضاحت گردیده اند، که در زمینه ذیلاً پاسخ ارایه میگردد.

۱ - مصوبه شماره (۱۳۵) مؤرخ ۱۳۸۸/۲/۱۵ شورایعالی ستره محکمه که در استهدائیه از آن تذکر به عمل آمده، دو حالت را از هم تفکیک نموده است. بدین مفهوم که مصوبه مذکور ورود و صدور اموال ممنوعه را که شامل سلاح های غیر قانونی نیز میشود با توجه به موضوع امنیتی بودن و تجارتی بودن قاچاق آنها به دو قانون انسداد قاچاق و قانون گمرکات احاله داده است.

از اینکه قانون انسداد قاچاق منتشره جریده رسمی شماره (۷۹۳) سال ۱۴۲۱ قمری مطابق به جزء (۸) ماده (۹۱۶) کود جزا ملغی گردیده؛ بناءً مرجع محترم مستهدی با در نظر داشت امنیتی بودن موضوع قاچاق که در متن تصویب فوق الذکر درج میباشد، به احکام مربوط کود جزا مراجعه نمایند.

در رابطه به قانون گمرکات باید متذکر گردید که مطابق به جزء (۲۹) ماده (۹۱۶) کود جزا صرف مواد (۱۹۲ الی ۱۹۴) قانون گمرکات منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۳۵) سال ۱۳۹۵ که مربوط به مجازات قاچاق کننده اموال

ممنوعه است، ملغی گردیده، متباقی مواد قانون گمرکات که بیشتر جنبه شکلی دارد
کما کان نافذ می باشد.

مرجع محترم مستهدی به این نکته توجه خواهند فرمود.

۲ - در رابطه به قانون سلاح ناریه، مهمات و مواد منفلقه منتشره جریده شماره
(۸۵۵) مؤرخ ۱۳۸۴/۳/۳ باید متذکر شد، گرچه قانون مذکور به صورت صریح
توسط کود جزا ملغی نگردیده است؛ اما در صورتیکه حکمی از احکام سایر قوانین
با احکام کود جزا در مغایرت قرار گیرد، مطابق جزء (۳۴) ماده (۹۱۶) کود جزا
به احکام کود جزا مراجعه می گردد؛ بناءً نگرانی مرجع محترم مستهدی در خصوص
سلاح های شکاری شامل چره ای، موشکش، سپورتی، عتیقه و مهمات مربوط به آن
میشود با موجودیت جزء (۳۴) ماده (۹۱۶) کود جزا حل خواهد گردید، این نکته
که سلاح های مذکور در کود جزا بعنوان سلاح ناریه پذیرفته نشده، بدان معنی نمی
باشد که سلاح های مذکور وسیله ای برای ارتکاب جرم بوده نمیتواند. مرجع
محترم مستهدی به این نکته توجه خواهند فرمود.

۱. در رابطه به قطر میل سلاح و حیازت غیر مجاز سلاح های ناریه مندرج
ماده (۵۳۶) کود جزا که مرجع مستهدی سوال نموده است؛ باید متذکر شد که
هدف از قطر (۹/۱۹) عادتاً سلاح های مجازی است که به حفاظت شخصی استفاده
میشود. و قطر (۹/۱۹) حد نهایی استفاده از سلاح های ناریه است که قانون
استفاده آن را جهت تأمین امنیت اشخاص، منوط به اخذ جواز دانسته است؛ اما اگر
شخص (تا سه میل اسلحه ناریه دارای قطر (۹/۱۹) ملی متر) و مهمات مورد نیاز
آنها بدون مجوز قانونی در حیازت خود داشته باشد ماده (۵۳۶) به آن حالت، بدون
عنوان حالت جرمی تماس گرفته است.

مرجع محترم مستهدی میان حیازت قانونی سلاح با توجه به قطر میل آن و همچنان
به حیازت غیر قانونی سلاح تا سه میل با توجه به قطر میل آن در ماده (۵۳۶) کود،
توجه خواهند فرمود.

۲. در رابطه به نگرانی مرجع محترم مستهدی که بیان داشته " اگر معاینات تخنیک اهل خبره قطر یا نوعیت سلاح را متفاوت نشان دهد چی باید کرد؟" باید متذکر شد که کود جزا مجازات استفاده و حیات غیر قانونی و قاچاق سلاح ناریه را به اعتبار قطر میل سلاح در ماده (۵۳۵ و ۵۳۶) جرم پیشینی نموده است چنانچه توضیح آن در شماره (۳) این پاسخ بیان گردید.

اما کود جزا به سلاح های که قطر میل آن اضافه از (۹/۱۹) ملی متر باشد، کلمه عدد را قید نموده است. مانند سلاح موشک که در جزء (۳) فقره (۱) ماده (۵۳۵) کود جزا به آن تصریح گردیده است. مرجع محترم مستهدی به مواد مربوط کود جزا مراجعه خواهند نمود. البته این نکته نیز قابل تذکر است که اهل خبره به موجب قانون مکلف است؛ تا معلومات دقیق را به مراجع در خواست کننده، از جمله به محاکم ارائه نمایند در صورت موجودیت احکام صریح مواد فوق الذکر، جایی برای متفاوت نشان دادن قطر میل سلاح توسط اهل خبره باقی نمی باشد.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۳/۱۵ شورای عالی مطرح و طی تصویب شماره (۲۶۵ ب) هدایت ذیل صدور یافت:

"نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد، جهت توحید مرافق قضایی به جميع محاکم متحده المال گردد."

مراتب مندرج تصویب شماره فوق، بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط متحده المالا اخبار گردید؛ تا آنرا بمراجع ذیربط خویش تعمیم نموده عندالموقع مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

چگونه گی به اجاره دادن و اجاره گرفتن زمین های وقفی
(با تأکید به قانون مدنی افغانستان و قانون تنظیم امور زمینداری منتشره
جریده رسمی شماره (۱۲۵۴) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۲۶)

۱۶ متحده المال شماره (۱۲۵۵ - ۱۳۲۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۶، ریاست
دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۵۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۲۰، شورایی عالی
ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

استثنائیه شماره (۲۹۵۹) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۱۲ ریاست محکمه استیناف ولایت
هرات بشرح ذیل مواصلت ورزیده بود:

((محترماً! از چندی بدین سو یک تعداد افراد در ولایت هرات طی در خواستی
عنوانی ریاست حج و اوقاف خواستار به اجاره گرفتن اراضی اوقافی این ولایت به
مدت های بیش از سه سال شده اند که بعضی از آنها خواستند که اراضی اوقافی را
حتی تا بیش از پنجاه سال به اجاره بگیرند و از ریاست حج و اوقاف تقاضاء عقد
قرارداد را در زمینه نموده اند، ریاست محترم حج و اوقاف این ولایت مطابق به
فقره (۲) ماده (۱۴۴۹) قانون مدنی کشور چون اجاره دادن اراضی اوقافی بالاتر از
سه سال ضرورت به اذن و اجازه محکمه دارد، چند مورد را به این ریاست احاله
داده است نظر به اینکه موضوع اراضی اوقافی بوده اوراق مذکور را محول دیوان
حقوق عامه ریاست محترم محکمه شهری هرات نمودیم که دیوان مذکور با
استدلال به اینکه بعضی افراد و اشخاص میخواهند بالای اراضی مذکور فارم
تأسیسات بناء کند و بعضی میخواهد اراضی مذکور را اصلاح و قابل زرع بسازند؛
بناءً صدور همچو تجاوز از صلاحیت محکمه ابتدائیه تجارتي است و اما ریاست
محکمه ابتدائیه تجارتي با استدلال اینکه در ماده اول قانون اصول محاکمات

تجارتی تصریح شده است که رسیده گی به تمام اختلافات که از معاملات تجارتي نشأت میکند وظایف محاکم ثلاثه تجارتي بوده و تابع احکام این قانون میباشد و به همین قسم ماده سوم قانون مذکور چنین صراحت دارد که محاکم تجارتي مکلف است به دعوی تجارتي مطابق به اصولنامه تجارت و این قانون رسیده گی نماید؛ بناءً محکمه تجارتي به اختلافات و دعاوی که ناشی از معاملات تجارتي است صلاحیت رسیده گی دارد. استثناءً میتواند تجویز فروش جایداد های غیر منقول را که به اساس قانون رهن اموال غیر منقول به تضمین دین در بانک ها است را بدهد نظر به اینکه همچو موارد در این محکمه سابقه نداشته است، استدعا مینماییم؛ تا صلاحیت رسیده گی و صدور تجویز به اجاره دادن املاک اوقافی را در پرتو احکام قانون مشخص سازند که از صلاحیت کدام محکمه میباشد در زمینه طالب هدایت میباشد.))

استهدائیه فوق جنساً غرض ابراز نظر بریاست تدقیق و مطالعات محول گردید. آن اداره محترم نظر تدقیقی خویش را در مورد ذیلاً ابراز نموده اند.

((ریاست محکمه استنیاف ولایت هرات چنین استهداء نموده است که:

ریاست حج و اوقاف آن ولایت بعضاً طی قرار داد زمین های وقفی را به اشخاص غرض کشت و زرع و یا اعمار تأسیسات به اجاره میدهد. صلاحیت به اجاره دادن آن مربوط به محکمه تجارتي است یا دیوان حقوق عامه که به ملاحظه آن ذیلاً ابراز نظر میگردد:

چنانچه در متن استهدائیه ذکر است مطابق فقره (۲) ماده (۱۴۴۹) قانون مدنی افغانستان در اجاره دادن زمین های وقفی که مدت اجاره آن بالاتر از سه سال باشد، اجازه محکمه شرط است.

بناءً به دلیل اینکه یک طرف عقد ریاست ارشاد، حج و اوقاف می‌باشد برای جلوگیری از مواضعه و حیف و میل همچو زمین های که در متن استهدائیه ذکر است، اجازه آن از صلاحیت دیوان حقوق عامه بوده دیوانهای مربوطه حین اتخاذ تجویز هدایت مندرج ماده (۱۰۸) قانون امور زمینداری منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۵۴) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۲۶ را رعایت نمایند، ماده قانون مذکور چنین مشعر است:

« احداث سرک اعمار ساختمان، تأسیسات و سایر فعالیت های غیر زراعتی بالای زمین های زراعتی مجاز نمی باشد.

در حالات ضروری وزارت ها، ادارات دولتی و شاروالی ها مکلف اند، در زمینه قبلاً موافقه اداره اراضی و منظوری رئیس جمهور را کسب نمایند.»

همچنان اگر زمین های وقفی از جمله زمین های زراعتی باشد، تجویز قضایی در امور غیر زراعتی صادر شده نمیتواند. بناءً محاکم مربوطه با رعایت مواد فوق الذکر و احکام قوانین نافذه کشور در مورد تصمیم مقتضی و قانونی اتخاذ نمایند.

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۲۰ شورای عالی مطرح و طی تصویب شماره (۵۴۰) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت: ((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است، بمنظور تعمیم آن به جمیع محاکم متحده المال گردد.))

مراتب مندرج تصویب شماره فوق، ذریعه نامه شماره (۶۲۳) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۱ به محکمه استیناف ولایت هرات اخبار گردیده است، از اینکه موضوع جنبه عام داشته بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط نیز ابلاغ میگردد؛ تا مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی صورت گیرد.

توضیح در باره رهایی مؤقت متهمین، مبنی بر کفالت بالمال

۱۷ متحده المال شماره (۱۴۰۳ - ۱۴۷۶) مؤرخ ۱۳/۸/۱۳۹۷، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۶۴۰) مؤرخ ۱۷/۷/۱۳۹۷، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

شورایعالی ستره محکمه غرض تحقق مواد (۱۰۵) و (۳۰۵) قانون اجراءات جزایی که بعضی محاکم با تعبیر نادرست از مواد فوق الذکر به رهایی مؤقت متهمین مبنی بر کفالت بالمال هدایت میدهند، طی تصویب شماره (۶۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۷/۱۷ هدایت ذیل را ارشاد فرمودند:

((با در نظر داشت اینکه عده از قضات بدون رعایت ماده (۱۰۵) و (۳۰۵) قانون اجراءات جزایی و یا هم با تعبیر نادرست از مواد فوق الذکر با صدور احکام در مقابل پیشنهادات خرنوالی و با صدور مکاتیب تحت پروسیجر اداری، به رهایی مؤقت متهمین مبنی بر کفالت بالمال هدایت میدهند.

مراتب ذیل تصویب شد:

هرگاه قضایای جزایی بعد از احاله، تحت پروسه محاکماتی باشد، محاکم با در نظر داشت مواد (۱۰۵) و (۳۰۵) قانون اجراءات جزایی موضوع کفالت بالمال را در صورت اصدار فیصله در نص حکم با ذکر الی قطعیت یا الی مرحله استینافی تبارز دهند و در غیر آن با صدور قرار قضایی تصمیم اتخاذ نمایند.

در صورتیکه قضایا، غرض طی مراحل محاکماتی به محکمه احاله نگردیده باشد، خرنوالی مربوط طبق حالات پیشبینی شده قانونی، قرار کفالت بالمال را صادر و رئیس محکمه مربوط طبق هدایت ماده (۱۰۶) قانون اجراءات جزایی با رعایت

تناسب حجم اتهام و خساره وارده بعد از صدور قرار خائنوالی در برابر پیشنهاد آن اداره، صرفاً وجه كفالت بالمال را تعیین مینماید.

موضوع غرض توحید مرافق قضایی به عموم محاکم استیناف و مراجع مربوط متحده المال گردد.))

هدایت فوق مقام محترم شورای عالی ستره محکمه بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط متحده المالا اخبار میگردد؛ تا آنرا به مراجع ذیربط خویش تعمیم نموده عندالموقع مطابق، آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

۱. قسط نمودن محصول، مربوط به محکمه صادرکننده حکم میباشد.

۲. هرگاه محکوم علیه محکمه ابتدائیه، قسط ابتدایی دین خود را پرداخته باشد و در جریان رسیده گی استینافی مهلت قسط دوم نیز تکمیل گردد و محکوم علیه نظر به عذر موجه و دلایل معقول، نتواند در آن مرحله، قسط دوم را به وقت و زمانش تحویل نماید؛ این موضوع باعث توقف جریان رسیده گی مرحله استینافی یا فرجامی قضیه نمی شود؛ اما محاکم توجه جدی داشته باشند که تأدیه اقساط دین مذکور که به حکم محکمه ثابت به ذمه محکوم علیه میباشد، وقتاً فوقتاً از طرف ادارات حقوق تعقیب جدی شود؛ تا حقوق دولت ضایع نگردد.

۳. احکام، قرارها و رهنمودهای محاکم فوقانی در مورد رسیده گی مجدد قضایا بر محاکم تحتانی، واجب التعمیل میباشد.*

۱۸ متحدالمال شماره (۱۴۷۷ - ۱۵۵۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۷، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۴۶۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۴، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

ضم نامه شماره (۶۸۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۷ ریاست تدقیق و مطالعات استهدائیه دیوان مدنی و حقوق عامه محکمه استیناف ولایت بامیان که بالاثراً نامه شماره (۴۷۳) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۱۵ محکمه استیناف فوق الذکر غرض ابراز نظر بریاست

* از اینکه در تصویب شورایعالی ستره محکمه، در رابطه به سه موضوع هدایت صادر گردیده است. بناءً عنوان این متحدالمال به شکل فوق تنظیم گردید.

تدقیق و مطالعات محول گردیده بود، مواصلت ورزیده است که خلاصه ذیل را افاده مینماید.

استهدائیه فوق الذکر در مورد قسط نمودن محصول فیصله ها توسط محاکم مبنی بر اینکه:

۱. محصول را کدام محکمه قسط نماید؟
 ۲. در صورت قسط شدن محصول، مرحله بعدی محاکماتی الی آخر تحویل اقساط، معطل گذاشته شود یا خیر؟
 ۳. در صورت صدور قرار مبنی بر تعطیل و انقضای میعاد، دوسیه از طرف دیوان عالی ستره محکمه نقض و دوباره جهت اخذ محصول به محاکم تحتانی ارجاع میشود، در مورد چه اجرائی صورت گیرد؟ طالب هدایت شده اند.))
- که بملاحظه استهدائیه متذکره، مدققین قضایی ریاست تدقیق و مطالعات ذیلاً ابراز نظر نموده اند.

((به پاسخ پرسش نخست:

قسط نمودن محصول، مربوط به محکمه صادر کننده حکم میباشد.

به پاسخ پرسش دوم:

بعد از صدور حکم محکمه ابتدائیه مبنی بر تأدیه محصول از جانب محکوم علیه، پول محصول مذکور، صفت دین را به خود می گیرد.

بناءً در صورتیکه محکوم علیه محکمه ابتدائیه، قسط ابتدایی دین خود را پرداخته باشد؛ و در جریان رسیده گی استینافی مهلت قسط دوم نیز تکمیل شده باشد و محکوم علیه نظر به عذر مؤجه و دلایل معقول، نتواند در آن مرحله قسط دوم را به وقت و زمانش تحویل نماید؛ این موضوع باعث توقف جریان رسیده گی استینافی یا

فراجامی قضیه نمی شود؛ اما محاکم توجه جدی داشته باشند که تأدیه اقساط دین مذکور که به حکم محکمه ثابت به ذمه محکوم علیه میباشد، وقتاً فوقتاً از طرف ادارات حقوق تعقیب جدی شود؛ تا حقوق دولت ضایع نگردد.

به پاسخ پرسش سوم:

طبق ماده (۴۹) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۰۹) مؤرخ ۱۳۹۲/۴/۹ که چنین صراحت دارد: ((احکام، قرارها و رهنمودهای محاکم فوقانی در مورد رسیده گی مجدد قضایا بر محاکم تحتانی واجب التعمیل میباشد. مرجع مستهدی در آن خصوص اجراءات قانونی و مقتضی نمایند.))

مطالب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن حسب هدایت مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۵ مقام ستره محکمه، در جلسه تاریخی ۱۳۹۷/۷/۱۷ شورایعالی، مطرح و طی تصویب شماره (۶۴۹) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت. ((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید شد، موضوع به جمیع محاکم طور متحده المال اخبار گردد.))

مراتب مندرج تصویب شماره فوق، ذریعه نامه شماره (۴۶۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۴ به محکمه استیناف ولایت بامیان اخبار گردیده است، از اینکه موضوع جنبه عام دارد، بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط ابلاغ میگردد؛ تا هدایت آنرا بمراجع ذیربط خویش تعمیم نموده و وفقاً اجراءات بعمل آرند.

چگونه گی ترتیب وثیقه تضمین خط در معاملات بانکی، تبیین جایگاه وثیقه بیع جایزی در معاملات بانکی و نحوه اخذ محصول در آن خصوص

۱۹ متحدالمال شماره (۱۵۵۱ - ۱۶۲۴) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۱۲، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۷۳۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۸/۱۹، شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

بالاثر نامه شماره (۸۸۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۸/۱ ریاست تدقیق و مطالعات، استهدائیه صندوق وجهی انکشاف زراعتی بشرح ذیل مواصلت ورزیده است: ((با تقدیم احترامات! صندوق انکشاف زراعتی یک نهاد اجرائیوی غیر بانکی در چهارچوب وزارت زراعت، آبیاری و مالداري تحت رهبری هیئت بین الوزارتی به اساس حکم شماره (۶۶۲۰) ریاست جمهوری به تاریخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۱ تأسیس گردیده و تحت سرپرستی وزارت زراعت مالداري و آبیاری ج.ا.ا فعالیت مینماید و به منظور تقویة بنیة زراعتی شرکت ها، مؤسسات و سرمایه داران ملی، سیستم قرضه های تجارتی را به راه انداخته است که برای اعتبار و مصوونیت قرضه خویش، جایداد غیر منقول را در افغانستان به عنوان بیع جایزی اخذ مینماید. مدت دو سال میشود که آمریت ثبت اسناد وثایق محکمه استیناف ولایت کندهار و در این اواخر محکمه استیناف ولایت بلخ از ترتیب نمودن وثیقه بیع جایزی برای صندوق متذکره اباء میورزد و بجای آن ترتیب نمودن تضمین خط را به اساس اسناد و مصوبات سمنار عالی قضایی سال ۱۳۹۵ ستره محکمه ج.ا.ا پرسش شماره (۷) و مطابق بند (۱۳) ماده چهارم قانون رهن اموال غیر منقول و متحدالمال شماره (۷۴۸ - ۸۲۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۴/۱۹ پیشنهاد میکنند. قسمیکه در فوق ذکر کرده است که صندوق انکشاف زراعتی یک نهاد اجرائیوی غیر بانکی و دولتی

بوده و پول صندوق انکشاف زراعتی پول بیت المال می باشد و جهت تضمین قرضه ها، این اداره به اسناد معتبر قانونی مبادرت می ورزد؛ تا پول بیت المال بگونه قانونی تضمین شود.

از مقام محترم شما صمیمانه خواهشمندیم چون صندوق انکشاف زراعت یک نهاد دولتی غیر بانکی بیان داشته، لطف نموده موضوع را دقیق مورد مطالعه قرار داده و این صندوق را برویت قوانین افغانستان هدایت و رهنمایی همه جانبه نماید که تفاوت میان وثیقه بیع جایزی و تضمین خط در چه است و اگر مشتری این صندوق از بازپرداخت قرضه اباء ورزد آیا صندوق متذکره میتواند از طریق محکمه مربوطه اموال غیر منقول را که از طریق وثیقه تضمین خط بدست آورده به فروش برساند و پول بیت المال را از فروش جایداد به خزینه دولت بیردازد؟

بعد از تدقیق و مطالعات همه جانبه لطف نموده این صندوق را هدایت دهید که در اجرای قرضه های زراعتی، اموال غیر منقول را از طریق بیع جایزی تحت تضمین قرار دهیم یا از طریق اجرای تضمین خط در محاکم افغانستان؟))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۸/۱ مقام محترم شورایعالی مطرح و طی تصویب شماره (۶۷۷) هدایت فرموده بودند که (کمیته به اشتراک آمرین ثبت اسناد و وثایق شهر کابل، رؤسای محاکم ابتدائیه تجارتی کابل و ریاست تدقیق و مطالعات، تحت نظر احدی صاحب، عضو شورایعالی ستره محکمه در رابطه به مرجع ذیصلاح ترتیب وثیقه تضمین خط و تأدیه و یا عدم تأدیه محصول در وثیقه تضمین خط، ایجاد گردد و کمیته مذکور، نتیجه کار خویش را به یکی از جلسات شورایعالی مطرح نمایند.) حسب هدایت، ریاست

تدقیق و مطالعات تحت نظر جناب محترم احدی صاحب در مورد ذیلاً ابراز نظر نموده اند:

((الف: از اینکه متکی به جزء (۱۳) ماده (۳) قانون رهن اموال غیر منقول در معاملات بانکی منتشره جریده رسمی شماره (۹۹۰) مؤرخ ۱۳۸۸/۵/۱۵ که سند رهن را به تضمین خط قید نموده است، قبلاً طی تصویب شماره (۲۹۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۳/۹ مقام شورایی عالی ستره محکمه که طی متحده المال (۷۴۸ - ۸۲۱) مؤرخ ۱۳۹۶/۴/۱۹ تعمیم گردیده، همچنان در صفحه (۱۷۹) بخش تجارتي سیمینار رؤسای محاکم سال (۱۳۹۵) به ارتباط ترتیب قبالة بیع جایزی، یا تضمین خط در توثیق تأدیه قروض از جانب بانکها به اشخاص هدایت به ترتیب وثیقه تضمین خط با رعایت احکام قانون صدور یافته است. از جانبی هم مطابق قوانین نافذه معاملات بانکی و تأدیه قروض بانکی و قروض مشابه آن از سوی مؤسسات بمنظور پیشبرد امور تجارت برای اشخاص از جمله معاملات تجارتي محسوب میگردد. مزید بر آن، محاکم تجارتي در صورت عدم تأدیه قروض بانکی در معیاد معینه به صدور تجاوز مبنی بر فروش جایداد غیر منقول تحت تضمین اقدام بعمل میآورند؛ بناءً وثیقه تضمین خط در همچو موارد از جمله وثایق تجارتي بوده، ترتیب و اجراء آن شامل صلاحیت محاکم تجارتي میباشد. لذا به نظر ما ترتیب و اجرای وثیقه تضمین خط قروض بانکی و مؤسسات در زون های مربوط توسط دیوان های مذکور صورت گیرد.

علاوۀ دیوان های مدنی محاکم شهری، یک یک جلد کتاب تضمین خط را در جمع محرر حواله و قید نمایند.)

ب: وثيقه بيع جاييزى و تضمين خط هر دو به منظور تأمين دين بوده و قابل فسخ ميباشند؛ چنانچه قاعده فقهي (العبرة فى العقود للمقاصد و المعانى لا لالفاظ والمباني ولذا يجرى حكم الرهن فى البيع الوفا) يعنى در عقود قصد و معنى معتبر است نه الفاظ و مباني، از اينجاست كه در بيع وفا حكم رهن را جارى ميكنند و اين قاعده در شرح ماده (۳) المجلة نيز آمده است و همچنان طبق صراحت پراگراف (ج) جزء (۲) فقره (۲) ماده اول تعديل و ايزاد تعرفه محصول دولتي در محاكم كه چنين مشعر است. (محصول قبالة بيع جاييزى اموال غير منقول كه تحت تضمين بانكي قرار ميگيرند. مجموعاً (۰.۵۰) فيصد قرضه ميباشد. (۰.۲۵٪) فيصد آن حين اجراى قبالة از طرف قرضه دهنده و (۰.۲۵٪) آن حين فسخ عقد از طرف قرضه گيرنده تأديه ميگردد.) نتيجهً هر دو معامله يكسان بوده كه عبارت از به تضمين گذاشتن عقار درمقابل دين ميباشد. بناءً وثيقه تضمين خط، طبق تعديل و ايزاد اجزاي (۱ و ۲) شماره دوم ماده دوم تعرفه محصول دولتي در محاكم منتشره جريده رسمى شماره (۹۷۸) مؤرخ ۱۳۸۸/۱/۲۰، تابع اخذ محصول ميباشد. لذا محاكم مربوطه در ترتيب وثيقه تضمين خط اجراءات مقتضى و قانونى نمايند.))

چنينكه تفصيل جريان موضوع در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۸/۱۹ شورايعالى مطرح گرديده، طي تصويب شماره (۷۳۱) در زمينه هدايت ذيل صدور يافت:

((نظر رياست محترم تدقيق و مطالعات تأييد شد به جميع محاكم طور متحده المال اخبار گردد.))

مراتب مندرج تصويب شماره فوق، بدینوسيله به عموم محاكم استيناف ولايات و مراجع مربوط متحده المالا ابلاغ گرديد؛ تا آنرا به مراجع ذيربط خویش تعميم نموده وفقاً اجراءات بعمل آرند.

۱. اگر عارض یا متقاضی، مطالبه تجویز قضایی را مستقیماً از محکمه نموده باشد و بعد از تقدیم عریضه بمدت یکماه غایب گردد و در رابطه کدام تحقیقاتی انجام نیافته باشد، عریضه عارض حفظ میگردد
 ۲. اگر عارض بعد از یک سلسله تحقیقات، در خلال مدت یکماه غایب گردد اما تجویز محکمه منوط به حضور عارض باشد، محکمه حسب دلالت ماده (۴۰ و ۴۱) قانون واریسی از عرایض، تجویز قضایی اتخاذ نکرده بلکه اوراق را حفظ و یا کتباً به مرجع مربوطه ارجاع میدارد
 ۳. در صورتیکه تحقیقات لازم صورت گرفته باشد و در اتخاذ تجویز محکمه، نیاز به حضور عارض و متقاضی دیده نشود، درین حال، محکمه طبق مواد قوانین نافذه مربوط، در زمینه تجویز قضایی اتخاذ و موضوع را کتباً به مرجع مربوطه آن ارجاع مینماید
 ۴. محل تطبیق ماده (۱۵۳) قانون اصول محاکمات مدنی، همان مورد دعوی و خصومت بین طرفین قضیه است که درین حالت اگر مدعی غیابت نماید، ماده (۱۵۳) قانون اصول محاکمات مدنی تطبیق میگردد. اما در مواردیکه تقاضای عارض صرف مبنی بر اتخاذ تجویز قضایی محکمه باشد، درین صورت محلی برای صدور قرار قضایی ترک خصومت دیده نمیشود*
۲۰. متحده المال شماره (۱۶۲۵ - ۱۷۰۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۱۹، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۶۸۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۸/۵، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

خلاصه استهدائیة ریاست محکمه استیناف ولایت کابل، چنین است:

* ازاینکه در تصویب شورایعالی ستره محکمه، به حل مسایل مختلف مربوط به استهداء، هدایت صادر گردیده است. از آن جهت عنوان این متحده المال به شکل فوق تنظیم گردید.

((اکثر عارضین در تجاوزیز قضایی مبنی به صحت و یا عدم صحت وثایق شرعی شان که از طریق کمیسیون رؤسای دواوین محکمه استیناف ولایت کابل به دیوان های ابتدائیه مربوط، مواصلت میورزند و بعد از تقدیم عریضه یا در ابتداء و یا هم بعد از تکمیل یک سلسله اجراءات غایب و موضوع مندرج عریضه خویش را تعقیب نمی نمایند، که در این صورت محکمه اوراق عارضین را الی مدت یکماه و یا بیشتر نگهداری، بعداً جهت حفظ به اداره حقوق مکتوبی مسترد مینماید. هرگاه عارض بعد از حفظ موضوع شان حاضر و خواهان تعقیب موضوع خویش گردند. محکمه مربوطه اوراق را از اداره حقوق مکتوبی خواسته به تعقیب اجراءات قبلی، تحقیقات خود را تکمیل و در نهایت قرار تجویزی صادر می نمایند، و رویه قضایی زون های چهار گانه ابتدائیه سابق به همین منوال بوده؛ اما مفتشین، حین بررسی قضایای سال (۱۳۹۵)، ارسال اوراق را به شکل مکتوبی موجه ندانسته و کتباً هدایت داده که باید طبق ماده (۱۵۳) قانون اصول محاکمات مدنی در مورد قرار قضایی ترک خصومت صادر شود؛ در حالیکه این نوع اجراءات مکتوبی، رویه معمول در زون های چهار گانه بوده توسط مفتشین دیگر تأیید گردیده است. در اجراءات هیئت تفتیش دوگانگی دیده میشود، حینیکه موضوع در جلسه قضایی دیوان مربوطه مطرح گردید مؤفق به دریافت راه حل نگردیدیم؛ اما نظر خویش را طوری ابراز نموده ایم که قضایای تجویزی تابع غور استینافی نبوده و یک مرحله ای میباشد، که بعد از ختم تحقیقات قرار قضایی تجویزی صادر می شود. در صورت عدم مراجعه عارض دوسیه مکتوبی مسترد شود. هرگاه عارض حاضر شود طی ورقه درخواستی جدید دوسیه از مرجعش مطالبه و به ادامه تحقیقات قبلی اجراءات صورت گرفته و تصمیم اتخاذ شود و قرار ترک خصومت طبق ماده (۱۵۳) قانون مذکور موجه نیباشد.

امیدواریم در جهت رفع این مشکل و هماهنگی در اجراءات محاکم، این محکمه را رهنمایی خواهند نمود.))

استهدائیه فوق جنساً غرض ابراز نظر به ریاست تدقیق و مطالعات محول گردید که در مورد مدققین قضایی با تفاهم هیئت محترم تفتیش، ذیلاً ابراز نظر نموده اند. ((هرگاه دعوی بین طرفین در محکمه مطرح بوده باشد و مدعی در خلال مدت یک ماه دعوی مندرج عریضه را در محکمه تعقیب ننماید؛ طبق احکام قانون، محکمه به ترک خصومت قرار صادر مینماید. قابل ذکر است که اگر یک نفر عارض و یا متقاضی مطالبه تجویز قضایی را مستقیماً از محکمه نموده باشد، بعد از تقدیم عریضه بمدت یکماه غایب گردد و در رابطه کدام تحقیقاتی انجام نیافته باشد عریضه عارض حفظ میگردد و اگر عارض بعد از یک سلسله تحقیقات در مدت یکماه غایب گردد؛ ولی تجویز محکمه منوط به حضور عارض بوده باشد محکمه حسب دلالت ماده (۴۰ و ۴۱) قانون واریسی از عرایض، تجویز قضایی اتخاذ نکرده بلکه اوراق را حفظ و یا کتباً به مرجع مربوطه آن ارجاع میدارد؛ اما در صورتیکه تحقیقات لازم انجام پذیرفته باشد و در تجویز محکمه نیاز به حضور عارض و متقاضی دیده نشود، درین حال، محکمه طبق مواد قانون در زمینه تجویز قضایی اتخاذ و موضوع را کتباً به مرجع مربوطه آن ارسال مینماید. به هر صورت که باشد محل تطبیق ماده (۱۵۳) قانون اصول محاکمات مدنی همان مورد دعوی و خصومت بین طرفین است که در مورد غیابت مدعی ماده (۱۵۳) قانون اصول محاکمات مدنی تطبیق میگردد ولی در مواردیکه تقاضای عارض صرف تجویز قضایی محکمه بوده باشد، محل برای صدور قرار قضایی ترک خصومت وجود ندارد.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۸/۵ شورایعالی ستره محکمه مطرح و طی تصویب شماره (۶۸۸) در زمینه هدایت ذیل صادر شد:

((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است، موضوع به عموم محاکم استیناف و مراجع مربوط متحدالمالاً اخبار گردد.))
مراتب فوق بدینوسیله به عموم محاکم استیناف و مراجع مربوط متحدالمالاً اخبار گردید؛ تا آنرا به مراجع ذیربط خویش تعمیم نموده عندالموقع مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل میآورند.

هدایت مبنی به نحوه رسیدگی به قضایای غصب املاک دولتی برای محاکم مربوط (با تأکید به قانون تنظیم امور زمینداری، قانون قضایای دولت و توضیح متحده المال های قبلی شورایعالی ستره محکمه در زمینه)

۲۱ معده المال شماره (۱۷۰۱ - ۱۷۷۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۰، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۸۲۱) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۲۴، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

قبلاً استهدائیة محکمه استیناف ولایت ننگرهار در مورد تنظیم امورات محکمه اختصاصی غصب املاک دولتی و اینکه به اساس مصوبه شماره (۸۲) مؤرخ ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ شورایعالی ستره محکمه، مصوبه (۷۸۶) مؤرخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۱ و مصوبه (۸۳) مؤرخ ۱۳۹۲/۱/۲۰ به قوت خود باقی است یا خیر؟ بعد از ابراز نظر ریاست تدقیق و مطالعات، در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۵ شورایعالی مطرح و طی یادداشت شماره (۱۱۹) مجدداً تحت اشراف محترم قضاوتپوه محمد زمان «سنگری» عضو شورایعالی ستره محکمه، غرض ابراز نظر محول ریاست تدقیق و مطالعات گردید که آنریاست محترم در مورد ذیل ابراز نظر نموده است:

((عطف به متن و محتویات مصوبات شماره (۷۸۶) ۱۳۸۶/۱۱/۱۱ و شماره (۸۳) ۱۳۹۲/۱/۲۰ شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا علی الرغم اینکه موضوع محوری مصوبات مندرج در استهداء دعوی جزایی ناشی از دعوی حقوقی میباشد. اما اکنون موضوع بحث ما را غصب املاک دولتی احتواء میکند؛ که به اساس فرمان شماره (۲۷۰۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۱۱، مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان منحیث سند تقنینی در منصفه تطبیق قرار دارد و محاکم در تعمیم آن باید مبادرت ورزند. به ملاحظه فرمان فوق الذکر عمل غصب به مثابه یک پدیده جرمی

به اساس ماده (۷۱۵، ۷۱۶) کود جزا مستوجب مجازات پیشبینی گردیده است؛ که بتأسی از آن فرمان شماره (۲۷۰۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۱۱ مقام محترم ریاست جمهوری و مصوبه شماره (۶۷۶) ۱۳۹۶/۶/۲۲ شورای عالی ستره محکمه، محاکم اختصاصی رسیده گی به قضایای غصب املاک دولتی برای فعلاً در (۵) زون کشور تأسیس و تشکیل شده اند، بناءً مصوبه شماره (۸۲) ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ که به اساس فرمان نمبر (۲۷۰۹) مؤرخ ۱۳۹۶/۹/۱۱، مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان طور اختصاصی در مورد رسیده گی هم زمان بخش حقوقی و جزایی قضایای غصب املاک دولتی صادر شده است. مندرجات مصوبات شماره (۷۸۶) ۱۳۸۶/۱۱/۱۱ و شماره (۸۳) ۱۳۹۲/۱/۲۰ شورای عالی ستره محکمه را به هیچ وجه اخلاص نمی نماید. همچنان مرحله تطبیق حکم مندرج ماده (۹۳) قانون تنظیم امور زمینداری منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۵۴) مؤرخ ۱۳۹۶/۱/۲۶، بعد از صدور حکم محکمه یا اجراءات مرجع ذیصلاح مندرج ماده (۸) قانون قضایای دولت عرض وجود می نماید و اصلاً مانع جریان و طی مراحل محاکماتی نمی گردد.

البته ضروری است که جهت تدابیر پیشگیرانه و جلوگیری از اشکال در تطبیق و تنفیذ احکام نهایی و قطعی محاکم، مقرر پیشبینی شده، هرچه زودتر من جانب ارگانهای ذیربط ترتیب و تنظیم گردد.

با ذکر مقدمه فوق، محاکم اختصاصی رسیده گی به جرایم غصب املاک دولتی به منظور رعایت مصوبه شماره (۸۲) ۱۳۹۶/۱۰/۱۲ شورای عالی ستره محکمه، مراتب ذیل را حین رسیده گی قضایای مورد بحث مدنظر داشته باشند.

بخش اول: اجراءات قبل از احاله دوسیه به محکمه

۱. بعد از تشخیص اداره قضایای دولت یا وصول اطلاعات از طریق اداره مربوطه یا اشخاص مبنی بر غصب (۱۰) یا بیشتر از (۱۰) جریب زمین دولتی، اداره قضایای دولت مربوطه، طبق احکام مندرج قانون تنظیم امور زمینداری و قانون قضایای دولت بالاخص ماده هشتم آن، از شخص مورد ادعا در رابطه به ملکیت زمین مذکور، سند مدار اعتبار مطالبه نماید.

هرگاه شخص مذکور، در مدت (۲۰) روز سند ارایه کرده نتواند، (۱۰) روز دیگر به وی مهلت داده میشود. در صورتیکه باز هم قادر به ارایه سند نگردد. اداره قضایای دولت، به دولتی بودن زمین مذکور و استرداد آن از شخص، طبق ایزاد در فقره (۵) ماده (۸) قانون قضایای دولت منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۱۵) مؤرخ ۱۳۹۲/۶/۳۰، قرار صادر و غرض تنفیذ به اداره حقوق ارسال و شخص را به خارنوالی معرفی مینماید.

شخص مذکور میتواند در ظرف (۳۰) روز با تقدیم عریضه رسمی بر این قرار به محکمه شکایت نماید.

۲. در حالت دوم، هرگاه شخصی به اداره قضایای دولت سند مدار اعتبار ارایه نماید، اداره قضایای دولت صورت دعوی را ترتیب، دوسیه و عریضه (اعتراضات) شاکی را حسب احوال (مزور بودن سند یا عدم آن) غرض اجراءات قانونی بعدی به خارنوالی یا محکمه مربوطه گسیل میدارد.

بخش دوم: اجراءات بعد از احاله دوسیه به محکمه:

در صورتیکه متهم شخص حقیقی یا حکمی باشد و متضرر اداره قضایای دولت، رسیده گی و انفصال بخش جزایی و حق العبدی قضیه، با نظر داشت صلاحیت حوزه وی و موضوعی در مرکز، در مرحله ابتدایی از صلاحیت هیئت قضایی محکمه

ابتدائیه رسیده گی به قضایای جرایم سنگین فساد اداری که به محاکم اختصاصی غصب املاک دولتی مرکز توظیف اند و در زون ها در مرحله ابتدایی، محکمه ابتدائیه اختصاصی غصب املاک دولتی زون مربوطه و در مرحله استینافی دیوان اختصاصی غصب املاک دولتی استیناف همان زون و در مرحله فرجام دیوان حقوق عامه ستره محکمه ذیصلاح میباشد.

بخش سوم: طرز رسیده گی محکمه:

محکمه ذیصلاح، بخش جزایی قضیه را توأم با بخش حقوقی آن طبق ماده (۱۸۹) قانون اجراءات تحت رسیده گی قرار دهد.

دعوی خانونال در فورم نمبر (۱) جزایی درج و فیصله طبق احکام قانون اجراءات جزایی و کود جزا با رعایت اصول محاکمه عادلانه صادر و عندالصدور به طرفین ابلاغ گردد.

دعوی حقوقی متضرر قضیه (قضایای دولت) بعد از تحقیقات لازمه درج فورم نمبر (۲) مدنی، یعنی صورتحال گردد، بعداً مطابق قانون اصول محاکمات مدنی اجراءات و فیصله طبق احکام قوانین نافذه صادر و عندالصدور به طرفین ابلاغ شود. هرگاه متهم تحت توقیف و رسیده گی و انفصال بخش حقوقی قضیه زمانگیر باشد. این امر موجب تأثیر در صدور فیصله جزایی نمی گردد. در همچو حالت دعوی حق العبدی متضرر در صورتیکه مستجمع شرایط دوران باشد، بتأسی از حکم فرمان شماره (۲۷۰۹) ۱۳۹۷/۹/۱۱ مقام محترم ریاست جمهوری ۱.۱ رسیده گی به عمل آید.

رسیده گی، انفصال و اصدار حکم در مورد استرداد زمین دولتی که بعد از غصب بالای آن سرپناه، تأسیسات تجارتی، زراعتی، مالداری، باغداری، شهرک ها و سایر

تأسیسات اعمار گردیده باشد، طبق حکم ماده (۹۳) قانون تنظیم امور زمینداری
منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۵۴) ۱۳۹۶/۱/۲۶ در زمینه اجراءات مرعی
گردد.))

چنینکه تفصیل جریان موضوع در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۲۴ شورایعالی مطرح
گردید، طی تصویب شماره (۸۲۱) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:
((نظر ریاست محترم تدقیق و مطالعات تأیید است، غرض توحید مرافق قضایی به
عموم محاکم و مراجع مربوط متحدالمال گردد.))

مراتب مندرج تصویب شماره فوق، بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و
مراجع مربوط متحدالمالاً اخبار گردید؛ تا آنرا بمراجع ذیربط خویش تعمیم بخشیده
عندالموقع مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

رهنمود ارایه خدمات قضایی و اداری

۲۲ متحده المال شماره (۱۷۷۶ - ۱۸۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۹ ، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۸۲۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۲۴ ، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است.*

بعد از بررسی گزارشات کاری هیئت های اعزامی تفتیش قضایی به ولایات، راپور های کاری محاکم استیناف ولایات از بابت سال (۱۳۹۶) بررسی دوسیه جات در مرحله فرجامی و جهت نیل به خدمات بهتر برای اصحاب دعاوی و مراجعین (رهنمود ارایه خدمات قضایی و اداری) به تأسی از هدایت مقام عالی ستره محکمه تهیه و در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۲۴ شورایعالی مطرح گردید؛ در زمینه طی تصویب شماره (۸۲۰) هدایت ذیل صدور یافت:

((رهنمود مندرج پیشنهاد در رابطه به ارایه خدمات قضایی و اداری تأیید است، جهت تعمیم به جمیع محاکم متحده المال گردد.))

هدایت فوق شورایعالی ستره محکمه، بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط متحده المالا اخبار و یک کاپی رهنمود فوق الذکر در ظرف (۱۰) ورق در ضمیمه ارسال است، البته آنرا به مراجع ذیربط خویش تکثیر نموده مطابق به آن اجراءات خویش را عیار سازند.

رهنمود ارایه خدمات قضایی و اداری

* این رهنمود بعد از بررسی گزارش های کاری هیئت های اعزامی تفتیش قضایی، راپور های کاری محاکم ابتدائیه و استیناف ولایات، بررسی دوسیه ها در مرحله فرجامی و به منظور نیل به ارایه خدمات بهتر قضایی برای اصحاب دعوی و مراجعین، تهیه، ترتیب و تصویب گردیده است.

به منظور بهبود هرچه بهتر اجراات و رفع چالش های موجود در راستای تفتیش مسلکی و معیاری، رعایت موازین محاکمه عادلانه، شفافیت در اجراات، حسابداری امور مالی تسریع روند رسیده گی به قضایای تحت کار محاکم، تأمین عدالت قضایی، توحید اجراات قضایی و حصول اطمینان از تطبیق بلا انحراف و یکسان احکام قوانین نافذه، مقررات، لوایح رهنمود ها، تصاویر شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا. جلب هرچه بیشتر اعتماد مردم به محاکم، شورایعالی ستره محکمه این رهنمود را تصویب نمود.

به ریاست عمومی تفتیش قضایی هدایت داده میشود؛ تا مفتشین قضایی، حین بررسی اجراات محاکم در هنگام تفتیش عادی و اقتضایی این رهنمود را تطبیق نموده و از چگونگی تطبیق آن در محاکم نظارت به عمل آورند.

همچنان به تمام قضات و منسوبین اداری محاکم نیز هدایت داده میشود؛ تا در عرصه های کاری مربوط خویش، به رعایت هدایات مندرج این رهنمود توجه جدی نمایند.

الف – در رابطه به قضایای مدنی:

۱. چگونگی التواء دوسیه ها در قضایای مدنی در سه مرحله ذیل توسط مفتشین قضایی بررسی گردد:

تاریخ ورود دوسیه الی تاریخ درج قضیه به فورم مخصوص «صورتحال» از تاریخ درج دعوی به فورم مخصوص «صورتحال» الی تاریخ صدور فیصله. از تاریخ صدور فیصله خروج دوسیه از تحریرات محکمه.

۲. هرگاه علت التواء در دوسیه های مدنی تحقیقات املاکی باشد، مفتشین قضایی حین بررسی دوسیه ها برای محاکم مربوط رهنمایی نمایند؛ تا مطابق این رهنمود و

مواد (۱۷۶ و ۱۷۷) قانون اصول محاکمات مدنی، قضیه را که نیاز به تحقیقات املاکی دارد ذریعه قرار قضایی و با تعیین نمودن میعاد تحقیق در نص قرار به ادارات مربوطه رسماً ارسال نمایند؛ تا تحقیقات مورد نظر بداخل میعاد مندرج قرار انجام شود و نتایج حاصله آن در اسرع وقت رسماً به محاکم مربوط فرستاده شود. البته درینصورت محاکم مربوط از ارسال دوسیه ها به منظور انجام تحقیقات به ادارات حقوق و مراجع دیگر خود داری نمایند.

۳. حسب هدایت فقره (۱۳) ماده (۳۷) قانون اصول محاکمات مدنی، کتاب ثبت سندات محصولی باید در محاکم وجود داشته باشد که بعد از درج معلومات لازمه در آن، اصل آویزهای پول تحویل شده در آن نصب گردد.

۴. مطابق هدایت فقره (۱۵) ماده (۳۷) قانون اصول محاکمات مدنی، محاکم مربوط مکلف اند؛ تا دفتر ثبت عرایض را ترتیب نموده و در قسمت تعمیل هدایت مندرج ماده (۱۸) قانون اصول محاکمات مدنی توجه داشته باشند.

۵. در قضایای مدنی و تجارتی اعتراضات ابتدایی مطابق احکام ماده (۲۱) اصول محاکمات مدنی و ماده (۱۱۴) اصول محاکمات تجارتی در محاکم در نظر گرفته شود.

۶. کتاب ثبت قرارهای صادره محاکم به وجود بیاید؛ تا در دریافت موضوع مربوط کمک کند.

۷. در قضایای مدنی و تجارتی حین بروز دعوی فرعی یا حادث مطابق فرمان (۱۳۵) مقام ریاست جمهوری اسلامی افغانستان و مصوبات مربوط به آن اجراءات به عمل آید و هم در قضایای تجارتی تحت فصل و باب مربوطه رسیده گی صورت گیرد.

ب: در رابطه به قضایای تجارتی:

۱. در آنده از محاکم استیناف، که محکمه و یا دیوان تجارتی وجود ندارد و دیوان های مدنی قضایای تجارتی را مورد رسیده گی قرار میدهند، رسیده گی به همچو قضایا، هم از رهگذر شکل و محتوی توسط قانون اصول محاکمات تجارتی و قوانین خاص تجارتی صورت گیرد نه قانون اصول محاکمات مدنی یا سایر قوانین مدنی.

۲. در احوالیکه احکام قوانین خاص تجارتی صراحت داشته باشد، استناد به قوانین مدنی در مغایرت با ماده (اول) قانون اصول محاکمات تجارتی میباشد.

- علاوه بر آن، رعایت نکات ذیل نیز حتمی میباشد.
- صدور قرار مبنی بر تشخیص تجارتی بودن قضیه و دوران آن
- اخذ محصول اقامه دعوی
- تعاطی «ادعا و مدافعه» طرفین در دعاوی متقابل تجارتی به مثابه یک دعوی جدید بوده، اگر در دعوی متقابل در موضوعات تجارتی صرف به ادعا و مدافعه که در اصل دعوی مطرح است، اکتفاء شود این موضوع خلاف مواد (۱۲۳ و ۱۲۴) قانون اصول محاکمات تجارتی میباشد.
- در ترک دعوی تجارتی استناد به مواد (۲۹، ۳۲ و ۱۵۳) قانون اصول محاکمات مدنی محل ندارد. محاکم مکلف اند؛ تا در زمینه احکام مواد (۲۴۶ و ۱۱۲) قانون اصول محاکمات تجارتی و توضیح پرسش شماره پنجم بخش موضوعات تجارتی مندرج ص (۱۷۵) اسناد و مصوبات سیمینار عالی قضایی ۲۲ – ۲۵ حوت ۱۳۹۵ را رعایت نمایند.

۳. صدور قرار های قضایی سقوط حق شکایت و اعتراض، حین رسیده گی استینافی قضایای تجارتی اصلاً مورد نداشته خلاف قانون میباشد، البته حالت عدم تحویل محصول فیصله تجارتی در میعاد تعیین شده از هدایت مندرج این شماره مستثنی است.

۴. رعایت مواد (۲۳۷ و ۲۳۸) قانون اصول محاکمات تجارتی مبنی بر اعلام ختم تحقیق، تعیین روز و ساعت جهت تفهیم و ابلاغ حکم برای طرفین، تحریر فیصله های تجارتی در ظرف بیست روز بعد از اعلام ختم تحقیق و تفویض کاپی فیصله خط های تجارتی به طرفین همزمان با ابلاغ حکم اخذ امضاء یا نشان انگشت و تاریخ تسلیمی غرض جلوگیری از شکایت بعدی حتمی میباشد.

ج - در رابطه قضایای حقوق عامه:

۱. رسیده گی به قضایای حقوق عامه و به طور خاص غصب املاک دولتی در اولویت کاری محاکم رسیده گی به قضایای غصب املاک دولتی و یا دیوان های حقوق عامه در میعاد قانونی صورت گیرد. همچنان از چگونگی تطبیق آن نظارت جدی بعمل آید.

۲. ارقام دقیق قضایای وارده غصب املاک دولتی در محاکم، تثبیت و چگونگی اجراات محاکم در قبال آن به طور دقیق و جدی از جانب متفشین قضایی بررسی و نظارت گردد.

د - در رابطه به قضایای جزایی:

۱. دوسیه های قضایای جزایی غیابی بعد از جلب های لازم به منظور طی مراحل اعلان جهت حضور متهمین غایب، نباید از محاکم مربوط ذریعه مکتوب خارج ساخته شود. بلکه وفق هدایت و رهنمایی قبلی، لازم است؛ تا موضوع اعلان طی

مکتوب رسمی محکمه، غرض نشر در رسانه های محلی به خارنوالی مربوطه ارسال گردد.

۲. توقیف مظنونین و متهمین که ایجاب تصمیم هیئت قضایی را می نماید؛ باید وفق فقره (۳) ماده (۹۹) قانون اجراءات جزایی طی قرار قضایی صورت گیرد، نه توسط احکام در حشو پیشنهادات اداره خارنوالی.

۳. قاضی مؤظف دوسیه باید حسب هدایت ماده (۲۰۲) قانون اجراءات جزایی گزارش خود را بعد از مواصلا دوسیه جزایی طور تحریری به جلسه قضایی ارایه و طبق رهنمود ماده متذکره در مورد تصمیم مقتضی اتخاذ گردد.

۴. رسیده گی به قضایای اطفال، جداً در چارچوب میعاد پیش بینی شده قانون رسیده گی به تخلفات اطفال صورت گیرد و از رعایت آن توسط مفتشین قضایی نظارت جدی بعمل آید.

۵. رهایی به کفالت بالمال بر مبنای احکام قانون اجراءات جزایی، ایجاب تصمیم قضایی را می نماید؛ رعایت مواد مرتبط آن چه قبل یا حین محاکمه و یا بعد از آن در اجراءات محاکم حتمی میباشد.

۶. در قضایای جزایی هرگاه از جانب محکمه ذیصلاح راجع به خلاهای تحقیقاتی دوسیه به خارنوالی ارسال میگردد. لازم است در قرار از سرنوشت متهم در خصوص توقیف و تحدید آن تذکر به عمل آید؛ تا در روشنی آن خارنوالی اجراءات نماید.

۷. هرگاه دعوی حق العبدی توأم با دعوی جزایی در محکمه جزایی مربوطه تحت دوران قرار گیرد، دعوی حق العبدی مطابق ماده (۲۰۰) قانون اجراءات جزایی تابع

اصول محاکمات مدنی و پروسیجر آن در پرتو احکام آن تحت رسیده گی قرار داده شود.

ه - در رابطه به موضوعات مشترک جزایی و مدنی:

۱. محاکم از موجودیت فهرست قضایای وارده اطمینان حاصل نموده و در خصوص تطبیق آن با اوراق دوسیه ها مواظبت جدی نمایند.

۲. از اینکه فورم عقب پوش دوسیه ها، کارتهای مربوط و کتب ثبت قضایا، بیانگر معلومات فشرده و همه جانبه از تاریخ ورود و خروج قضایا میباشند، تحریرات محاکم مکلف اند در قسمت خانه پری دقیق آن سعی جدی مبذول داشته و نباید خانه پری آن ناقص و نا تکمیل گذاشته شود.

۳. تصمیم هیئت قضایی بعد از ابلاغ حکم، قابل تعویض نمی باشد و کشیدن پارچه ابلاغ از داخل کنده آن قطعاً جواز ندارد.

۴. از آنجا که قضایای جزایی و حقوقی ماهیتاً از هم متفاوت است؛ باید کتاب پارچه های ابلاغ هر یک که تثبیت کننده تاریخ جلسه قضایی، تصمیم قضایی، قناعت و عدم قناعت محکوم علیه و یا خانونال قضیه بوده، از هم جدا در نظر گرفته شود.

۵. جلسات قضایی در قضایای حقوق عامه، خشونت علیه زن و قضایای جنایت در مراحل ابتدائیه و استیناف بالترتیب تحت ریاست رؤسای محاکم شهری و استیناف دایر گردد.

۶. از ارسال دوسیه ها بدون موجودیت موارد و دلایل مؤجه، ذریعه مکاتیب خود داری شود؛ هرگاه در نتیجه مطالعات مقدماتی استرداد مکتوبی دوسیه ها مؤجه

بنظر رسد، باید در میعاد زمانی حد اکثر (۳) روز کاری اقدام به خروج آن بعمل آید.

۷. محاکم در رسیده گی قضایا مکلف اند؛ تا موضوع تفویض صلاحیت، تبدیلی محکمه و امثال آنرا در فیصله های صادره خود تبارز دهند.

و - در رابطه به موضوعات مالی:

۱. وسایط نقلیه رؤسای محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه شهری باید دارای کتابچه های سیر و سفر بوده و به ملاحظه آن تیل و روغنیات مصرف شده، بر مبنای گردش کیلومتر موتر سنجش و محاسبه گردد.

۲. ترمیمات عراده جات باید معقول و منطقی باشد و با در نظر داشت نظریه فنی صورت گیرد و همچنان داغمه پرزه جات تعویض شده نگهداری و از طرف هیئت تفتیش معاینه و به اسناد مجرای آن دقت صورت گیرد.

۳. خریداری اجناس و خدمات مورد ضرورت بعد از مطالبه شعبات و دفاتر نیازمند و سایر پرداخت های مالی حسب مقتضای تصنیفات کد های تخصیصی ارسالی در مطابقت به جدول و لایحه خریداری صورت گیرد و هیئت تفتیش از تطبیق کامل مصارف مؤجه و غیر مؤجه آن مراقبت و بررسی جدی نمایند.

۴. چگونگی توزیع مصرف قرطاسیه و مواد محروقاتی مورد نیاز محاکم به تناسب حجم کار و بعد مسافه، مورد بررسی قرار گیرد.

۵. بمنظور شفافیت و تثبیت دقیق، لزوماً اجناس خریداری شده و اجناس داغمه جات در دفتر جنسی قید گردد و هیئت تفتیش با تشخیص شخص جمعه، از چگونگی رعایت آن نظارت جدی بعمل آورند.

۶. وضعیت فیزیکی تعمیرات محاکم اعم از دفاتر کاری، منازل رهایشی مهمانخانه ها، نمرات سفید و الحاقیه ها و تجهیزات آن، طور دقیق تشخیص و با پیشنهادات مقتضی و واضح بیان حال گردد.

ز - در رابطه به وثایق:

۱. از صحت و سقم، ثبت و یا عدم ثبت وثایق مرتبه سفارت خان های افغانستان مقیم خارج، وفق هدایات قبلی و حسب هدایت ماده (۳۰۷) قانون اصول محاکمات مدنی و ماده (۱۰) تعلیمات نامه تحریر وثایق بعد از دقت لازم از وزارت محترم امور خارجه معلومات اخذ گردد.

۲. در رابطه به تصحیح وثایق ترتیب شده، هدایت مواد (۱۳، ۱۵ و ۱۶) تعلیمات نامه تحریر وثایق و سایر هدایات شورای عالی ستره محکم، طور جدی قابل رعایت بوده و مفتشین قضایی از چگونگی تحقق آن نظارت بعمل آورند.

۳. چگونگی تثبیت صغار در اجرای وثایق وصایت خط ها، محاسبه دقیق امور مالی و حقوق آنها، ثبت و همچنان معامله آن در کتاب ثبت اوصیاء، توسط مفتشین قضایی و رهنمایی و نظارت گردد.

۴. مندرجات ماده (۳۴) قانون وکلای مدافع در ترتیب وکالت خط های دعوی جداً در نظر گرفته شود.

۵. در رابطه به ترتیب و اجرای قباله ها و سایر وثایق انتقال ملکیت، با در نظر داشت هدایات قبلی بعد از تحقیقات لازم املاکی و اطمینان کامل از صحت و سقم اسناد بنیادی و متناسب با مندرجات آن اقدام صورت گیرد.

۶. به منظور تسریع روند ترتیب وثایق شهادت برای بازمانده گان شهداء حمایت و جلوگیری از اتلاف دارایی عامه وفق رهنمود قبلی بعد از تصدیق و تأیید مراجع مربوطه صورت گیرد.

۷. هدایت ماده (۱۱) تعلیماتنامه تحریر وثایق و مصوبات قبلی شورای عالی ستره محکمه در خصوص درج مشخصات تذکره تابعیت شاملین وثایق در متن وثیقه حصر وراثت و وصایت خط و ستون تعرفه سایر وثایق جداً در نظر گرفته شود و از چگونگی رعایت آن مراقبت صورت گیرد.

۸. با در نظر داشت این که کنده جات وثایق، به شکل ورقه و یا پنجاه ورقه تهیه گردیده؛ دور تسلیمی محررین باید بر مبنای سریال نمبر بوده، در صورت کمبود تعداد اوراق و یا زیاد آن از نورم فوق و یا تغییر سریال نمبر، علم آوری همه جانبه صورت گرفته و کیفیت آن درج فورم دوره تسلیمی گردد و از چگونگی رعایت آن از طریق مفتشین نظارت بعمل آید.

۹. مهر قضات، در وثایق و فصله ها باید واضح، روشن و خوانا بوده، در جاهای مناسب حک و اسم قاضی امضاء کننده در پهلوی آن تحریر گردد.

۱۰. وفق هدایات قبلی، وثایق باید فهرست شوند و یک نقل آن ضم کنده نشانی گردیده و نقل دیگر آن را مفتشین ضم گزارش نمایند.

۱۱. وثایق حتی الامکان در کتب جداگانه و با در نظر داشت نوعیت آن اجراء گردد. ریاست اداری کتب وثایق و اوراق حکم مورد نیاز را تهیه و به اختیار محاکم قرار دهد.

۱۲. در حصه رسیده گی و صدور قرار قضایی مبنی بر صحت و یا سقم وثایق، هدایت مندرج « رهنمود صحت و عدم صحت اسناد و وثایق که ثبت آن در اثر

حوادث از میان رفته» و مصوبات شماره (۱۰۴۶) مؤرخ ۱۳۹۰/۶/۲۹ شورای عالی ستاره محکمه توسط محاکم مربوط جداً در نظر گرفته شود و مفتشین از چگونگی رعایت آن مواظبت و مراقبت دقیق نمایند.

ح - در رابطه به سلوک قضایی قضات و پرسونل اداری محاکم:

۱. قضات و کارمندان اداری محاکم مکلف اند؛ به منظور کسب رضای الله متعال «ج» جلب اعتماد مردم و عرضه خدمات معیاری و بهتر قضایی، حین تعامل با اصحاب دعاوی و سایر مراجعین از نهایت صبر، حوصله و بردباری کار گرفته از هدایات مندرج مقرر طرز سلوک قضایی و مقرر طرز سلوک منسوبین اداری قوه قضائیه پیروی نموده، جداً مواظب و مراقبت تطبیق و تعمیل آن در جریان کار رسمی و زنده گی شخصی شان باشند.

۲. رؤسای محاکم استیناف و سایر محاکم ابتدائیه مکلف اند از چگونگی تطبیق «مقرر تنظیم امور لباس قضات و رعایت نظافت در محل کار» در رابطه به لباس قضات، نظافت شخصی کارمندان، پاکی دفتر و ماحول آن مواظبت و مراقبت جدی نمایند.

ط - در رابطه به کارکرد و سلوک هیئت اعزامی تفتیش:

۱. در بعضی موارد دیده شده که هیئت اعزامی تفتیش قضایی در بعضی از ولایات که از وضعیت بهتر امنیتی برخوردار است، وقت بیشتری را به تناسب ولایات نا امن سپری می نمایند، در حالیکه باید گزارش کاری هیئت اعزامی یک ولایت از نگاه حجم کاری و زمانگیر شدن، متوازن با سایر ولایات باشد، ریاست تفتیش قضایی موضوع را در نظر داشته باشد.

۲. هیئت اعزامی تفتیش با در نظر داشت رهنمود سال قبلی که به محاکم استیناف سپرده اند، در سال بعدی یک نقل آنرا با خود داشته، موارد تطبیق و چگونگی پیشرفت آنرا مد نظر داشته و در گزارش بعدی شان انعکاس دهند.

۳. با در نظر داشت اینکه مصارف سفر برای هیئت اعزامی تفتیش قضایی تأدیه میگردد، هیئت مذکور از قبول مهمانی ها و یا تحمیل آن بالای منسوبین محاکم و یا اشخاصیکه موقعیت کاری مفتشین را تحت سوال قرار دهد، جداً خود داری نمایند.

۴. هیئت تفتیش قضایی ضمن اینکه با رعایت مصوبه شماره (۴۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۴/۳۱ شورای عالی صلاحیت استماع شکایات مستدل اصحاب دعاوی را دارند، اصولاً به منظور اصلاح و بهبود اجراءات قضایی و اداری محاکم اعزام میشوند و نسبت به قضات دیگر ارجحیت ندارند، حین تفتیش و بررسی موضوعات کاری برخورد محترمانه راجداً مراعات نمایند.

ی - در رابطه به موضوعات متفرقه:

۱. ریاست پالیسی و پلان در تفاهم با ریاست عمومی تفتیش، کاپی راپور احصائیوی محاکم را به دسترس مفتشین قرار دهد؛ تا به رویت آن، چگونگی صحت و یا عدم صحت ارقام قضایای وارده و انتقال شده، محصول اقامه دعوی، محصول فیصله جات، قیمت وثایق و محصول آن، طور مقایسوی با سوابق مربوطه تطبیق داده شود.

۲. فعالیت مدیریت ثبت قضایا بررسی و در صورت مواجه شدن با کم کاری و عدم ثبت قضایا علت آن بعد از بررسی همه جانبه طور واضح در گزارش بازتاب داده شود.

۳. چون وسایل و تجهیزات کاری محاکم از جمله دارایی های عامه بوده، قضات و کارمندان اداری باید در قسمت حفظ، نگهداری و نحوه استفاده از آن احساس

- مسئولیت نموده از احتیاط لازم کار گیرند و هیئت تفتیش حین بررسی از چگونگی استفاده و نگهداری آن مراقبت جدی نمایند.
۴. از چگونگی معقولیت توظیف خدمتی قضات با در نظر داشت فقره (۴) ماده (۵۶) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه توسط مفتشین قضایی نظارت گردد.
۵. در مورد پابندی قضات و سایر منسوبین محاکم به حاضری، خصوصاً در ولسوالی ها توجه جدی صورت گیرد.
۶. چگونگی معقولیت سفرهای رؤسای محاکم، قضات و کارمندان محاکم به مرکز و عکس آن بررسی گردد.
۷. چگونگی استفاده از رخصتی های سالانه پرسونل قضایی و اداری محاکم و اضافه رخصتی آنها با در نظر داشت احکام و هدایات قوانین کار و کارکنان خدمات ملکی و سایر اسناد تقنینی مربوط، اجراات انجام شده قضات و سایر منسوبین محاکم در طی یک سال کاری با دفتر حاضری تطبیق و کنترل گردد.
۸. به منظور تحقق اصل مکافات و مجازات قضات و کارمندان اداری لایق، کار فهم، با تقوا، وظیفه شناس و عکس آن با توجه به تشخیص سطح دانش مسلکی شان، توسط مفتشین قضایی شناسایی و در گزارش معرفی شوند.
- محاکم مرکز و ولایات کشور، در اجراات قضایی و اداری خویش هدایات مندرج مواد فوق را به صورت دقیق و بلا انحراف رعایت نموده و هیئت اعزامی تفتیش قضایی در جریان بررسی های خویش از، چگونگی تطبیق آن مواظبت نموده و گزارش واقعی بررسی های خود را به ریاست عمومی تفتیش قضایی ارائه نمایند.
- توفیقات مزید همه منسوبین قضایی و اداری محاکم را در اجرای وظایف محوله در پرتو رهنمود هذا از بارگاه خداوند (ج) مسئلت می نمایم.

تصویب طرز العمل توزیع کارت هویت منسوبین قوه قضائیه

۲۳ متحده المال شماره (۱۸۴۱ - ۱۹۰۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۶، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۸۵۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۱، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

بالاثر نامه شماره (۲۰۵) مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲ ریاست عمومی تدقیق و مطالعات، مسوده طرز العمل توزیع کارت هویت منسوبین قوه قضائیه، بعد از باز نگری ریاست تدقیق و مطالعات و کمیته باز نگری اسناد تقنینی ستره محکمه، مواصلت ورزیده است که موضوع حسب هدایت مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲ مقام محترم ستره محکمه در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ شورایعالی مطرح و طی تصویب شماره (۸۵۵) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((طرز العمل توزیع کارت هویت منسوبین قوه قضائیه بداخل (۹) ماده تصویب است، جهت تعمیم به جمیع محاکم متحده المال گردد.))
مراتب فوق بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط متحده المالا اخبار و یک کاپی طرز العمل توزیع کارت هویت منسوبین قوه قضائیه، ورق در ضمیمه گسیل است. زمانیکه توزیع کارت های مندرج طرز العمل عملاً آغاز گردید نوبت وار به اطلاع رسانیده میشود، البته مراتب فوق را به مراجع ذیربط خویش تکثیر نموده عندالموقع مطابق آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

طرز العمل

توزیع کارت هویت منسوبین قوه قضائیه ج.ا.ا.

مصوب ۸۵۵ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۱ شورای عالی ستاره محکمه ج.ا.ا.

مبنی

ماده اول:

این طرز العمل به تأسی از حکم ماده (۱۰۲) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه و در مطابقت با برنامه های اصلاحات عدلی و قضایی وضع گردیده است.

اهداف

ماده دوم:

اهداف این طرز العمل قرار ذیل است:

۱. شناسایی منسوبین قوه قضائیه.
۲. تأمین امنیت منسوبین ستاره محکمه ج.ا.ا.
۳. هماهنگی بهتر میان نهاد های مربوط از طریق شناسایی کارت هویت

مشخصات

ماده سوم:

مشخصات کارت هویت منسوبین قوه قضائیه و همکاران ادارات دولتی، موسسات ملی و بین المللی قرار ذیل اند:

۱. نشان دولت جمهوری اسلامی افغانستان بطرف راست و نشان ستاره محکمه به طرف چپ کارت هویت.
۲. نشان ستاره محکمه در پس زمینه کارت میباشد.
۳. شماره شناخت (HRcod) به استثنای کارت هویت کارکن همکار.
۴. بارکود (BARRcode) به استثنای کارت هویت کارکن همکار.
۵. سایز استاندارد (۹x۵cm).
۶. رنگهای مخصوص در شش کتگوری ذیل:
- کارت هویت اعضای شورای عالی به رنگ سیاه.
- کارت هویت قضات به رنگ سبز.

- کارت هویت کارمندان اداره کنترل و مراقبت به رنگ سرخ.
- کارت هویت کارمندان اداری به رنگ آبی .
- کارت هویت کارمندان خدماتی به رنگ نارنجی.
- کارت هویت کارمندان همکار از ادارات و موسسات ملی و بین المللی به رنگ سفید .

مندرجات

ماده چهارم :

مندرجات ذیل در روی کارت هویت به زبان پشتو و دری و در عقب آن به زبان انگلیسی میباشند:

- ۱ - نام
- ۲ - نام پدر
- ۳ - نام خانوادگی (تخلص)
- ۴ - وظیفه
- ۵ - تاریخ صدور
- ۶ - تاریخ انقضاء
- ۷ - فوتو

میعاد اعتبار

ماده پنجم:

- (۱) کارت هویت اعضای شورای عالی ستره محکمه ج.ا.ا از تاریخ صدور الی ختم وظیفه مدار اعتبار میباشند.
- (۲) میعاد اعتبار کارت منسوبین قضائی، اداری و خدماتی قوه قضائیه از تاریخ صدور، مدت سه سال میباشند.
- (۳) کارت هویت کارمندان همکار از ادارات دولتی، موسسات ملی و بین المللی از تاریخ صدور الی مدت ششماه اعتبار دارد .

صدور و مکلفیت

ماده ششم :

- (۱) داشتن کارت هویت مکلفیت تمام منسوبین قوه قضائیه میباشند .

(۲) ریاست منابع بشری مکلف است در اسرع وقت طی برنامه منظم برای تمام منسوبین قوه قضائیه کارت هویت توزیع نماید .

(۳) کارت هویت تنها از طریق آمریت دیتابیس ریاست منابع بشری قابل توزیع می باشد .

مکلفیت های دارند کارت

ماده هفتم:

دارنده کارت هویت دارای مکلفیت های ذیل می باشد:

۱. دارنده کارت هویت مکلف است تا از کارت دست داشته خویش به وجه احسن و سالم نگهداری نماید.

۲. در صورتیکه کارت هویت مفقود و یا تلف گردد، دارنده کارت مکلف است تا هرچه عاجل از طریق ریاست محکمه استیناف و یا ادارات مربوط بریاست منابع بشری موضوع را رسماً اطلاع دهد و درخواست کتبی خویش را جهت اخذ کارت هویت جدید بریاست منابع بشری تقدیم نماید.

۳. در صورتیکه قضات و کارمندان به اساس فقره (۳) ماده (۵۶) فقره (۲) ماده (۴۹) ماده (۶۳) قانون مامورین، و فقره (۲) ماده (۹۱) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه در حالات استعفاء، تقاعد، انفصال موقت، عزل موقت و یا انفکاک قرار گیرند کارت هویت شانرا به آمریت دیتابیس ریاست عمومی منابع بشری تحویل داده و رفع مسئولیت نماید .

۴. دارنده کارت هویت مکلف است (۱۵) روز قبل از انقضای میعاد کارت هویت به ریاست منابع بشری مراجعه و یا تقدیم درخواست کتبی تقاضای تعویض کارت نماید .

مکلفیت های ریاست منابع بشری

ماده هشتم:

آمریت دیتابیس ریاست منابع بشری دارای مکلفیت های ذیل می باشد:

۱. توزیع کارت های هویت مندرج فقرات (۲) و (۴) ماده (۳) این طرز العمل .

۲. تعویض کارت هویت در صورت انقضای میعاد آن.

۳. توزیع کارت هویت جدید در صورت مفقود یا تلف شدن بعد از اتمام طی مراحل اصولی مندرج جزء (۲) ماده (۷) این طرز العمل .
۴. اتخاذ تدابیر لازم جهت تعویض کارت هویت قبل از انقضای میعاد آن.
- مکلفیت های سایر ادارات

ماده نهم:

۱. ریاست عمومی مالی و اداری ستاره محکمه در تهیه و تأمین بودجه، ماشین، رنگ، لیمینیشن پلاستیک، پاک کاری ماشین و کارت سفید جهت صدور کارت های هویت مکلف میباشد.
۲. فرماندانی قطعه محافظت قضات در قسمت شناسائی کارت حین ورود منسوبین بداخل اداره مکلف می باشند.

انفاذ

ماده دهم:

این طرز العمل بعد از تصویب شورای عالی ستاره محکمه نافذ و در مجله قضاء نشر میگردد.

صلاحیت رسیده گی به قضایای اختطاف منجر به تجاوز جنسی،
اختطاف و تجاوز گروهی، به دیوانهای جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی
تفویض گردید. در ولایاتیکه دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی
وجود نداشته باشد، قضایای متذکره مطابق تشکیل در دیوانهای امنیت
عامه رسیده گی شود*

۲۴ متحدالمال شماره (۱۹۰۶ - ۱۹۸۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۵، ریاست
دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۸۶۶) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۸، شورایعالی
ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

بالاثر نامه شماره (۴۸۲۹) مؤرخ ۱۳۹۷/۸/۲۷ ریاست محکمه استیناف ولایت
کابل، استهدائیه دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی آن ریاست، ذریعه نامه
شماره (۱۱۱۲) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۵ ریاست عمومی تدقیق و مطالعات، بعد از
ابراز نظر مدققین قضایی، بشرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((طوریکه آن مقام محترم در جریان قرار دارند قضایای اختطاف منجر به زنا و
لواط در ماده (۵) ضمیمه شماره (۵) قانون جزایکی از حالات مشدده اختطاف بود
که محاکم طبق هدایت ماده متذکره حالات مشدده جرم را در نظر گرفته متهم را
محکوم به مجازات می نمودند؛ و معمولاً این دیوان طبق هدایت ماده متذکره قضایا
را رسیده گی مینمودند.

ولی بعد از انفاذ کود جزا در ماده (۵۹۵) قانون مذکور اختطاف منجر به تجاوز را
تعدد جرایم دانسته که مجازات اختطاف در ماده (۵۹۱) کود، حبس طویل و

* از اینکه هدایت مصوبه شورایعالی ستره محکمه حاوی دو بخش بود، از آن جهت عنوان این متحدالمال به شکل
فوق تنظیم گردید

مجازات تجاوز در ماده (۶۳۷) قانون مذکور نیز حبس طولی پیشبینی گردیده که در این مورد کدام اشکالی دیده نمی شود. اما دیوان های رسیده گی به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به مشکلی برخورد کرده اند. و آن این است که در قضیه تجاوز که حالت مشدده دارد، ماده (۶۳۹) کود جزا حبس دوام درجه (۲) و تجاوز گروهی که در ماده (۶۴۱) قانون مذکور مجازات حبس دوام درجه (۱) و اعدام را پیشبینی نموده که جزا مواد متذکره نسبت به مجازات اختطاف، شدید تر بوده و طبق هدایت ماده (۷۰) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه صلاحیت رسیده گی آن در محکمه صورت می گیرد که صلاحیت رسیده گی شدید ترین جرم را دارد که طبق هدایت ماده متذکره قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه در صورت بروز حالت مشدده اختطاف منجر به تجاوز و یا تجاوز گروهی متهمین اختطاف، دیوانهای جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی در رسیده گی به همچو قضایا ذیصلاح نبوده، زیرا اگر تجاوز بر مذكر صورت گرفته باشد صلاحیت رسیده گی به آن مربوط به دیوان جزا بوده و در صورت که تجاوز علیه مؤنث صورت گرفته به محاکم خشونت علیه زن ارتباط میگیرد.

ولی نظریه هیئت قضایی این دیوان بر آن است که قضایای اختطاف یکی از جرایم سازمان یافته که متهمین آن وابسته به باند های جنایت کار بوده، معمولاً تحقیق آن از طرف خائنوالی های امنیت داخلی و خارجی صورت میگیرد. با قیاس به مصوبه (۱۲۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۸ مقام محترم شورایعالی ستره محکمه که اختطاف منجر به قتل به دیوان های جرایم تفویض گردیده، اگر صلاحیت رسیده گی به قضایای اختطاف منجر به تجاوز جنسی نیز به دیوان های جرایم علیه امنیت داخلی و

خارجی تفویض گردد، بهتر خواهد بود؛ آنچه را که اولیای امور هدایت فرمایند واجب تعمیل است.

استهادهائیه فوق در جلسه تاریخی ۱۳۹۷/۸/۲۳ کمیسیون رؤسای دواوین استیناف کابل مورد غور قرار گرفت و در نتیجه چنین ابراز نظر بعمل آمد:

« نظریه هیئت قضایی دیوان رسیده گی به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی محکمه استیناف کابل مؤجه بود، مورد تأیید اعضای کمیسیون رؤسای دواوین محکمه استیناف قرار گرفت؛ با آنهم استهادهائیه مذکور، جهت اخذ هدایت بقمقام محترم ستره محکمه ارجاع گردید.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن، در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۸ شورایعالی مطرح و طی تصویب شماره (۸۶۶) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((صلاحیت رسیده گی به قضایای اختطاف منجر به تجاوز جنسی، اختطاف و تجاوز گروهی به دیوانهای جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی تفویض گردید. در ولایات که دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی وجود نداشته باشد، قضایای متذکره مطابق تشکیل در دیوانهای امنیت عامه رسیده گی گردد.

موضوع غرض توحید مرافق قضایی به جمیع محاکم متحده المال گردد.))
هدایت فوق شورایعالی ستره محکمه بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط متحده المالا اخبار گردید؛ تا آنرا به مراجع ذیربط خویش تعمیم نموده مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

توضیح مواد (۱۸ و ۱۰۸) قانون تنظیم امور زمینداری منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۵۴) مؤرخ ۱۳۹۷/۱/۲۶، در مورد اسناد مدار اعتبار زمین و ملکیت ها، بیان حالت تغییر وصف زمین زراعتی به رهائشی و چگونه گی اجراءات محاکم مربوط در آن خصوص

۲۵ معده المال شماره (۱۹۸۱ - ۲۰۵۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۳، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۹۴۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۸، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

بالاثر نامه شماره (۱۱۸۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۴ ریاست عمومی تدقیق و مطالعات، استهدائیه آمریت ثبت اسناد و وثایق حوزه سوم شهر کابل سلسله بعد از ابراز نظر مدققین قضایی به این ریاست شرح ذیل مواصلت ورزیده است.

((در حوزه قضایی این آمریت دونوع جایداد غیر منقول قرار دارد. جایدادهای که در ساحات تحت پلان شاروالی قرار دارند و ساحات بیرون از نقشه و پلان که زراعتی و باغی بوده اند و فعلاً در سه حالت آتی قرار دارند:

۱. عده بی از این جایداد ها فعلاً در حالت زراعتی و باغی قرار دارند و قباله های آنها بعد از کسب معلومات از ناحیه مربوطه، ریاست اراضی یا اداره املاک ولسوالی مربوط طور معمول اجراء میگردد.

۲. عده بی از این اراضی در سالهای ماضیه به عمرانات رهائشی و تجارتی تبدیل گردیده و قباله های آنها تا اکنون اجراء گردیده و اجراء میگردد.

عده بی از این اراضی در حال تبدیل شدن به محلات رهائشی و تجارتی میباشد که از سال ۱۳۹۴ بدین سو قباله های آنها اجراء نمیگردد، که موجبات شکوه مالکان آن را فراهم نموده است و از جانب دیگر ماده (۱۰۸) قانون تنظیم امور زمینداری

چنین صراحت دارد: «احداث سرک، اعمار ساختمان، تأسیسات و سایر فعالیتهای غیر زراعتی بالای زمین های زراعتی مجاز میباشد، در حالت ضروری وزارت ها، ادارات دولتی و شاورالی ها مکلف اند در زمینه قبلاً موافقه اداره اراضی و منظوری رئیس جمهور را کسب نمایند.» که خلاف صراحت این ماده عده یی از این اراضی در حال تبدیل شدن به محلات رهائشی و تجارتی بوده و عده یی از آنها قبلاً به عمرانات تجارتی و رهائشی تبدیل شده اند و مقدار آن فعلاً در حال تبدیل شدن هستند که خلاف ماده فوق الذکر قانون تنظیم امور زمینداری می باشد و تا اکنون از اجرای قباله هادر آن خصوص معذرت خواسته شده است.))

رؤسای دواوین محکمه استیناف ولایت کابل نیز در مورد ابراز نظر نموده متذکر شده اند که: ((در صورتیکه زمین های متذکره تحت پلان های استملاکی شهری و توسعه وی نباشد، به منظور رفع مشکل خلق الله، افزایش عواید و محصولات دولت و جلوگیری از منازعات املاکی، اگر طرح تعدیل قانون امور زمینداری غرض اجرای قباله های همچو املاک پیشنهاد گردد، بهتر خواهد بود. با آنها موضوع جهت اخذ هدایت بمقام محترم ستره محکمه ارجاع گردد. آنچه هدایت می فرمایند موجب تعمیل است.))

بملاحظه آن مدققین قضایی ریاست تدقیق و مطالعات ذیلاً ابراز نظر نموده اند: ((اسناد مدار اعتبار زمین و ملکیت ها در ماده (۱۸) قانون تنظیم امور زمینداری منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۴۵) ۱۳۹۶/۱/۲۶ ، به طور مفصل بیان گردیده است. ادارات ثبت اسناد و وثایق مطابق به آن با در نظر داشت ماده بیست و چهارم قانون مذکور اجراءات نموده و در طی مراحل آن لازم است تمام موارد قانونی و مقررات را در نظر بگیرند. ماده (۱۰۸) قانون مذکور صراحت دارد:

« احداث سرک، اعمار ساختمان، تأسیسات و سایر فعالیتهای غیر زراعتی بالای زمین های زراعتی مجاز میباشد، در حالت ضروری وزارت ها، ادارات دولتی و شاورالی ها مکلف اند در زمینه قبلاً موافقه اداره اراضی و منظوری رئیس جمهور را کسب نمایند.»

از فحوای ماده متذکره چنین استنباط میگردد که در تغییر زمین زراعتی به رهائشی وصف زمین تغییر نموده و مالک آن تنها زمین را به همان وصف انتقال داده میتواند که به نام آن ثبت است. در صورتیکه وصف زمین تغییر نماید مطابق به ماده (۱۰۸) قانون تنظیم امور زمینداری ایجاب کسب موافقه اداره اراضی و منظوری رئیس جمهور را می نماید. لذا مرجع مستهدی در مورد، مطابق احکام قوانین نافذه مربوط، اجراءات قانونی و مقتضی نمایند.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ شورایعالی مطرح و طی تصویب شماره (۹۴۰) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت: ((نظر ریاست عمومی تدقیق و مطالعات تأیید است، به جمیع محاکم طور متحده المال اخبار گردد.))

مراتب مندرج تصویب شماره فوق، ذریعه نامه (۶۲۵) ۱۳۹۷/۱۱/۱۶ به محکمه استیناف ولایت کابل اخبار گردیده است. از اینکه موضوع جنبه عام دارد، بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط نیز اخبار میگردد؛ تا هدایت آنرا به مراجع ذیرط خویش تعمیم نموده عندالموقع مطابق آن به اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

صلاحیت های محکمه استیناف، راجع به نقض یا ابطال فیصله های محاکم ابتدائیه، چگونه گی تشخیص جرایم متعدد با هم مرتبط و جرایم متعدد غیر مرتبط و نحوه رسیده گی به آنها

۲۶ معادل مال شماره (۲۰۵۶ - ۲۱۳۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۸، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۹۲۳) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۲، شورایی عالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

استثنائیه شماره (۶۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۲/۳ ریاست دیوان جرایم ناشی از فساد اداری محکمه استیناف ولایت کابل، بشرح ذیل مواصلت ورزیده است:

((قضایا به صورت عام در محاکم از لحاظ ماهیت، کیفیت و محتوی در دو مرحله قضایی ابتدایی و استینافی مورد رسیده گی قرار داده میشود و ستره محکمه قضایا را بمنظور اطمینان از تطبیق صحیح قانون، رسیده گی نموده و احکام محاکم تحتانی را بر حسب احوال مورد ابرام، نقض، بطلان، الغاء یا تعدیل قرار میدهد. چنانچه ماده (۹) قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه در زمینه صراحت دارد. طوریکه مستحضر اند در مورد قضایای جرایم متعدد با هم مرتبط که حکم محکمه ابتدائیه در بر گیرنده تمام مطالبات خارنوالی نبوده و در چند مورد، نص حکم محکمه ابتدائیه مسکوت عنه میباشد و خارنوالی همین اعتراض را در پیشگاه محکمه استیناف دارد و محکمه استیناف زمانی بر فیصله محکمه ابتدائیه تصمیم اتخاذ می نماید که سبقیت حکم محکمه ابتدائیه را داشته باشد، در این حالت در محاکم کشور اجراءات یکسان نبوده بلکه یک عده از محاکم استیناف به نسبت عدم سبقیت حکم محکمه به بطلان حکم محکمه ابتدائیه تصمیم اتخاذ می نمایند، در حالیکه موارد بطلان در ماده (۲۸۹) قانون اجراءات جزایی صراحت داشته که

موضوع مورد بحث از جمله موارد بطلان به شمار نمی‌رود و یک عده دیگر به نقض فیصله محکمه ابتدائیه تصمیم اتخاذ وثیقه را غرض فیصله مجدد به محکمه ابتدائیه محول می‌نماید. در صورت نقض مطابق ماده (۲۶۷) قانون اجراءات جزایی محکمه استیناف خود باید رسیده گی نماید و در قضیه مطروحه محکمه استیناف نمی‌تواند بدون سبقیت حکم محکمه ابتدائیه به قضیه رسیده گی نماید بر علاوه این موضوع موجب خدشه دار شدن عدالت شده فلسفه مراحل محاکماتی را زیر سوال میبرد.

هیئت قضایی این دیوان بدین نظر اند که در همچو قضایا بهتر است که دیوان مربوط محکمه استیناف فیصله محکمه محترم ابتدائیه را نقض و موضوع را طی قرار رهنمودی به محکمه ابتدائیه محول و محکمه ابتدائیه در تمام موارد حکم عادلانه را مطابق احکام قانون اصدار نماید؛ تا از یکسو مراحل محاکماتی رعایت گردد و از جانب دیگر عدالت بوجه احسن آن تأمین شود. بناءً بمنظور تأمین عدالت و رعایت مراحل محاکماتی قضایا، در زمینه طالب هدایت هستیم.))

استهدائیه فوق الذکر، طبق یادداشت شماره (۱۰۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۳/۱۵ شورایعالی ستره محکمه بعد از ابراز نظر در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۲۰ شورایعالی مطرح و طی یادداشت شماره (۱۸۱) هدایت فرمودند که ((ریاست محترم تدقیق و مطالعات نظر مجدد شانرا تحت اشراف احدی صاحب و سنگری صاحب اعضای محترم شورایعالی با همکاری ریاست محترم تفتیش قضایی تهیه و به یکی از جلسات شورایعالی تقدیم نمایند.)) حسب هدایت، ریاست تدقیق و مطالعات تحت نظر اعضای شورایعالی در مورد مجدداً به شرح ذیل ابراز نظر نموده اند:

((۱ - چون صلاحیت های محکمه استیناف راجع به نقض یا ابطال فیصله محکمه ابتدائیه در فقرات (۲ و ۵) ماده (۲۶۷) قانون اجراءات جزایی تصریح

گردیده است. محاکم استیناف در صورت نقض فیصله محاکم ابتدائیه نباید موضوع را به محکمه ابتدائیه ارجاع نمایند بلکه حسب حکم مندرج فقره (۲) ماده (۲۶۷) قانون مذکور، محکمه استیناف در مرحله استینافی اقدام به فیصله مجدد نمایند.

۲- در صورتیکه محکمه استیناف جرایم را متعدد و با هم مرتبط تشخیص نماید و مطالبه خارنوالی هم در مطابقت به احکام قانون صورت گرفته باشد؛ ولی حکم محکمه تحتانی در برگیرنده تمام مطالبات خارنوال نبوده باشد. در این صورت اگر حکم محکمه ابتدائیه به شدید ترین جرم مرتبط اصدار گردیده باشد که در حکم محکمه فوقانی مؤثر نباشد، محکمه استیناف فیصله محکمه تحتانی را نقض نموده با در نظر داشت اینکه فیصله ابتدائیه در نفس موضوع، و جرم صادر گردیده است، متکی به مطالبات و مستندات خارنوالی موضوع تعدد جرایم مرتبط را تحت رسیده گی استینافی قرار داده و تصمیم مقتضی و قانونی اتخاذ نمایند. و اگر در حکم محکمه ابتدائیه جرم شدید از رسیده گی بازمانده باشد در این حالت چون حکم محکمه ابتدائیه در رسیده گی استینافی مؤثر می باشد در این صورت محکمه استیناف موضوع را نقض نموده غرض رسیده گی و صدور فیصله مجدد و جامع بر تمام ابعاد مطالبات خارنوالی محول محکمه مربوطه نماید.

۳- در صورتیکه جرایم متعدد و غیر مرتبط باشد و مطالبه خارنوالی مبنی بر رسیده گی در تمام جرایم مربوط در مطابقت به قانون صورت گرفته باشد؛ اما حکم محکمه ابتدائیه یک یا برخی موارد را در بر گرفته و موارد دیگر از حکم محکمه ابتدائیه بازمانده باشد، چون در این صورت سبق حکم محکمه در موارد مطالبه شده خارنوالی وجود ندارد بهتر است محکمه استیناف فیصله محکمه تحتانی را نقض

نموده و موضوع را غرض رسیده گی و صدور فیصله مجدد بمحکمه ذیصلاح آن محول نماید؛ تا محکمه مربوطه در مورد فیصله قانونی شان را صادر نمایند.))
مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۲ شورای عالی ستره محکمه مطرح و طی تصویب شماره (۹۲۳) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

((نظر ریاست محترم عمومی تدقیق و مطالعات تأیید است، به عموم محاکم و مراجع مربوط متحده المالاً اخبار گردد.))

مراتب مندرج تصویب شماره فوق ذریعه نامه (۶۳۴) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ به محکمه استیناف ولایت کابل اخبار گردیده است، از اینکه موضوع جنبه عام دارد، بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع ابلاغ میگردد؛ تا آنرا به مراجع ذیربط خویش تکثیر نموده عندالموقع مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

چگونه گی رسیده گی به تخلیه جایداد های دولتی که ذریعه عقد قرار داد برای افراد و اشخاص واگذار گردیده و تحت اجاره مستأجرین قرار دارد

۲۷ معبدالمال شماره (۲۱۳۱ ۲۲۰۵) مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۳، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۹۵۰) مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

بالاثر نامه شماره (۱۱۳۹) مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۲ ریاست عمومی تدقیق و مطالعات، استهدائیه ریاست قضایای دولت ولایت کابل که ذریعه نامه (۷۳۸۳) مورخ ۱۳۹۷/۸/۲۳ ریاست عمومی قضایای دولت، غرض ابراز نظر بریاست تدقیق و مطالعات محول گردیده بود، بشرح ذیل مواصلت ورزیده است:

در رابطه به تخلیه جایداد های دولتی که اکثر تحت استجاره مستأجرین قرار دارد و به نسبت تخطی از مواد قرار داد، اداره موکل خواهان تخلیه جایداد ها مورد بحث از محاکم مربوطه می شود، محاکم در زمینه قرار خویش را مبنی به تخلیه صادر نمایند یا طی فیصله تصمیم به تخلیه اتخاذ گردد در زمینه طوریکه لازم دانند هدایت خواهند فرمود تا طبق آن محاکم ذوالحکم در زمینه تصمیم اتخاذ نمایند.))

بملاحظه آن، مدققین قضائی ریاست عمومی تدقیق و مطالعات در مورد ذیلاً ابراز نظر نموده اند:

((استهدائیه ریاست عمومی قضایای دولت ولایت کابل مبنی بر تخلیه جایداد های دولتی که بالاثر عقد قرارداد برای افراد و اشخاص واگذار گردیده و تحت اجاره مستأجرین قرار دارد مورد مذاقه قرار گرفت. ریاست عمومی قضایای دولت به

نسبت تخطی از مواد منعقد شده قرار داد از طرف مستاجر، مطالبه تخلیه جایداد را از محاکم نموده اند و متذکر گردیده اند که آیا موضوع تخلیه ایجاب قرار قضائی را مینماید و یا در خصوص موضوع، فیصله صادر گردد؟ بملاحظه حکم ماده (۳۴) قانون طرز تحصیل حقوق منتشره جریده رسمی شماره (۱۳۰۹) ۱۳۹۷/۶/۳۱ که چنین صراحت دارد: ((تخلیه ملکیت مالک از تصرف شخص دیگر به اساس سند قانونی که مبطل آن موجود نباشد، به تقاضای مالک یا نماینده قانونی وی به تجویز محکمه ذیصلاح توسط هیئت مندرج ماده (۴۵) این قانون صورت می گیرد.)) به نظر ما با در نظر داشت ماده متذکره هرگاه موضوع ایجاب اثبات و یا عدم اثبات را نماید، طی فیصله رسیده گی شود و در غیر آن، طی تجویز قضائی تصمیم اتخاذ گردد.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۸ شورایعالی مطرح و طی تصویب شماره (۹۵۰) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت: ((نظر ریاست تدقیق و مطالعات تائید است به جمیع محاکم و مراجع مربوط طور متحد المال اخبار گردد.))

هدایت فوق شورایعالی ستره محکمه بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط اخبار میگردد تا آنرا به مراجع ذیربط خویش تعمیم نموده و وفقاً اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

به منظور تأمین هر چه بیشتر قانونیت اصدار فیصله های جزایی، به ویژه در حالاتی که محاکم جزایی به خفت و یا شدت و یا هم استفاده از حد اقل و یا حد اکثر مجازات پیش بینی شده قانونی اصدار حکم می نمایند، محاکم مذکور مکلف اند؛ با رعایت احکام قوانین، اسباب و دلایل موجه، تصامیم خویش را در فیصله های صادره به گونه مستدل و مستند،

تصریح نمایند

۲۱ - متحده المال شماره (۲۲۰۶ ۲۲۷۵) مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۵، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۱۰۰۲) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۲/۷، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

شورایعالی ستره محکمه در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۷ خویش، طی تصویب شماره (۱۰۰۲) هدایت ذیل ارشاد فرمودند:

((به منظور تأمین هر چه بیشتر قانونیت اصدار فیصله های جزایی، به ویژه در حالاتی که قضات به خفت و یا شدت و یا هم استفاده از حد اقل و یا حد اکثر مجازات پیش بینی شده قانونی اصدار حکم مینمایند، در چنین حالات محاکم مکلف اند با رعایت احکام قوانین، اسباب و دلایل موجه تصامیم شانرا در فیصله های صادره به گونه مستدل و مستند تصریح نمایند.))

هدایت فوق شورایعالی ستره محکمه بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط اخبار میگردد تا آنرا به مراجع ذیربط خویش تعمیم نموده عندالموقع مطابق به آن اجراءات مقتضی و قانونی بعمل آرند.

اگر دعوی در میان اشخاص حقیقی مطرح باشد، در صورت غیابت مدعی علیه، مصرف اعلان به ذمه مدعی میباشد؛ ولی در قضیه که مدعی بالنیابة نماینده قضایای دولت و غایب شخص حقیقی باشد، از اینکه وزارت محترم عدلیه منحيث واحد مستقل بودیجوى در فصل و باب مربوط خویش بودیجه لازم دارد؛ بناءً مکلف به تأدیة مصارف اعلان قضایای مطروحه میباشد. در صورت کمبود بودیجه، میتواند تخصیص لازم را در زمینه از وزارت محترم مالیه مطالبه و آن وزارت در تأمین آن اقدام نماید

۲۹ متحدالمال شماره (۲۳۴۶ - ۲۴۲۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۲، ریاست دارالانشاء که به اساس مصوبه شماره (۹۲۴) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۲، با تأکید به مصوبه شماره (۹۴۸) مؤرخ ۱۳۸۹/۹/۲۳، شورایعالی ستره محکمه ج.ا.ا، تعمیم یافته است

استهدائیة محکمه ابتدائیة حوزه اول شهر کابل بعد از تصمیم شماره (۳۲۰) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۱۰ کمیسیون رؤسای دواوین محکمه استیناف ولایت کابل سلسلتاً، ذریعة نامه شماره (۹۹۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۲۱ ریاست تحریرات مقام ستره محکمه، غرض ابراز نظر بریاست تدقیق و مطالعات به شرح ذیل محول گردیده بود:

((پیشنهاد دعوی حقوقی وزارت محترم مالیه مؤکل حکمی خارنوال محمد بشیر غریق عضو مسلکی ریاست قضایای دولت کابل، مدعی بالنیابة در قضیه یکدربند حویلی واقع کاه فروشی ناحیه اول شهر کابل علیه عبدالوهاب مؤکل نور محمد ولد

عبدالاحد مدعی علیه بالوکاله در دیوان حقوق عامه این حوزه تحت غور و بررسی قضایی قرار دارد. بالاثر عدم حضور مدعی علیه، هیئت قضایی طبق هدایت مواد (۱۴۵ و ۱۴۶) قانون اصول محاکمات مدنی، بعد از سه بار جلب ذریعه مکتوب، غرض نشر اعلان رادیو موضوع را به افغان اعلانات نگاشته که آن ریاست اصلاً مکتوب محکمه را تسلیم نشده و دوباره به نسبت عدم تادیه پول اعلان مسترد می نماید. در حالیکه مدعی علیه غائب است و برای مدعی بالنیابه تفهیم شد و کاپی مکتوب به نماینده مؤکل آن سپرده شد؛ تا که همچو قضایا تکراراً وارد دیوان هذا نشود. چون مدعی دولت میباشد دوسیه را قانوناً مسترد کرده هم نمیتوانیم. موضوع احتراماً تحریر شد، تا پیشنهاد هذا را به سلسله مراتب به مقامات صالحه ارجاع خواهند فرمود.

پیشنهاد فوق الذکر در جلسه تاریخی ۱۳۹۷/۶/۲۶ کمیسیون رؤسای دواوین مطرح و در جواب ذریعه مصوبه نمبر (۲۲۳) مؤرخ ۱۳۹۷/۶/۲۶ شان چنین هدایت داده اند:

« محکمه مربوط مطابق هدایت مصوبه (۹۴۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۲۳ شورایعالی ستره محکمه اجراءات نمایند» در فقره (۲) مصوبه نمبر فوق شورایعالی ستره محکمه تسجیل گردیده که: «... بهتر است تا اعلان به مصرف مدعی صورت گیرد.... الخ» که این مصوبه در دیوان رسیدگی به قضایای تجارتی و مدنی قابل تطبیق بوده در حالیکه در قضایای حقوق عامه یکطرف دولت میباشد و مشکل اساسی این دیوان در دعاوی که دولت مدعی و اشخاص مدعی علیه آن میباشد، در صورت غیابت مدعی علیه، محکمه مطابق هدایت احکام قانون اصول محاکمات مدنی اجراءات نموده و در قسمت اعلانات ریاست افغان اعلانات پول حق النشر را مطالبه مینماید

و مدعی از اخذ اعلان به این نام که ریاست قضایای دولت کدام بودیجه ندارد، اباء میورزد و ادارات دولتی شامل دعوی منعیث مؤکلین حکمی مدعی بالنیابة همین دلیل را میاورند، پس چگونه محکمه مطابق به مصوبه (۹۴۸) مؤرخ ۱۳۹۷/۹/۲۳ شورایعالی اجراءات نماید در حالیکه کس حاضر به نشر اعلان نباشد و دوسیه ها هم در التواء باقی مانده در مورد مجدداً طالب رهنمود و هدایت مقام عالی میباشیم. بناءً موضوع احتراماً تحریر شد، از طریق خویش مراتب پیشنهاد هذا را بمقام صالحه ارجاع خواهند فرمود.

تصمیم کمیسیون: «از اینکه محاکم در این مورد فاقد بودیجه میباشند و ریاست قضایای دولت نیز در مورد بودیجه ندارد بهتر است شورایعالی ستره محکمه وزارت عدلیه را هدایت دهند؛ تا یک مقدار پول را جهت نشر اعلانات غیابی بریاست قضایای دولت در مرکز و ولایات تخصیص دهند.» موضوع جهت اخذ رهنمود مقام محترم ارجاع گردید در مورد طوریکه لازم دانند هدایت خواهند فرمود.)) ریاست عمومی تدقیق و مطالعات بالاثثر نامه شماره (۱۱۵۷) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۷ نظر خویش را در مورد به متن ذیل ارسال نموده است:

((چون به ارتباط مصارف اعلان، در تعرفه محصول دولتی منتشره جریده رسمی شماره (۷۱۰) مؤرخ ۱۳۶۸/۱۱/۳۰ و قانون اصول محاکمات مدنی حکمی وجود ندارد و طبق مصوبه شماره (۹۴۸) مؤرخ ۱۳۸۹/۹/۲۳ شورایعالی محترم ستره محکمه، اگر دعوی در میان اشخاص حقیقی باشد، در صورت غیابت مدعی علیه مصرف اعلان به ذمه مدعی میباشند؛ ولی در قضیه مطروحه مدعی بالنیابة نماینده قضایای دولت و غایب شخص حقیقی میباشند، از اینکه وزارت محترم عدلیه منعیث واحد مستقل بودیجوی در فصل و باب مربوط خویش بودیجه لازم دارد؛

بناءً مکلف به مصارف اعلان قضایای مندرج پیشنهاد میبشد، در صورت کمبود بودیجه میتواند تخصیص لازم را در زمینه از وزارت محترم مالیه مطالبه و آن وزارت در تأمین آن اقدام نماید.))

مطلب مورد استهداء و نظر تدقیقی مرتب بر آن در جلسه مؤرخ ۱۳۹۷/۱۱/۲ شورایعالی ستره محکمه، مطرح و ذریعه تصویب شماره (۹۲۴) در زمینه هدایت ذیل صدور یافت:

نظر ریاست تدقیق و مطالعات تأیید است. موضوع طی متحدالمال به مراجع مربوط اخبار گردد.))

مراتب مندرج تصویب شماره فوق، ذریعه نامه شماره (۶۹۵) مؤرخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۲ به محکمه استیناف ولایت کابل، اخبار گردیده است. از اینکه موضوع جنبه عام دارد، بدینوسیله به عموم محاکم استیناف ولایات و مراجع مربوط ابلاغ میگردد؛ تا هدایت آنها به مراجع ذیربط خویش تعمیم نموده و وفقاً اجراءات مقتضی و قانونی را بعمل آرند.



مجموعه

متحدالمالهای

ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان



مربوط سالهای ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ هـ ش



دقضاء له خپرونوڅخه

This document was created with Win2PDF available at <http://www.win2pdf.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.
This page will not be added after purchasing Win2PDF.